



طنین سکوت

پژوهشی جامع بر باب ازدواج
زود هنگام کودکان در ایران

پژوهشی از:
کامیل احمدی

طنین سکوت

پژوهشی جامع در باب ازدواج زود هنگام کودکان در ایران

کامیل احمدی



نشر آوای بوف ۱۴۰۰



AVAYeBUF.com

avaye.buf@gmail.com

An Echo of Silence

A Comprehensive Research Study On Early Child
Marriage (ECM) In Iran

By: kameel Ahmady

Publication Technician: Ghasem Gharehdaghi

Publisher: Avaye Buf

طنین سکوت

پژوهشی جامع در باب ازدواج زود هنگام کودکان در ایران

نویسنده: کامیل احمدی

امور فنی و انتشار: قاسم قره داغی

انتشارات: آوای بوف

ISBN: 978-87-93926-92-9

©2021 Avaye Buf

avaye.buf@gmail.com - www.avayebuf.com

سرشناسه	: کامیل احمدی ، --
عنوان و نام پدید آورنده	: طنین سکوت-[کتاب] / پژوهشی جامع در باب ازدواج زود هنگام کودکان در ایران / مؤلف: کامیل احمدی ؛
مشخصات نشر	: دانمارک: نشر آوای بوف ۱۴۰۰ ،
امور فنی و انتشار	: قاسم قره داغی
مشخصات ظاهری	: ۳۶۳ ص.؛ ۲۱×۵/۱۴ س.م.
شابک	: نشر اینترنتی: ۹۷۸-۸۷-۹۳۹۲۶-۹۲-۹
فهرست نویسی: بر اساس اطلاعات فیپا	978-87-93926-92-9
موضوع	: آمار / جامعه شناسی / زبان فارسی
DK5	: 30.13
شماره کتابشناسی ملی	: 87-93926-92-8

- نام کتاب: : طنین سکوت
- تألیف: کامیل احمدی
- ویراستار و صفحه آرا: -
- چاپ اول: ۱۴۰۰
- تیراژ: نشر اینترنتی
- ناشر: انتشارات آوای بوف - دانمارک
- شابک: ۹۷۸۸۷۹۳۹۲۶۹۲۹
- قیمت: رایگان
- قطع: PDF + EPUB

جهت هماهنگی برای استفاده به هر شکل و نحو(تکثیر، انتشار و ترجمه و هرگونه استفاده‌ی دیگر) لطفاً به ایمیل زیر پیام ارسال کنید:

AVAYE.BUF@gmail.com

لینک دسترسی آنلاین به کتاب: www.AVAYEBUF.COM

سرپرست و هماهنگ کننده: کامیل احمدی

تیم میدان و گروه تحلیلی: فریبا الماسی، دکتر معصومه معارف وند، احمد بساکی، خرم حافظی، مهتاب احمدپور،
فرهاد اصلانی، نسرين صالحی، شلیر فتاحی

ویراستار: عباس شاهمرادی

بازخوانی متن: لورن کوجه، فریبا الماسی، دکتر معصومه معارف وند

مشاوران و ناظرین پژوهش: حمیرا ناز، لورن کوجه

طراح جلد: پدram ورشوئی

جدوال و نمودارها: محمد (جمال) حسینی

تقدیر و تشکر

هرچند شروع این تحقیق به دو سال پیش باز می‌گردد، زمان زیادی را به این کتاب اختصاص دادم تا عطش درونی خود را برای دستیابی به دانشی عمیق‌تر در خصوص ازدواج زود هنگام کودکان در ایران فرو نشانم. این دوره برای من یک سفر شگرف و سرشار از یادگیری در هر دوی زمینه‌های فردی و کاری بوده است. من این مطالعه را سفری میدانم که در آن غلیان احساسات در انتخاب ماهیت کار، به عنوان محرکی در تکمیل و انجام این تحقیق به من کمک کرد.

مطالعه در خصوص ازدواج زود هنگام کودکان ریشه‌های عمیقی در تحقیق و کتاب قبلی ام^۱ در خصوص ختنه زنان در ایران دارد؛ زمانی که در سال‌ها پیش و بعد از گذشت سال‌های مدید از اروپا به زادگاهم، کردستان ایران بازگشتم، همانطور که در اثر قبلی ام در سال ۱۳۹۴^۲، در خصوص ختنه زنان در ایران مشهود است.

ایده اولیه این کتاب در طول سال‌های مطالعه‌ام در خصوص تحقیق

^۱ <http://kameelahmady.com/>

^۲ احمدی، کامیل (۱۳۹۴)، به نام سنت، پژوهشی جامع در باب ختنه زنان در ایران، تهران، نشر شیرازه.

تقدیر و تشکر ج

ختنه زنان در ایران شکل گرفت.^۳ من ازدواج کودکان را در برخی از نواحی روستایی ایران شاهد بودم و دریافتم که هر دوی مسائل ازدواج زودهنگام کودکان و ختنه زنان به نوعی با یکدیگر مرتبط بوده و گاهی به طور توأمان به عنوان خشونت علیه زنان اعمال می‌شوند. ختنه زنان و ازدواج کودکان در منطقه کردستان و حتی در بین بسیاری از خویشاوندان و خانواده من موضوعی بیگانه و نامأنوس نبوده است. در حین کار میدانی در خصوص ختنه زنان در ایران که در چهار استان با بیشترین شیوع ختنه زنان انجام شد، متوجه شدم که تعداد زیادی از شرکت کنندگان در مصاحبه‌ها نوجوانانی بودند که در سنین بسیار پایین ازدواج کرده بودند. نه تنها این دختران کم سن و سال اکنون همسر و مادر بودند، بلکه شمار زیادی از پسریچه‌ها نیز در جایگاه پدری و شوهری ایفای نقش می‌کردند. این امر انگیزه من را برای بیشتر دانستن در مورد ازدواج زودهنگام کودکان برانگیخت تا به این سؤال پاسخ دهم که آیا ارتباط منطقی بین این دو پدیده وجود دارد یا خیر؟ و خود را برای مطالعه حاضر که اکنون با افتخار تقدیم می‌کنم، آماده سازم. حجم انبوهی از اطلاعات در این مطالعه گردآوری شد و تحلیل کامل آنها تا کنون ادامه دارد و نهایت تلاشم بر این بوده است که این یافته‌ها را در کتاب حاضر به زبان‌های فارسی و انگلیسی منتشر سازم.

خبر خوب این است که نرخ ازدواج زودهنگام کودکان در بسیاری کشورها از جمله ایران رو به کاهش نهاده است. با این حال هنوز برای

^۳<http://www.aparat.com/v/2OyLi>

^۴<http://kameelahmady.com/fa/fgm-in-iran>

ح طنین سکوت

بالا بردن سن ازدواج و ریشه‌کن سازی کودک هم‌سری اقدامات زیادی باید انجام شود.

من به همراه شماری از دیگر محققان هم فکرم مایلیم که دست همکاری خود را به جانب دولت دراز و آمادگی خود را اعلام کنیم تا تلاشی ملی را در راستای بالا بردن آگاهی در مورد ازدواج زود هنگام کودکان در ایران رقم زنیم و کمک کنیم تلاش‌ها برای ریشه‌کن کردن ازدواج زود هنگام کودکان و بالا بردن سن ازدواج به سطوح عملی برسد، گفتمان بین عاملان مرتبط با آن برقرار شود و هر اقدامی با تعهدات حقوق بشری هماهنگ گردد.

دولت ایران یکی از امضا کنندگان توافقات بین‌المللی حقوق کودکان بوده است و باید سایر معاهدات معوقه را نیز در این زمینه به تصویب برساند و همچنین یک خط مشی عملی و جامع را برای مقابله با ازدواج زود هنگام کودکان طرح‌ریزی کند. چنین برنامه‌ای باید جامع باشد و تنها به موارد زیر محدود نگردد: (۱) تعهد و درگیر شدن چهره‌های اثرگذار کلیدی، محلی و دینی (با توجه به طبیعت حساس و فرهنگی این موضوع) (۲) طراحی و اجرای یک برنامه آموزشی ملی که بیش از هر چیز باید افزایش دهنده آگاهی در خصوص خطرات کودک هم‌سری باشد و (۳) قوانین جدیدی برای افزایش سن ازدواج و حتی جرم شناختن آن مصوب گردد (برای مطالعه راهکارهای بیشتر به فصل چهار کتاب مراجعه نمایید).

دولت می‌تواند از طریق تجارب بین‌المللی مختلف و موفقیت‌های مقابله با کودک هم‌سری از جمله برنامه‌های یونیسف و همچنین از طریق

تقدیر و تشکر خ

قابلیت‌های بالقوه انجمن‌های موجود از جمله NGOها و سازمان‌های محلی در ایران پیکار خود علیه ازدواج زودهنگام کودکان را آغاز کند. در انجام این تحقیق لازم است که قدردانی و حق شناسی ام را نسبت به افراد بی شماری که مرا در این مطالعه و در این بازه زمانی حمایت کردند، ابراز دارم. مایلم به طور ویژه از شفق رحمانی که حمایت بی قید و شرطش هیچگاه کاسته نشد و در تمامی مراحل سخت این تحقیق، در کنار من ایستاد و همچنین از دوستان نزدیکی که مرا به ادامه این پروژه مطالعاتی تشویق کردند، تشکر کنم.

از همه افرادی که گرد هم آمدند و روایات این کار را گردآوری و تحلیل کردند تا از این طریق به ارائه این گزارش جامع نائل آیم، سپاسگزارم. از ویراستار انگلیسی زبانم لورن کانس برای حمایت‌های ویرایشی و اصلاحی نهایت تشکر می‌کنم. به خصوص قدردان دستیاران و همکارانم، فریبا الماسی و حمیرا ناز از پاکستان هستم که در تمامی مراحل تحقیق همراهم بودند و نه تنها به عنوان دستیار بلکه مترجم، محقق بخش میدانی و مشاور به من کمک کردند. به علاوه از سایر افرادی که خواستند نامی از آنها در این کار برده نشود، برای همکاری و لطفی که طول اجرای این پژوهش داشتند، سپاسگزارم.

در سراسر این مطالعه افراد و سازمان‌های زیادی به ما در تکمیل این پروژه یاری رساندند. این مطالعه به خصوص در بخش کار میدانی، تنها با تحقیق اکتشافی، آموزش میدانی، حمایت و همکاری ایشان محقق شد. در این زمینه از فریبا الماسی، حمیرا ناز و دکتر معصومه معارف و ند سپاسگزارم. از تمامی بستگان، دوستان در هفت استانی که کار میدانی

د طنین سکوت

تحقیق در آن‌ها انجام شد، به جهت حمایت، مهمان نوازی و نقطه نظرات بخردانه و پیشنهاداتشان متشکرم و از این طریق از تمامی افراد زیر نهایت تشکر را دارم :

از استان هرمزگان؛ شیرین تلنده، مولوی آمنه رستگار، احمد بساکی و خرم حافظی.

صادقانه از افرادی که در استان اصفهان از این پژوهش حمایت کردند، تشکر می‌کنم، خصوصاً گلینا حسین‌پور اصفهانی، جمیله هاشمیان، صادق همافر، عبدالقادر احمدی، مهتاب احمدپور و پروین فرهنگ.

در استان خراسان رضوی از کمک صمیمانه و گرم فاطمه بونصیری، مولوی علیرضا ایلخانی فرح آبادی، فرهاد اصلانی، نسرين صالحی و پریسا ارغیانی برخوردار شدیم. از ایشان سپاسگزارم.

این مطالعه مدیون همکاری و کمک افرادی از جمله صدیقه عاشقی، میر ابراهیم حسینی، کوروش دجانی و همسرش، پویا رستگار و امید رحمانی در استان آذربایجان شرقی است. در استان خوزستان منصور اسکندری، سیروس خانزاده، لیلا خوشکام، مجتبی گهستونی، نرگس ناظمی نیا، امیر هوشنگ عارفیان، عزت الله جعفری، کریم ابو خانی، مرضیه لرکی، سمندر ابودوله، زهرا خزاعل و فریبا زنگنه حمایت کنندگان با ارزش این تحقیق بودند.

در استان سیستان و بلوچستان از دفتر مولانا عبدالحمید اسماعیل زهی، حاج فیض الله ریگی، مولوی عبدالصمد محمدی جزینکی، عبدالباقی احمدی، رسول نام، مولود اسماعیل زهی و فرشته سربازی و

تقدیر و تشکر ذ

در استان آذربایجان غربی، از ملاحسن واژی، شلیر فتاحی، محمد رسول آزین، کریم رحمان پور، ژینا تبسم، پروین عبداللہی و نازدار حسینی به خاطر همکاری بی مانندشان سپاسگزارم.

همچنین از لطف الله محسنی، کاظم علیزاده، منصور توکلی، مینا پوری، شیما قوشه، زیبا جلالی، مهتاب مردفرد، نورہیم آد لیس، فابین متیو، جان چوا، غزل آریان، کسری پهلوانی، محمد حسینی و پدرام ورشویی برای حمایت من در رونمایی از این تحقیق نهایت قدردانی را دارم.

از تمام جامعه روحانیون، نهادهای دینی و سایر شخصیت‌های اجتماعی که در این تحقیق به ما مدد رساندند، سپاسگزارم و نیز به طور ویژه از مولانا عبدالحمید اسماعیل زهی و همکارانش، حاجی ملا حسن واژی، مولوی علیرضا ایلخانی فرح آبادی و همسر وی مولوی فاطمه بو نصیری، ملا رحمت الله، مولوی عبدالصمد محمدی جزیلکی، حاج احمد پناهی، شیخ محمد تنو، علیرضا نوری و حاجی نور محمد محمدی برای سهم عظیمی که با همکاری شان در این تحقیق داشتند، سپاسگزاری می‌کنم. همچنین از مولوی آمنه رستگار و مدرسه حوزه علمیه مشهد و روحانیون مراکز استانی آذربایجان شرقی و غربی و اصفهان صمیمانه تقدیر می‌کنم.

از آقای سیروس خانزاده و ملا محمد رسول آزین، که به عنوان رهبران دینی قومی و عشیره‌ای به ما اطلاعات مفیدی رساندند، تشکر می‌کنم. به طور ویژه از وزارت‌خانه‌ها و نمایندگان از جمله افراد مسئول در خدمات اجتماعی، بهداشتی و دانشگاه‌های علوم پزشکی قدردانی می‌کنم چراکه

ر طنین سکوت

دانش و اطلاعاتشان را برای تکمیل این پروژه از ما دریغ نکردند، باشد که دولت را به دانشی کامل تر و جامع تر در خصوص ازدواج زودهنگام کودکان توصیه و تشویق نموده و اهمیت مبارزه با این مهم را به آنها یادآوری کنیم.

کامیل احمدی

۱۱ اکتبر ۲۰۱۶ مصادف با ۲۰ مهر ۱۳۹۵

روز جهانی دختر بچه ها

فهرست

یادداشت ناشر.....	Error! Bookmark not defined.
پیشگفتار.....	۱
فصل اول: ازدواج زودهنگام کودکان، تعاریف و مفاهیم.....	۵
فصل دوم: قانون، دین و عوامل جامعه شناختی.....	۶۱
فصل سوم: نتایج و یافته‌های تحقیق.....	۱۳۲
فصل چهارم: راهکارها و نتایج.....	۲۸۲
منابع.....	۳۳۱

پیشگفتار

از منظر شمار زیادی از کارشناسان، کودک همسری یا ازدواج زودهنگام بر زندگی کودکان اثر گذاشته و آن را با تبعات آسیب زای سلامتی، پیچیده‌تر کرده و در هر سطحی از توسعه، رشد و تعالی فردی را تحت شعاع خود قرار می‌دهد. در برخی کشورهای در حال توسعه، ازدواج زودهنگام یک ابزار اقتصادی تلقی می‌شود که می‌تواند وضعیت اقتصادی خانواده را بهبود بخشد، می‌تواند پیوندهای خانوادگی را تحکیم بخشیده و تضمینی برای باکرگی دختران قبل از ازدواج باشد که امیال جنسی ایشان را کنترل می‌کند و می‌تواند مانع از رسیدن دختران به سنی شود که جذابیت جنسی‌شان به عنوان همسر تحلیل رود (المو، ۱۳۸۶). از طرف دیگر مشکلات بغرنج مربوط به بارداری و وضع حمل از عمده‌ترین دلایل مرگ و میر دختران در سنین ۱۵ الی ۱۹ سالگی است (صندوق جمعیت سازمان ملل، ۱۳۹۱). علاوه بر این، مشکلاتی از

این دست از نتایج احتمالی هستند که دختران را در معرض بیماری‌های مقاربتی از جمله ایدز قرار می‌دهد.

بنا به رویکرد اجتماعی، این امر یک پایان بی رحمانه برای تحصیل و امکان استقلال دختران است که آنها را در حد یک کالای تبلیغی صرف تضعیف می‌نماید. ازدواج زودهنگام یا کودک همسری، به هر نوع ازدواجی در زیر سن ۱۸ سالگی اطلاق می‌شود (یونیسف، ۱۳۸۰). این امر از هنجارهای سنتی و متعارف برخاسته و در هر دوی مناطق شهری و روستایی به وفور رواج دارد. کودک همسری در تاریخ بشریت یک پدیده نوظهور نیست و هم‌اینک توجه عموم، از جمله خانواده‌ها و نیز محققان، گروه‌های مدافع حقوق کودکان، سازمان‌های غیر دولتی و بسیاری از نظام‌های سازمان مللی را به خود جلب کرده است.

بدون شک سرمایه‌گذاری اجتماعی بر روی دختران، بسط سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی آنها و تضمین دسترسی‌شان به خدمات آموزشی و بهداشتی نشان روشنی از برابری جنسیتی است که موجبات شکوفایی جوامع قوی‌تری را فراهم می‌کند. بنا به تحقیقات انجام شده، تحصیلات عمدتاً به عنوان عاملی جهت جلوگیری از ازدواج زودهنگام در نظر گرفته می‌شود (یونیسف، ۱۳۸۳). زنان تحصیل کرده معمولاً سالم‌تر و در عرصه‌های بازار کار فعال‌ترند، درآمد بیشتری اخذ می‌کنند، فرزندان کمتری دارند و در مقایسه با زنانی که فاقد تحصیلات یا دارای تحصیلات پایین هستند، خدمات آموزشی و بهداشتی مناسب‌تری را برای فرزندان خویش مهیا می‌کنند (کلاگمن و همکاران، ۱۳۹۳). با عطف به حمایت و توجه جهانی به این پدیده، سطح ازدواج زودهنگام به طور کلی رو به

کاهش گذاشته است، هرچند در صد چشمگیری از کودکان هنوز در زیر سن قانونی جامعه خود ازدواج می کنند. یک مثال روشن و برجسته از این پدیده، جامعه ایران است.

با استناد به ساختار دینی حاکم بر ایران، بلوغ و شروع اولین عادت ماهانه به عنوان آستانه انتقال از کودکی به بزرگسالی در نظر گرفته می شود. رسیدن به این آستانه فیزیکی و بیولوژیکی به معنای صلاحیت فرد برای ازدواج، صرف نظر از سن واقعی او می باشد. اگرچه ازدواج زودهنگام به هردوی دختران و پسران خردسال اطلاق دارد، اما واقعیت تلخ جامعه، دال بر این است که عواقب و اثرات پدیده کودک همسری برای دختر بچه ها به مراتب جدی تر و خطرناک تر است.

پدیده کودک همسری یک موضوع جهانی است؛ اما آمارها و نسبت های آن، هم درون مرزهای یک کشور و هم در میان جوامع مختلف، متغیر است. با این حال به لحاظ درصدهای نسبی، بیشترین میزان کودک همسری در مناطق روستایی آفریقای جنوبی و جنوب آسیا رخ می دهد (یونیسف، ۱۳۹۲).

هرچند در نبود مطالعات مستقل و معتبر در خصوص کودک همسری در ایران، اطلاعات اندکی در این باره در دسترس است، آمار رسمی و دولتی ایران حاکی از این است که سالانه ده ها هزار دختر و پسر زیر سن ۱۵ سالگی توسط خانواده هایشان وادار به ازدواج می شوند. شمار واقعی این کودکان در حقیقت بالاتر از این آمارهاست. برخی از خانواده ها در ایران ازدواج سنین پایین را ثبت نکرده و یا به صورت غیرقانونی به ثبت

می‌رسانند. طبق گزارش انجمن حمایت از حقوق کودکان در ایران^۶، شمار دخترانی که در زیر سن ۱۵ سال ازدواج کرده‌اند از ۳۳۳۸۳ نفر در سال ۱۳۸۵ به ۴۳۴۵۹ نفر در سال ۱۳۸۸ رسیده است یعنی سی درصد افزایش در عرض سه سال. چنین افزایشی در نتیجه ریشه‌دار شدن فقر و میل والدین به کنترل روابط دخترانشان بوده است. این مطالعه، برای اولین بار قصد دارد که رواج کودک هم‌سری در هفت استان ایران را با تأکید بر عوامل مسلط اجتماعی-فرهنگی تحلیل کند؛ عواملی که بازتاب نابرابری‌های عمیق جنسیتی مؤثر در تداوم حیات این پدیده هستند. دلیل عقلانی انجام این مطالعه، تبیین شواهد و شیوع این رفتار آسیب‌زا در ایران و کمک به تصمیم‌گیرندگان دولتی در تمرکزشان بر حمایت آتی از حقوق انسانی دختران است. احترام و عطف به حقوق کودک نیازمند جلوگیری و ریشه‌کن کردن کودک هم‌سری و حمایت فعالانه از دخترانی است که هم‌اینک ازدواج کرده‌اند. این تنها راهی است که از طریق آن می‌توان از تراژدی انسانی ازدواج زودهنگام پیشگیری کرد. این کتاب تلاشی است برای نمایان ساختن و به سطح آوردن اعماق مسأله کودک هم‌سری در ایران.

^۶Association of Children's Rights

فصل اول:

ازدواج زودهنگام کودکان، تعاریف و مفاهیم

"اینجا همه زود ازدواج می کنند.
وقتی عروسه های ما باردار می شوند و سونوگرافی میکنند،
اگر بچه دختر باشد در شکم مادر او را
نامزد/ناف بر می کنیم"

پاسخگوی مرد ۴۰ ساله
روستای گیلک آباد (سراب)، آذربایجان شرقی

این مطالعه آن دسته از کودکان و افراد را مورد هدف قرار می‌دهد که قادر به اعلام رضایت کامل و آزادانه‌شان از اینکه با چه کسی ازدواج می‌کنند، نیستند زیرا الزامات جامعه خلاف این امر را به آن‌ها دیکته می‌کند. سعی بر این است که علل و پیامدهای مختلف ازدواج زودهنگام کودکان تشریح شوند، تا این مطالعه حقایق انکار شده را به چالش کشد و از همه مهم‌تر، صدایی از جانب جامعه خاموش باشد.

این کتاب به چهار بخش عمده تقسیم شده است. فصل اول مقدمه‌ای بر ازدواج زودهنگام کودکان، ادبیات تحقیق و شیوع جهانی آن است. علاوه بر این در همین فصل مقدمه کوتاهی بر رواج کودک هم‌سری در تاریخ ایران و ریشه‌های تاریخی مربوطه‌اش پرداخته شده است. بخش دوم عقلانیت نهفته در ازدواج زودهنگام کودکان و قوانین و سیاست‌های غالب به عنوان ابزارهای تغییر اجتماعی جهت محدود کردن رواج کودک هم‌سری را تحلیل می‌کند.

فصل سوم پدیده مذکور را به طور خاص با کشف حقایق ناملموس و نشنیده از روایت‌ها و اطلاعات جدیدی که از جانب دولت دیده و شنیده نشده، بازنمایی می‌کند. این بخش از گزارش نگاهی خاص بر علل

افزایش کودک همسری در برخی مناطق ایران دارد. عوامل اثرگذار و متغیرهای مرتبط بر مطالعه از طریق ترسیم یک مدل تحلیلی جامع مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

فصل چهارم و نهایی به نتیجه‌گیری و ارائه راهکارهایی برای آینده اختصاص یافته است. این بخش یافته‌های تحقیق و راه برون‌رفت از معضل ازدواج زودهنگام را تشریح کرده تا راهنما و مشوقی برای سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مدافعانی باشد که در کشمکش رفع و تلطیف این کژ راه هستند. همچنین این اثر به مشکلات الزام‌آور ازدواج زودهنگام کودکان، من‌جمله ارتباط بین کودک همسری، ختنه زنان و چندهمسری پرداخته است.

درآمدی بر ازدواج زودهنگام کودکان

بر اساس مفاد کنوانسیون حقوق کودکان^۷، کودک به کسی اطلاق می‌شود که در سنین تولد تا هجده سالگی قرار دارد. اما در برخی کشورها این سن بسته به قوانین خاص آن کشور متغیر است. صندوق جمعیت سازمان ملل^۸ ازدواج کودکان را به هر نوع ازدواج در زیر سن ۱۸ سال قبل از اینکه دختر به لحاظ جسمی و روانی آمادگی پذیرش مسئولیت‌های زناشویی و بچه‌داری را داشته باشد، اطلاق می‌کند. سازمان بهداشت جهانی^۹ کودکی را تا سن ۱۵ سالگی تعریف کرده است. بر همین مبنا در

^۷Convention of Rights of the Child

^۸UNFPA

^۹The World Health Organization (WHO)

ازدواج زودهنگام کودکان، تعاریف و مفاهیم ۹

مواردی که کودک در زیر این سن قرار دارد، ازدواج زودهنگام کودکان رخ داده است؛ ازدواجی که توسط پدر یا پدربزرگ کودک از جانب وی شکل گرفته و در آن توجهی به حداقل سن قانونی ازدواج نشده است.



خانواده‌های فقیر و چادر نشین در سیستان و بلوچستان
عکس: م. معارف وند

ازدواج کودکان شکلی از زناشویی است که در آن حداقل یکی از طرفین کمتر از ۱۸ سال سن دارد. در بیشتر موارد این دختر است که هنوز یک کودک می‌باشد. همان‌طور که پیش از این بحث شد، در ایران رسیدن به یک آستانه بیولوژیکی و جسمی بدون در نظر گرفتن سن، ترجمان صلاحیت برای ازدواج است (لویزا و وانگ، ۱۳۹۱).

”مادرم کلفتی خونه‌های مردم رو می‌کرد. نمی‌تونستم درس بخونم. خودمم الان کار کلفتی می‌کنم. اون موقع فقط به این فکر می‌کردم که یه نون خور کم کنم. فکر می‌کردم دارم بهترین کار رو در حق خونوادم می‌کنم. حتی نمی‌دونستم با کی دارم ازدواج می‌کنم.”

پاسخگوی زن، ۳۲ ساله
کوی ال صافی، اهواز

از منظر جنسی و حقوق بشری عمل ازدواج زودهنگام کودکان پیامد بدیهی سرکوب جنسی و اعمال مخرب سستی است که به نگهداشت نابرابری‌های جنسیتی و سرکوب بیشتر می‌انجامد. در جهان در حال توسعه، مسئلهٔ بغرنج ازدواج زودهنگام کودکان با بالا رفتن جمعیت جوانان رو به افزایش است و عامل اصلی مسئول در این قضیه افزایش سطح فقر، فقدان دانش و تحصیلات و تبعیت از الزامات فرهنگ مردسالارانه و باورهایی است که به اشتباه حمایت و محافظت از دختران را در واداشتن شان به ازدواج‌های ناخواسته می‌دانند. متأسفانه باوجود پیامدهای جسمانی و تبعیض پایدار در حق دختران جوان، قدم‌های اندکی برای خاتمهٔ عمل ازدواج زودهنگام کودکان در ایران برداشته شده است.

هرچند عواقب ازدواج زودهنگام بر روی دختر بچه‌ها شناخته شده‌تر است

زیرا اثرات این پدیده با شدت و عمق بیشتری بر آن‌ها اثر می‌گذارد، اما متأسفانه روی دیگر این سکه برای جهانیان تقریباً ناشناخته مانده است. مطالعات جامع و قابل اتکای بسیار کمی بر روی اثرات ازدواج زودهنگام به روی مردان انجام گرفته تحلیل ابعاد و اثرات ازدواج زودهنگام بر پسران خردسال، حتی از جانب کارشناسان بین‌المللی‌ای که در مبارزه با ازدواج کودکان کار می‌کنند نادیده گرفته شده است (ازجمله یونیسف، انجمن دختران نه عروسان،^۱ شورای جمعیت^۲ و مرکز بین‌المللی تحقیق بر روی زنان^۳).

کمبود این داده‌های تجربی منجر به فقدان فاحش دانش در خصوص تنگنای ازدواج برای پسران خردسال شده است. آن‌ها اغلب وادار به ترک تحصیل و اتخاذ مشاغل سطح پایین می‌شوند تا از پس مسئولیت‌های خانواده جدید خویش برآیند. این نکاح و زناشویی پیش از بلوغ چرخه فقر را که از ابتدا علت شکل‌گیری ازدواج بوده است، تداوم می‌بخشد. این تراژدی‌ای نیست که در طول زندگی پسر بچه‌ها دوام داشته باشد، بلکه یک چرخه در ستیزی همگانی برای بیرون کشیدن کودک همسران از این رسم شیادانه است. آمارها در این باره دلخراشند. طبق اخیرترین داده‌های یونیسف، ۱۵۶ میلیون مرد هم‌اکنون زنده در دوران کودکی‌شان ازدواج کرده‌اند. علی‌رغم این شمار بالا که مطالعات بیشتری را ایجاب می‌کند، هنوز تحقیقات و بررسی‌های اندکی در خصوص شوهران خردسال صورت پذیرفته است. به

^۱ Girls Not Brides

^۲ the Population Council

^۳ International Center for Research on Women (ICRW)

این معنا که ده‌ها میلیون پسر خردسال در تحقیقات بر روی ازدواج زودهنگام کودکان، مدافعان و اقدامات پیشگیرانه جاری، عملاً نادیده گرفته شده‌اند.

تراژدی ازدواج زودهنگام بر زندگی پسر بچه‌ها و شیوه‌های زیستی شان اثرات چشمگیری دارد و باری بر دوش پدیدهٔ بیمناک ازدواج زودهنگام می‌افزاید؛ پدیده‌ای که در آن فقدان بلوغ جسمی و ذهنی ترجمان مسائل جدی‌تر و حادث‌تر در ازدواجی است که در شکل‌گیری‌اش نقشی نداشته‌اند.

همان‌طور که در اعلامیه حقوق بشر در سال ۱۳۲۷ به تصویب رسید، ازدواج زودهنگام کودکان انحراف از حقوق بشر تعریف شده است. این امر در معاهدات بین‌المللی و محلی چند و گردهمایی‌های موفق حقوق بشری نیز مدون شده زیرا یک دختر یا پسر خردسال را از بسیاری از حقوق اولیهٔ خویش محروم می‌دارد، از جمله حق داشتن رضایت کامل و آزادانه در انتخاب مادرانگی و پدرانگی زودهنگام. نابسامان‌تر از این موضوع، اینکه دوران کودکی، در زندگی آن‌ها عملاً وجود خارجی ندارد. در بسیاری از جوامع و فرهنگ‌ها که بزرگسالی شمار فراوانی از موقعیت‌ها و فرصت‌ها را برای دختران و پسران به ارمغان دارد، ازدواج زودهنگام به طور بی‌رحمانه‌ای آزادی‌های فردی را سلب کرده و فرصت‌های رشد و موفقیت در روند طبیعی را از کودکان می‌گیرد (منیچ، ۱۳۷۷: ۱۷). بسیاری از آن‌ها از نقش یک کودک به نقش مادر یا پدر وارد می‌شوند. ازدواج کودکان مانعی در جهت تحقق حقوق بشر، توسعه، برابری، سلامت و تحصیلات کودکان می‌شود. این امر اثرات سوء جسمانی، روانی و احساسی‌ای دارد که شانس رشد فردی را برای هر دو جنس پایین می‌آورد. از آنجاکه شمار و شدت این مساله در خصوص دختران خردسال بیشتر است، نگرانی‌ها در خصوص بارداری‌های پیش از بلوغ و

فرزند آوری در زمانی که بدنشان به طور کامل آمادگی‌های لازم را ندارد، یک مسئلهٔ بیمناک و شایان توجه می‌باشد (یونیسف، ۱۳۹۵). در ازدواج زودهنگام، دختران خرد سال در معرض تهاجم و آزار جنسی، تجاوز، خشونت خانگی، سوءاستفاده و طرد شدن قرار می‌گیرند.

در کشورها و جوامعی که ازدواج کودکان حادثتر است، فقر یک عامل عمدهٔ اثرگذار در شیوع کودک همسری تلقی می‌گردد. بنابراین بعد اقتصادی ازدواج کودکان نقش برجسته‌ای در تداوم این رسم در کشورها یا نواحی‌ای دارد که در آن دختران یک بار مازاد اقتصادی بر دوش خانواده و منابع معدودش در نظر گرفته می‌شوند. در این ساختار، منابع محدود خانواده و دستیابی به تضمینی علیه فقر مفرط، نگرانی‌ها را تحت شعاع قرار می‌دهد و این دختران خردسال تحت عنوان استراتژی حفظ بقا به همسری مردان بسیار بزرگ‌تر از خودشان درمی‌آیند. در تحقیقی که توسط وزارت امور اجتماعی مصر^۳ در پنج روستای فقیرنشین انجام شد، نتایج از وقوع ازدواج دختران خردسال با مردانی دو برابر سن خودشان از کشورهای خاورمیانه‌ای و از طریق دلالتی خبر داد (یونیسف، ۱۳۷۸). ابن قدامه، یکی از رهبران فقهی سنی مذهب، تأکید کرد که والد دارای این قدرت و اقتدار است که دخترش را به همسری فردی مناسب وی درآورد، حتی اگر دخترش کمتر از ۹ سال سن داشته باشد (صحیح البخاری، روایت ۳۶۸۳ و ۳۶۰۶). چنین رسم و برداشتی در کشورهای خاورمیانه‌ای که در آنها فقر به‌وفور حاکمیت دارد، بسیار رایج است. به طور مشابه در جوامع سنی جنوب صحرای افریقا،

^۳Ministry of Social Affairs in Egypt

خانواده‌ها مهریه را در شکل پول نقد یا احشام از خانواده داماد دریافت می‌کنند. در این کشورها از ازدواج‌های زودهنگام به عنوان ابزاری برای نگهداشت اسکلت ضعیف جوامع سود جسته می‌شود (بارت، ۱۳۷۳). علاوه بر این ازدواج زودهنگام راهی برای سرکوب زنان در ظاهر حمایت و محافظت از آنهاست تا وی را تحت کنترل مردان قرار دهد. چنین قراردادی تضمین این امرند که فرزندان‌شان مشروع بوده و از مردانی هستند که قانوناً به شوهری‌شان درآمده‌اند. این تضمین، جایگاه و موقعیت قابل احترامی به زن در جامعه خاص خود می‌دهد (دبی، ۱۳۷۲ به نقل از گزارش کمیسیون پاکستان از وضعیت زنان، ۱۳۳۸). در چنین جوامعی دختران از سنین پایین یاد می‌گیرند که از بیرون رفتن پرهیز کرده و مانع از جلب شدن مردها به خود‌شان شوند. والدین این رویکرد سلطه‌پذیرانه را تشویق کرده تا از او یک عروس جوان باارزش و خواستنی بسازند (کلدول و کلدول، ۱۳۷۶:۱).

ناقص‌سازی اندام تناسلی زنان و ازدواج زودهنگام

آنچه به طور مداوم از آن بحث شده، ارتباط پیچیده بین ازدواج زودهنگام کودکان و سایر اعمال زن ستیزانه مانند ناقص‌سازی اندام تناسلی^{۱۴} است. یافته‌های پژوهش سطح کلان پیشین در خصوص رواج ختنه زنان در ایران^{۱۵}

^{۱۴} Female Genital Mutilation

^{۱۵} Ahmady, K. 2016. In the Name of Tradition. Female Genital Mutilation in Iran. Frankfurt am Main: UnCUT/VOICES Press. And

احمدی، کامیل (۱۳۹۴)، به نام سنت، پژوهشی جامع در باب ختنه زنان در ایران، تهران، نشر شیرازه

ازدواج زودهنگام کودکان، تعاریف و مفاهیم ۱۵

حاکمی از همبستگی بین رواج این پدیده در چهار استان ایران است که در مطالعه اخیر بر روی آنها تمرکز شده است. هفت ناحیه اصلی با بالاترین آمار ازدواج کودکان، در صدهای نسبتاً بالایی از وقوع ختنه زنان را داشتند؛ از جمله خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، خوزستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، هرمزگان و اصفهان.



بیبی‌های محلی که ختنه زنان را در استان هرمزگان انجام می‌دادند. تنگنا و دغدغه قرن بیست و یکم تداوم نابرابری‌های جنسی است که ساختار شکننده پویایی و رضایت آزادانه زنان را از ایشان سلب کرده است. در کشورهای توسعه نیافته و فقیرنشین، برجسته ترین اعمال آسیب‌زای سنتی و فرهنگی که بر حقوق زنان و دختران برای

داشتن زندگی‌ای آزادانه خدشه وارد می‌کند، ناقص‌سازی اندام تناسلی زنان و ازدواج زودهنگام هستند. جهان‌بینی مردسالارانه باستانی‌ای که از طریق ناقص‌سازی اندام تناسلی زنان و ازدواج زودهنگام بر زنان تحمیل شده، مثال مبرهنی از نبود انتخاب‌هایی است که افراد بایست در زمینه ازدواج و پذیرش جامعه داشته باشند. در طول تاریخ جنسی حقوق بشر، همواره به رسوم و فرهنگ برای نقاب گذاشتن بر چهره خشونت جنسی توسل شده است. جهان اشکال چندگانه خشونت علیه زنان - تنها به این دلیل که زن هستند - را باز شناخته و در هر کشوری زنان از این اشکال چندگونه خشونت رنج می‌برند. خشونت علیه زنان اغلب خود را در اعمال سنتی و عرفی آسیب‌زا نشان می‌دهند که دختران را در حد یک کالای تبلیغی صرف پایین می‌آورد. ر سومی مانند کودک همسری و ختنه زنان.

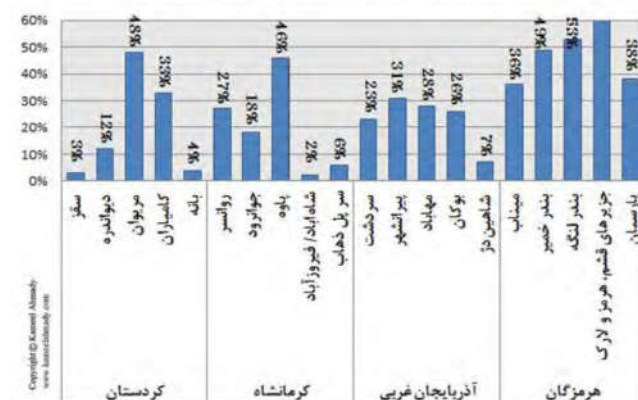
این بخش سعی دارد که ارتباط بالقوه بین اعمال ختنه زنان و ازدواج زودهنگام را کشف کند. امید بر این است که گزارش حاضر مورد توجه کارگزارانی قرار گیرد که در زمینه توسعه خط‌مشی‌ها، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری بر مداخلات پیرامون این دو عمل سرکوب گرانه فعالیت دارند.

ناقص‌سازی اندام تناسلی زنان و کودک همسری - فهم دو متغیر

تاریخچه پدیده ختنه زنان ناپیداست اما می‌توان گفت که این

عمل در افریقا و برخی نواحی خاورمیانه به فراوانی اعمال می‌شود. برخی بررسی‌ها دنباله تاریخی این پدیده را تا بیش از ۲۰۰۰ سال دنبال کرده‌اند (احمدی، ۱۳۹۵). زنان در افریقا، خاورمیانه و اندونزی قریب به نیمی از جمعیت کشور خود را شکل می‌دهند. این نه به معنای توانمندسازی اجتماعی-سیاسی و نه به معنای آزادی‌های اقتصادی، بلکه ترجمان ریسک و خطرات بالاتری است زیرا اکثر زنان در این جوامع آسیب‌پذیرترین اقشار آن را تشکیل می‌دهند. برخی از آن‌ها در جوامعی زندگی می‌کنند که در آن الزامات اساسی فرهنگ مرد سالارانه، خواستار ناقص‌سازی ضروری‌ترین نشان خارجی زنانگی _ اندام خارجی تناسلی‌شان _ است و گرچه ختنه زنان به عنوان یک رسم در خاورمیانه، اندونزی، کردستان عراق، ایران و یمن اعمال می‌شود بالاترین نرخ وقوع آن در افریقا می‌باشد. ناقص‌سازی آلت جنسی زنان در ۲۹ کشور آفریقایی یافت می‌شود که بسیاری از آن‌ها در غرب افریقا کمابیش در مجاورت نواحی سنگال در غرب، تا شاخ افریقا در شرق قرار دارند.

در صد زنان مصاحبه شده که ختنه شده اند



درصد زنان ختنه شده در چهار استان کشور

مطالعات نشان داده‌اند که حداقل ۱۲۵ میلیون دختر در افریقا و خاورمیانه ختنه را تجربه کرده و بیش از ۳۰ میلیون دختر زیر ۱۵ سال ممکن است هنوز در معرض این خطر در دهه آینده باشند. این بدان معناست که در هر ۱۰ ثانیه یک زن یا دختر دچار ناقص‌سازی اندام تناسلی می‌شود (یونیسف، ۱۳۹۲). ختنه بدون وجود رضایت کامل و آزادانه خود دختر انجام می‌گردد.

مطالعه اخیر نویسنده در زمینه ساختار ایران یافته‌هایی را در محور چهار استان آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و هرمزگان به دست داد؛ من جمله اینکه باکرگی یک زن از حیاتی‌ترین اصول تأمین گر آینده او و قابلیت داشتن تأهل به حساب می‌آید. اگر زنی نتواند باکرگی‌اش را حفظ کند، آبرو و عزت خانواده‌اش را از بین برده است. نگهداشت آبرو و عزت خانواده در نهایت باری بر عهده اوست و برای رسیدن به این هدف، زنان رسم ختنه را در خانواده ادامه می‌دهند (احمدی، ۱۳۹۵).

در ایران زنانی که ناقص‌سازی اندام تناسلی‌شان را متحمل می‌شوند، در اصل نوع یک و گاه به‌ندرت نوع دوی آن را انجام می‌دهند (دهقان، ۱۳۹۴). با این حال انواع ختنه از یک ناحیه به ناحیه دیگر متفاوت است. برای مثال در برخی روستاهای کرمانشاه و کردستان، زنان

معتقدند که مقدار کمی خونریزی ناشی از یک برش ضروری ست درحالی که در سایر مناطق مانند هرزگان اندام تناسلی ممکن است عمیق تر بریده شود.

ختنه زنان تنها عملی نیست که جسم و زندگی هر روزه زنان را با بی رحمی خدشه دار می کند (دانشکده بهداشت و پزشکی لندن، ۱۳۹۲). مسأله ختنه زنان تا حدود موجهی ما را به عمل مخرب دیگری وصل می کند؛ ازدواج زودهنگام کودکان. هردوی این اعمال از آسیب زاترین و رایج ترین سنت ها هستند که امروزه بر زندگی میلیون ها دختر و زن اثر گذاشته اند. بنابراین تفکیک و تمایز کامل بین این دو رسم وحشیانه تقریباً غیرممکن است (طرح بریتانیا، ۱۳۹۳). هر یک از این رسوم به تنهایی مخرب اند، اما زمانی که هر دو باهم در یک زمینه واحد وجود دارند، شدت تخریب و ویرانگری آن ها بیمناک است. در اتیوپی ازدواج زودهنگام کودکان و ناقص سازی اندام تناسلی زنان به عنوان رایج ترین اشکال اعمال آسیب زای سنتی^۶ شناسایی شده اند که محدود سازی آن ها بر سازوکار استراتژی ملی و برنامه ریزی عملی بر روی اعمال آسیب زای سنتی علیه کودکان و زنان در اولویت قرار گرفته است. در سراسر دنیا زنان و دختران بسیاری مجبور به تن دادن به زندگی همراه با تبعات ویرانگر هردوی ناقص سازی و ازدواج زودهنگام هستند. هر دو از جمله هنجارهای قدرتمندند. هر دو از جانب مفاهیم زمان و سنت حمایت می شوند. هر دو اعمال ریشه دار سنتی هستند. هر دو انحراف از حقوق

زنان و دختران‌اند و هر دو برخلاف تمایل و انتخاب شخصی به فرد تحمیل شده‌اند.

مانند پدیده ختنه زنان ازدواج کودکان نیز یک مسأله جهانی است که مرزهای کشوری، ملی، دینی و قومیتی را درنور دیده است. عروسان خردسال در هر ناحیه دنیا از خاورمیانه گرفته تا امریکای لاتین، آسیای جنوب شرقی و اروپا وجود دارند. هر ساله ۱۵ میلیون دختر زیر سن ۱۸ سال ازدواج می‌کنند و این برابر با ازدواج ۲۸ دختر در هر دقیقه است. با استناد به تعریف سازمان بهداشت جهانی، یونیسف و صندوق جمعیت سازمان ملل، ناقص سازی زنان به معنای هرگونه فرایند حذف و برداشتن کلی یا جزئی بخش خارجی اندام تناسلی زنان یا هرگونه آسیب به آلت جنسی آن‌ها به هر دلیل فرهنگی و غیرپزشکی است (سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۷۷). بنابراین ناقص سازی زنان یک اصطلاح کلی، مشترک و همگانی برای اطلاق به درجات مختلف بریدگی دستگاه تناسلی خارجی تعریف شده که بر چهار نوع است و هر چهار آن ماهیتی ذاتاً بی رحمانه دارد. نوع چهارم آن شامل بریدن کلیتوریس که برخی از آن تحت عنوان ختنه یاد می‌کنند، سوزاندن یا زخمی کردن دستگاه تناسلی و یا فروکردن اجسامی به واژن جهت تنگ کردن و کشیدگی لبه‌های آن می‌باشد. از میان تمامی انواع ناقص سازی دستگاه تناسلی، رایج ترین و ترسناک ترین آن که مخرب ترین نوع آن نیز هست، شامل برداشتن تمام بخش‌های کلیتوریس است.

یکی از اصول عقلانی عمده در ناقص سازی زنان در جوامع سنتی این است که این عمل آنها را برای ازدواج آماده می سازد زیرا تضمینی برای

باکرگی دختر است. واقعیت تلخ این است که مردان نیز خود خواستار پدیده ختنه زنانند و ممکن است از قبول دختری که باکرگی اش از طریق ختنه شدن ضمانت نشده سرباز زنند یا مهریه اش را نپردازند. در اینجا ختنه شدگی گواه باکرگی عروس آینده است که ضمانت می کند وی هرگز قبل از ازدواج با کسی رابطه جنسی نداشته است. با وجود این تضمین و اطمینان، مردان به ازدواج با او راغب ترند و مایلند پول بیشتری به خانواده دختر در ازای وی بپردازند.

پیوستگی بین باکرگی و ناقص سازی دستگاه تناسلی زنان به قدری قوی است که دختری که تن به ختنه نداده باشد عملاً هیچ شانسی برای ازدواج نیز ندارد. آنها ناپاک، ناقص و گاهاً مورد استهزا در نظر گرفته می شوند. بدیهی است که این امر دختران را در معرض خطرات بالاتری چون فقر و داغ اجتماعی قرار می دهد. در جوامع سنتی که ازدواج برای زنان منبع بارز بقای اقتصادی و تامین معاش است، این بی اعتباری و داغ اجتماعی^۷ ناشی از ختنه نشدن لطمه ای اساسی برای وی به حساب می آید. یک دختر ختنه شده خواست انگیز تر بوده و احتمال بیشتری برای ورودش به یک ازدواج اجباری یا زود هنگام وجود دارد زیرا مردان از زمینه مرد سالارانه جامعه سود جسته و مایلند که یک عروس "پاک"^۸ "و بکر داشته باشند (هیلاری بوریگ، ۱۳۹۴: ۵۳).

یکسان بودن دستگاه ناقص سازی اندام تناسلی زنان و ازدواج

^۷ Social stigma

^۸ pure

زود هنگام

- به طور کلی شباهت‌هایی بین ناقص‌سازی دستگاه تناسلی زنان و ازدواج زود هنگام کودکان وجود دارد. هسته مرکزی هر دوی این اعمال، عدم وجود رضایت و انتخاب فردی است. حق داشتن رضایت کامل و آزادانه به ازدواج در اعلامیه جهانی حقوق بشر لحاظ شده است. چنین رضایتی زمانی که یکی از طرفین به قدر کافی بالغ نیست که تصمیم آگاهانه‌ای در مورد شریک زندگی‌اش بگیرد، نمی‌تواند یک رضایت کامل و آزادانه^۹ باشد.

کنوانسیون حذف تمامی اشکال تبعیض علیه زنان^{۱۰} در بند شانزدهم خود در مورد ازدواج زود هنگام کودکان اشاره می‌کند که: نامزدی و ازدواج یک کودک نباید هیچ اثر قانونی داشته باشد و تمامی اقدامات لازم از جمله قانون‌گذاری‌های مربوطه بایست در راستای تعیین حداقل سن ازدواج صورت گیرد.

بی‌شک از آنجا که فشارهای اجتماعی و فرهنگی برای اعمال ناقص‌سازی دستگاه تناسلی زنان و ازدواج زود هنگام کودکان قدرتمند و پابرجا هستند، اثبات اینکه یک زن به شخصه راضی به انجام ختنه است دشوار می‌نماید. با در نظر داشتن اینکه ختنه معمولاً از روزهای اولیه بعد از تولد تا زمان بلوغ و پس از آن رخ می‌دهد، و همچنین اینکه در نیمی از کشورهایی که آمارهای ملی شان موجود است و دختران قبل از رسیدن به سن ۵ سالگی نقص عضو می‌شوند (یونیسف، ۱۳۹۲)، می‌توان استنباط

^۹Free and Full consent

^{۱۰}CEDAW

کرد که مفهوم رضایت آشکارا غایب است.

رضایت در ازدواج ترتیب داده شده زود هنگام نیز محل شک است، زیرا تقریباً همیشه موضوع دردسر ساز رضایت کامل و آزادانه و اینکه آیا آن دختران خردسال تمامی حقایق و اطلاعات کافی در خصوص ازدواج را دریافت داشته اند یا خیر، وجود دارد. در کشورهای در حال توسعه یک سوم دختران زیر سن ۱۸ سالگی و از هر ۹ دختر، یک نفر قبل از رسیدن به ۱۵ سالگی ازدواج می کنند. آنها به معنای کلمه، به بردگان جنسی خردسال تبدیل می شوند (هیلا ری بوریگ، ۱۳۹۴: ۵۳).

ازدواج زودهنگام کودکان مطابق عرف توسط خانواده کودک ترتیب داده می شود و اغلب شامل قول و قرارهای توافقی بین خانواده هاست در زمانی که خود کودکان جوانتر از آن هستند که در این وصلت ها اراده و تصمیمی داشته باشند. در هر دوی مسائل ختنه زنان و ازدواج زودهنگام، رضایت از جانب دیگران به جای خود فرد لحاظ شده است.

- ختنه زنان و ازدواج کودکان هر دو انحراف روشنی از حقوق بشری دختران و زنان و یک شکل از خشونت علیه زنان هستند. خشونت علیه زنان آفتی است که سالانه زندگی میلیون ها زن را تحت شعاع خود قرار می دهد. چنین تخمین زده شده است که از هر سه زن، یک نفر در طول زندگی اش خشونت جنسیتی را تجربه کرده است. ناقص سازی اندام جنسی و ازدواج زودهنگام کودکان بازنمایی از دسته خشونت ها هستند. این دو عمل - همچنانکه در توافقات چند گانه بین المللی مصوب شده است - در سطوح بین المللی به عنوان انحراف و نقض حقوق اولیه زنان و دختران شناخته شده اند.

بسیاری از کنوانسیون‌های سازمان ملل این موضع مهم و بنیادی را تقویت کرده اند. بند شانزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر^{۲۱} بیان می‌دارد که :

(۱) مردان و زنان بزرگسال حق ازدواج و تشکیل خانواده دارند و حقوق برابری در خصوص ازدواج ، در حین ازدواج و یا فروپاشی اش به آنها نسبت داده می‌شود.

(۲) ازدواج تنها با رضایت کامل و آزادانه هر دو طرف بایست صورت گیرد.

قیود مشابهی در میثاق بین‌المللی سال ۱۳۴۵ در خصوص حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و همچنین میثاق بین‌المللی سال ۱۳۴۵ در خصوص حقوق شهروندی و سیاسی مصوب شده اند.

بند اول توافقنامه مکمل سال ۱۳۳۵ در خصوص لغو بردگی، تجارت برده و سنن و اعمالی مشابه برده داری.

ماده (C)۱: رسوم و سننی که به موجب آنها یک زن بدون اینکه حق و توانایی مخالفت داشته باشد به کسی قول داده شود، و یا در ازای مبالغ پولی و یا از روی لطف از طرف خانواده، والدین یا قیم‌اش شوهر داده شود...

ماده ۳و۲ از میثاق سال ۱۳۳۳ در خصوص رضایت به ازدواج^{۲۲} حداقل سن ازدواج و وضعیت ثبت عقد:

^{۲۱}UDHR

^{۲۲}Supplementary Convention on the Abolition of Slavery

^{۲۳}Convention on Consent to Marriage

(۱) هیچ ازدواجی بدون رضایت کامل و آزادانه هر دو طرف قانوناً نبایست صورت گیرد. همانطور که در قانون مطرح شده است چنین رضایتی باید توسط آنها به طور شخصی بیان شود.

(۲) احزاب دولتی میثاق حاضر بایست حداقل سن ازدواج را مشخص نمایند (این حداقل سنی مطابق توصیه‌های اختیاری ضمیمه این توافق نامه کمتر از ۱۵ سال نباشد). هیچ ازدواجی مطابق قانون در زیر این سن نباید صورت گیرد، مگر در زمانی که یک فرد صاحب اختیار و با صلاحیت به نفع طرفین و با دلایل جدی، معافیت از شرایط سن را خاستار شود.

(۳) تمامی ازدواجها بایست توسط یک مسئول صاحب صلاحیت ثبت شوند.

ماده ۱۶۰۱ توافقنامه حذف تمامی اشکال تبعیض علیه زنان^۲ در سال ۱۳۵۸ اصول زیر را برای زنان و مردان به طور مساوی مقرر می‌دارد:

الف: حق یکسان برای اقدام به ازدواج.

ب: حق یکسان برای انتخاب آزادانه شریک زندگی و اقدام به ازدواج تنها در صورت داشتن رضایت کامل و آزادانه.

ماده ۱۶۰۲ عبارت است از: نامزدی و ازدواج کودک هیچ منشأ قانونی نداشته و تمامی اقدامات لازم از جمله قانون گذاری بایست در جهت تعیین حداقل سن ازدواج صورت گیرد.

در ماده بیست و یکم از منشور آفریقایی سال ۱۳۶۹ در مورد

^۲Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women

حقوق و رفاه کودکان^{۲۵} مصوب شده است که : ازدواج کودکان و نامزدی دختران و پسران خردسال بایست منع شده و اقدامات لازم از جمله قانون گذاری، جهت تعیین هجده سالگی به عنوان حداقل سن ازدواج صورت گیرد.

کمیتة حقوق کودکان همواره ازدواج زود هنگام کودکان را در گردهمایی‌های سراسری آفریقا علیه استعمار جنسی کودکان، به عنوان یک استعمار جنسی تجاری تعریف کرده است (میخائیل اس، ۱۳۸۱: ۴۳-۴۹).

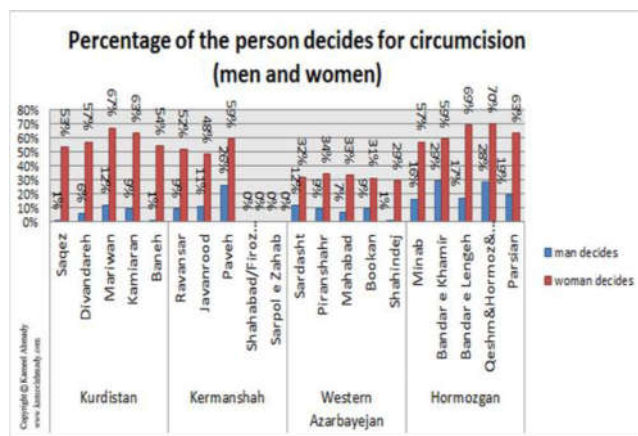
ختنة زنان و ازدواج کودکان معمولاً در حول و حوش یا در سنین پایین تر از بلوغ رخ می‌دهند و مشخصه پایان غم انگیز کودکی و ورود ناگهانی به بزرگسالی و ازدواج است.

دختران قبل از رسیدن به بلوغ جسمی و احساسی به دنیای بزرگسالی هل داده می‌شوند که آنها را وادار به پذیرش تبعات سلامت جسمی و احساسی بارداری در سنین خیلی پایین و یا بارداری‌های متعدد می‌کند. هرچه دختر در زمان ازدواج جوانتر و خردسالتر باشد، سوء استفاده در زمینه رابطه جنسی زود هنگام و اجباری برای وی بیشتر است.

همانطور که قبلاً بحث از آن رفت، در جامعه آفریقا زنی که عملاً نتواند ازدواج کند وجود ندارد زیرا نگرش‌های فرهنگی و هنجارها هیچ جایگاهی برای زنان ازدواج نکرده یا فاقد فرزند لحاظ نمی‌کنند. همچنین عموم مردم بر این باورند که هیچکس با یک دختر ختنه نشده ازدواج

نخواهد کرد. در نتیجه ختنه نکردن یک دختر، تباهی آینده وی را در پی دارد و لازمه متاهل شدن نقص عضو کردن ارگان جنسی است. در این پیوستار دو شکل از رایج‌ترین انواع اعمال آسیب زای سنتی با هم در آمیخته و تداوم خشونت علیه زنان را موجب می‌شوند. در برخی کشورها ناقص‌سازی اندام تناسلی زنان، ازدواج زود هنگام کودکان را به عنوان نتیجه در پی دارد. در برخی موارد در جوامع سنتی ازدواج کودک بعد از وقوع ختنه روی داده است. مطابق بنیاد حفاظت از دختران^{۲۶}، از دختران خردسال انتظار می‌رود که بعد از اعمال ختنه بر رویشان در سنین پایین، با نقش‌های همسری و مادری تطابق یابند. طبق گزارش دیده بان حقوق بشری^{۲۷} در برخی گروه‌های قومیتی دختران وادار به تن دادن به ختنه می‌شوند تا برای ازدواج آماده گردند. زنان نیز مانند کودکان به این باور رسیده‌اند که ختنه آیینی ست که به ازدواج زود هنگام کودکان صحنه می‌گذارد. در هر دوی این سنن کودکان به طرزی تراژدیک در هم شکسته می‌شوند و این پیش در آمدی خشونت آمیز و نفرت انگیز به مقاربت جنسی می‌باشد. هر دو در سطح وسیعی با موقعیت اجتماعی، مسئولیت پذیری و آبروی خانوادگی - که با ارزش زناشویی دختر به دست می‌آیند - در ارتباطند. در برخی روستاهای کنیای مرکزی دختران یک منبع معاش و درآمد معادل احتشام به حساب می‌آیند و جانکاه تر اینکه همانطور که قبلاً بحث شد، یک دختر ختنه شده از نظر عوام ارزش بیشتری داشته و

مهریه و قیمتش نیز متناسباً بالاتر خواهد بود.



بسیاری از جوامعی که در آن رسوم ختنه زنان حافظ و بازنمای آبروی پدرانشانند ازدواج تنها پیمان میان دو نفر نیست بلکه قرار و عهدی میان خانواده هایشان است. چنین پنداشتی از حیثیت و آبرو وابسته به پاکی، باکرگی و خوش رفتاری زنانی است که از طریق کنترل سخت رفتارهای اجتماعی و جنسی شان حاصل گردیده است. این امر به مرور معنای افتخار را برای خانواده عروس خردسال و خانواده دریافت کننده مهریه به خود گرفته است (مقدم، ۱۳۸۳: ۱۳۷-۱۶۲).

ناقص سازی زنان و ازدواج زود هنگام با فقر و آسیب پذیری جنسی ارتباط دارند در حالیکه والدین در پی حمایت از دخترانشان در مقابل سختی های اقتصادی و اجتماعی اند. خانواده ها این دو رسم را به عنوان راهکارهای مثبت غلبه بر فقر در بافتاری می دانند که فرصت های اقتصادی و حمایت اجتماعی از زنان محدود است. بدین طریق خانواده ها

از طریق ختنه دختران و ازدواج کودکان در پی محافظت از دخترانشان در مقابل این خطراتند.

فقر، دلیل زیر بنایی عقلانیت در ازدواج زود هنگام کودکان است. با در نظر گرفتن امکانات اندک تحصیلی برای دختران و فرصت‌های محدود آموزشی و شغلی، کودک همسری از جانب والدین و گاهی خود دختران، به عنوان یک گزینه عقلانی دیده می‌شود. هزینه‌های پرداختی توسط خانواده داماد، می‌تواند کمک مالی برای خانواده دختر باشد: برای مثال هزینه‌های "رفاه عروس" که در اتیوپی جنوبی رایج است. با این حال دخترانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند به احتمال زیاد فقیر بوده و فقیر نیز باقی می‌مانند و اکثریت دخترانی که متأثر از رسم کودک همسری اند؛ محکوم به زندگی‌ای هستند که به لحاظ مالی و اجتماعی ناامن و متزلزل است. این یک تناقض آشکار در نظام باورهای بسیاری از والدینی است که دخترانشان را در سنین بسیار کم شوهر می‌دهند و معتقدند که این امر امنیت دختر و کل خانواده را افزایش می‌دهد. در نهایت، فقر رواج کودک همسری را تشدید می‌کند که در مقابل مونث‌سازی فقر را در پی دارد. ازدواج زود هنگام بخش جدایی ناپذیر نظام کنترلی مرد سالارانه بر روی جنسیت زن است. در بافت جنسیتی و آسیب پذیری درک شده، والدین احساس می‌کنند که ریسک درگیر شدن دخترانشان در روابط جنسی قبل از ازدواج، بیماری‌های مقاربتی جنسی خصوصاً HIV یا ایدز، بارداری، رسوایی و لکه‌دار شدن اعتبار اجتماعی را پایین می‌آورند. در زمینه‌ای اجتماعی با سطح توقعات پایین از زندگی، والدین مشتاقند تا زمانی که زنده اند ببینند دخترانشان به همسری فردی

مناسب در آمده اند. البته یک عامل ضمنی دیگر نیز در این میان وجود دارد و آن هم این است که والدین با ازدواج دادن زود هنگام دخترانشان، امید دارند که در نبود یک امنیت اجتماعی جایگزین، نوه‌هایی داشته باشند که در سنین سالخوردگی از آنها مراقبت کنند. کودک همسری زنان و دختران را در معرض خطرات خاصی چون خشونت جسمی، روانی و جنسی در سراسر زندگی شان قرار می‌دهد. مانند مسأله ازدواج زود هنگام کودکان، ناقص‌سازی اندام تناسلی زنان نیز بخشی از نظام کنترلی مرد سالارانه بر روی امیال جنسی زنانه بوده که طبیعی بودن جنسیت و امیال جنسی در رشد و زنانگی را نادیده می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین پیامدهای ناقص‌سازی دستگاه تناسلی زنان این است که زنانی را که به آن تن داده اند از تمایلات جنسی، جسمی و روانی محروم می‌دارد. این میل جنسی وافر که به خصوص در ساختار زندگی خاندانی و تباری احتیاج به کنترل دارد، اکنون تهدیدی جدی به حساب می‌آید. ختنه زنان در این حیطة، به عنوان ابزاری برای کنترل امیال جنسی عمل می‌کند. دختران معمولاً پیش از بلوغ ختنه را متقبل می‌شوند و در نتیجه مطیع و سلطه پذیر شوهرانشان خواهند بود (هیلاری بوریگ، ۱۳۹۴: ۵۳). والدین به همان دلایلی که ختنه زنان را مفید می‌دانند، از ازدواج زود هنگام نیز حمایت می‌کنند تا امیال جنسی دختران و به عبارتی ناموسشان را از طریق ازدواج محافظت کنند. متأسفانه هر دوی این رسوم در واقعیت به لحاظ فرهنگی و اقتصادی بر پیدفیلیا^۲ تمایل به رابطه جنسی با کودکان)

صحه می‌گذارند.

__ ناقص‌سازی دستگاه تناسلی زنان و ازدواج زود هنگام کودکان سلامت باروری زن را به خطر می‌اندازند.

مخاط ناحیه اندام تناسلی زنان دارای یک سیستم ایمنی است که کارکردش فعال‌سازی پاسخ‌های ایمنی سلول‌ها در اندام تناسلی و سطوح دهانه رحم می‌باشد. شرایطی که در آن دختران جوان مقاربت جنسی را تجربه می‌کنند ممکن است دامنه آسیب‌پذیری آنها را به عفونت‌ها بیشتر کند. آمیزش‌های جنسی شتاب‌آمیز و غیر توافقی می‌تواند مانع از تولید مخاطی شود که به خودی خود می‌توانست جلوی نفوذ ویروس را بگیرد. این امر موجب افزایش آسیب و پارگی غشای دستگاه تناسلی شده و ورود ویروس‌ها را تسهیل می‌بخشد. اندام تناسلی یک زن جوان در زمانی که شروع به اولین عادت ماهانه‌اش می‌کند به اندازه کافی رشد و بلوغ نیافته است. اگرچه مخاط دیواره پرده از یک لایه نازک واحد سلولی به دیواره‌ای چند لایه و ضخیم تغییر پیدا می‌کند، چنین تحولی تا اواخر نوجوانی و شروع دهه دوم زندگی آنها تکامل نمی‌یابد (رید و بیلی، ۱۳۷۶). درد در حین آمیزش جنسی و ناباروری از تبعات دیگر ازدواج زود هنگام کودکان است. هرچه دختر در زمان اولین مقاربت جنسی‌اش جوان‌تر باشد، در تجربه رابطه جنسی اجباری، زود هنگام و مداوم که به احتمال کمتری توافقی و از روی رضایت است، از دردهای شدید، آسیب‌های جسمی، صدمات و عوارض پارگی بالاتری رنج می‌برد. بالینحال حقایق خشک و خالی پزشکی اثر جانسوز ورود یک کودک خردسال و جسماً نابالغ را به دنیای مقاربت‌های جنسی به طور کامل

تشریح نمی‌کنند. در جنوب آسیا که هر ساله میلیون‌ها دختر خردسال به همسری مردان بزرگتر از خودشان در می‌آیند، خطرات همراه با فعالیت جنسی زود هنگام و تحمیلی، از جمله بارداری را متحمل می‌شوند (میثور و همکاران، ۱۳۸۲).

در موارد ختنه زنان، نرخ‌های عمومی باروری و نرخ مرگ و میر نوزادان به دنیا آمده از مادرانی که ختنه شده بودند بسته به نوع ختنه به طرز معنی‌دار و چشمگیری بالاتر از حد متعارف بوده است (تویا، ۱۳۷۳: ۷۱۶-۷۱۲). یک مطالعه دیگر افزایش نیاز به احیای نوزادانی که مادرانشان نوع سوم ختنه را تجربه کرده بودند را، به طرز شگفت‌انگیزی ۶۶ درصد ارزیابی کرد. مشابهاً نرخ مرگ و میر در میان نوزادانی که از مادران ختنه شده به دنیا آمده بودند در حین زایمان یا بلافاصله بعد از آن، بسیار بالاتر از سایرین گزارش شد. مشکلات نوزادان عمدتاً در نتیجه توقف زایمان^{۲۹} یا زایمان طولانی^{۳۰} به وقوع می‌پیوندد که اگر مورد بررسی قرار نگیرد، می‌تواند به دیسترس جنینی^{۳۱}، کمبود اکسیژن رسانی به بافت‌های بدن و متأسفانه مرگ جنین منجر شود.

ازدواج زود هنگام کودکان و ناقص‌سازی دستگاه تناسلی زنان از جمله پابرجاترین دشمنان منزلت و امنیت یک زن هستند که همزمان دارای دو قدرت محافظت- تسلط مردانه و نگهداشت سرکوبگری زنانه است. هر دو خشونت بر مبنای جنسیت را در زیر نقاب سنت‌هایی

^{۲۹}Obstructed

^{۳۰}prolonged labour

^{۳۱}fetal distress

تقویت می‌کنند که در طول زمان در درون یک فرهنگ مرد سالارانه شکل گرفته‌اند.

زمان آن رسیده است که ختنه زنان و ازدواج کودکان را در مجموعه اشکال خشونت علیه زنان قرار دهیم. آمارها حاکی از آن است که ۴۲ درصد از زنان درآفریقا که در گروه سنی ۱۵ الی ۲۴ سال قرار دارند، قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند و ۴۸ درصد از زنان درآسیای جنوبی نیز دارای همین وضعیتند (یونیسف، ۱۳۸۴). با در نظر داشتن اینکه این دختران اول ختنه شده و سپس ازدواج کرده‌اند، رسیدن به این استنباط غم‌انگیز که ختنه زنان راه ازدواج زودهنگام کودکان را هموار می‌کند، اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

آنچه بدیهی است این است که به رسوم ختنه زنان و کودک همسری نمی‌توان به تنهایی پرداخت زیرا معمولاً یکی پیش نیاز دیگری است. ختنه زنان و ازدواج کودکان نه علت نابرابری‌های جنسیتی بلکه معلول آن هستند.

ازدواج زودهنگام و چند همسری^{۳۲}

ازدواج همواره در زندگی یک فرد نقطه عطفی بوده و لحظات شادی و جشن او در نظر گرفته می‌شود. ازدواج کردن، یک الگوی نهادی است که با هدف ایجاد اتحاد و اتکای متقابل برای برآورده کردن رابطه عاطفی خانوادگی شکل می‌گیرد (بانکول و

همکاران، ۱۳۸۴). "تک همسری"^{۳۳} به پیوند زناشویی میان تنها دو نفر گفته می‌شود و در مقابل "چند همسری" قرار دارد که در آن ازدواج با همسران متعددی صورت می‌گیرد (دوگلاس، ۱۳۹۵). برخلاف ازدواج که معمولاً همراه با جشن و مراسمات خاص است، در ازدواج زود هنگام کودکان و چند همسری چنین جشن‌هایی وجود ندارد. وصلت چند زنی در بسیاری از کشورها، خصوصاً در آفریقا (البته نه منحصرأ) به فراوانی صورت می‌گیرد.

در تمامی کشورهای آفریقا به استثنای اوگاندا (که در آن ۳۶ درصد از زنان در مناطق شهری در ازدواج‌های چند زنی زندگی می‌کنند، در مقایسه با آمار مربوطه در مناطق روستایی که ۳۲ درصد است)، چند همسری بیشتر در مناطق روستایی رایج است تا مناطق شهری.

چنین وصلت‌هایی معمولاً بیشتر در میان زنان ۲۰ در صد فقیر رخ می‌دهد تا زنان ۲۰ در صد طبقه بالای جامعه. کم سوادى به شدت با عمل چند همسری دارای همبستگی است. زنانی که هیچ تحصیلاتی نداشته‌اند در مقایسه با زنانی که حداقل تحصیلات ابتدایی را گذرانده‌اند، به احتمال بیشتری در وصلت‌های چند زنی درگیر می‌شده‌اند. همزمان با افزایش سطح سواد دختران، نسبت شان در ازدواج‌های چند زنی کاهش می‌یابد. تفاوت سنی عمیق بین زن و شوهر در وصلت‌های چند زنی، بسیار بیشتر از ازدواج تک همسری می‌باشد. در نپال تنها ۳ درصد زنانی که والدینشان ۴۰-۵۰ سال با هم اختلاف

سنی داشتند، در یک وصلت چند زنی زندگی می‌کردند. در حالیکه این میزان‌ها برای زنانی که والدینشان ۱۰-۱۴ سال بزرگتر بودند و زنانی که والدینشان بیش از ۱۵ سال اختلاف داشتند، به ترتیب ۹ و ۲۰ درصد بود. در ماداگاسکار و نامیبیا در صد بالاتری از دختران در مقایسه با سهم کلی زنان از جمعیت، در وصلت چند زنی ازدواج کرده بودند، و این بدان معناست که چنین رسمی در کشورهای نامبرده به طرز رو به افزایشی شیوع دارد. زمانی که چند همسری را از منظر ازدواج کودکان بنگریم، این رسم به عنوان مجوزی برای بی بند و باری جنسی و انحراف فاحش از حقوق زنان جلوه می‌نماید. کمیته حقوق بشری سازمان ملل گزارش داد که چند زنی مخالف توافقنامه بین‌المللی در خصوص حقوق سیاسی و مدنی است. در رسم چند زنی حق مساوات در عمل ازدواج در نظر گرفته نشده است، به این معنا که در عمل، چند همسری به چند زنی محدود می‌شود و این نقض جایگاه و منزلت زن بوده و باید برچیده شود.^{۳۴} جالب است بدانیم که بسیاری از کشورهای مسلمان نشین که چند همسری رواج دارد، مانند عربستان سعودی، ایالات متحده عربی، قطر، مالزی، برونی، عمان و سودان جنوبی توافقنامه بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی^{۳۵} را امضا نکرده اند. چند همسری و ازدواج زودهنگام به معنای زندگی‌ای مالا مال از تبعیت جنسی، بردگی اقتصادی و انجام حجم زیادی از کارهای سنگین

۳۴. برابری حقوق بین زنان و مردان/ دانشگاه مینسوتا، کتابخانه ی حقوق بشری.

خانگی ست. اثرات مخرب کودک همسری و چند همسری با وجود حقایق زیان بارش نادیده انگاشته می‌شود. دامنه تبعات منفی آن از ترک تحصیل و سد هرگونه فرصت گرفته تا عدم کسب مهارت‌های زندگی و شغلی، تحلیل رفتن سلامت بهینه و پایان دورانی از زندگی ست که به اقتضای سن الفت و محبت زناشویی می‌توانست پیش بیاید. رابطهٔ تحمیلی چند همسری، آمیزش جنسی را تبدیل به یک خدمت و کالای مورد انتظار می‌کند. دختران معمولاً صاحب چندین فرزند و ترجیحاً پسر می‌شوند. یک مرد در جهان میانه روی مرد سالارانه‌اش با داشتن همسران متعدد اهمیت و احترام می‌یابد و مزیت داشتن چندین زن به جایگاهی بدل می‌شود که از طریق آن سود اقتصادی حاصل می‌گردد. زنان به یک طبقهٔ سطح پایین در جامعه منتسب می‌شوند که ارزششان به خاطر کار خانگی و باروری است.

ماهیت چند همسری یک نقطه عطف محوری برای محققان در زمینه ازدواج کودکان می‌باشد، زیرا این موضوع یک متغیر مداخله گرانه با درجات بالایی از اثرات منفی خشونت خانگی، نرخ بالای باروری و قرارگیری در معرض بیماری‌های مقاربتی به خاطر تعداد زوجین است. دخترانی که نمی‌دانند چگونه از ابتلا به ایدز (HIV) جلوگیری کنند، احتمال بیشتری می‌رود که در وصلت‌های چند زنی درگیر شوند تا کسانی که از این امور آگاهی دارند.

ریسک بالای سوء استفادهٔ جنسی اغلب در مواردی دیده شده که دختر به همسری مردی داده شده که او نیز مانند خودش خردسال است. با عطف به خردسال بودن داماد، بدیهی است که دختر قادر نیست از

محافظت‌های لازم برخوردار باشد، و این امر او را شدیداً در معرض آسیب‌های خشونت‌ی، سوء استفاده‌های جنسی و بی احترامی از جانب مردان بزرگتر خانواده مانند پدر شوهر، برادران شوهر و عموها قرار می‌دهد (یونیسف، گزارش سری ۱۳۸۴-۱۳۸۵). بسیاری از دختران با تصمیم‌گیری‌های اجباری، شانس‌های پایین آمده زندگی و تغییرات سریعی روبه رو می‌شوند که آنها را از دختر بچه‌ای که هم اکنون یک همسر خرد سال است به یک مادر خرد سال تبدیل می‌کند. عمل فراگیر چند همسری دختران خرد سال یک جنبه منحنی از چند همسری است. ازدواج زودهنگام کودکان راه روایت چند همسری را هموار می‌کند. از آنجا که بین چند همسری و ازدواج زودهنگام و فقر خانگی رابطه قوی‌ای وجود دارد، ذکر این نکته که این روایات از درون به هم مرتبط اند خالی از لطف نیست و همچنین مهم است که تاکید کنیم که در بسیاری از کشورها که مسائل ازدواج زودهنگام کودکان و چند همسری به طور همزمان و با رضایتی اجباری وجود دارد، تغییرات سریع اقلیمی هم هست که منجر به قحطی غذا، ازدیاد فقر و افزایش جمعیت می‌شود و تمامی اینها باری مضاعف بر دوش زیر بنای ضعیف اقتصادی جامعه به حساب می‌آید (بنیاد فورد، ۱۳۹۲). رسم چند همسری دارای تبعات اقتصادی نیز هست زیرا نه تنها تعداد اعضای خانواده را افزایش می‌دهد بلکه بار روی دوش والدین را هم سنگین تر می‌کند و در نتیجه آنها را وامی‌دارد که برای رهایی از این بار دخترانشان را نابالغ شوهر دهند. ازدواج زودهنگام کودکان و چند همسری در اینجا استراتژی مقابله اقتصادی و سبکبار کردن خانواده به حساب می‌آید.

مشابهاً در فرهنگ‌های سنتی ازدواج کودکان دلیل برجسته روابط نامشروع خارج از خانواده است. پسران در یک نقطه از زندگی به این باور می‌رسند که از زندگی شان در عنفوان کودکی لذتی نبرده اند و الان از بودن در روابط خارج از زنا شویی به هیجان آمده و بنابراین به هنجارهای غیر اخلاقی جامعه شکل می‌دهند. به محض اینکه پسر به سن بلوغ می‌رسد و روستا را به قصد پیدا کردن شغل ترک می‌کند، ممکن است به دختری دیگر علاقه مند شود. این امر به پیدایش موارد متعدد دو همسری و چند همسری می‌انجامد. در چنین مواردی همسر اول، - که در سن خردسالی ازدواج کرده است - معمولاً از خانه بیرون شده و مورد بی احترامی قرار می‌گیرد. این زمانی ست که کودک همسری و چند همسری موضع بی رحمانه تری به خود می‌گیرند. ازدواج زود هنگام مسئول اعمال اشکال مختلف خشونت علیه زنان است (یونیسف، گزارش سری ۱۳۸۴-۱۳۸۵).

بسیاری از مردان مخفیانه با زنان دیگری وصلت می‌کنند، که این موضوع تشخیص دقیق وضعیت چند همسری را دشوار می‌نماید. در اکثر کشورهایی که حداقل سن ازدواج وضع شده است، شمار فراوانی از موارد چند همسری و اکثراً ازدواج زود هنگام کودکان به طور رسمی ثبت نمی‌شوند (یونیسف، ۱۳۸۴) و برخی از والدین سن دخترانشان را دستکاری و جعل می‌کنند. شانس چند همسری از این طریق برای مرد افزایش می‌یابد زیرا او می‌تواند همسران بیشتری علاوه بر دختر جوان برگزیند. چنین اقداماتی در مناطق روستایی که معمولاً گواهی تولد وجود ندارد یا به درستی ثبت نمی‌شود آسان تر

اتفاق می‌افتند (یونیسف، ۱۳۸۴). با توجه به اینکه گواهی ازدواج یک مدرک هویتی و شناسایی مهم است، فقدان چنین اسنادی سطح دیگری به مراتب پیامدهای حزن انگیز کودک همسری و چند همسری می‌افزاید.

در بازنگری قانون و استراتژی‌های حقوقی برای مبارزه با کودک همسری و چند زنی، به تصویر کشیدن تجربیات سخت زنان که معمولاً در قانون کنار گذاشته می‌شوند ضروری است.

نگاهی به رواج جهانی کودک همسری

کودک همسری یک مسئله جهانی است که می‌تواند در هر گوشه دنیا، از خاورمیانه گرفته تا آمریکای لاتین، آسیای جنوبی و اروپا یافت شود. تحقیقات نشان می‌دهند این امر نه تنها در بسیاری نواحی دنیا رخ می‌دهد، بلکه اعمال کنندگان آن، آن را با روی گشاده و رضایت قلبی انجام می‌دهند زیرا چنین رسومِ جایگاهی اجتماعاً پذیرفته شده دارند (گافنی ریس، ۱۳۸۹). طبق گزارشی از سازمان "دختر، نه عروس"، اگر روند ازدواج کودکان کاهش نیابد، آمار جهانی ازدواج کودکان به ۱٫۲ میلیارد مورد در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید. با این حال به لحاظ نسبت‌ها و درصد‌ها، اکثر موارد ازدواج کودکان در جنوب صحرای آفریقا و جنوب آسیا متمرکز است. این دو ناحیه به عنوان مرکز و محور ازدواج زودهنگام کودکان شناسایی شده‌اند.

در کشورهای در حال توسعه، روند ازدواج دختران نوجوان رایج و عمیقاً رو به فزونی است. هنجارهای اجتماعی و مفاهیم قالبی شرایط مطلوب باعث شده است زنان بزرگسال تر برای ازدواج مطلوب و خواستنی نباشند. بر اساس سرشماری سال ۱۳۶۹ در هند، نزدیک به ۵ درصد از دختران بین سنین ۱۰-۱۴ سال و بیش از ۳۵ درصد دختران ۱۵-۱۹ سال ازدواج کرده بودند. به نقل از یافته‌های صندوق جمعیت سازمان ملل، ۵۱ درصد از زنان در بنگلادش و ۷۴ درصد زنان در نیجر قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی متاهل بوده اند (صندوق جمعیت سازمان ملل، ۱۳۹۱). در بخش‌های خاصی از غرب آفریقا، شرق آفریقا و آسیای جنوبی ازدواج قبل از بلوغ یک مسئله غیر معمول نیست (پیشگام بین‌المللی، ۱۳۸۵). در شمال آفریقا، خاورمیانه و سایر بخش‌های آسیا ازدواج بلافاصله پس از بلوغ بخشی از سنت و تا حد زیادی در درون فرهنگ نهفته است. آمریکای لاتین و اروپای شرقی نیز در بکارگیری این رسم استثنا نبوده و در آنها دختران نوجوان اغلب در فاصله سنی ۱۶-۱۸ سال ازدواج می‌کنند. چنین ازدواج‌هایی اغلب ازدواج اجباری تلقی می‌شوند زیرا این نوجوانان بدون داشتن رضایت در انتخاب شریک زندگی شان وادار به وصلت زناشویی شده اند. از این رو، از ازدواج زود هنگام اغلب تحت عنوان ازدواج اجباری و تحمیلی یاد می‌شود (کلارک، چ.ن.).

شواهد آماری دال بر این است که ازدواج زود هنگام کودکان رو به کاهش گذاشته اما این فرآیند کاهشی در نواحی و کشورهای

مختلف نابرابر بوده است. در خاورمیانه و آفریقای شمالی درصد زنانی که زیر سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده اند در طول سه دهه گذشته تا نصف کاهش پیدا کرده، یعنی از ۳۴ درصد به ۱۸ درصد رسیده است. در آسیای جنوبی آمار ازدواج مربوط به ازدواج دختران زیر ۱۵ سال از ۳۲ درصد به ۱۷ درصد نزول داشته، اما با این حال ازدواج دختران زیر ۱۸ سال همچنان متداول می باشد. گرچه نرخ ازدواج کودکان به طور کلی در آمریکای لاتین و جزایر کارائیب پایین تر به دست آمد، اما در وقوع و میزان کودک همسری هیچ تفاوت و تغییر معنی داری صورت نگرفته است. در اندونزی و قاهره ریسک ازدواج زیر سن ۱۸ سال نسبت به سه دهه پیش تا ۵۰ درصد کاهش پیدا کرده است. در اتیوپی سن ازدواج زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله، نسبت به زنان هم سنشان در سه دهه پیش، سه سال افزایش یافته است (یونیسف). علی رغم مزایایی که این کاهش در آمار ازدواج کودکان به همراه داشته، سرعت نزول در صدها به قدر کافی سریع نبوده که با رشد جمعیت همگام باشد، برای مثال در برخی کشورهای که ازدواج کودکان رایج است، مانند بورکینافاسو و نیجر، میانگین سن اولین ازدواج تغییر معناداری نکرده است. در بورکینافاسو رواج کودک همسری در طول سه دهه گذشته در حدود ۵۰ درصد ثابت باقی مانده است. اگر همین روند پابرجا بماند، شمار عروسان خردسال با افزایش جمعیت در سالهای آینده افزایش پیدا خواهد کرد (همان). در کشورهای که رسم کودک همسری دارای رواج گسترده ای است، سرعت کاهش اعمال آن باید به قدری بالا

برود که بتواند رشد جمعیت را موازنه و تعدیل نماید. درصدهای بالای ازدواج کودکان هنوز در میان فقیر ترین‌های جامعه پابرجاست (یونیسف، ۱۳۹۴). باور نکردنی ست که ازدواج زود هنگام کودکان هنوز یک عمل شایع است. در سال ۱۳۶۴، ۳۳ درصد از دختران قبل از سن ۱۸ سالگی و ۱۲ درصد از دختران قبل از ۱۵ سالگی ازدواج کرده بودند. در سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۵ بیش از دو پنجم زنان ۲۰ الی ۲۴ ساله قبل از ۱۸ سالگی ازدواج کرده بودند. تا سال ۱۳۸۹ این رقم به ترتیب به ۲۶ درصد و ۸ درصد کاهش یافت (گافنی ریس، ۱۳۹۰). معمولاً این دختران نوجوان هستند که قربانی تحمل ضربه فیزیکی و احساسی این رسم مرد سالارانه و ظالمانه‌اند، زیرا آنها در موقعیتی نیستند که بتوانند رضایت یا عدم رضایت خویش را ابراز کنند.

آمارها وضعیت دل نشینی را به تصویر نمی‌کشند. بر اساس گزارش صندوق جمعیت سازمان ملل، در کشورهای در حال توسعه از هر سه دختر یک نفر در نوجوانی ازدواج می‌کند، که معادل ۳۴ درصد از جمعیت این گروه سنی می‌باشد. با در نظر داشتن این روند، چنین تخمین زده شده است که تا سال ۱۳۹۹، ۱۴۰ میلیون دختر در زیر سن ۱۸ سال و ۱۵ میلیون نفر از آنها زیر ۱۵ سال ازدواج خواهند کرد. هر ساله ۱۴ میلیون و هر روزه ۳۹ هزار دختر ازدواج می‌کنند. در کشورهای در حال توسعه از هر ۹ دختر، یک نفر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سالگی متاهل می‌شود. نتایج برآوردها حاکی از آن است که اگر الگوهای ازدواج ثابت باقی بمانند، در

عرض ۱۰ سال بیش از ۱۰۰ میلیون زن جوان در عنفوان نوجوانی شان (قبل از ۱۸ سالگی) ازدواج خواهند کرد و به طور تخمینی ۱۴ میلیون آنها زیر ۱۵ سال سن خواهند داشت. صندوق جمعیت سازمان ملل ادعا کرده است که بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹، بیش از ۱۴۰ میلیون دختر به عروسان خردسال بدل می‌شوند (صندوق جمعیت سازمان ملل، ۱۳۹۱).

امروزه در جهان، به طور تخمینی ۵۸۰ میلیون دختر نوجوان وجود دارند که ۸۸ درصد از آنها در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند. در حال حاضر در این کشورها ۲۰,۰۰۰ دختر زیر سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند. اگر این کنش با روند یکسانی ادامه یابد، به احتمال زیاد تا سال ۱۴۰۹، ۱۵ میلیون کودک تبدیل به مادران خردسال خواهند شد.

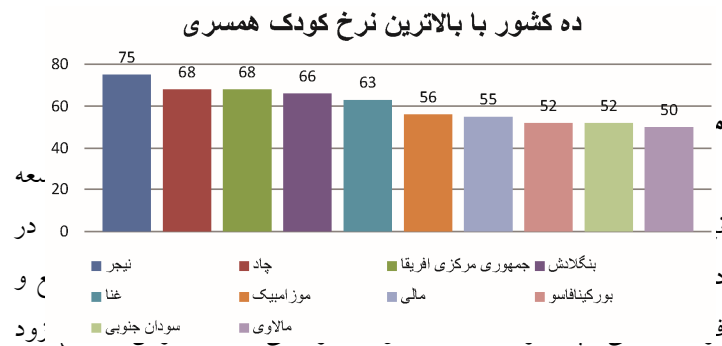
در ازدواج زود هنگام، دختران بیشتر در معرض تجربه فقر سلامت جنسی و باروری‌اند. مطالعات نشان داده‌اند که از اکثر دخترانی که در خردسالی ازدواج می‌کنند، انتظار می‌رود که بلافاصله باردار شوند، آنها تحت فشار شدید برای به دنیا آوردن فرزند- ترجیحاً پسر- هستند، تا ارزش باروری خود را اثبات نمایند. این امر معمولاً یک تراژدی حزن‌انگیز برای زندگی مادران (که هنوز خودشان کودکانی بیش نیستند) و برای کودکانشان است (نور، ۱۳۸۵). سالانه ۷,۳ میلیون دختر زیر ۱۸ سال فرزند به دنیا می‌آورند و از میان آنها ۲ میلیون نفر زیر ۱۴ سال سن دارند. به لحاظ آماری مرگ و میر مادران در حین زایمان در میان زنانی که پایین‌تر از سن

۲۰ سالگی زایمان کرده‌اند، ۵۰ درصد بالاتر است. هر ساله ۷۰,۰۰۰ نفر از این نوزادان اندکی پس از تولد می‌میرند و ۳,۲ میلیون کودک مجبور به سقط جنین می‌شوند.

ده کشور دارای بالاترین نرخ ازدواج کودکان هستند؛ نیجر ۷۵ درصد، چاد و جمهوری افریقای مرکزی ۶۸ درصد، بنگلادش ۶۶ درصد، غنا ۶۳ درصد، موزامبیک ۵۶ درصد، مالی ۵۵ درصد، بورکینافاسو و سودان جنوبی ۵۲ درصد و مالاوی ۵۰ درصد. هر چند رواج کودک همسری در هند، رکورد بالاترین نرخ ثبت شده ازدواج کودکان را ندارد، اما بعد خالص جمعیت آن به این معناست که هند یک سوم جمعیت کودک همسران دنیا را به خود اختصاص می‌دهد-یعنی بالاترین شمار در هر کشور دیگر دنیا(کلاگمن و همکاران، ۱۳۹۳).

مادر شوهرم گفت تو نازایی، من قسم می‌خورم. منم به خاطر اطمینان به حرف اون مصرف قرص هامو قطع کردم و دو ماه بعد باردار شدم. بعداً فهمیدم عمداً اون حرف رو زده تا بچه بیارم. دلم می‌خواست تو شرایط دیگه ای بچه دار شم نه تو اون فقر. می‌خواستم بچه م به آرزوهایش برسه. خودم کم خونی و ضعف مفرط دارم.

پاسخگوی زن، ۳۲ ساله
اهواز، کوی ال صافی



هنگام با تبدیل کردن دختران به مسئولیت اقتصادی شوهرانشان، به عنوان تنها راه حل ممکن برای تخفیف مشقات اقتصادی خانواده پنداشته می شود. در طول دهه گذشته تحقیقات قابل توجهی در مورد ازدواج کودکان صورت گرفته است که سعی بر فهم و مبارزه با این پدیده و تحلیل برخی عوامل موثر در آن و نیز پیامدهایش داشته اند (کلاگمن و همکاران، ۱۳۹۳). مطالعات مطرح می کنند که هنجارهای اجتماعی و فرهنگی از جمله هنجارهای مربوط به مذهب، بر سنی که از دختران انتظار می رود ازدواج کنند تاثیر می گذارد. به علاوه، وضعیت اجتماعی، اقتصادی، سطح تحصیلات و زمینه اجتماعی بر احتمال ازدواج زود هنگام یک دختر دخالت دارند. در خصوص بافتاری که

در آن خود دختران به شخصه تصمیم به ازدواج می‌گیرند، اطلاعاتی در دست نیست. محققان زیادی تلاش کرده اند که فعالانه با مسأله همسران جوان سروکار داشته باشند، با این حال همانطور که یونیسف در گزارش "ازدواج زود هنگام، همسران خردسال" در سال ۱۳۸۰ مطرح کرد، بنا به پیچیدگی این مسأله، هنوز ازدواج کودکان به عنوان یک مشکل فراگیر به حیات خود ادامه می‌دهد (یونیسف، ۱۳۸۰). یک گزارش شناخته شده و معتبر دیگر که توسط بانک جهانی تحت عنوان "صدا و آژانس: توانمندسازی دختران و زنان جهت شکوفایی همگان" در سال ۱۳۹۳، این واقعیت را تایید می‌کند که علل ازدواج کودکان در بین نواحی مختلف متغیر است (بانک جهانی، ۱۳۹۳). اعلامیه بانک جهانی اختلاف سنی بین زوجین را وجه مشترک بین موارد کودک همسری خواند. این تفاوت سنی اثر گذاری دختر بر روی شوهرش را از وی سلب کرده و ساختار قدرت در خانه را شکل می‌دهد که منجر به خشونت خانگی می‌گردد (همان). گزارش یونیسف نیز گفتمان خشونت خانگی را تایید کرده و مطرح می‌کند که شرایط نابسامان خانگی باعث می‌شود دختران از همسرانشان فرار کنند. عملی که به شدت مذموم بوده و در آسیای جنوبی، به خصوص در کشورهای مسلمان نشین از جمله گناهان بزرگ به حساب می‌آید. شماری از این دختران که سعی می‌کنند از این وصلت‌های ناخواسته و اجباری فرار کنند، در معرض خشونت‌های آبرومحورانه قرار می‌گیرند زیرا به باور مردم از آبرو و عزت خانواده عدول کرده اند. خانواده‌ها درون فرهنگ‌های خاص خود چنین

رفتارهای قبیحی را با بد رفتاری با دختران و در نهایت امر، با "قتل ناموسی" پاسخ می‌دهند (یونیسف، ۱۳۸۰). قتل‌های ناموسی در بنگلادش، مصر، اردن، لبنان، پاکستان، ترکیه و سایر نواحی اتفاق می‌افتد (یونیسف، ۱۳۷۹).

صندوق جمعیت سازمان ملل نیز در سال ۱۳۹۲ در گزارشی تحت عنوان "خیلی زود ازدواج کردن: پایان ازدواج کودکان" در خصوص کودک همسری نتایج مشابهی را به دست داد (صندوق جمعیت سازمان ملل، ۱۳۹۱).

این گزارش به ترکیبی از علل و اثرات ازدواج زود هنگام کودکان بر مردم نواحی مختلف توجه دارد و این تفاوت‌ها را بازنمایی کرده و ناهمخوانی‌های وضعیت اقتصادی مناطق جغرافیایی مختلف را به تصویر می‌کشد. پیشینه تحقیق در خصوص ازدواج زود هنگام کودکان، بیشتر رواج این پدیده را در جوامع مسلمان و آسیای جنوبی مورد هدف قرار داده است، اما واقعیت غیر قابل انکار این است که رسوم ازدواج‌های ناعادلانه، خشونت خانگی و سایر اشکال خشونت بر مبنای جنسیت در بسیاری از جوامع به فراوانی دیده می‌شوند. این خشونت ممکن است به لحاظ مقیاس و درجه متغیر باشد اما نوع و ماهیت آن در همه جوامع یکسان است. در جوامع صنعتی، این خشونت خود را در موسیقی، استهزای زنان، آزار و اذیت جنسی و فشارهای اجتماعی نشان می‌دهد. در کشورهای در حال توسعه رسوم خشنی مانند ناقص‌سازی اندام جنسی زنان و ازدواج زود هنگام کودکان به شکلی قوی تحت عنوان رسم و فرهنگ اعمال و برای توجیه اعمال نفرت انگیز و غیر انسانی بکار گرفته

می شوند. "سنت" دشمن دیرینه منزلت و امنیت زنان است و سعی در نگهداشت تسلط مردان و انقیاد زنان دارد. خشونت علیه زنان یک مسئله جهانی است که در تمامی مناطق، کشورها، جوامع و فرهنگ‌ها با درجات مختلف وجود دارد و بر تمامی زنان فارغ از قومیت، نژاد، طبقه و درآمد اثر می‌گذارد. تحقیقات متعددی بر این مهم صحنه گذاشته اند. همانطور که مایر (۱۳۷۴) مطرح می‌کند هنجارهای بین‌المللی مصوب در اعلامیه سازمان ملل بر حقوق بشر، معارض بسیاری از رسوم تبعیض آمیزی است که برای مدت‌های مدیدی در سیستم قضایی، از جمله در غرب، تثبیت شده اند. به اعتقاد کاملا سارو، خشونت‌های بر مبنای جنسیت بخشی از مسائل جهانی اند که با روابط سنتی سلسله مراتبی قدرت بین مردان-زنان و والدین-فرزندان مرتبط است و در بسیاری از جوامعی که این روابط وجود دارند می‌تواند اتفاق بیفتد (خانوم، ۱۳۸۷). کاملا ساروپ، ژورنالیست نیپالی، از اثرات آسیب زای تجربیات یک دختر نوجوان در ازدواج زود هنگام بحث می‌کند. به اعتقاد وی، کم سوادی، بارداری زود رس، مشکلات سلامتی، روابط جنسی اجباری، عدم پذیرش آزادی و توسعه فردی، طلاق زود هنگام و مطرود سازی بیشتر دامن گیر دختران می‌شود زیرا آنها هنوز کودک، آسیب پذیر و سلطه پذیر هستند (ساروپ، ۱۳۸۶).

به گفته نوال.ام.نور. (۱۳۸۵)، دختران جوانی که زیر سن بیست سالگی ازدواج می‌کنند در معرض خطر ابتلا به ایدز قرار دارند، این اظهار نظر توسط چندین مطالعه دیگر در جامعه آفریقا تایید شده است. دختران خردسالی که به همسری مردان بزرگسال در می‌آیند (که از لحاظ جنسی

با تجربه ترند)، و قادر به بحث و اظهار نظر در مورد آمیزش جنسی امن تر و کاراتر نیستند، معمولاً در مقابل ابتلا به بیماری‌های مقاربتی آسیب پذیرند. مطالعه‌ای در کنیا نشان داد که احتمال مبتلا شدن دختران متأهل به بیماری ایدز ۵۰ درصد بالاتر از این احتمال برای دختران مجرد بود. احتمال این ریسک حتی در زامبیا بالاتر نیز بود (۵۹ درصد). در اوگاندا میزان شیوع ایدز در میان دختران ۱۵ الی ۱۹ ساله متأهل (۸۹ درصد) بیشتر از دختران مجرد (۶۶ درصد) بود؛ این در صدهای ابتلا به ایدز برای دختران ۱۵ الی ۲۹ سال متأهل و مجرد به ترتیب ۲۸ درصد و ۱۵ درصد بود. علاوه بر این به نقل از نور، اختلاف سنی بین زوجین یک عامل تعیین کننده و اساسی در ابتلای زنان به ایدز شناخته شده است. فرضیه مرتبط با این یافته از این قرار است که یک دختر جوان به لحاظ فیزیولوژیکی به علت اینکه واژن وی هنوز برخوردار از سلول‌های محافظتی نبوده و دهانه رحم‌اش ممکن است به آسانی تحلیل رود، بیشتر در معرض آلودگی به ایدز قرار می‌گیرد. تمامی این مطالعات حاکی از آنند که دختران توسط شوهران خودشان آلوده می‌شوند. در نتیجه به طرز زننده‌ای، این ازدواج زودهنگام کودکان است که آن‌ها را در معرض ابتلا به ایدز قرار می‌دهد.

مطالعات چندی بر این استنباط نتیجه داده اند که ازدواج در سنین بالاتر نه تنها برای خود همسران، بلکه برای نسل بعدی هم سودمند است زیرا به نحوی تضمین آینده‌ای مساعدتر و سالم تر برای خانواده است. دیرتر ازدواج کردن به فرد آزادی بیشتری داده و امکان اعلام رضایت دختر برای ازدواج (که او را از تمامی تبعات منفی کودک همسری حفظ

می‌کند) را فراهم می‌آورد. گزارش یونیسف، ازدواج در سنین بالاتر را با سطح بالاتر تحصیلات، توانمندی، خوداتکایی و ورود به عرصه نیروی کار رسمی مرتبط اعلام کرد (یونیسف، ۱۳۹۰). بانک جهانی نیز مطرح کرد که دیرتر ازدواج کردن و برخورداری از تمامی این مزایا به رفاه بیشتر و مبارزه با فقر در تمامی جوامع منجر می‌گردد (بانک جهانی، ۱۳۹۵). واقعیت تلخ زندگی ۱۵ میلیون دختر در سراسر دنیا این است که آنها هرگز از مزایای ازدواج در سنین بالاتر حتی اطلاع پیدا نخواهند کرد.

رواج ازدواج زود هنگام کودکان در ایران

در صد قابل توجهی از کودکان و نوجوانان در ایران زیر سن ۱۵ سالگی ازدواج می‌کنند. در خصوص پدیده کودک همسری در ایران اطلاعات اندکی در دست است. از آنجا که بسیاری از موارد ازدواج کودکان ثبت نمی‌شوند، تعیین کمیّت رواج این پدیده در ایران دشوار است. آنچه اوضاع را وخیم‌تر می‌کند این است که در مناطق روستایی گاهاً تولد نیز ثبت نمی‌شود و این امر تعیین سن دقیق فرد در زمان ازدواجش را غیر ممکن می‌سازد. با این حال شکی نیست که رسم کودک همسری در ایران در سراسر ۳۱ استان آن رواج دارد. مهم است به خاطر داشته باشیم که ازدواج زود هنگام کودکان یک پدیده صرفاً زنانه نیست بلکه ازدواج پسران بسیار جوان در جوامعی که ازدواج زود هنگام به لحاظ اجتماعی مقبول و معمول است را نیز شامل می‌شود. در اینجا توجه به تناقض روندهای ازدواج در ایران جالب توجه است، روند ازدواج در ایران یک مقیاس دو قطبی است. در یک طرف این قطب، جمعیت جوان و فعال قرار دارد که ازدواج را به میانسالی به تاخیر

می‌اندازد و در طرف دیگر قطب، به دختران و پسران خردسالی می‌رسیم که هدف یا قربانیان کودک همسری هستند. عواملی مانند توسعه نسبی و تدریجی، اکتساب سبک زندگی مدرن و مشکلات اقتصادی فردی نسل جوان را وادار به موکول‌سازی ازدواج به سنین بالاتر کرده است. قوانین سخت گیرانه، آبروی خانوادگی و امیال جنسی منجر شده است که ازدواج تنها شکل مقبول درگیری در روابط جنسی باشد. داشتن مقاربت جنسی خارج از روابط زناشویی مسأله ساز است، به خصوص از این لحاظ که هیچ راه دیگری برای برطرف کردن این نیازها وجود ندارد. افراد تشویق می‌شوند که در سنین بسیار پایین ازدواج کنند تا به نگهداشت نظم اجتماعی و نظام کنترل اجتماعی کمک کنند. بعد از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، قوانینی که از ازدواج زودهنگام کودکان جلوگیری می‌کرد، تغییر و مخالف با شریعت اسلامی تشخیص داده شدند. در بسیاری از قوانین مربوط به ازدواج تجدید نظرهایی به عمل آمد و ازدواج کودکان مجاز شد.



برگزاری نمایشگاه ازدواج در ایران تحت نظارت دولت
عکس: کامیل احمدی

عوامل موثر و تعیین کننده در وقوع کودک همسری با ارائه یک مدل تحلیلی در فصل بعد به تفصیل مورد بحث قرار گرفته اند. متغیرهای مستقل مدل تحلیلی عبارتند از سرمایه فرهنگی^۳ (از جمله هنجارها و سنن)، باورهای دینی، جایگاه اجتماعی، سرمایه اقتصادی و سطح تحصیلات. متغیرهای کنترل، جنسیت و ناحیه سکونت (روستا یا شهری بودن) می باشند. خود متغیر کودک همسری نقش یک متغیر مستقل برای متغیرهای وابسته موجود در مدل را ایفا می کند که عبارتند از خشونت خانگی و جنسی؛ فقر فرهنگی، فقر اقتصادی و ریسک سلامتی و بهداشتی. در این ساختار، فهم بهتر نیازمندی های کودکان و نوجوانان برای به کار بستن برنامه هایی که شرایط خاص ایشان و آسیب پذیری بالایشان را در نظر دارد، حیاتی و ضروری می نماید. پرداخت صدها مطالعه و پیمایش در مناطق مختلف جهان جهت توصیف نسبت و توزیع ازدواج زود هنگام کودکان گواه این است که اینک، جهان به نسبت پدیده کودک همسری آگاه تر و حساس تر شده است. در طول دهه گذشته به عنوان انعکاسی از افزایش سازو کار جهانی به این پدیده، مطالعات محلی چندی و تعدادی پایان نامه دانشگاهی بر اهمیت هوشیاری عمومی در

^۳Cultural capital

^۴Domestic and sexual violence

این حیطه صحنه گذاشته اند.

آمارهای ازدواج کودکان در ایران

آمارهای رسمی و دولتی (سالنامه آماری ثبت احوال، ۱۳۹۳) نشان از آن دارد که بیش از ۷,۷ درصد از دختران در تهران و ۴۰ درصد در سیستان و بلوچستان قبل از سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده اند. نرخ ازدواج نوجوانان در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۱۳,۷ درصد و ۱۹,۶ درصد بوده است (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲۷-۲۲۹). طبق آخرین سرشماری در ایران در سال ۱۳۹۴، بالاترین شمار ازدواج ثبت شده، مربوط به زنان ۱۵ الی ۱۹ سال بوده است (سالنامه آماری ثبت احوال، ۱۳۹۳). همچنین آخرین داده‌های موجود در مورد فراوانی ازدواج در سال ۱۳۹۴، نشان داد که مجموع ازدواج دختران و پسران زیر ۱۸ سال ۲۸۷,۰۷۷ مورد بوده است، یعنی ۲۵۴,۴۹۰ دختر و ۳۲,۵۸۷ پسر). با این حال هیچ شمار دقیقی برای این پدیده در دسترس نیست، زیرا در بسیاری از مناطق مراسم ازدواج در درون خانواده صورت گرفته و رسماً به ثبت نمی‌رسد. حداقل ۴۸,۵۸۰ دختر ۱۰ الی ۱۴ ساله در سال ۱۳۹۰ ازدواج کرده اند که از میان آنها ۴۸,۵۶۷ نفر تا قبل از رسیدن به ۱۵ سالگی حداقل یک بار بچه‌دار شده بودند. حدود ۴۰,۶۳۵ مورد ازدواج دختران زیر ۱۵ سال نیز بین اسفند ماه سال ۱۳۹۰ تا اسفند ۱۳۹۱ ثبت شد که در بیش از ۸۰۰۰ مورد آن زوج بیشتر از ۱۰ سال از زوجه خردسال بزرگتر بود، علاوه بر این، در سال ۱۳۹۱، حداقل ۱,۵۳۷ مورد ازدواج دختران زیر ۱۰ سال ثبت شده است که در مقابل آمار ازدواج همین گروه سنی در سال قبل (۷۱۶ مورد) افزایش قابل توجه و چشمگیری

است. تعداد طلاق‌های ثبت شده برای دختران زیر ۱۵ سال، به طور مداوم از سال ۱۳۹۱ به بعد افزایش پیدا کرده است. پاسخ دولت به مشکل جاری این بوده که قانون ازدواج اجباری را منع کرده است. در حالیکه مشکلات روانی و جسمی بی شماری در ازدواج کودکان دختران خردسال را قربانی خویش می‌کند، زندگی پسران جوان نیز به همین سان در معرض خطر است. گرچه تجربهٔ چنین مشکلاتی برای پسران دارای گستردگی و میزان کمتری است، چون ازدواج زود هنگام برای آنها جنبهٔ استثمارگرانه یا آسیب جسمی کمتری نسبت به دختران دارد، در نهایت امر این پدیده برای هر دو جنس غیر قابل قبول می‌باشد. پسران پس از ازدواج در سنین پایین، شانس تحصیلات بالاتر را از دست می‌دهند که نه تنها آنها را از یادگیری مباحث و دروس آکادمیک محروم می‌کند، بلکه جایی که در آن می‌توانستند اهمیت احترام به حقوق دختران را بیاموزند را نیز از ایشان می‌گیرد. برخی مجبور به ترک تحصیل می‌شوند تا بتوانند مخارج عروسی، حمایت از والدین، تامین همسر و فرزندانشان را برآورده کنند. بسیاری از آنها به خاطر انتظارات خانواده و فشارهای اقتصادی مجبور به ازدواج در کودکی می‌شوند. علاوه بر اینها، انکار دوران کودکی و نوجوانی، جهش به دوران بزرگسالی در سن کم، اجبار به کار جهت برآورده ساختن نیازهای اقتصادی خانواده، از جملهٔ مهمترین موانع بر سر راه پسران هستند. آنها به جای پشت سر گذاشتن مراحل نرمال کودکی، به یکباره زیر بار مسئولیت‌های خانگی، پدری و روابط جنسی قرار می‌گیرند. داده‌ها در خصوص شمار پسران متأثر از ازدواج کودکان اندک است و این امر کار ما را در ترسیم نتیجه‌گیری‌های معتبر و وضعیت کودک همسری دشوار می‌کند. با اینحال اطلاعات در دسترس تاییدگر این واقعیتند

که احتمال کمتری می‌رود پسران یک ناحیه نسبت به دختران همان ناحیه زیر سن ۱۸ سالگی ازدواج کنند. در سال ۱۳۹۳، مجموع ۳۲,۵۸۷ پسر ازدواج کردند و ۱,۳۷۲ مورد در زیر سن ۱۸ سالگی طلاق گرفتند. شمار کودک مادران در مقایسه با کودک پدران ۵۰۶ بار افزایش یافته است، که نشان می‌دهد دختران در فاصله سنی ۱۰ الی ۱۸ سال (یعنی ۸۵ درصد از جمعیت) به ازدواج مردان هجده ساله یا بزرگتر در آمده‌اند. تنها ۱۵ درصد از آنها با مردی هم سن و سال خود ازدواج کرده‌اند. همانطور که در فصل بعد تشریح خواهد شد، مسئله طلاق نیز یکی دیگر از مسائل ملازم کودک هم‌سری ست. نرخ طلاق در ایران در این گروه سنی (۱۰ الی ۱۸ سال) به طرز قابل توجهی بالاست. طبق آخرین داده‌های جمعیت‌شناختی ۲۱,۱۴۹ دختر و پسر زیر ۱۸ سال در سال ۱۳۹۳ طلاق گرفته‌اند.



خانواده‌ی لر ساکن خوزستان که حامی ازدواج زودهنگام جهت حفظ پاکی و عفت فرزندان‌شان بودند.

عکس: کامیل احمدی

ریشه‌های تاریخی ازدواج زود هنگام کودکان در ایران

ایران به عنوان یک کشور خاورمیانه‌ای همواره بخشی از زندگی مشابه فرهنگی سایر کشورهای خاورمیانه‌ای بوده است، مانند جهان عرب. گرچه ایران یک کشور عربی نیست، اما اشتراکات دیرینه و عمیقی با جهان عربی اسلام دارد. این امور ما را به اهمیت و تأثیر زبان عربی در تاریخ ایران سوق می‌دهد در نتیجه برای فهم ریشه‌های تاریخی کودک همسری، توجه به حساسیت و پیچیدگی جهان غرب ضروری می‌نماید. کشورهای عربی در نواحی استوایی واقع شده‌اند، جایی که دمای بالا از علل اصلی بلوغ زود رس در میان دختران و پسران جوان است و این امر دلیل کافی‌ای برای تبدیل شدن ازدواج زودهنگام به یک رسم اجتماعی تقریباً مقبول می‌باشد که مورد تأیید روحانیون و رهبران دینی ست. ازدواج زود هنگام در اقلیم گرمسیری از این جهت توجیه می‌شود که رشد بدن سریعتر و حتی میل جنسی نیز بیشتر است. این استدلال توسط مردمی که در جنوب و شرق ایران زندگی می‌کنند عموماً پذیرفته و گفته می‌شود. همچنین مصاحبه‌هایی که در آخرین مطالعه نویسنده بر روی ختنه زنان صورت گرفت^۵ گواه همین باور است. گرچه این عامل بیولوژیکی تنها در نواحی جغرافیایی دارای اقلیم گرمسیری صدق می‌کند،

^۵<http://kameelahmady.com/fgm-in-iran/>

اما رسم ملازم آن با ترویج و تبلیغ اسلام در سایر نواحی به فراتر از مرزهای عربی شیوع کرد. ذکر این نکته لازم است که در نواحی جنوبی ایران که بیشتر محل سکناى اعراب ایرانی است، این خصلت فرهنگی در حین کار میدانی مشاهده شد که بسیار به فرهنگ عربی نزدیک تر بوده تا فرهنگ ایرانی. در نتیجه رسوم ازدواج و سن ازدواج مقبول بازتابی از ملیت بود تا ناحیه جغرافیایی روی نقشه یعنی ایران. چنین امری در مناطق مختلف خوزستان واقع در جنوب غربی ایران نیز دیده شد. در روستاهایی با ملیت‌های عرب، فارس و لر، اعراب نرخ‌های بالاتری از ازدواج زودهنگام کودکان و سرکوب زنان را داشتند. دستورات رهبران مذهبی و روایات سنتی از سبک زندگی اکتسابی از پیامبران به عنوان الگو و مثالی برای زندگی مردم تعریف و اقتباس شده و اخذ خلق و خوی این افراد در تمامی مراحل زندگی فرد تشویق و توصیه شده است. هرچه دختر جوانتر باشد احتمال باکره بودنش بیشتر بوده و در نتیجه از این لحاظ مردان بزرگسال چنین دختران خردسالی را ترجیح می‌دهند (فلور، ۱۳۸۹: ۴۹-۴۸).

عفت و بکارت نیز نقش بسیار مهمی در زندگی دختر جوان و شأن و اعتبار خانواده در روابط اجتماعی شان ایفا می‌کند. سنت دیرینه ایرانی تاکید بالایی بر پرهیز از روابط جنسی قبل از ازدواج دارد. در بسیاری از استان‌هایی که کار میدانی تحقیق در آن انجام یافت مانند سیستان و بلوچستان یک ملافه سفید و جدید در وسط رخت خواب عروس و داماد در اولین شب ازدواج‌شان قرار داده می‌شود، زیرا پارچه لکه خون گرفته شب اول اثبات باکره بودن عروس است. در برخی موارد که نو

عروس بنا به اشل کال مختلف پرده بکارتش خونریزی نمی‌کند، بی‌اعتمادی و مشکلات ناموسی مطرح می‌شود که گاهاً تا آخر زندگی‌اش همراه او می‌ماند و در مواردی منجر به پس‌فرستادن نو عروس به خانه پدرش در روز بعد ازدواج و بلافاصله طلاق دادنش شده است. فشار اجتماعی شدیدی حول و حوش باکرگی در فرهنگ ایرانی تجربه می‌شود که خود باعث می‌شود ترمیم پرده بکارت در ایران امر رایجی باشد. زنانی که قبلاً رابطه جنسی داشته‌اند، قبل از ازدواج پرده بکارت خود را دوباره می‌دوزند یا ترمیم می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف فصل اخیر کسب آگاهی در مورد علل زمینه‌ای ازدواج کودکان به طور کلی، با مروری بر ایران به عنوان یک مثال موردی که تا حدود وسیعی کودک همسری را شاهد بوده است، می‌باشد. در این فصل پدیده کودک همسری به تفصیل تعریف شد و رواج جهانی و تحلیل عوامل زمینه‌ای متعدّدش مطرح گشت. این بخش علاوه بر این مروری بر ادبیات تحقیق دارد که در آن ازدواج زود هنگام کودکان مشخصاً مانعی بر سر راه توسعه در نظر گرفته شده است. وجود کودک همسری و یا سیر صعودی آن یک روایت پیچیده است که مستلزم تحقیقات و مطالعات بیشتر جهت درک و مبارزه با این رسم جانکاه و ریشه‌دار می‌باشد. نویسندگان رواج کودک همسری در ایران، اطلاعات آماری موجود، و ریشه‌های تاریخی این پدیده را با فراهم آوردن مثال‌هایی از آثار مورخان و محققان تشریح می‌کند. موشکافی‌های بیشتر در خصوص ازدواج زود

ازدواج زودهنگام کودکان، تعاریف و مفاهیم ۵۹

هنگام در ساختار جامعه ایرانی، در فصل‌های بعدی پرداخته شده است.

فصل دوم:

قانون، دین و عوامل جامعه شناختی

تو کارون اکثر ازدواج‌ها عشیره‌ای و فامیلی هست. زینب مجبور شد خیلی زود شوهر کنه تا به پسر عموی عقب افتاده‌اش ندنش. ما باید رسم قدیم رو داشته باشیم چون توی خون و رگمونه و باید باشه. مادر شوهر دخترم، خواهر منه. درسته دخترم بچه ست ولی باید دو سه تا بچه داشته باشه تا زندگی رو بفهمه. نگو مجبورم! بگو وظیفه مه!"
مادر زینب، 42 ساله
کارون، استان خوزستان

نگاه کلی: سن رضایت ازدواج زود هنگام در زمینه قانون جهانی

ازدواج یک پیمان رسماً و اجتماعاً پذیرفته شده یا قراردادی قانونی بین زوجین است که حقوق و تعهداتی را در میان آنها، فرزندان و خانواده هایشان بر می‌انگیزد. گرچه تعریف ازدواج از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است، اما اصولاً یک نهاد فرهنگی جهانی تعریف شده است که در آن روابط میان فردی اذغان می‌شود (هاویلند و همکاران، ۱۳۹۰). نگرش‌های اجتماعی نسبت به ازدواج در طول صد سال گذشته تغییر پیدا کرده اند. این تغییر بیش از هر جایی در نگرش به سن ازدواج خود را نشان می‌دهد. در گذشته ازدواج در سنین پایین متداول بود. در واقع قبل از قرن نوزدهم اکثریت مردم در سراسر دنیا در مکان واحدی زندگی و کار می‌کردند. خانه یک کارخانه کوچک بود، یک مرکز تولیدی پر قیل و قال. این مجاورت جغرافیایی محل زندگی و محل کار بر بیش زوج بر رابطه شان با همدیگر اثر شگرفی داشت. با این حال، همزمان با گسترش انقلاب صنعتی در شمال آمریکا، اروپا و دیگر بخش‌های صنعتی جهان، مردم به طور روز افزون زندگی روستا نشینی خود را رها کرده و به مراکز شهری مهاجرت کردند. تحول از اقتصاد کشاورزی به صنعتی و اقتصاد

خدمات محور، ساختار خانواده را دگرگون کرد و آنچه حاصل شد جداسازی خانه‌ها از یک طرف، و مردمانی که تجربه زندگی در جهان صنعتی را داشتند از طرف دیگر بود. انقلاب صنعتی به خلق فرصت‌های شغلی برای تمامی اعضای خانواده کمک کرد. برای مثال زندگی اقشار گسترده‌ای از جمعیت بریتانیای کبیر تحت شعاع تحولات انبوه حین انقلاب صنعتی قرار گرفت. اما عمیق‌ترین اثر آن، بر روی نهاد ازدواج بود، زیرا میزان و زمان بندی ازدواج تحت تاثیر منفی جریان مهاجر فرستی غالب بر زنان جوان قرار گرفت و در نتیجه نرخ کلی باروری همراه با بالا گرفتن مهاجرت‌ها، رو به کاهش نهاد.

ازدواج کودکان

ازدواج کودکان به لحاظ تاریخی در سراسر دنیا رایج بوده است. کودک همسری با طول عمر متوسط ۴۰ الی ۴۵ سال امری معمول و شایع بوده است. در جوامع باستانی و قرون و سطایی ازدواج دختران یا نامزد شدنشان قبل از بلوغ متداول بود (لیو، ۱۳۶۷). در اسرائیل با ستان توافق قراردادی بر روی دختر جوان، یک امتیاز عامه پسند برای پدر دختر تلقی می شده است. آنها قبل از سن ۱۵ سالگی و اغلب به محض بلوغ ازدواج داده می شدند (فریدمن، ۱۳۵۹). مطالعات نشان می دهند که ارجاعات فراوانی به کودک همسری در ادبیات قرن شانزدهم و سایر منابع شده است، به این معنا که ازدواج کودکان به طوری رایج بوده که عملاً در قالب یک هنجار در آمده و یک دختر دوازده ساله از تمامی جوانب و زوایا در نظر مردم یک بزرگسال در نظر گرفته

می‌شد (لامدن، ۱۳۷۹: ۴۷). در یونان، ازدواج زود هنگام و مادر شدن دختران جوان مورد تشویق قرار می‌گرفت (دمند، ۱۳۷۳: ۱۰۱-۱۰۴). در رم باستان از پسران جوان انتظار می‌رفت در نوجوانی ازدواج کنند، یعنی دختران در سن ۱۲ سالگی به بالا و پسران ۱۴ سالگی به بالا متأهل می‌شدند (دهل، ۱۳۸۹). در قرون وسطی، تحت حاکمیت قانون مدنی انگلیسی ازدواج زیر ۱۶ سالگی متداول بود. همچنین در امپراطوری چین نیز ازدواج زود هنگام اتفاق می‌افتاده است (ژائو، ۱۳۷۶). تنها از قرن بیستم به بعد بود که ازدواج زود هنگام کودکان زیر سوال قرار گرفت. متوسط سن اولین ازدواج افراد در بسیاری از جوامع بالا رفت و بسیاری کشورها حداقل سن ازدواجشان را افزایش دادند.

سن

بسیاری از حوزه‌های قضایی، یک حداقل سنی را برای ازدواج تعیین می‌کنند، به این معنا که فرد بایست به سن خاصی (معمولاً ۱۸ سال) رسیده تا قانوناً اجازه ازدواج به وی داده شود. سنی که در آن فرد به لحاظ قانونی می‌تواند ازدواج کند، با سن رضایت^۶ فرق دارد.^۷ در دستگاه‌های قضایی‌ای که سن قابلیت ازدواج از سن رضایت به ازدواج پایین تر است، قوانین معمولاً در مواردی که یکی از زوجین زیر سن

^۶Age of consent

^۷. سن رضایت به رابطه ی جنسی به سنی اطلاق می‌شود که در آن فرد به لحاظ قانونی قادر به رضایت به انجام آمیزش جنسی می‌باشد، یعنی سن حداقلی که یک فرد در آن قانوناً اجازه ی ورود به روابط جنسی را دارد.

رضایت قرار دارد، آن را نادیده می‌گیرد و قانون سن ازدواج به قانون سن رضایت ارجحیت می‌یابد. سایر سیستم‌های قضایی دیگر هم اشکال رابطه جنسی خارج از ازدواج را صرف نظر از سن رد و منع می‌نمایند. اطلاعات قابل اتکا در خصوص سن ازدواج ناچیزند. برای مثال در انگلستان تنها اطلاعات موثق در آمارهای اولیه عصر جدید از آمار دارایی‌های فرد پس از مرگش به دست می‌آید. نه تنها خود آمار و اطلاعات نسبتاً نادرند، بلکه در داده‌های موجود سن فرد ثبت نشده است. با این حال چنین به نظر می‌رسد که هرچقدر ثبت اطلاعات آماری کامل تر و دقیق تر باشند، بیشتر ابعاد ازدواج زود هنگام کودکان را برملا می‌کنند. مورخان امروزی گاه‌آ از پذیرش شواهد سن پایین ازدواج اکراه دارند زیرا چنین استدلال می‌کنند که این آمارها توسط نگارنده‌های بعد از آنها به اشتباه خوانده و بازنویسی شده اند.

مطالعه بر روی ۴۰ پیمایش جمعیت شناسانه سلامت حاکی از وجود سهم قابل توجهی از زنان در کشورهای در حال توسعه است که هنوز در سنین نوجوانی ازدواج می‌کنند. مطالعه نشان داد که بالاترین شمار ازدواج کودکان در جنوب صحرای آفریقا، خاورمیانه و آسیای جنوبی و کمترین میزان رواج آن در شمال آفریقا و آسیای جنوب شرقی است. دختری که به مدرسه متوسطه فرستاده شده، احتمال ازدواجش در حین نوجوانی بسیار کمتر است، در جوامعی که درصد بالاتری از زنان به مدرسه متوسطه رفته‌اند، سهم ازدواج در سنین کم، پایین برآورد شده است (سینگ و رنه، ۱۳۷۵).

در قرن دوازدهم، گرایتان(امپراتور روم)^۸ بنیان گذار قانون کلیسای کاتولیک در قرون وسطی اروپا، پذیرفت که سن بلوغ لازم برای ازدواج بایست حول و حوش ۱۲ سال برای دختران و ۱۴ سال برای پسران باشد. با این حال او معتقد بود که رضایت به ازدواج می‌تواند در سن پایین تری نیز واقع شود. از این رو مادامی که هیچ کدام از طرفین ازدواج زیر سن تعیین شده برای بلوغ قرار نداشته باشند، ازدواج می‌تواند سر بگیرد. قضات در برخی موارد ازدواج‌هایی بر مبنای رضایت دو طرفه کودکان زیر ۷ سال را تشویق کرده اند. بر خلاف قانون کلیسای کاتولیک، ازدواج کودکان ۲ و ۳ ساله نیز ثبت شده است.

مادرم گفت که اگه ازدواج نکنم خودشو می کشه. برام مهم بود با کسی ازدواج کنم که بعداً تظاهر نکنم و خودمو گول نزنم. سن ازدواجم رو نمی دونم چون موقع جنگ هویت خواهرم رو روی من گذاشتند.

زهره، ۳۵ ساله

آبادان، خوزستان

در مواقع بحران‌های انسانی مانند فجایع طبیعی یا جنگ‌ها، شمار ازدواج کودکان افزایش می‌یابد. ازدواج زود هنگام ضرورتاً یک استراتژی بقای اقتصادی است که به معنای اسیر کردن و تامین خوراک، پوشاک و تحصیلات یک نفر کمتر است. خانواده‌هایی که در وضعیت مشقت باری هستند، ازدواج کودکان را تنها مکانیسم مقابله با فقر، کشمکش و خشونت می‌دانند. این نکته شایان ذکر است که ازدواج کودکان به فراوانی در ۸ کشور که دارای عدم ثبات وضعیت^۹ هستند یافت می‌شود. این واقعیت، ارتباط و پیوستگی درونی ازدواج زود هنگام کودکان با فقر، کشمکش و خشونت را نشان می‌دهد (لمون، ۱۳۹۳).^{۱۰} همانطور که فراز و نشیب‌های اجتماعی مانند خشونت منطقه‌ای، جنگ و تخاصم، ازدواج کودکان را به سطح دیگری می‌کشاند، سن کودک بی ربط و بی معنا می‌شود.

ازدواج زود هنگام کودکان در جنگ و کشمکش

ازدواج کودکان یک واقعیت ترسناک جهانی برای بسیاری از دختران جوان است که در نتیجه وجود عواملی چون مفاهیم آبرو و افتخار،

^۹fragile states

^{۱۰}. نیجر، جمهوری آفریقای مرکزی، چاد، بنگلادش، مالی، سودان جنوبی، غنا و مالاوی به عنوان دول شکننده و حساس لیست شده‌اند که توسط سازمان همکاری اقتصادی و توسعه تعریف شده‌اند. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به definition in states of fragility 2015:meeting post-2015 ambitions.revised edition,2015

دیدگاه های انحرافی به جنسیت، فقر مفرط، متلاشی شدن زیر بنای خانوادگی، کم سواد، فرصت های شغلی اندک، جنگ و کشمکش به حیات خود ادامه داده است. زیر ساخت های ضعیف و خشونت و تهاجمات جنسی که به خودی خود ازدواج زود هنگام کودکان را قوت می بخشند، در زمان جنگ و نبردهای مسلحانه شدیدتر می شوند. پاسخ های انسان دوستانه و مبتکرانه امدادی معمولاً در حین جنگ و ناآرامی ها، خطر ازدواج زود هنگام دختران خردسال را نادیده می گیرند. در چنین شرایطی، کودک همسری یک واقعیت است. در طول تاریخ بشریت، جهان جنگ ها و مخاصمات مسلحانه بی شماری را به خود دیده است. این جنگ های مسلحانه پیروزی های ناپیدا و تراژدی های نامعلوم خود را داشته اند. زندگی ها نابود شدند. جوامع و محلات از هم پاشیدند. اما در عمق انهدام جنگ های مسلحانه - که به خودی خود مصیبت آورند- یک فاجعه دیگر پناه گرفته است. خشونت بر مبنای جنسیت در زمان جنگ و ناآرامی به صورت ازدواج زود هنگام کودکان رواج پیدا می کند. به عنوان پیامدی از این کشمکش ها، کودک همسری رواج شدید می یابد. طبیعت در حال پیشرفت و گستره کودک همسری و ضدیتش با زندگی دختران و زنان، در دوران پس از جنگ نیز در مبانئ نظامی خارجی در کمپ های نجات^۱ به ظاهر امن، کمپ پناهنده ها^۲ و بی جا شده ها^۳ ادامه می یابد. وقوع کودک همسری یادآور کریه این

^۱Safe Rescue Camps

^۲Camps For Refugees

^۳Displaced People

واقعیت است که جنگ‌های نظامی چه قبل و چه بعد از وقوعشان بیشترین سهمشان را از دختران و زنان جوان می‌گیرند.

زنان و دختران جوان که خود را در میانه جنگ‌های مسلحانه و در مسیر نظامی گران گروه‌های افراطی مانند نظامی گران بوکوحرام و دولت اسلامی می‌بینند، با غلبهٔ موحش خشونت بر مبنای جنسیت مواجه می‌شوند که از جانب این گروه‌های افراطی به عنوان تاکتیک ترور بکار گرفته می‌شود. رسانه‌ها گزارشات دلخراشی از تجاوز، بردگی جنسی و ازدواج کودکان که توسط افراط گران اعمال شده است، از جمله دادن دختران جوان به همسری به عنوان هدیه به جنگجویان نظامی، منتشر کرده اند.

مقالهٔ اخیراً منتشر شده‌ای توسط هیئت روابط خارجی تحت عنوان "شرایط ناپایدار؛ زندگی‌های شکننده: ازدواج کودکان در میان جنگ و فاجعه"، ارتباط بین نرخ رواج کودک همسری و وضعیت حساس مناطق را مورد بررسی قرار می‌دهد. اطلاعات موجود و فراوانی شواهد کیفی به این استنباط ناخوشایند ختم می‌شوند: کشورهایی که درصد ازدواج کودکانشان بالاست، از جمله حساس ترین، ضعیف‌ترین و ناپایدارترین کشورها هستند. آمارها دال بر اینند که از هر ده کشور با آمار بالای کودک همسری، نه کشور بر اساس لیست سازمان همکاری اقتصادی و توسعه از جمله کشورهای دارای شرایط حساس و ناپایدارند. در سه کشور از ده کشور برتر دنیا نرخ ازدواج کودکان معادل

^۱Fragile States, Fragile Lives: Child Marriage Amid Disaster and Conflict

بیش از ۵۰ درصد بود. ۹ کشور آخر از یازده کشور شاخص توسعه انسانی، دارای درصد کودک همسری بالاتر از ۴۰ بودند. شرایط ناپایدار و فقر، از عوامل محوری ازدواج کودکانند که در دوران جنگ و نابسامانی وخیم تر نیز می‌شوند.

با بالا رفتن خشونت‌های بر مبنای جنسیت در زمان جنگ و ناآرامی، خانواده‌ها به ازدواج زود هنگام کودکان به عنوان راهی برای محافظت فرزندان‌شان در مقابل نظامی‌گری‌ها متوسل می‌شوند (لمون، ۱۳۹۳). زندگی در مناطق تخریب شده جنگی والدین را به این طرز تفکر وامی‌دارد که شوهر دادن دخترانشان بهترین راه برای مقابله با خطرات جنسی است. تحقیقی توسط سازمان محافظت از کودکان^۱ خبر از افزایش روز افزون گزارشات ازدواج کودکان می‌دهد، به خصوص در زمانی که والدین سعی در محافظت از دخترانشان در مقابل خشونت جنسی دارند (آبرت، ۱۳۹۲). در نواحی متأثر از جنگ مثلاً افغانستان، برون‌دی، اوگان‌دای شمالی یا سومالی، دختر ممکن است به همسری یک جنگ سالار یا یک شخصیت صاحب منصب دیگر در آید که می‌تواند تضمین کند او و خانواده‌اش در طول جنگ در امنیت باقی می‌مانند. در جمهوری دموکراسی کنگو و جاهای دیگر، دختران توسط نیروهای نظامی سرقت یا به کار گرفته شده‌اند و به همسری جنگنده‌ها و فرماندهان در آمدند (یونیسف، ۱۳۸۴). درگیری‌های نظامی ازدواج زود هنگام کودکان را وخیم تر می‌کند زیرا والدین در پی سبک کردن بار

۱. Save the children organization

اقتصادی و ترس ناشی از ناپایداری‌های جنگ هستند. در نیجر، بنگلادش، سومالی و اوگاندا، ازدواج زود هنگام کودکان یک راه کار و استراتژی حفظ بقا در دوران قحطی و ناامنی غذایی بوده است. علاوه بر این، خانواده‌ها در لیبیا و سیرالئون، بنا به فقر شدید اقتصادی و خشونت موجود در کمپ‌های پناهندگان به ازدواج زود هنگام روی آورده اند(همان).

”تعداد فزاینده ای از دختران مجبور به ازدواج‌های اجباری و زود هنگام به خاطر مشکلات امنیتی و اقتصادی در سالهای طولانی جنگ می شوند. در اینجا خانواده از ازدواج به عنوان مکانیسم محافظت از خشونت ناشی از جنگ- که مشکل بزرگتری در میان افراد بی جا شده و آواره است- استفاده می کنند. گروه های نظامی از تجاوز جنسی به عنوان یک اسلحه جنگی استفاده می کنند برای همین ازدواج کودکان راهکاری برای خانواده است.“

موسسه ی خیریه ی نجات کودکان

آرام شاکرم

قبل از شروع درگیری‌ها در سوریه، ۱۳ درصد زنان سوری در سنین ۲۰ الی ۲۵ سال، قبل از ۱۸ سالگی شان ازدواج کرده بودند (یونیسف، ۱۳۹۰). بیش از ۲۵۰۰۰۰ سوری‌ای در طول درگیری‌های مسلحانه جان خود را از دست دادند، درگیری‌هایی که با اعتراضات علیه حکومت شروع شد و بعد به یک جنگ مدنی بزرگ مقیاس انجامید. میلیون‌ها نفر مجبور شدند که به عنوان نیروهای وفادار به بشار اسد، با مخالفان حکومت او و نظامی گران جهادی دولت اسلامی بجنگند (بی بی سی، ۱۳۹۵). درگیری در این کشمکش‌ها رواج کودک هم‌سری را در مناطقی که جنگ تبدیل به تهدیدی روز افزون برای دختران شده (مانند سوریه، جوامع پناهنده اردن، لبنان، عراق و مصر) تقویت نموده است (دختران نه عروسان: ۱۳۹۵). برخی گزارشات حاکی از آن است که گروه‌های نظامی داخل سوریه و همسایگی عراق از ازدواج کودکان به عنوان سلاحی جنگی استفاده می‌کنند تا جمعیت‌ها را ترسانده و متفرق کنند (وایتسون،

سوریه

سوریه مثالی از چگونگی شکل‌گیری و رشد پدیده ازدواج کودکان در زمان ناآرامی‌ها و درگیری‌های مسلحانه است. در این کشور بیش از نیمی از ۲,۵ میلیون سوری پناهنجوی تخمین زده شده، در زیر سن ۱۸ سال قرار دارند. تجاوز نیز امری ست که به خودی خود در سوریه موجبات افزایش ازدواج زود هنگام کودکان را فراهم کرده است. از خشونت جنسی در سوریه به عنوان سلاحی جنگی استفاده می‌شود که با آن احزاب مخالف، هم یکدیگر را مغلوب ساخته و هویت و منزلت یکدیگر و ساختارهای اجتماعی خانواده‌ها را از بین ببرند (دیویس، ۱۳۹۲) به نقل از زنان و دختران پناهنجو، ترس از تجاوز یکی از علل عمده مهاجرت از سوریه است (همان: ۱۰) اما خشونت جنسی تا حدود زیادی بی سند و مدرک است که داغ اجتماعی و موانع فراهم سازی منابع پزشکی و روان شناختی را به وجود می‌آورد (همان: ۸).

حال ازدواج زود هنگام کودکان به مرحله فوریت و وخامت جدیدی رسیده است. بحران سوریه فشار بر روی کودکان و والدینشان برای ترتیب دادن مراسم ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی را شدیدتر می‌کند (نیجات کودکان، ۱۳۹۳). دلالت‌های قوی‌ای وجود دارد که به خاطر ناآرامی‌ها، ازدواج زود هنگام کودکان به طرز زننده‌ای افزایش یافته و یا در برخی مناطق دو برابر شده است. در سوریه، مصاحبه با پناهنجویان

نشان داد که ازدواج زود هنگام به خاطر "حفظ آبروی دختر"^۱ که از تجاوز جان سالم به در برده یا ممکن است در معرض آن قرار گیرد، ترتیب داده می شود (دیویس، ۱۳۹۲: ۱۲). موارد زیادی از ازدواج دختران سوری که جهت تأمین درآمد خانواده های فقیر پناهجویان ازدواج کرده اند، گزارش شده است (فرنکلز، ۱۳۹۳). ازدواج زود هنگام کودکان تبدیل به یک ابزار مقاومتی اقتصادی شده است. گزارشی از سازمان ملل حاکی از آن بود که گرچه ازدواج کودکان در مناطق روستایی سوریه قبل از سال ۱۳۹۰ رخ می داد، اما کمبود فرصت های شغلی و منابع مالی باعث شده است که خانواده های بیشتری به کودک همسری روی آورند (سازمان ملل، ۱۳۹۲). سازمان خیریه Mercy Crops، روایات و داستان هایی را از خانواده ها در مورد منابع مالی اندک شان و فشار روز افزون برای ازدواج دادن فرزندانشان با توجه به تداوم ناآرامی ها و آینده ویران شده خانواده ها نقل می کند. ۲۰ درصد از ازدواج های ثبت شده زنان پناهجوی سوری در اردن شامل ازدواج زیر ۱۸ سال می باشد. گرچه نرخ های ازدواج زود هنگام کودکان در یک کشمکش در حال جریان نمی تواند ثبت و ضبط شوند؛ اما تخمین های دفتر مرجع جمعیت در سال ۱۳۹۰ نشان از افزایش آمار ۱۱ درصدی ازدواج کودکان دارد (رشاد، ۱۳۸۴). به عبارت دیگر بسیاری از پناهجویان درگیر در کشمکش های جاری، قادر به ثبت رسمی مراسم های ازدواج نبوده اند. قراردادهای ازدواج این چنینی به طور قانونی توسط هیچ مسئول دولتی به رسمیت شناخته نمی شوند و

این امر زنان و دختران جوان را به خصوص در زمان طلاق یا جدایی آسیب پذیرتر باقی می‌گذارد (لمون، ۱۳۹۳).

عراق

ازدواج زود هنگام کودکان علاوه بر محافظت از دختران دارای تبعات منفی گسترده تری است که یکی از آنها خود را در شمار موالید نشان می‌دهد. والریا کتورلی مطالعه‌ای جمعیت شناختی در مکتب اقتصادی لندن انجام داد که اولین ارزیابی مفصل جنگ ۸ ساله عراق و تأثیرش بر روی باروری بود. مطالعه نشان داد که قبل از جنگ از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲، نرخ باروری نوجوانان در عراق به میزان ۷۰ زایمان در هر هزار دختر در فاصله سنی ۱۵ الی ۱۹ سال ثابت بود. با این حال به محض شروع جنگ نرخ باروری نوجوانان به بیش از ۳۰ درصد افزایش یافت و به ۹۵ زایمان در هر هزار دختر در سال ۱۳۸۹ رسید. بر اساس یافته‌های تحقیق کتورلی^۲، دلیل پشت پرده این افزایش نرخ باروری، افزایش ازدواج زود هنگام کودکان در میان کم سوادترین قشر دختران بود. بانک جهانی نیز اشاره کرده است که "نرخ ازدواج‌های زود هنگام و بارداری‌های نوجوانان در محیط‌های ناامن به شدت بالاست" (تمبون و فورت، ۱۳۸۷). پس از شروع جنگ در سال ۱۳۸۲، بسیاری از زنان و دختران از شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و حتی ترک خانه بدون یک همراه مرد منع شدند. این امر به خاطر وجود احتمال خطرات آزار و

^۲Cetorelli

اذیت، مزاحمت و آسیب جسمی، و همچنین تجدید حیات سنن اجتماعی محافظه کارانه بود. در چنین ساختاری، خانواده‌ها ممکن است ازدواج زود هنگام کودکان را بهترین راه محافظت از آنها و نگهداشت آبروی خانواده بدانند.

لبنان

از زمان شروع جنگ داخلی سوریه، آژانس‌ها و سازمان‌های مختلفی سعی در جلب توجه همگان به شمار روز افزون ازدواج زود هنگام کودکان در میان پناهنجویان سوری در لبنان داشته اند. در سال ۱۳۹۳ پیمایش‌ها نشان داد که ازدواج زود هنگام کودکان در درصدهای بالاتری نسبت به زمان قبل از بحران‌های انسانی رواج پیدا کرده است که به موجب آن، زنان جوانی در سنین ۱۵ الی ۱۸ سال ازدواج کرده بودند. به لحاظ تاریخی رابطه قوی‌ای بین لبنان و سوریه وجود دارد و بدین خاطر خانواده‌های سوری مایلند دخترانشان را به ازدواج پسران سوری یا لبنانی در آورند (گلارت، ۱۳۹۵).

کمپ‌های پناهندگی^۳

ازدواج کودکان در کمپ‌های پناهندگان سوری در اربیل و لبنان رواج بیش از پیشی داشته است. پدیده ازدواج زود هنگام کودکان در میان دختران سوری در مصر و ترکیه نیز گزارش شده، گزارشات به دست

^۳refugee camps

آمده از کمپ‌های پناهجویان در اردن، نشان دهنده احتمال فزاینده ازدواج دختران جوان با مردانی بسیار بزرگتر از خودشان است. آنها بر این باورند که چنین مردانی می‌توانند حمایت‌های مادی و ثبات را برای آنها فراهم کنند (دیویس، ۱۳۹۲: ۱۲). طبیعتاً می‌توان به این استنباط رسید که بسیاری از دختران عروس‌های ناخواسسته و اجباری هستند. در انجمن‌های پناهندگی سوریه در اردن، ازدواج کودکان به طور فاحشی در طی سالها بالا رفته است. در سال ۱۳۹۰، ۱۲ درصد ازدواج‌های ثبت شده شامل یک دختر در زیر سن ۱۸ سال بود. این آمار در سال بعد (۱۳۹۱) به ۱۸ درصد رسید، در سال ۱۳۹۲ به ۲۵ درصد و تنها در ربع اول سال ۱۳۹۳ به مرز ۳۲ درصد افزایش یافت (یونیسف، ۱۳۹۳). با توجه به اینکه اکثر ازدواج‌ها ثبت نشده‌اند، می‌توان حدس زد که حتی این آمارها نیز دقیق نبوده و میزان واقعی ازدواج کودکان از این درصدها بسیار بالاتر است.

بی‌رحمانه اینکه ازدواج زود هنگام کودکان برای پناهجویان یک فایده دارد. بسیاری از دختران نوجوان با ازدواج زود هنگام با شوهران اردنی شان فرصت حمایتی برای خود می‌یابند. حمایتی که به دختر و خانواده‌اش اجازه می‌دهد به خارج از کمپ نقل مکان کنند (نجات کودکان، ۱۳۹۳). ازدواج زنان پناهجوی سوری در کمپ‌های پناهندگی za'atari با مردان اردنی خارج از کمپ، راه به دست آوردن حمایت و زندگی در جامعه میزبان تلقی می‌شود. علاوه بر این برخی دختران سوری قبل از ترک سوریه وادار به ازدواج می‌شوند زیرا یک مرد در صورت متأهل بودن احتمال بیشتری داشته که بتواند وارد کشور همسایه شود یا بخشی از یک خانواده گردد (همان).

زنان و دختران کرد یزیدی

یزیدی‌ها یک جامعه مذهبی کرد زبان از بومیان بین‌النهرین شمالی هستند. گرچه به لحاظ قومیتی گردند، اما یک جامعه دینی متمایز و مستقل با فرهنگ خاص خود را دارا می‌باشند (آتویل، ۱۳۸۶). آنها در ابتدا در نینوی عراق زندگی می‌کردند و بعدها در اجتماعات دیگری در ارمنستان، گرجستان، ترکیه، ایران و سوریه نیز زیسته‌اند.

در سال ۱۳۹۳ فتوحات وحشیانه حکومت اسلامی داعش، منجر به دگرگونی جمعیت یزیدی‌های عراق شد. همچنان که نیروهای پیش‌مرگ کرد دیگر قادر به جلوگیری از پیشروی‌های داعش نبودند، شهر سینجار تقریباً خالی از سکنه شد (لاودی، ۱۳۹۴). نظامی‌گری حکومت اسلامی داعش یکی از خوفناک‌ترین جنایات علیه کردهای یزیدی در عراق بود که داستان‌هایی از اسلام‌آوری‌های اجباری مذهبی و ازدواج زود هنگام کودکان را روایت می‌کند. شمار دقیق افراد درگیر در این وضعیت ناشناخته است زیرا اکثریت گسترده‌ای از یزیدی‌ها (مازند مسیحیان، مشبک‌های شیعی و ترکمن‌ها) به مناطق مختلف عراق و کشورهای همسایه فرار کردند. حکومت اسلامی داعش پس از تسخیر موصل، جوامع اقلیت عراق از جمله یزیدی‌ها را هدف خود قرار داد. اکثریت زندانیان داعش، مردان، زنان و کودکان یزیدی بودند که در حبس موقت و رسمی در عراق و سوریه به سر می‌بردند.

در ابتدا اسیرهای یزیدی با هم نگه داشته می‌شدند؛ اما در نهایت داعش به صورتی سیستماتیک زنان جوان و دختران نوجوان را از خانواده هایشان جدا می‌کرد. ازدواج زود هنگام کودکان به سرعت رخ می‌داد. به طوری که بسیاری از دختران مجبور به ازدواج با جنگنده‌ها و نظامیان حکومت اسلامی داعش می‌شدند (دیده بان حقوق بشر، ۱۳۹۳). همانطور که در جنگ و کشمکش‌ها امری معمولی ست؛ این زنان محبوس به عنوان بردگان جنسی و غنائم جنگی دیده می‌شدند. زنان و دخترانی که اجباراً به اسلام گرویده بودند به عنوان عروس فروخته می‌شدند و کسانی که از این امور سرپیچی و امتناع می‌کردند، مورد شکنجه و تجاوز واقع شده و در نهایت به قتل می‌رسیدند (نل، ۱۳۹۳). مصاحبه با زنانی که توانسته بودند از نیروهای حکومت اسلامی داعش فرار کنند آشکار ساخت که داعش زنان و کودکان را در طویله‌هایی یکجا نگه می‌داشت، آنهایی که از ۵ سال بیشتر سن نداشتند در سالن‌ها و سایر بازداشتگاه‌ها گذاشته می‌شدند تا به مرور به جنگنده‌ها و نظامی‌گران به عنوان غنائم جنگی فروخته شوند (ون دن برگ، ۱۳۹۵). دخترانی به خردسالی ده سال به ازدواج جنگجویان در می‌آمدند. چنین ازدواج‌های زود هنگامی معمولاً ازدواج‌های موقتی بودند زیرا همین که جنگنده‌ها با دختر خردسال آمیزش جنسی برقرار می‌کردند، وی به سایر جنگنده‌ها و نظامیان داده می‌شد (برگه، ۱۳۹۳)، برخی از آنها در موسل، رقه و سوریه در بازارهای فروش با برچسب‌های قیمت رویشان برده می‌شدند (واتسون، ۱۳۹۳). به نقل از دیده بان حقوق بشر، شمار دقیق زنان و دخترانی که به بردگی گرفته شده و وادار به ازدواج شدند نامشخص است. گزارش سازمان عفو

بین الملل بر اساس مصاحبه با ۴۰ زندانی سابق از میان صدها دختر یزیدی محبوس داعش در زمان تصرف محل سکونتشان در شهر سینجار؛ نشان داد که دختران ۱۰ الی ۱۲ ساله قربانیان تجاوز و ازدواج زود هنگام بوده اند (سازمان عفو بین الملل، ۱۳۹۳).

جنگ و درگیری‌های مسلحانه احتمال ازدواج زود هنگام کودکان را بالا می‌برد. در چنین شرایطی دختران مجرد با ازدواج زود هنگام مواجه می‌شوند زیرا این امر یک گزینه خوشایند برای والدین و خانواده‌هایی تلقی می‌شود که سعی در محافظت از دختران خود دارند. کسانی که در جامعه آسیب پذیرترینند و احتمال لطمه دیدنشان بالاتر است، همین زنان و دختران جوان هستند که حال در یک وضعیت مخاطره آمیز، مورد استعمار و بهره کشی و آسیب‌های بیشتر قرار دارند.

سن حداقل در اروپا

ایالات مستعمره آمریکایی با دنبال روی از سنت اروپا از قانون به عنوان یک راهنما بهره می بردند. در قرن شانزدهم شمار اندکی از ملل آلمانی و ایتالیایی یک حداقل سنی را برای آمیزش جنسی دختران در نظر گرفتند و آن سن ۱۲ سالگی بود. تا پایان قرن هجدهم سایر کشورهای اروپایی نیز شروع به تقویت چنین قوانینی کردند. اولین قانون اساسی فرانسه در سال ۱۱۷۰، حداقل سن ۱۱ سال را تصویب کرد. پرتغال، اسپانیا، دانمارک و ایالت‌های سوئیس این حداقل سنی را ۱۰ الی ۱۲ سال قرار دادند (رابرتسون، ۱۳۹۴). قانون رایج انگلیس به طور سنتی سن رضایت به رابطه جنسی را ما بین سنین ۱۰ الی ۱۲ سال قرار داده بود، اما در سال ۱۲۵۴، این سن به ۱۳ سال افزایش پیدا کرد. در همین دهه،

فرانسه، پرتغال، دانمارک، ایالات سوئیس و سایر کشورها این سن حداقلی را بین ۱۳ سال تا ۱۶ سال تعیین کردند(همان).

در فرانسه تحت قانون ناپلئونی در سال ۱۲۱۱، حداقل سن رضایت به رابطه جنسی ۱۱ سالگی در نظر گرفته شد و در سال ۱۲۴۲ به ۱۳ سالگی افزایش یافت. این سن در سال ۱۳۲۴، ۱۵ سال تصویب شد. در اسپانیا در سال ۱۱۹۹ "سن بلوغ" به عنوان حداقل سنی تعیین شد، و در سال ۱۲۴۹ این سن به ۱۲ سالگی تغییر کرد تا اینکه در سال ۱۳۷۸ حداقل سن رضایت به ۱۳ سالگی افزایش یافت. در سال ۱۳۹۴ این سن به ۱۶ سالگی رسید. تاریخچه این تحولات و تغییرات در سن رضایت به رابطه جنسی در جهان نشان از ازدیاد و افزایش این سن دارد.

اخیراً چندین کشور غربی نیز سن رضایت در کشور خود را بالا برده اند. از جمله کانادا(در سال ۱۳۸۷ از ۱۴ به ۱۶ سالگی) و در اروپا، ایسلند(در سال ۱۳۸۶ از ۱۴ به ۱۵ سالگی)، در جمهوری لیتوانی(در سال ۱۳۸۹ از ۱۴ به ۱۶ سالگی) در کرواتی (سال ۱۳۹۲ از ۱۴ به ۱۵ سالگی)، و در اسپانیا (در سال ۱۳۹۴ از ۱۳ سالگی به ۱۶ سالگی). قدر مسلم اینکه آنچه به وضوح دیده می شود، افزایش سن رضایت به رابطه جنسی و به تبع آن سن ازدواج، تحت قوانین کلیسایی است. اخیراً در اکثر ایالات آمریکای شمالی، کانادا و کشورهای اروپایی این سن به ۱۸ سالگی رسیده است.

در نیمه دوم قرن هجدهم، بخش های گسترده ای از اروپای غربی شاهد رشدی چشمگیر در جمعیت بود. این امر را می توان به کاهش میانگین سنی ازدواج و افزایش مرگ و میر در دهه های آخر قرن ۱۸

منتسب کرد. یک استدلال دیگر اینکه ازدواج زود هنگام کودکان، دوره‌های طولانی تری از فعالیت جنسی را فراهم می‌کند، که به زوجها مجال داشتن تعداد بیشتری فرزند می‌دهد. زنان اغلب دسترسی کمتری به وسایل پیشگیری از بارداری دارند که خود به رشد جمعیت دامن می‌زند. در طول این بازه‌های زمانی، سنین عمومی ازدواج به هیچ عنوان ثابت نبوده است (پیپینگ، ۱۳۸۶). یونسکو گزارش می‌دهد که میان ازدواج زود هنگام کودکان و زایمان زود رس در کشورهایی که در آنها کودک همسری رایج است، رابطه بسیار قوی‌ای وجود دارد. برای مثال صرفاً در آسیا و نواحی اقیانوسیه سالانه نزدیک به شش میلیون نوزاد از مادران نوجوان متولد می‌شوند.

در ایتالیا و آلبانی، سن رضایت به ورود به روابط جنسی ۱۴ سالگی است و این سن ۴ سال کمتر از سن قانونی ازدواج یعنی ۱۸ سالگی می‌باشد. با این حال ایالات متعددی هستند که هیچ حداقل سنی را برای ازدواج تعیین نکرده‌اند (ملکوری، ۱۳۸۹).

در ممالک متحدۀ بریتانیا ازدواج زن و مردی که هر دو بالای سن ۱۶ سال قرار دارند، یا مجرد، بیوه یا مطلقه هستند قانونی اعلام شده است. افراد جوانی که ۱۶ یا ۱۷ سال سن دارند، باید رضایت والدین خود را برای اینکار جلب کنند. حداقل سن قانونی ازدواج در بسیاری از کشورها در غرب بین ۱۶ تا ۱۸ سال قرار دارد. هرچند نامزد شدن در شرایط توافقی، در سنین پایین تر هم دیده شده است (الحکم و مک لالین، ۱۳۹۵).

گرچه سن دقیق ازدواج از کشوری به کشور دیگر متغیر است، اما در

غرب عمدتاً این سن است که مانع و محدود کننده برقراری روابط جنسی است و حداقل قانونی سنی برای رضایت به رابطه جنسی به حساب می‌آید. بعد از رسیدن به این حداقل سن قانونی، روابط جنسی مجاز تلقی می‌شوند. اتیوپی در سال ۱۳۷۹ در قانون خانواده‌اش حداقل سن قانونی ازدواج را به ۱۸ سالگی تغییر داد و رضایت کامل و آگاهانه هر دوی زوجین را الزامی کرد. قانون جزایی جدید سال ۱۳۸۴ حداقل سه سال حبس را برای ازدواج دختران ۱۳ تا ۱۷ سال و حداقل ۷ سال حبس در مواردی که دختر کمتر از ۱۳ سال سن داشته باشد را تصویب کرد (گیج، ۱۳۹۲).

حداقل سنی در خاورمیانه

در کویت و لیبی سنی که در آن زنان ازدواج می‌کنند به طرز معنی‌دار و چشمگیری افزایش یافته است. نزدیک به ۴۰ درصد زنان ۱۵ الی ۱۹ ساله در لیبی و کویت در دهه ۱۳۵۰ ازدواج کرده بودند اما تا میانه دهه ۹۰ آمارهای مربوطه گواه این بود که فراوانی این ازدواج‌ها به ۱ و ۵ درصد رسیده است (رشاد و همکاران، ۱۳۸۴).

بسیاری از کشورهای مسلمان مثل الجزایر، عمان و تونس سن ۱۸ سالگی را به عنوان حداقل سن ازدواج تعیین کرده اند (هرمانسم، ۱۳۹۱). عربستان سعودی یکی از ۷۴ کشوری است که حداقل سن قانونی را برای ازدواج قرار نداده است زیرا در چنین کشورهایی بلوغ فیزیکی نشان و حایل بین کودکی و بزرگسالی در نظر گرفته می‌شود. (الحکم و مک لالین، ۱۳۹۵).

در عربستان سعودی برخی فعالین و سازمان‌های حقوق بشری خواستار مداخله دولت با تعیین سن حداقل ازدواج جهت توقف کودک همسری و جلوگیری از آزار کودکان شده‌اند. تعیین چنین محدودیت‌های قانونی‌ای در سنی که فرد قادر به ازدواج می‌گردد در بسیاری از کشورها رایج است (همان). از آنجا که هیچ حداقل سنی قانونی برای ازدواج در عربستان سعودی وجود ندارد، بلوغ جسمی تبدیل به عاملی تعیین کننده در تصمیم‌گیری در خصوص بزرگسالی زنان و آمادگی شان برای ازدواج است. به طور کلی فرض بر این است که اگر یک دختر به سن بلوغ رسیده، آمادگی لازم جهت ازدواج را دارا ست. باین حال به ندرت اتفاق می‌افتد که یک پسر قبل از اتمام تحصیلاتش و امنیت شغلی ازدواج کند. برخلاف جوامع غربی که در آن سن نقش بازدارنده از روابط جنسی را ایفا می‌کند، در جوامع اسلامی و عربی، در حالتی که افراد به وصلت یکدیگر در آمده باشند چنین محدودیتی وجود ندارد. در نتیجه آمیزش جنسی به لحاظ قانونی و فرهنگی در جوامع اسلامی پذیرفته شده، اما در جوامع غربی غیر قانونی و غیر اخلاقی تعریف شده است (همان).

”از امروز، ۱۶ تیر ماه ۱۳۹۵، ازدواج کودکان غیر قانونی بوده و در گامبیا ممنوع اعلام می‌شود. شوهران بزرگسال که به ازدواج کودکان در آمده‌اند به ۲۰ سال حبس و والدین آن کودکان به ۲۱ سال حبس محکوم خواهند شد و تمامی کسانی که از ازدواج کودکان خبر داشته‌اند اما در مقابلش هیچ اقدامی نکرده‌اند نیز ۱۰ سال حبس خواهند شد.“
یحیی جمه-رئیس جمهور گامبیا

زمینه قانونی حداقل سن ازدواج

محتمل است که عربستان سعودی از مثال یمن دنباله روی کند. در یمن، واقع در مرز جنوبی عربستان سعودی، ازدواج زود هنگام کودکان یک اتفاق رایج بوده و هیچ حداقل سنی‌ای برای آن تعیین نشده است. موارد ازدواج کودکان و ازدواج‌های اجبار آمیز به بحث‌ها و جنجال‌های مطبوعاتی و عمومی در این باره ختم شده است، به نحوی که این مذاکرات در یمن باعث شد که حکومت این کشور حداقل سن قانونی ازدواج را هم برای دختران و هم پسران ۱۸ سال اعلام کند (ابودایش، ۱۳۹۳).

تلاش پیشگامان بین‌المللی و توجهات جهانی به ازدواج زود هنگام کودکان باعث شده است برخی مسئولان در قوانین مربوط به سنین ازدواج تجدید نظرهایی را به عمل آورند و با تصویب کیفرها و مجازات‌های شدید، تنبیهات سختی را برای ناقضان این قوانین تعریف کنند. در سالهای اخیر، عمل ازدواج زود هنگام کودکان نجوای بیانات انتقاد آمیز و محکومگرانه‌ای را در بسیاری از نواحی جهان برانگیخته است. برای مثال، در سال ۱۳۹۵ مجلس گواتمالا بالا بردن سن قانونی ازدواج به ۱۸ سال را تصویب کرد (ویلر، ۱۳۹۴). در سال ۱۳۹۱ مالاوی این سن را هم برای دختران و هم پسران به ۱۸ سال رساند (پرز، ۱۳۹۴).

در سال ۱۳۹۳ مسئولین بنگلادشی اعلام کردند که هر شخصی که با یک دختر خردسال زیر سن ۱۸ سال ازدواج کند به ۲ سال زندان محکوم می شود (گیلان، ۱۳۹۴). در تیر ماه سال ۱۳۹۵ هر دوی کشورهای گامبیا و تانزانیا پایان ازدواج زود هنگام کودکان را با مجازات حبس کسانی که چنین اقدامی را ادامه می دهند، اعلام کردند.

افغانستان به عنوان خطرناک ترین کشور که در آن می توان زن به دنیا آمد شناخته شده است (باوگت، ۱۳۹۰). در این کشور ۶۰ الی ۸۰ درصد ازدواج ها شامل ازدواج های اجباری و سنین پایین می باشد. دادگاهی در استان غور در افغانستان یک مرد ۴۲ ساله را به ۷ سال حبس به خاطر ازدواج با دختری ۶ ساله به نام غریب گل محکوم کرد (خبرگزاری فرانسه، ۱۳۹۵). این مرد به جرم خود اعتراف کرده و گفت مراسم ازدواجش را در حضور افراد زیادی انجام داده است. تحقیقات اولیه نشان داد که این دختر شش ساله در ازای یک بز و مقداری مواد غذایی به مرد ۴۲ ساله داده شده است. این مرد عنوان کرده است که خانواده دختر وی را به عنوان یک پیشکش مذهبی به مرد بخشیده اند. قاضی پدر این دختر را به ۴ سال حبس محکوم کرد. در افغانستان مجازات ازدواج با کودکان مطابق سیستم قضایی این کشور حبس است. این تغییرات نشانگر روندهای روشنگرانه و بیداری جامعه و استفاده از نظام قانونی قضائی به عنوان ابزاری جهت بازداری از این عمل است.

با وجود چنین قوانین جدیداً تصویب شده و جریانات دلگرم کننده ای، هنوز بقایای زنده ی انکار و غفلت از ازدواج زود هنگام کودکان وجود دارد. در ترکیه، مجلس قانون اساسی این حکم را صادر کرد که

تمامی اعمال جنسی در ارتباط با کودکان زیر ۱۵ سال، تجاوز یا سوء استفاده جنسی نیستند. بر اساس این مصوبه، کودکان در سنین ۱۲، ۱۳ و ۱۴ سال به عنوان یک جامعه اقلیت دیگر حمایت قانون را از دست داده اند زیرا بر اساس قانون رضایت آنها نسبت به فعالیت جنسی مورد غفلت قرار می‌گیرد.

قدرت دین

بسیاری از ادیان در تعیین سن ازدواج دخیل هستند. دین با قدرت مسلطش به کنترل هنجارها و شکل دادن به فرهنگ یک عامل اثر گذار و چشمگیر برای مردمی است که آن را سرلوحه تصمیمات اساسی شان قرار می‌دهند. در برخی جوامع، نیازهای بنیادین مردم و راههای رسیدن به این نیازها از طریق قوانین و آموزه‌های دینی تعیین شده است. این اصول و آموزه‌های دینی اغلب حقوق فردی و استقلال شخص را نادیده می‌گیرند. قدرت دین به نحوی در نقش والدینی افراد نفوذ کرده که به مالکیت فرزندان توسط والدینشان منجر شده است.

در جوامع مسیحی روابط جنسی خارج از ازدواج ممنوع اعلام شده است. تا اواخر قرن هجدهم درک بسیار اندکی از مفهوم کودکی وجود داشت و کودکان تنها بزرگسالان کوچک در نظر گرفته می‌شدند. در واقع قبل از قرن دوازدهم، هیچ مفهومی به نام کودکی وجود نداشت. به اعتقاد مسیحیت، فرزندان در میانه گناهان را ستین به دنیا می‌آیند و بدین جهت وارث ذات غیر اخلاقی اند. کودکان دارای حقوق اندکی بوده و جزو دارایی‌های پدر محسوب می‌شده اند. از اواخر قرن هجدهم و به خصوص

در قرن نوزدهم، نگرش‌ها دچار تغییر شد. در اواسط قرن نوزدهم توجهات بیشتری به سو استفاده جنسی از کودکان مبدول گشت (بوکسال و همکاران، ۱۳۹۳).

سیاست جنجال برانگیز کلیسای کاتولیک روم و بعد سایر کلیساهای پروتستان، تأیید ازدواج‌های مخفیانه یا ازدواج‌های بدون رضایت والدین بود. در قرن شانزدهم هر دوی پادشاهی فرانسوی و کلیسای لوتران با موفقیت اندکی سعی در متوقف ساختن ازدواج کودکان داشتند. در بسیاری از جوامع شمال غرب اروپا، ازدواج در سنین بسیار پایین نادر بود. کلیسا حکم داده بود که هر دوی عروس و داماد باید حداقل ۲۱ سال سن داشته باشند تا بتوانند بدون رضایت والدینشان ازدواج کنند.



عبادت در حرم اما رضا، مشهد/ عکس: کامیل احمدی

دین اسلام

در دین اسلام حتی زمانی که شرایط جغرافیایی و زمانی در نظر گرفته شوند، قوانین زندگی برای تمامی مسلمانان سراسر دنیا چه مرد و چه زن گذاشته شده تا از آنها تبعیت نمایند که این قوانین شامل سن بلوغ و سن ازدواج نیز می‌گردد.

در قرآن صحبت از بزرگسالی و رسیدن به بلوغ شده است (ایزاک، ۱۳۹۱: ۹۹-۱۱۸). واژه نوجوان در ادبیات اسلامی وجود خارجی ندارد و در قوانین اسلامی نیز عبارت "جوانی و خردسالی" محلی از اعراب نداشته است (هرمانسم، ۱۳۹۱). همانطور که قبلاً گفته شد، از این منظر شروع بلوغ، نشانه اتمام مرحله کودکی ست. با این حال این رویکرد بدن-محور توسط کسانی که خواهان یک دیدگاه توالی زمانی برای تعیین گذار از کودکی به بزرگسالی هستند مورد نقد قرار گرفته است.

با وجود تمام پیچیدگی‌های سن و انواع بلوغ، فعالیت‌های مختلف اجتماعی یک سن شروع خاص را می‌طلبند. در جوامع امروزی که فعالیت‌های اجتماعی گسترده و جهان شمول شده اند و مشارکت روزافزون افراد را می‌طلبند، یک معیار و ملاک خاص برای تعریف کودکی و بزرگسالی لازم به نظر می‌رسد.

در عوض سن یا رویدادهای خاصی هستند که تعیین گر بزرگسالی تلقی می‌شوند. گرچه ۱۸ سالگی سن شروع برخی فعالیت‌ها از جمله ازدواج، افتتاح حساب بانکی، دخانیات، و رأی دادن در انتخابات در نظر گرفته می‌شود، اما این سن می‌تواند بسته به قوانین متغیر باشد. در

جوامع سکولار دولت موضع بی طرفانه و خنثی‌ای در مقابل اعمال دینی می‌گیرد، هویت‌های اجتماعی و سیاسی از یک مجموعه ساختارهای متفاوت هنجاری تغذیه می‌شوند و بسط می‌یابند. قوانین بر مبنای آنچه مصلحت کل جامعه در نظر گرفته می‌شود تعیین و تصویب می‌شوند.

با وجود اختلاف نظرات گسترده در فهم و تفسیر قوانین اسلامی در جوامع مسلمان امروزی، آنچه تحت لوای شریعت اسلامی به طور وسیعی پذیرفته شده این است که زن و مرد بدون حضور یک ملازم نباید با یکدیگر دیدار داشته باشند. این ترس وجود دارد که تعامل و رویارویی بی واسطه زنان و مردان منجر به شکل‌گیری و شروع روابط جنسی میان آنها شود-چیزی که در خارج از قالب خانواده ممنوع است.(الحکم و مک لالین، ۱۳۹۵).

بر اساس شریعت مکتب حنبلی، والد حق دارد که پیشنهاد خواستگاری دخترش را از جانب یک مرد بپذیرد حتی اگر دخترش هنوز به سن بلوغ نرسیده باشد. با این حال دختر تا زمان رسیدن به سن بلوغ به همراه والدینش زندگی می‌کند و در زمان بلوغ حق دارد که ازدواج را بپذیرد و یا آن را رد کند. اگر دختر ازدواج را نپذیرد طلاق می‌گیرند. با این حال باید بدانیم که در عمل چنین امری به ندرت اتفاق می‌افتد. بدیهی است که خانواده‌های درگیر در این قضیه و فشار اجتماعی برای قبول ازدواج و تبعیت از والدین در تمامی امور، برای یک دختر در چنین شرایطی سرپیچی را بسیار دشوار خواهد کرد.

وقتی که سن قابلیت ازدواج برای یک فرد بر اساس قوانین دینی پایین تر از سن قانونی ازدواج در یک سرزمین باشد، قانون دولتی حاکمیت دارد. ۱۲۳ حزب در کنگره تکمیلی سال ۱۳۳۵ در خصوص الغای برده داری با تعیین و تصویب یک حداقل سنی برای ازدواج موافقت کردند. با این حال برخی انجمن های مذهبی تفوق قانون دولتی را در این زمینه قبول ندارند و این خود منجر به دفاع و هواداری از ازدواج کودکان یا ازدواج اجباری می شود.

”در مسأله ی ازدواج باید عجله کرد و دختر و پسر باید ازدواج کنند، البته من با ازدواج دانه شجویی مخالفم، بلکه ازدواج باید دبیرستانی باشد زیرا دختران در سن ۱۳ سالگی شوهر می خواهند و آن کسی که او را خلق کرده است بهتر می داند که او برای چه چیزی بهتر است. در برخی از جاها باید عجله کرد و یکی از آن جاها ازدواج فرزندانمان است. زمانی که موقع ازدواج دخترانمان است، باید برای آن عجله کرد نه اینکه بگوییم درسش تمام شود و بعد. برای پسر هم همین گونه است، بنابراین برای ازدواج و امورات خیر باید عجله کرد، زیرا شیطان وسوسه می کند.“

حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی

۲۶ مرداد ۱۳۹۵

متغیرهای اجتماعی

نگاه‌ها و نقطه نظرات نسبت به کودکی در طول تاریخ بر اساس نگرش‌های جوامع مختلف تغییر کرده است. تفاوت‌های شگرفی میان کودکی در زمان معاصر و کودکی در تاریخ پیشین وجود دارند. جوامع مفاهیم و تعاریف مختلفی را در این باره که کودک بودن به چه معناست بسط داده اند که واقعیات اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی متنوعی را شکل داده است. تنها از قرن هفدهم به بعد بود که مفهوم کودکی در کشورهای غربی زاده شد.



روستای کرد نشین در جوار مرز عراق، استان آذربایجان غربی
عکس: کامیل احمدی

در جوامع ما قبل مدرنیته و فرهنگ‌های غیر غربی، یک معنای چند گانه از کودکی وجود دارد. با وجودی که تمامی جوامع بین کودکان و بزرگسالان تفاوت قائلند، اما کودکی در همه جا یکسان تعبیر نمی‌شود، زیرا درجات این تفاوت و انتظاراتی که بر افراد محول می‌شود، حول محور جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند تغییر می‌یابد (مونتگومری، ۱۳۹۲). در بسیاری از جوامع که در آنها ازدواج زود هنگام کودکان رایج است، خود ایستایی و استقلال که طبیعتاً با گذار از کودکی به بزرگسالی در فرد به وجود می‌آید، در خصوص دختران جوان به عنوان یک خصلت ناخوشایند دیده می‌شود زیرا همواره از آنها انتظار می‌رود که مطیع و تسلیم باشند. ازدواج زود هنگام کودکان به راحتی دوران کودکی-نوجوانی طبیعی فرد را در هم می‌شکند و جرقه‌های استقلال فردی را خاموش و رشد مفهوم "خود" را در آنها خفه می‌کند (یونیسف، ۱۳۸۵).

مقبولیت و پذیرش فرهنگی و اجتماعی ازدواج زود هنگام ممکن است در این میان نقشی کلیدی ایفا کرده باشد. برای مثال کودکانی که زود ازدواج کرده اند ممکن است فکر کنند که تجربه شان صرفاً یک تکرار اجتماعی بی چون و چرا از چیزی بوده که مادران و خواهرانشان نیز برای نسل‌ها تجربه کرده اند و بنابراین فرهنگ نهادی شده و درونی شده اعمال می‌شود.

همچنان که قبلاً ذکر شد، فقر علت اصلی و همچنین پیامد ازدواج زود هنگام کودکان در کشورهای سستی و فقیر نشین است. دوران کودکی بر مبنای این فقر و محرومیت از قلم افتاده و حذف می‌شود. شواهد فراوانی وجود دارد مبنی بر اینکه فقر یک عامل اجتماعی و اقتصادی است که بر زنان و مردان بسته به تفاوت در سطوح نابرابری، اثرات مختلفی می‌گذارد. از واقعیت‌ها چنین بر می‌آید که در کشورهایی که در آن دختران دسترسی منصفانه‌ای به تحصیلات، تقویت استعداد و فرصت‌های شغلی داشته باشند، ازدواج زود هنگام بسیار نادر است (سویتمن، ۱۳۸۲). سویتمن در کتابش مطرح می‌کند که در ایالات متحده آمریکا تنها ۴ درصد از دختران زیر سن ۱۹ سال ازدواج می‌کنند. در کانادا این آمار به ۱ درصد می‌رسد و در بریتانیا به ۲ درصد (همان).

در برخی نواحی فرار نوجوانان و کودکان از خانه هایشان رایج است، برای مثال در مناطق کرد نشین آذربایجان غربی (موکریان) این امر در مناطقی اتفاق می‌افتد که قدرت خانواده و سلسله مراتب قدرت در آن به اضافه تبعیت مطلق وجود داشته است و زوجین قادر به تصمیم‌گیری برای خود نبوده اند. عمل فرار از خانه (به زبان محلی کردی: زه دو که وتن) و شیوه‌ای که خانواده‌ها با این عمل غیر قابل قبول کنار می‌آیند، از یک منطقه به منطقه

دیگر کردستان و سایر استانها متفاوت است. در برخی مناطق (بیشتر در استان آذربایجان شرقی) پدر دختر را در ازای اخذ مبلغی از طرف داماد و یا خانواده اش، دوباره به کانون خانواده می‌پذیرد و این هزینه در نهایت صرف خرید جهیزیه و یا اسباب زندگی برای زوج می‌گردد. در برخی مناطق مانند شمال غرب استان خراسان رضوی، هر دوی خانواده‌ها نه تنها زوجین را دوباره قبول می‌کنند بلکه خانه و اسباب مورد نیاز زندگی شان را نیز فراهم آورده تا بتوانند در کنار یکدیگر زندگی کنند. رواج و شیوع این امر در بابل آباد (نزدیک شهر خوی واقع در استان آذربایجان غربی) اکنون به عنوان یک رسم و هنجار اجتماعی عمل می‌کند که تداوم ازدواج زود هنگام کودکان را منجر می‌شود.

ازدواج ترتیب داده شده^۶ ازدواج اجباری^۷ و تبادل زنان^۸

از دیر باز در زمان کوچ نشینی تبادل زنان به عنوان ابزارهای خرید و فروش یک عمل رایج در میان خانواده‌های سنتی بوده است (بونتینگ و همکاران، ۱۳۹۵). در جامعه معاصر مفهوم ازدواج اجباری یا ازدواج ترتیب داده شده شیوع یافته و بیشتر ازدواج کودکان در درون خانواده شکل گرفته اند (ارولکار و مائنگی، ۱۳۸۸: ۶-۱۴). هدف بسیاری از برنامه‌ها و راهکارهای پیشگیری از ازدواج زود هنگام افرادی است که در خانواده‌ها نسبت به کودکان و نوجوانان در منصب قدرت قرار

^۶Arranged marriage

^۷Forced marriage

^۸Exchanging women

دارند، به این ترتیب این برنامه‌ها و راهکارها به خصوص والدین، قیم‌ها و اعضای جامعه محلی شان را مورد توجه قرار می‌دهند.

”تو کارون اکثر ازدواج‌ها عشیره‌ای و فامیلی هست. زینب مجبور شد خیلی زود ازدواج کنه تا به پسر عموی عقب افتادش ندنش. ما باید رسم قدیم رو داشته باشیم چون توی خون و رگمونه و باید باشه. مادر شوهر دخترم، خواهر منه. درسته دخترم بچه ست ولی باید دو سه تا بچه داشته باشه تا زندگی رو بفهمه. نگو مجبورم، بگو وظیفمه!“
مادر زینب، ۴۲ ساله
کارون، استان خوزستان

تبادل زنان

تبادل زنان یکی دیگر از اشکال رایج ازدواج خصوصاً در پاکستان

می‌باشد. در این رسم اجتماعی دو دختر در بین دو خانواده به عنوان بخشی از یک توافق تجاری مبادله می‌شوند. تبادل سستی زنان یک استراتژی و راهکار حل و فصل کشمکش‌ها بوده است. توافق صلح با مبادله زنان بین دو قوم و قبیله متخاصم و معمولاً بدون رضایت خود زن و مرد انجام می‌گیرد (گاردنر و البو شرا، ۱۳۸۳). موارد بسیار اندکی وجود دارد که در آن طرفین درگیر در ازدواج توانسته باشند از آن امتناع کنند. در واقعیت، تحت چنین ازدواج‌هایی دخترانی که ابزار برقراری صلح و آشتی می‌باشند، معمولاً خردسال و جوان بوده و امتناع از ازدواج برای ایشان بسیار دشوار می‌نماید، مگر اینکه از خانه فرار کنند یا در درون خانواده خود شان مقاومت‌هایی علیه این ازدواج وجود داشته باشد (موسه احمد، ۱۳۸۳).

ازدواج‌های اجباری-ازدواج‌های ترتیب داده شده

در سراسر تاریخ خصوصاً قبل از قرن هجدهم ازدواج در درون خانواده‌ها ترتیب داده شده است. خود این عمل بسته به فرهنگ مناطق متغیر بوده اما به طور کلی شامل انتقال وابستگی زنان از پدرش به شوهرش است. آزادی زنان در قرن نوزدهم و بیستم موجبات تغییر چشمگیر در قانون خصوصاً قوانین مربوط به حقوق مالکیت و وضعیت اقتصادی آنها شد.

از اواسط قرن بیستم بسیاری از جوامع غربی، اصل برابری زوجین را در قانون خانواده شان وضع کردند. یک ازدواج اجباری زمانی شکل می‌گیرد که یکی از زوجین یا هردوی آنها را ضی به وصلت نیستند و حداقل نسبت به

یکی از آنها تحکم و اجبار اعمال می‌شود. این یک عمل منجر کننده و دفاع ناپذیر می‌باشد که در بریتانیا به عنوان شکلی از خشونت علیه زنان، سوء استفاده و خشونت علیه کودکان و تجاوز از حقوق بشر تعریف و تلقی شده است.

”شوهرم من رو به زور انتخاب کرد. تو خونواده شوهرم تو مراغه رسمشون بود که دختر بدزدن. اما خونواده ما تو گوگان این کار رو بد می‌دونن و رسم نداریم. از ترس آبرو و اینکه نکنه منو بدزده مجبور شدم بله رو بگم و تموم بشه.“
پاسخگوی زن، ۳۰ ساله
گوگان، استان آذربایجان شرقی

بر اساس مشاهدات آددکان ازدواج کودکان معمولاً به دو شیوه متمایز ترتیب داده می‌شود. یک، ترتیب دادن ازدواج دختر جوان با یک مرد بزرگسال معمولاً بسیار مسن تر از وی در ساختار زور و اجبار توسط والدین دختر یا یک شخص دارای نفوذ و قدرت در خانواده، و دو، ترتیب دادن ازدواج آینده‌کودکان (آددکان و همکاران، ۱۳۹۱). دیدن دخترانی به خردسالی ۷ تا ۱۴ سال که به خانه شوهر فرستاده شده‌اند تا با خانواده او زندگی کنند اصلاً غیر معمول نیست. شوهران آینده‌بر مبنای فاکتورهای اجتماعی، دینی و مالی انتخاب می‌شوند در حالی که سن یک عامل مهم در این میان حساب نمی‌آید.

فشار و اجبار وارده بر دختران جهت تن دادن به ازدواج می‌تواند جسمی (از جمله تهدیدهای جسمی و خطرات جنسی) یا احساسی و روان‌شناختی (القای این حس به دختر که او موجبات سرافکندگی و شرم خانواده خواهد شد) باشد. سوء استفاده مالی (گرفتن حقوق و ندادن هیچ پولی به دختر) نیز از دیگر این آسیب‌هاست. این‌ها ممکن است حق السکوت و باج‌های عاطفی برای دختر باشند، زیرا در روز مراسم، به شدت سخت و غیر ممکن است که کسی بتواند نه بگوید وقتی تمامی امور تدارک دیده شده و سازمان یافته است.

”در ۱۳ سالگی به اجبار خانواده ام نامزد پسردایی ام شدم و دیگه اجازه نداشتم به تحصیل ادامه بدم. بعد از ازدوایم مشاورها و روان شناس ها با من صحبت کردند. تجربه ام از دیدن شون ترس و اضطراب و استرس بود. از طرز نگاه کردن مشاورم می ترسیدم. به من گفت راه رو اشتباه اومدی و باید تا ۱۸ سالگی ازدواج نمی کردی“

فاطمه، ۱۴ ساله

روستای علی آباد قشلاق، ملکان، استان آذربایجان شرقی

در نواحی جنوب آسیا برخی دختران توسط خانواده هایشان به سفری به مناطق شبه قاره برده می شوند در حالی که هیچ اطلاعی از برنامه و هدف خانواده برای به ازدواج دادنشان ندارند. گذرنامه های این دختران مصادره می شود تا امکان برگشت به خانه را نداشته باشند. کسانی که وادار به ازدواج می شوند و یا ترس از قرارگیری در موقعیت ازدواج اجباری را دارند، افسرده شده و علائم بیمارهای روانی و جسمی را از خود نشان می دهند، و برخی از این دختران که

قصده فرار از این وصلت‌های ناخواسته را داشته اند دست به خودکشی زده اند.

از نظر برخی افراد، ازدواج ترتیب داده شده شکلی از ازدواج اجباری است. در ازدواج اجباری یکی از طرفین یا هردوی آنها تحت ارباب، ترس و فشار وادار به ازدواج برخلاف تمایلش می‌شود. ولی در ازدواج ترتیب داده شده هر دوی طرفین با رضایت کامل و آگاهانه خود تن به ازدواج می‌دهند. یک ازدواج ترتیب داده شده به معنای ازدواج اجباری نیست زیرا در اولی زوجین امکان نپذیرفتن پیشنهاد ازدواج را دارند ولی در دومی خیر. ازدواج‌های اجباری با ازدواج‌های ترتیب داده شده که توسط فامیل و اقوام یا دوستان برقرار می‌شوند اما خود زوجین نیز به آن رضایت دارند متمایز است.

با این حال تمایز دقیق بین ازدواج ترتیب داده شده و ازدواج اجباری بسیار سخت است و گاهی نمی‌توان چنین تفکیکی را میان آنها قائل شد زیرا در واقعیت این دو امر بسیار به هم نزدیکند. نمی‌توان گفت رضایت دختر در ازدواج ترتیب داده شده یک رضایت قطعی و کامل و با انتخاب خودش بوده است. زیرا این ازدواج معمولاً از طریق فشار اجتماعی و احساسی از طرف والدین و برادرها به وی تحمیل شده است. اگر یک زن یا دختر جوان سعی کند در مقابل یک ازدواج اجباری یا ترتیب داده شده بایستد اغلب با واکنش‌های شدیدی مواجه می‌شود که در برخی مناطق دنیا به قتل‌های ناموسی منجر می‌گردد. مشابهاً زنانی که از ماندن در یک وصلت اجباری سرباز می‌زنند و خواهان طلاق می‌گردند، با انواع و اقسام موانع سخت و مطرود سازی‌ها مواجه می‌گردند. این توضیحی

قانون، دین و عوامل جامعه شناختی ۱۰۳

ست برای اینکه چرا قوانین دینی و رسوم اجتماعی فرآیند طلاق را به خصوص برای زنان، چنین پیچیده و دشوار می سازند.

”وقتی ازدواجم دادن ۸ سالم بود. خونه ی شوهر که بودم بعد از دو ماه پرپود شدم. شب زفاف می ترسیدم و چیزی بلد نبودم وقتی شوهرم بهم نزدیک می شد عقب می کشیدم تا اینکه عصبانی و خسته شد و رفت به مادرش گفت این نمی ذاره، چیکار کنم؟ مادرش اومد و دهنمو بست، جفت پاشو گذاشت لای پام و پاهامو باز کرد و به پسرش گفت تو کارتو بکن. اون شب وضعیتی پیش اومد که بعد کاری که بام کردن راهی بیمارستان شدم. از همون شب اونارو به خاطر کاری که بام کردن نفرین کردم. از اون موقع تا الان آرزوی مرگ می کنم و آرزو می کنم امام حسین بیاد و منو با خودش ببره، همونطور که اومد تو خوابم و گفت من باهاتم.“

اعتصام-۴۰ ساله- کارون، استان خوزستان

ازدواج زود هنگام منجر به مساوات طلبی کمتر و سطح پایین تری از کیفیت روابط زناشویی می گردد. در ازدواج های زود هنگام زنان حق مشارکت در فرآیند تصمیم گیری را نداشته و هیچ اراده و کنترلی بر منابع ندارند، همچنین قادر به ترک وصلت حتی در صورت وجود خطر مواجهه با خشونت در ازدواج نیستند.

با این وصف حتی اگر یک دختر به ازدواج رضایت دهد، ساده اندیشانه است که فکر کنیم این رضایت به وصلت ترتیب داده شده نه به

خاطر فشارهای خانوادگی و فرهنگی بلکه تنها تمایل آزادانه خود فرد بوده است. تبعیت از رسوم سنتی و باورهای خانوادگی، قومی و عشیره‌ای می‌تواند افراد را وادار به تطابق کند. از این لحاظ تمایز بین این دو شکل ازدواج هرگز آسان نبوده است، زیرا دومین نوع آن به عنوان شکلی از خشونت خانگی که می‌تواند دامن گیر هر دوی کودکان و بزرگسالان باشد دیده می‌شود (گانگولی و چنتلر، ۱۳۸۸).

در جوامع عرب و خاورمیانه‌ای، در مقایسه با جوامع سنتی غربی، ازدواج در درون فامیل و طایفه بسیار رایج تر است. هر چند این امر در غرب ناشناخته به نظر می‌رسد اما در حقیقت، ابتدا توسط بعضی اعضای خانواده‌های اشرافی در تاریخ انجام گرفته است (مثلاً ملکه ویکتوریا و شوهرش پرنسس آلبرت عمو زادگان هم بودند). اکنون ازدواج با اعضای خانواده بیش از پیش نادر و اندک شده است.

سلامت روانی

همین اطلاعات اندک در خصوص ازدواج کودکان نشان می‌دهد که اکثر دختران در یک ازدواج تحمیلی، بسیار اندوهگین و منزوی هستند، پیوند با هم سالانشان را از دست داده اند، کسی را برای هم صحبتی ندارند زیرا تمامی افرادی که دور و برشان هستند، از آنها بسیار بزرگتر بوده و خود از تأیید کنندگان و عاملان وضعیت آنها هستند. مشکلات آنها توسط جامعه شان ناشناخته و انکار شده باقی می‌ماند و آنها را تبدیل به قربانیانی نامرئی می‌کند. جامعه پذیری نامناسب و عدم امکان ادامه تحصیلات و آسیب‌های روحی و جسمی ویرانگر به خاطر زایمان‌های

پیاپی در ایشان بسیار تکان دهنده است. مشکلات روحی آنها اغلب با سنگدلی بخش اجتناب ناپذیری از زندگی شان تلقی می شود (برهانه سلاسی، ۱۳۷۲).

مطالعات اندکی وجود دارند که اثرات روان شناختی کودک همسری را بررسی کرده باشند (گیج، ۱۳۹۲). آمارهای مربوط به اقدام به خودکشی در میان دختران خرد سالی که با پیشنهاد ازدواج رو به رو بودند، دو برابر دختران در شرایطی غیر از این بوده است. رواج نرخ های سه ماهه تفکر در مورد خودکشی و اقدام به آن با نرخ های دوازده ماهه گزارش شده در میان نوجوانان شهری ۱۵ الی ۲۴ ساله در آسیا (به ترتیب ۸٫۴ درصد و ۲٫۵ درصد) قابل مقایسه است اما این درصدها نسبت به نرخ های خودکشی در جنوب غرب نیجریه پایین تر می باشد (بلام و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۴-۳۷ و امیگبدون و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۲۴-۵۳۰). یافته های این مطالعه با نتایج مطالعه دیگری در ایالات متحده آمریکا همسو و همخوان است که بنابر آن، زنان بزرگسالی که در کودکی ازدواج کرده بودند، ۱٫۴۱ برابر بیشتر احتمال سابقه اختلالات روانی در طول عمرشان را نسبت به زنانی که در بزرگسالی ازدواج کرده بودند داشتند. از آنجا که تحقیقات و بررسی های اندکی در خصوص پیچیدگی های سلامت روانی کودک همسران انجام شده است، مطالعات تجربی و کاربردی بیشتری در این زمینه مورد نیاز است.

تحصیلات

همبستگی تعداد سالهای تحصیلات یک دختر و به تعویق اندازی

ازدواج در بسیاری از مطالعات جمعیت شناسی و باروری به دست آمده است. رابطه درونی معنی‌داری بین ازدواج زود هنگام کودکان و کم سوادی و تحصیلات پایین، یک علت زمینه‌ای برای سلامت و عزت نفس پایین و انزوای فردی است. بی شک ازدواج زود هنگام کودکان یک نقطه پایان برای تحصیلات دختران است، به خصوص در کشورهای فقیر نشینی که در آنها ازدواج کودکان رواج دارد (ICRW، ۱۳۸۴). ازدواج کودکان به عنوان چشمگیرترین شکل نابرابری بر مبنای سن، قدرت و اراده تصمیم‌گیری را از زنان می‌گیرد. دختران به محض ازدواج از ماندن در مدرسه دلسرد و ناامید می‌شوند و در عوض تنها و منزوی در خانه می‌مانند تا کودکان دیگری را به دنیا آورده و پرورش دهند و ادامه دهنده چرخه درون نسلی ازدواج‌های زود هنگام باشند. ازدواج توانایی ادامه تحصیل را از این دختران می‌گیرد زیرا بسیاری از آنها به محض ازدواج ترک تحصیل می‌کنند (لی رایف و همکاران، ۱۳۹۱). چون اینک عمده توجه شان بر وظایف خانگی تحمیلی و بچه داری اختصاص می‌یابد.

مطابق معاهده حقوق کودکان،^۱ نرخ‌های ترک تحصیل و آموزش در بخش‌های ۷۷ و ۷۸ توافقنامه ذکر شده است. معاهده کمیسیون حقوق کودکان خصوصاً در جاهایی که زمینه‌های پیشرفت در زمینه تحصیلات وجود دارد، یعنی در مناطقی با شمار بالای ثبت نام در مقاطع ابتدایی و راهنمایی، خواهان جولان بیشتر است. در این مناطق آمارهای بالای ترک تحصیل دختران عرب در مدارس روستایی به محض رسیدن به سن بلوغ

^۱ Convention on the Rights of the Child

وجود دارد. زیرا مطابق قوانین دادگاه اگر شوهر تحصیلات زن را در منافات با مصلحت و منافع خانواده یا آبروی زن ببیند می‌تواند مانع آن شود. از اصول این کمیته این است که حزب دولت ضامن این باشد که دختران از جمله دختران متأهل، به تحصیلات اولیه و ثانویه بدون هیچ مانعی از جانب شوهر، والدین و جامعه دسترسی داشته باشند، و آگاهی عموم در خصوص اهمیت تحصیلات خصوصاً در جوامع بومی عرب بالا رود. بسیاری از توافقیات و مصوبات بین‌المللی تأثیر بازدارندگی ازدواج زود هنگام کودکان بر تحصیلات را انعکاس داده اند. برخی از عمده‌ترین این معاهدات عبارتند از:

-در دی ماه سال ۱۳۹۰، مصوبه‌ای توسط مجمع عمومی سازمان ملل (a/res/۶۶/۱۷۰) یازدهم اکتبر مصادف با ۲۰ مهر را به عنوان روز جهانی دختر بچه‌ها نامگذاری کرد.

-در ۲۰ مهر ماه سال ۱۳۹۱، اولین روز جهانی دختر بچه‌ها برگزار شد و محتوای آن پایان دادن به ازدواج زود هنگام کودکان بود.

-در سال ۱۳۹۲، اولین مصوبه بین‌المللی حقوق بشری سازمان ملل علیه ازدواج زود هنگام و اجباری کودکان اتخاذ شد که به موجب آن ازدواج کودکان تخلف از حقوق بشر شناخته شده و مبارزه با آن در دستور کار اهداف توسعه جهانی سال ۱۳۹۴ قرار گرفت (دختران نه عروسان، ۱۳۹۴).

-در سال ۱۳۹۳ معاهده سازمان ملل در خصوص وضعیت زنان به تصویب سندی انجامید که بر اساس آن در میان تمامی امور، مبارزه با ازدواج کودکان مورد توافق قرار گرفت.

- سازمان جهانی بهداشت، افزایش فرصت‌های تحصیلی در میان دختران، افزایش ساختارهای اجرایی در خصوص قوانین حداقل سنی ازدواج و اطلاع رسانی به والدین در خصوص خطرات مربوطه، را به عنوان قدم‌های اولیه‌ی مقابله با ازدواج کودکان بر شمرده است (چندرا مولی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۱۷-۵۲۲).

در حالی که جمهوری اسلامی ایران از شرکت کنندگان عمده‌ی بسیاری از این معاهدات بین‌المللی است، اما برخی نظامنامه‌های ملی و قوانین آن ازدواج کودکان را مشروعیت می‌بخشد و در تضاد آشکار با این معاهدات و توافقنامه هاست.

زمانی که ازدواج زود هنگام پایانی برای تحصیلات رسمی فرد است، این دختران هستند که به طرز بی رحمانه‌ای مورد هدف قرار می‌گیرند، زیرا آنها در زمان مراحل تدارکات ازدواج و یا اندکی پس از آن از مدرسه انصراف می‌دهند. دسترسی دختران جوان به آموزش و تحصیلات به شدت محدود می‌گردد زیرا کارهای خانگی، بچه داری و فشار هنجارهای اجتماعی، ازدواج و درس خواندن را با هم قابل جمع نمی‌بینند (میثور و همکاران، ۱۳۹۲). این تنها دختران نیستند که بهای ازدواج زود هنگام را می‌پردازند. در نهایت، جامعه تبعات کم سواد زنی محروم را در ابعاد انفجار جمعیتی، کمبود سهم اثر گذار آینده خانواده، هزینه‌های سلامت اجتماعی و فرصت‌های از دست رفته توسعه انسانی متحمل خواهد شد.

تحصیلات و زیر بنای اجتماعی فرهنگی

مناسک و سنت‌ها بخش جدایی ناپذیر هر جامعه اند. کوتاه‌سازی

دوره تحصیلات ریشه در زیر بناهای اجتماعی و فرهنگی داشته که عمیقاً قالب و ساختار یافته و تغییر دادنشان می‌تواند بسیار دشوار باشد. عمل ازدواج زود هنگام کودکان به عنوان یک سنت اجتماعاً و فرهنگاً پذیرفته شده در مجموعه ارزش‌های سنتی جوامع به حیات خود ادامه می‌دهد. یک مجموعه رویکردهای فرهنگی و اجتماعی-اقتصادی با محوریت ازدواج زود هنگام کودکان وجود دارد که در ورای اقشار و طبقات جامعه چیرگی پیدا کرده و وجودش تقویت می‌شود. کودک همسری بر این باور اشتباه می‌باشد که یک پسر در سن ۱۵ سالگی و یک دختر در سن ۹ سالگی بالغ است. دختران که از بدو تولد به عنوان یک بار و مسئولیت به حساب می‌آیند، به طور سنتی نگرش‌های جامعه بر مبنای ازدواج دادنشان در اسرع وقت است. این باعث شده است دختران شتاب زده ازدواج داده شده و گاهی با بی میلی و نارضایتی به ازدواجی زود هنگام تن در دهند. به نظر می‌رسد که کوتاه سازی تحصیلات بخشی از یک الگوی توقعات سنتی اجتماعی در مورد دخترانی باشد که شوهر داده می‌شوند. یک دختر به محض داشتن شرایط ازدواج مناسب، از مدرسه ترک تحصیل می‌کند. لازم است اشاره کنیم که از منظر اجتماعی-فرهنگی بسیاری از این دختران نوجوان پرورش داده شده اند تا زود ازدواج کنند و تمام طول زندگی شان را صرف کارهای خانگی کنند (جونز، ۱۳۷۶). تحصیلات در زندگی آنها یک عامل و گزینه نیست.

بسیاری از خانواده‌ها در جوامع سنتی بر این باورند که سرمایه گذاری بر تحصیلات یک دختر اتلاف هزینه است زیرا او در نهایت ازدواج خواهد کرد و در یک خانه دیگر به کارش ادامه خواهد داد. علاوه بر این

هزینه بالای تحصیلات آنها محرک و انگیزه‌ای برای ترک تحصیل از جانب این دختران است (بونیسف، ۱۳۸۰). با این حال باید دانست که بسیاری از زنان جوانی که در خردسالی ازدواج کرده اند هرگز به مدرسه نرفته اند. برای مثال در مالاوی قریب به دو سوم زنان که هیچ گونه آموزش رسمی‌ای ندیده بودند، کودک عروس بوده و در مقابل ۵ درصد از زنان به مدرسه رفته یا به سطوح بالاتر آموزشی رسیده بودند. در اتیوپی اکثر دخترانی که در سنین بسیار پایین ازدواج کرده بودند، هرگز به مدرسه فرستاده نشده بودند (ارولکار، ۱۳۹۲). این به معنای کمبود فرصت‌ها و نبود سرمایه گذاری بر روی دختران است و نه مسائل مربوط به کیفیت مدارس یا محیط محافظتی و حمایتی برای آنها. دختران در کشورهای در حال توسعه باید با موانع اجتماعی و فرهنگی عدیده‌ای جهت دستیابی به فرصت‌های تحصیلی دست و پنجه نرم کنند.

بر اساس تصمیمات وزارت آموزش و پرورش ایران، دختران از یک طرف تشویق به ازدواج شده و از طرف دیگر وادار به ترک تحصیل می‌گردند. وقتی یک دختر ابروهایش را اصلاح می‌کند، این به معنای پایان امکان تحصیلش بوده و توسط مدیر مدرسه اخراج خواهد شد.

یکی از علل عمده ازدواج زود هنگام کودکان تأکید بیش از اندازه بر باکرگی و عفت زنان و نیاز جامعه به کنترل میل جنسی آنهاست. میل جنسی کودکان مونث نه تنها به اعتبار و افتخار خانواده، بلکه به آبروی طایفه، طبقه و نژاد و گروه قومی نیز ارتباط پیدا می‌کند. رسم ازدواج زود هنگام کودکان که متضمن کنترل بر میل جنسی دختران است، در طول نسل‌ها تداوم یافته و از یک خانواده مرد سالار به خانواده دیگر رسیده

است (بیتنکس، ۱۳۹۲). طبیعتاً تحصیلات دختران و پسران جوان را در ارتباط با هم قرار می‌دهد؛ امری که در این جوامع برای جلوگیری از تعامل و معاشرت دختران قطع می‌گردد. در جوامعی که کودک هم‌سری رواج دارد، دختران وجهه‌ای از نمایش کنترل خود و احترام به مردانند، که در تمامی طول عمر-از جمله در زندگی زناشویی-از آنها انتظار می‌رود به این شکل عمل کنند. در جوامع مرد سالارانه و مدافع کودک هم‌سری، نقش‌های سنتی خاصی به زنان اختصاص یافته که از طریق ازدواج زود هنگام، اکتساب این نقش‌ها تسهیل شده و نقش‌های جنسیتی تجویز شده تقویت می‌گردند. بنابراین، جامعه فشار بیشتری به اعضای خود جهت منسوخ نکردن کودک هم‌سری آورده و محدودیت‌های بیشتری برای توقف تحصیلات دختر فراهم می‌کند.

بر عکس، در جوامع شرقی آسیا مانند تایوان، کره جنوبی و تایلند عواملی چون رشد اقتصادی، ایجاد مشاغل، فرصت‌های تحصیلی و کاهش در نرخ‌های مولید و مرگ و میر به کاهش در میزان ازدواج زود هنگام کودکان انجامیده‌اند (لطفی، ۱۳۸۹).

طلاق و کودک بیوگی^{۱۲}

ازدواج کودکان یک پدیده پیچیده است. فقر، کمبود تحصیلات، اعمال فرهنگی و نا امنی منشأ آن بوده و به تداوم این پدیده کمک کرده‌اند. ازدواج کودکان با ریشه‌های عمیقش در نابرابری‌های جنسیتی زمانی

^{۱۲} Child widowhood

که سن زوج دو برابر سن زوجه است، بر دختران تأثیر بیشتری دارد. کودک همسری معمولاً با ترک همسر^۳ مرتبط است (بروس و همکاران، ۱۳۷۴).

طلاق یا ترک همسر اغلب این دختران جوان را به فقر بیشتری گرفتار می‌سازد، زیرا او معمولاً باید به تنهایی مسئولیت فرزندانشان را به عهده بگیرد (یونیسف، ۱۳۸۴). از آنجا که اکثریت این دختران در سنین بسیار پایین و در حالیکه فاقد تحصیلات بوده اند ازدواج کرده‌اند، مهارت‌های کسب در آمد آنها بسیار پایین (اگر نه هیچ) بوده و در نتیجه به فقر بیشتر آنها دامن می‌زند. از آنجا که در کودک همسری سن دختران معمولاً به طرز چشمگیری پایین تر از شوهرانشان است، آنها در سنین پایین تری مطلقه می‌شوند، بنابراین نسبت به کسانی که در سن بالاتری ازدواج کرده‌اند، ممکن است که چالش‌های اجتماعی و اقتصادی را در بعد عمیق تر و گسترده تری تجربه کنند (گافنی ریس، ۱۳۹۰). جوامعی که در آن ازدواج کودکان رایج است بیشتر مستعد طلاق‌های زود هنگام و کودکان مطلقه هستند.

طلاق به شدت مسأله ساز است. بالاترین آمار فراوانی طلاق در میان دختران و زنان ۱۰ الی ۱۹ ساله است. این امر ما را به این استدلال می‌رساند که طلاق در میان ازدواج‌های زود هنگام شایع تر است. ملک شاهی رئیس کمیسیون قضایی مجلس ایران اعلام کرد که ۷۰ درصد طلاق‌ها توافقی و مربوط به موارد ازدواج زود هنگام بوده است. بسیاری

از این افراد به دادگاه مراجعه و شکوه می‌کنند که بسیار زود ازدواج کرده‌اند، در حالی که هیچ ذهنیتی در مورد ازدواج نداشته‌اند و اکنون خواهان طلاق هستند.

این حجم فشار و استرس بسیار بالاست. شکاف سنی بالای میان زوجین حمایت اجتماعی اندک به خاطر ارتباطات حداقل زوجه، نبود تعاملات مناسب با هم‌سالان، فقدان یا کم سواد، نرخ‌های مرگ و میر پیش از بلوغ و انزوای اجتماعی، از خصوصیات انحصاری دختران نوجوان متأهل است. از اخیرترین مثال‌های این پدیده اسف بار تصمیم جدید منتشر نکردن آمارهای طلاق می‌باشد، گرچه نرخ طلاق در ایران در طول دهه اخیر تا ۷۴ درصد افزایش یافته است.

در اسفند ماه سال ۱۳۹۴ علی اکبر محزون مدیر کل دفتر اطلاعات آمار و مهاجرت سازمان ثبت احوال اعلام کرد که این سازمان دیگر به طور ماهانه اطلاعات آماری مربوط به طلاق را اعلام نخواهد کرد و این آمارها بیشتر هدفمندانه اعلام خواهند شد. او مطرح کرد که چهار آمار حیاتی (تولد، مرگ، ازدواج و طلاق)، از این به بعد به سه آمار حیاتی تغییر می‌یابد و آمارهای مربوط به طلاق از این میان حذف می‌شود.

تجربه پژوهشی پیشگام ایران در خصوص ختنه زنان در ایران، نشان داد که نه تنها در زمینه معرفی و آشکار سازی واقعیات بدیهی بلکه در به عمل واداشتن دولت نیز تلاشهای بسیاری باید صورت گیرد. ملاحظیات فرهنگی همواره در سیاست گذاری‌های عمومی محل اعراب بوده‌اند. ازدواج زود هنگام به عنوان یک پدیده بغرنج اجتماعی و همگانی در حال حاضر باید نزد عموم شناخته و تعریف و با مسئولین به طور آزادانه مورد

بحث قرار گیرد. زمانی که تصمیم گیران و سیاست پردازان رده بالای کشور جهت تعریف و بازنمایی عوامل نظام مند و نهفته کودک همسری در مقابل سلامت باروری و حقوق بشر تعیین شده‌اند، این محیط آشکارسازی آزاد ضروری تر و حیاتی تر به نظر می‌رسد. صاحب منصبان و محققان دولتی به تحقیق در این زمینه و بالا بردن آگاهی لازم جهت منسوخ سازی کودک همسری تشویق شده‌اند، اهتمام محققان و سیاست پردازان بایست اولویت بخشی به مقابله با ازدواج زود هنگام باشد و اولین قدم در این زمینه، به رسمیت شناختن وجود خود پدیده ازدواج زود هنگام است.

از منظر قانونی، دینی و عرفی، ازدواج تنها شکل قابل قبول زندگی اجتماعی به عنوان خانواده است و در برنامه ریزی‌های جمعیت شناختی خانواده همواره یک عامل کلیدی در سیاست گذاری‌های دولتی بوده است. مفهوم خانواده تماماً به ساختار اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای هر جامعه بسته است (کاگیتسی باشی، ۱۳۸۶) و معمولاً یک پنداشت و فهم مشترک در خصوص این عبارت وجود دارد (والش و همکاران، ۱۳۷۹). در جوامع سنتی‌ای مانند ایران ازدواج تنها شکل قابل قبول تشکیل یک خانواده است. زمان آن رسیده است که ازدواج زود هنگام کودکان به عنوان شکل نادرست و غیر قابل قبول تشکیل یک خانواده دیده شود.

در بررسی ازدواج زود هنگام کودکان و مسائل اجتماعی ملازم آن همچون طلاق، کوتاه‌سازی دوران تحصیل و آمارهای بالای افسردگی در میان کودک بیوه‌ها، اطلاعات و تحقیقات باید در جهت سیاست گذاری‌های مناسب توسط دولت ایران در نظر گرفته شوند. اما آنچه در

عمل اتفاق می‌افتد، عادی سازی، چشم پوشی، قانونی سازی یا انکار پدیده است. در این میان این اضطراب خاموش به ویرانگری در زندگی دختران خرد سال و بی گناه ادامه می‌دهد.

ازدواج کودکان در ایران

ازدواج کودکان با همه پیچیدگی‌های علی و استنباطی‌اش می‌تواند از چندین منظر متنوع و مکمل دیده شود. جنبه‌های قانون اساسی، باورهای دینی، ابعاد جنسی و همچنین هنجارها و مناسک اجتماعی نقش قابل توجهی در ازدواج زود هنگام در جامعه ایران دارند. از این رو، فصل حاضر به متغیرها و شاخص‌هایی پرداخته است که در مدل تحلیلی این مطالعه تعیین کننده بوده اند.

ازدواج زود هنگام به عنوان نوعی خشونت بر مبنای جنسیت^{۱۴}

خشونت بر مبنای جنسیت و خشونت علیه زنان عباراتی هستند که معمولاً به جای هم به کار برده می‌شوند. با این حال مهم است که جنبه جنسیت محورانگی این خشونت را حفظ کرد زیرا نشانگر این است که خشونت علیه زنان نوعی ابراز نابرابری قدرت میان زنان و مردان در جامعه است. ازدواج کودکان خود بازتولیدی از این خشونت است. ازدواج زود هنگام کودکان به عنوان خشونت جنسی شناخته شده است زیرا زنان و دختران را در معرض خطرات خشونت روانی، جسمی

^{۱۴} Gender Based Violence

و جنسی قرار می‌دهد. گرچه پسران نیز از قربانیان ازدواج زود هنگام هستند، اما دختران خردسال لطمه و آسیب بیشتری دیده و قربانی می‌شوند. این یک زنجیره شکست ناپذیر از انقیاد و فرمان گذاری است که زنان در جامعه مرد سالار ایران با آن مواجه می‌شوند و این امر در هیچ جای دیگر به پررنگی ازدواج کودکان خود را نشان نمی‌دهد. کودک هم سری بر توانایی مشارکت اجتماعی زنان اثر می‌گذارد. کم سواد و پایین بودن سطح مهارت‌های اجتماعی قدرت آنها را در جامعه کاسته و شبکه روابط اجتماعی شان را محدود می‌کند. مقیاس و سطح ازدواج زود هنگام کودکان به این معناست که انهدام آن بدون در نظرگیری آسیب پذیری دختران در مقابل انواع مختلف خشونت امکان پذیر نیست.

دخترانی که در کودکی ازدواج می‌کنند در معرض خشونت از جانب والدین خود یا خانواده شوهرشان قرار دارند. دختران خردسال احتمال بیشتری می‌رود که کتک خورده یا توسط شوهرانشان تهدید شوند، هرچه شکاف سنی میان دختر و شوهرش بیشتر باشد، احتمال تجربه خشونت جنسی نیز بالاتر است. کودک عروسان اغلب از فشار عاطفی از جانب خانواده هایشان، شوهرانشان و خانواده شوهرشان رنج برده و قدرت تصمیم‌گیری در خصوص زندگی و بدن خودشان از آنها سلب شده است. معمولاً کودک عروسان از اولین تجربه جنسی شان به عنوان یک آمیزش اجباری یاد می‌کنند (دختران نه عروسان، ۱۳۹۴).

فشار عاطفی پیامدهای جان فرسایی را به بار می‌آورند. در سال ۱۳۹۵، یک دختر یازده ساله از شهر کردنشین کامیاران در استان کرمانشاه توسط مادر بزرگش وادار به تن دادن به ازدواج زود هنگام با یک مرد ۲۵

ساله و پس هوش می‌شود. این دختر یازده ساله فرار بود که زندگی مشترکش را در عرض دو هفته بعد شروع کند، تا اینکه خود را با چادر مادر بزرگش حلق آویز کرد. او هرگز به هشیاری بر نگشت و در بیمارستان بعثت سنندج در گذشت.

جمعیت ایران در طول نیمه دوم قرن بیستم به سرعت رشد کرد و از ۱۹ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ به حدود ۷۵ میلیون نفر در سال ۱۳۸۸ رسید. متعاقباً شعار جمعیتی رایج "فرزند کمتر، زندگی بهتر" تبدیل به سیاست بنیادی در تصمیمات باروری خانواده‌ها شد. با همکاری و حمایت سازمان ملل، تبلیغات گسترده کنترل جمعیتی در هر گوشه و کنار کشور، بر روی جزوه‌ها، بروشورها و کتابها، تلویزیون، رادیو و سخنرانی‌های محلی و ... صورت گرفت و به موجب آن این شعار جمعیتی بیش از پیش رواج پیدا کرد. سال‌های اولیه دهه ۷۰ شروع برنامه ریزی‌های موثر و جامع خانواده در ایران بود. اگر چه جمعیت ایران در بین سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ هر ساله با نرخ بیش از ۳ درصد افزایش یافت، این نرخ رشد در دهه هفتاد بعد از آنکه دولت شروع به طرح ریزی و اجرای برنامه کنترل جمعیتی در ایران کرد، رو به کاهش نهاد.

مشابه و هم‌سو با فشار دولت در این دهه جهت کاهش نرخ مولید، کاهش در نرخ‌های ازدواج را شاهدیم. شمار زنان بزرگسالی که در سالهای انقلاب در سنین ازدواج بودند ما را به این نتیجه می‌رساند که شعار فرزند کمتر زندگی بهتر در واقع تأثیر شگرفی بر جمعیت و باروری در خانواده‌ها گذاشت.

در دهه‌های اخیر کاهش چشمگیر جمعیت در میان گروه‌های سنی پایین در هرم سنی، که در واقع قاعدهٔ هرم را استوانه‌ای شکل ساخت، باعث شد که سیاست‌ها از موضع پیشین خود (کنترل جمعیت) به رشد جمعیت تغییر یابند. خط مشی‌های سیاسی جهت افزایش جمعیت شکل گرفت و ازدواج به تنها راه قانونی داشتن فرزند تبدیل شد. سن ازدواج نیز با این سیاست جدید تطابق پیدا کرد.

در سالهای گذشته دولت ایران سیاست جدیدی را برای تشویق به رشد جمعیت آغازید که بر مبنای آن برنامه ریزی‌های خانواده در دهه‌های گذشته یک ایدئولوژی غربی و غیر اسلامی خوانده شد (خبرگزاری اسوشیتد، ۱۳۸۹). تبلیغات گستردهٔ تشویقی برای بالا بردن شمار مولید صورت گرفت از جمله مرخصی شش ماهه همراه با حقوق برای مادران و چندین هفته مرخصی با حقوق برای پدران، وام‌های مربوط به فرزندآوری و یارانه. در دولت‌های پیشین برای تولد هر فرزند جدید تشویقات مالی در نظر گرفته شد. پول به حساب نوزاد تازه متولد شده واریز شده و در سن ۱۸ سالگی در اختیار او قرار می گرفت. به طور خلاصه این خط مشی تلاش برای ترقی اقتصادی را با کاهش دادن آنچه که زمانی راه گریز از رشد جمعیت تلقی می شد، سالها به عقب بازگرداند.



میانگین سن ازدواج برای دختران و پسران متعاقباً کاهش پیدا کرد. قانون مدنی بر مبنای شریعت اسلامی سن ازدواج برای دختران را ۱۳ سالگی و برای پسران ۱۵ سالگی قرار داد.

سن رضایت / ازدواج در ایران

اصطلاح سن رضایت در متون و نظام نامه‌های قانونی به ندرت دیده می‌شود (ویس، ۱۳۸۴). در عوض قانون، سن خاصی را مصوب می‌کند که به موجب آن درگیری در فعالیت جنسی برای فرد غیر قانونی اعلام می‌شود. این امر گاهی با معانی دیگری هم مورد استفاده قرار گرفته است، برای مثال سنی که در آن فرد قادر به رضایت به ازدواج می‌شود (لغتنامه آنلاین اکسفورد). بیشتر سیستم‌های قضایی سن رضایت به رابطه جنسی را بین ۱۴ الی ۱۸ سال قرار می‌دهند. برای حفاظت از کودکان در برابر سوء استفاده‌های جنسی بسیاری از کشورها یک سن حداقلی را برای رضایت به رابطه جنسی تعیین کرده‌اند، با این حال زمینه چنین اندازه‌هایی در درون فرهنگ‌های اسلامی دیده نمی‌شود. زیرا کلیه رابطه‌های غیر از ازدواج همواره غیر قانونی بوده‌اند (دهامی و شیخ، ۱۳۷۹: ۳۵۲).

قبل از انقلاب بر اساس ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده (سال ۱۳۵۳) ازدواج زنان قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و ازدواج مردان قبل از اتمام ۲۰ سالگی شان ممنوع بود. تغییر این سن بعد از انقلاب در ایران رخ داد. تغییرات اولیه آن در دولت موقت شکل گرفت و این ماده با ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی تعویض شد. بر اساس ماده ۱۰۴۱ از قانون

مدنی ایران سن ازدواج برای دختران ۱۳ و برای پسران ۱۵ سالگی اعلام شد. با این حال همین قانون به دختر اجازه می‌دهد که ازدواج در زیر سن ۱۳ سالگی و پسران در زیر سن ۱۵ سالگی به شرط رضایت والد یا اجازه دادگاه صورت پذیرد.^{۱۵} علاوه بر این اگر قیم کودک (پدر بزرگ یا مادر بزرگ) چنین درخواستی را داشته باشد و دادگاه به این نتیجه برسد که او به قدر کافی بالغ شده است که بتواند ازدواج کند، کودک می‌تواند حتی در سنین پایین تر نیز ازدواج کند.

بر اساس ماده اصلاحی ۱۰۴۱ در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۹، پیوند زناشویی قبل از رسیدن به بزرگسالی ممنوع است. ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی در سال ۱۳۱۳ اعلام می‌کرد که در ایران بر اساس قانون اساسی و مشروعیت قانونی، هیچ ازدواجی بین دختر زیر ۱۵ سال و پسر زیر ۱۸ سال نمی‌تواند شکل گیرد، مگر اینکه شرایط خاصی در نظر گرفته شود که در آن اعتبار ازدواج توسط یک دادخواه عمومی اعلام شود. این استثنا برای مواردی که دختر زیر سن ۱۵ سال و پسر زیر سن ۱۸ سال بود وجود نداشت. به این معنا که آنها نمی‌توانستند به هیچ وجهی ازدواج کنند. قانون جدیدی در سال ۱۳۶۱ وضع شد که به موجب آن سن اولیه ازدواج یا سن بلوغ برای دختران ۹ سال و برای پسران ۱۵ سال در نظر گرفته شد که بر این اساس هرگونه اقدام به ازدواج در زیر این سن‌های اولیه غیر قانونی بود. نهایی‌ترین تغییر در قانون مدنی در سال ۱۳۸۱

۱۵. ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی می‌گوید: ازدواج دختران قبل از ۱۳ سالگی و پسران قبل از ۱۵ سالگی مشروط بر اجازه ی قیم و با در نظر داشتن صلاح و مصلحت کودک توسط دادگاه، جایز است.

تصویب شد که بر مبنای آن مشروعیت ازدواج بین دختران و پسران زیر سن تعریف شده بلوغ (۱۳ و ۱۵) با رضایت یک قاضی صالح به عنوان یک شرط تأیید شد.

سن قانونی ازدواج برای دختران در ایران ۱۳ سالگی است، اما دخترانی به خردسالی ۹ سالگی نیز می‌توانند با اجازه دادگاه ازدواج کنند. در سال ۱۳۹۲ قوه مقننه ازدواج قیم با دختر خوانده خود را غیر قانونی و فسخ اعلام کرد. محتوای اصلاح شده قانون مربوطه، مشروعیت چنین ازدواجی را مشروط بر این دانست که یک دادگاه دارای صلاحیت آنرا به نفع و صلاح کودک تشخیص دهد.

طلاق و ازدواج زود هنگام در ایران بر اساس آمارهای رسمی شان دیده می‌شوند. شمار کلی ازدواج‌های زود هنگام کودکان به طرز اعجاب آوری در واقعیت بالاتر است زیرا بسیاری از این ازدواج‌ها در روستاهای کوچک و مناطق روستا نشین به طور رسمی ثبت و ضبط نمی‌شوند. حداقل ۴۸,۵۸۰ دختر در بین سنین ۱۰ الی ۱۴ سالگی در سال ۱۳۹۰ ازدواج کردند. ۴۸,۵۶۷ نفر از آنها قبل از رسیدن به سن ۱۵ سالگی حداقل یک فرزند داشته‌اند. ازدواج ۴۰,۶۳۵ دختر زیر ۱۵ سال بین اسفند سال ۱۳۹۱ تا اسفند ۱۳۹۲ ثبت شده است که در این میان ۸۰۰۰ مورد شامل ازدواج با مردانی حداقل ۱۰ سال بزرگتر از کودک عروس می‌باشد. علاوه بر این حداقل ۱,۵۳۷ مورد ازدواج دختران زیر ۱۰ سال در سال ۱۳۹۱ ثبت شد که در مقایسه با ۷۱۶ مورد ازدواج بین اسفند ۱۳۸۹ تا اسفند ۱۳۹۰، یک صعود و افزایش چشمگیر به نظر می‌رسد. شمار طلاق‌های ثبت شده برای دختران زیر ۱۵ سال نیز متقابلاً از

سال ۱۳۸۹ رو به افزایش نهاده است. ماده ۱۰۳۴ قانون مدنی بر این اساس است که هر دختری که عاری از محدودیت‌های وصلت است می‌تواند جهت ازدواج خاستگاری شود. سومین فصل قانون مدنی از ماده ۱۰۴۵ تا ۱۰۶۱ به شرایط و محدودیت‌هایی می‌پردازد که تحت آنها ازدواج نمی‌تواند معتبر و قانونی باشد، اما کودک بودن در میان این شرایط به عنوان عاملی برای باطل‌سازی ازدواج ذکر نشده است. بر اساس ماده ۱۰۶۲ قانون مدنی، ازدواج زمانی معتبر است که قصد به ازدواج در عبارات و الفاظ شفاف ذکر شود. ماده ۱۰۶۳ ذکر می‌کند که توافق و قبول ازدواج می‌تواند توسط خود مرد و زن، یا توسط شخصی دیگر به جای کودک اعلام شود (قانون مدنی).

گرچه سن قانونی ازدواج دلیل افزایش ازدواج زود هنگام در ایران نبوده و نمی‌تواند باشد، اما می‌تواند به عنوان یک عامل تأثیر گذار در تشویق و واداشتن تصمیم گیران به این امر نقش داشته باشد. با این حال، ازدواج حتی برای کودکان خردسال تر از ۱۳ سال و ۱۵ سال نیز می‌تواند صورت گیرد، زیرا در قوانین اسلامی طرق دیگری وجود دارد که در آن کودکان جوانتر از این سنین با اذن ولی قادر به ازدواج خواهند بود. به طور خلاصه دختران جوان زیر این سنین هنوز در معرض خطر ازدواج زود هنگام با اراده یک قیم قانونی و موافقت دادگاه هستند.

در شهریور ماه سال ۱۳۹۲، به استناد از شورای نگهبان، مجلس ایران ماده ۲۷ را مبنی بر حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و یا بدسرپرست اصلاح و تصویب کرد. به این معنا که مجلس ایران ازدواج بین والدان و فرزندخوانده شان را قانونی اعلام کرد. مجلس ماده ۲۷ را در

۱۷ مهر ماه سال ۱۳۹۲ تصویب کرد. با این وصف پذیرش فرزند خوانده امکان ازدواج او با پدری که حضانت وی را به عهده گرفته است فراهم می‌آورد. این ماده می‌گوید: اگر سرپرست خانواده بخواهد با فرزندخوانده‌اش ازدواج کند، باید جزئیات حال دختر جوان را برای تأیید به دادگاه بفرستد. اگر این ازدواج هم اینک صورت گرفته است، سازمان بهزیستی بایست گزارش آن را به دادگاه داده که بر مبنای آن تصمیم‌گیری درخصوص تداوم حضانت توسط خانواده فعلی یا متوقف‌سازی آن صورت می‌گیرد.

هولناک اینکه ازدواج بین دختر خردسال و مردی که تا کنون پدر خود پنداشته است، باعث بی‌ثباتی شده، ساختار اجتماعی خانواده را از بین می‌برد و نشان از رواج پدیده پدیلیا دارد. علاوه بر این، به پدر اجازه می‌دهد که کودک را یک گزینه جنسی موجود در نظر بگیرد، و این خود باعث می‌گردد مادر، کودک خوانده را یک تهدید علیه زندگی خود ببیند. این وضعیت اسفبار تبعات شدیدتری را به همراه دارد. مشخصاً تغییر این قانون و ایجاد وضعیتی که ازدواج بین کودک و کسی که پدر می‌پندارد را تأیید می‌کند، در تعارض با بسیاری از توافقنامه‌های بین‌المللی است که ایران یکی از امضاکنندگان آن می‌باشد.

باور قوی به ازدواج زودهنگام در ایران گواه این است که هنجارهای اجتماعی قدرتمندتر از قوانین هستند و همین امر به تداوم و بقای کودک همسری و رواج آن دامن می‌زند. قانون علیه ازدواج در زیر سن ۱۳ سالگی و کیفر قانونی برای والدینی که فرزندانشان را در زیر این حداقل‌های سنی

ازدواج می‌دهند، جلودار کودک همسری نبوده و نیست. آسان‌ترین راه برای اجتناب از مجازات قانونی، به تعویق انداختن ثبت رسمی ازدواج بوده است. واقعیت این است که زمانی که هنجارهای اجتماعی و فشارها مردم را وادار به ازدواج دادن فرزندان‌شان در خردسالی می‌کند، تعهدات اجتماعی و غیر رسمی، دور زدن و نادیده گرفتن قانون را آسان تر می‌کند.

همچنان که در فصل سوم به تفصیل بحث آن می‌رود، واکنش غالب والدینی که مایلند فرزند خرد سال‌شان ازدواج کند، این است که سن قانونی ازدواج او را با پرداخت پول در ازای سالهای لازم، جعل و تقلب کنند. این پدیده تحت عنوان "خرید سن" در برخی مناطق استان خوزستان دیده شده است. والدین جهت تضمین ثبت ازدواج دختر خرد سال‌شان، سالهایی که تا سن قانونی ازدواج کم دارد را خریداری می‌کنند. مقدار پولی که در این میان هزینه می‌شود بین صد الی پانصد هزار تومان می‌باشد.

همانطور که قبلاً گفته شد، اگر دختر در زیر سن رسمی ازدواج قرار داشته باشد، یک نامه اخذ اجازه از طرف دادگاه برای تأیید سلامت جسمی و روانی و بلوغ وی لازم است. در برخی دادگاه‌های محلی سیستان و بلوچستان ازدواج یک دختر زیر ۱۳ سال با اجازه پدرش قانونی بوده و فرایند تعیین و برآورد سلامت دختر تنها به چند سوال محدود ختم می‌شود. قاضی دادگاه جهت ارزیابی هوش و بلوغ دختر چند پرسش را با وی مطرح می‌کند، گاهی دو جفت گوشواره در مقابل وی قرار داده می‌شود و از دختر خواسته می‌شود که تشخیص دهد کدامیک طلا(اصل) و کدامیک بدل است و یا از او در خصوص قیمت

روز طلا سوال پرسیده می‌شود.

در جامعه طلاگرای ایران، طبق تعریف جامعه، به نظر می‌رسد که خرید طلا یکی از مهم‌ترین بُعدهای زندگی زنان باشد. زنان جایگاه مهمی در دین اسلام داشته‌اند. دیدگاه شخصیت‌های اسلامی نسبت به زن این بوده که آنها می‌توانند طلا به خود بیاویزند (شیخ المونجید، ۱۳۸۰). نتیجه‌ای که از این سوالها بر می‌آید این است که معیار مقبول برای تخمین بلوغ روانی زن قیمت طلا یا اجناسی است که زنانه در نظر گرفته می‌شوند. این فرایند برآورد بلوغ عقلی، که تنها چند دقیقه طول می‌کشد، بیشتر به یک بازی ساده سلیقه‌ای و شخصی می‌ماند، تا یک ارزیابی واقعی روان شناختی.

پسران خردسال

در زمینه ازدواج زودهنگام پسران، یکی از ستون‌های اساسی در تعریف بلوغ و رشد آنها، ورودشان به خدمت سربازی است. در ایران تمامی مردان بیست و یک ماه خدمت اجباری را در پادگان‌های نظامی می‌گذرانند تا بتوانند از مزایای یک شهروند بهره‌مند شوند. برای مثال داشتن گواهی رانندگی، پاسپورت، شغل حکومتی، حق داشتن یک شغل با بیمه و بسیاری از مزایای دیگر اجتماعی تماماً به خدمت سربازی آنها وابسته است. خدمت سربازی یک وجهه و خصلت فرهنگی را شکل داده است که در آن مردان در هر دوی مناطق شهری و روستایی بر اساس این تجربه ارزیابی می‌شوند. سختی‌های زندگی در پادگان نظامی از آنها یک مرد می‌سازد. قبل از گذراندن این دوره، پسران جوانتر از آنی به حساب می‌آیند که بتوانند ازدواج کنند.

این خط مشی سیاسی-نظامی تغییراتی را در فرهنگ ازدواج به وجود آورده است. آنچه در حین کار میدانی این مطالعه دیده شد، وقوع دوچندان ازدواج زودهنگام باوجود خدمت اجباری سربازی بود. خانواده‌ها پسرانشان را در سنین پایین به سربازی می‌فرستند تا آن‌ها را برای ازدواج متعاقبشان آماده کنند. در برخی موارد ازدواج زودهنگام درست قبل از پیوستن پسر به خدمت سربازی صورت گرفت. این کار امکان کوتاه‌سازی خدمت اجباری به خاطر متأهل بودن را فراهم می‌کرد. علاوه بر این امکان دارد که پسر را به پادگانهای استان بومی‌اش بدهند تا مقدور به گرفتن مرخصی و دیدن زن و بچه‌اش باشد.

نقش دین در تقویت کودک همسری

تحت قانون اساسی ایران که بر مبنای قضاوت امامیه است، سنین بین کودکی و بزرگسالی، نوجوانی خوانده می‌شود (عبادی، ۱۳۶۹). قضایات نخستین امامیه بر این باورند که ازدواج برای یک دختر الزامی است (علامه حلی، ۱۴۱۴: ۸۵۶) و نمی‌توان قبل از بلوغ آن را شکل داد. با اینحال برخی از قضایات دوره‌های بعد معتقدند اگر علایق و میل دختر نابالغ چشم پوشی شود، این زناشویی باطل است (همدانی: ۱۸۶).



مذاکره مولف با مولانا عبدالحمید اسماعیل زهی جهت تعلیم و کسب حمایت در
خصوص ازدواج‌های رو به افزایش کودکان
عکس: دفتر مولانا عبدالحمید

با اینحال دُول اندکی از جمله عربستان سعودی، یمن و ایران هنوز از
قوانین شریعت پیروی می‌کنند که بر مبنای آن، به محض اینکه کسی به
سن بلوغ می‌رسد، بالغ و عاقل به حساب می‌آید. فتوای انجمن‌های
مذهبی و رهبران دینی معمولاً نفوذ و اثرگذاری قابل توجهی در نقل
قول‌های رهبران محلی و در میان جامعه مسلط عربی در استان‌های
جنوبی ایران دارند. برای مثال استان خوزستان سومین جایگاه رواج
ازدواج زودهنگام کودکان را به خود اختصاص داده است.

در سیستان و بلوچستان مردم محلی بالاترین پتانسیل اثرپذیری را از
رهبران دینی محلی دارند، به خصوص از بزرگترین شخصیت مذهبی
مولانا عبدالحمید اسماعیل زهی^۱ که نه تنها برجسته‌ترین امام و رهبر

۱. مولانا عبدالحمید اسماعیل زهی یا شیخ الاسلام عبدالحمید اسماعیل زهی یک روحانی و

دینی در استان است بلکه به نوعی رئیس رهبران دینی اقلیت سنی مذهب ایران در جنوب شرق و غرب ایران شناخته شده است. اثرگذاری رهبران مذهبی را نمی‌توان دست کم گرفت. پروژه مداخله گرانه حاضر در حین کار میدانی، تیم پژوهشی را به برگزاری جلساتی با این افراد مرجع مذهبی در منطقه واداشت. بر این اساس جلسهای موفقیت آمیز در هفدهم مرداد ۱۳۹۵ با مولانا عبدالحمید اسماعیل زهی در سیستان و بلوچستان صورت گرفت. همانطور که در فصل بعدی بیشتر توضیح داده می‌شود، سیستان و بلوچستان در دهه‌های اخیر آمار بالایی از ازدواج کودکان را شاهد بوده است. دو روز بعد از این نشست موفقیت آمیز مولوی عبدالحمید در خطبه نماز جمعه‌اش که در آن هزارها نفر از شهرهای استان در زاهدان گرد هم آمده بودند، در خصوص اینکه ازدواج باید در حول و حوش سن قانونی ۱۸ سالگی صورت پذیرد بحث کرد. علاوه بر این اضافه نمود که والدین بایست اجازه بدهند که جوانان خودشان شریک زندگی شان را انتخاب کنند و آن‌ها می‌توانند انتخاب‌های بهتری در زمینه تحصیلی، یافتن شغل و درجات بالاتر سلامت روانی و جسمی داشته باشند. در طی این دیدار، کارگاه‌های یک هفته‌ای با اخذ اجازه از وی، در رده بالاترین مدارس دینی استان برگزار

رهبر دینی جامعه ی روحانیون سنی مذهب ایران است. به نقل از بیوگرافی منتشر شده در ویسایت ایشان، وی متولد سال ۱۳۲۶ در روستای گلوگاه در حومه ی زاهدان بوده و در مدرسه ی اسلامی حمدیه بدرالعلوم در پنجاب پاکستان تحصیل کرده است. امروزه مدارس مکی قوی ترین مدارس سنی مذهب در ایرانند که تأثیر سیاسی و اجتماعی ژرفی بر سنی مذهبان ایران دارند. مولانا عبدالحمید به خاطر دفاعش از حقوق سنیان در ایران معروف بوده و برخی رسانه‌های ایرانی وی را صدای میانه رو میدانند.

شد. کارمندان و روحانیون مسئول تدریس در چنین مکتب‌هایی، آموزش‌هایی در خصوص مضرات روانی، پزشکی و اجتماعی ازدواج کودکان دریافت کردند، تا این اطلاعات به هزاران دانش آموز دختر و پسر آن‌ها منتقل شود.

نگرش دولتمردان ایرانی

بسیاری از حکومت‌ها در جوامعی که ازدواج کودکان در آن رواج دارد، در هنگام بکارگیری قوانین جدید و سیاست‌گذاری‌ها بر فهم تنگناهای کودک همسری بر روی توده‌های مردم توجهی نشان نمی‌دهند زیرا سنت به طور خودکار در این جوامع پیاده می‌شود. بسیاری تصمیم گرفته‌اند که ازدواج زودهنگام کودکان را رد و انکار کنند، یا بسیار اندک به آن اقرار نمایند. در بسیاری از این جوامع که فقر مفرط، درگیری‌های حاد داخلی و فشارهای محیطی شدید بخش جدایی ناپذیری از زندگی هر روزه است، ازدواج کودکان ممکن است در اولویت لیست نیازهایی نباشد که برای جلب توجه دولتمندان با هم رقابت می‌کنند. پایان ازدواج کودکان به شکستن چرخه درون نسلی فقر کمک می‌کند و به زنان و دختران اجازه می‌دهد در بطن جامعه خویش فعال تر باشند.

تنها تعداد معدودی از سازمان‌های غیر انتفاعی، حقوق مدنی یا بین‌المللی وجود دارند که بر این پدیده تأکید می‌ورزند. در واقع بر اساس گزارش سازمان صندوق بین‌المللی جمعیت، ایران از جمله آن کشورهایی است که قانون شریعت اسلامی در خصوص سن ازدواج بر تعهد ایران به سن قانونی ازدواج غلبه دارد. در پاسخ به تلاش‌هایی که نمایندگان

قانون، دین و عوامل جامعه شناختی ۱۳۱

یونیسف در ایران صورت دادند، یا سایر تلاش‌های جامعه مدنی و جوامع حقوق بشری، تنی چند از مسئولین جمهوری اسلامی نظر مثبت و مایل به تغییر قوانین موجود را دارا می‌باشند.

نتیجه‌گیری

علی رغم توافقنامه‌های مختلف و معاهدات جهانی، ازدواج زودهنگام کودکان هنوز به حیات خود ادامه می‌دهد. گرچه برای بسیاری از خانواده‌ها این پدیده در ابتدا جذاب به نظر می‌رسید، اما هزینه‌های فراوانی به همراه داشت. انهدام کودک همسری بایست دراولویت برنامه کار جهانیان قرار گیرد تا از تبعات ویرانگر آن جلوگیری شود.

فصل سوم:

نتایج و یافته‌های تحقیق

پیش زمینه تحقیق:

مطالعه تحقیقاتی اخیر در خصوص رواج ازدواج‌های زود هنگام در ایران در سال ۱۳۹۲، زمانی که مولف این کتاب اولین پیمایش کلان دامنه در خصوص ناقص‌سازی دستگاه تناسلی زنان در ایران^۱ را به انجام رساند، شروع شد. در بیشتر نواحی ازدواج کودکان با ختنه زنان به صورت همسو و همزمان وجود داشت (برای بحث دقیق‌تر در خصوص ارتباط میان این دو پدیده به فصل ۱ مراجعه کنید). جرقه تحقیق در خصوص ازدواج کودکان در طول فرایند کار بر روی مطالعه ختنه زنان زده شد. در آن زمان نه تنها جامعه بین‌المللی از وجود مسأله ختنه زنان بی‌اطلاع بود، بلکه حتی در داخل کشور نیز ایرانیان از رواج ناقص‌سازی اندام تناسلی زنان ناآگاه بودند (احمدی، ۱۳۹۵). با این حال در حین مطالعه بر روی ختنه زنان، روشن شد که مطالعه دیگری نیز در خصوص افزایش آگاهی در مورد ازدواج کودکان بایست شکل گیرد.

^۱ <http://kameelahmady.com/fa/fgm-in-iran/>



کار میدانی در مناطق روستایی هفت استان کشور
عکس: کامیل احمدی

هدف این مطالعه، ارائه شواهد تجربی به دست آمده از پرسشنامه‌های خانگی است تا بدین وسیله میزان رواج کودک همسری و درک محدوده عوامل مؤثر به ازدواج کودکان در ایران مطالعه و ارزیابی شود.

ازدواج کودکان یکی از معمول‌ترین بحث‌های مطرح شده توسط محققان و فعالان حقوق بشر می‌باشد که به طرزی خستگی ناپذیر در سطح سازمان‌های غیر دولتی بر عوامل ریشه‌ای این پدیده فعالیت کرده اند تا توجهات جهانی را به پایمال کردن حقوق بشر و شأن و جایگاه آسیب پذیر کودکان و نوجوانان جلب سازند. کودک همسری، رواج و محبوبیت آن، فراوانی‌ها و نرخ‌های احتمالی، علل سوق دهنده و بازتاب‌های میان نسلی و درون نسلی آن، موضوع مورد توجه

رهبران جهانی شده است تا برای انهدام و جلوگیری از آن حمایت‌های مالی، زمانی و انرژی خود را سرمایه گذاری کنند.

در ایران منابع اطلاعاتی اندکی در خصوص این موضوع وجود دارد. افراد بسیار قلیلی مطالعاتی را جهت تعیین عمق و شدت مشکل ترتیب داده اند. داده‌های دولتی ناقصند. ایران با نرخ پالایش در این هنجار اجتماعی جنسی هرگز محل ایفای هیچ گونه روش شناسی تحقیق ژرفانگری در این خصوص نبوده است. گرچه برخی آمارهای توصیفی یک تصویر کلی از ازدواج زود هنگام ارائه می‌دهند، اما تحلیلی جامع بر روی اثرات و دلالت‌های ازدواج زود هنگام و خطرات آن را مطرح نمی‌کنند. خود این اطلاعات اندکی نیز که مطرح شده است، محدود به پایان نامه‌های دانشگاهی، گزارش‌های قربانیان، رسانه‌ها، نوشته جات سطحی و برخی گزارشات با ماهیت غیر تحلیلی و در خصوص آمارهای ازدواج‌های ثبت شده می‌باشد. در اکثر موارد مطالعه کودک همسری در ایران از حدود تحلیل کوچک دامنه محلی فراتر نرفته است. آنچه در اینجا کمبود آن احساس می‌شد یک مطالعه مسأله محور در خصوص ماهیت کودک همسری در ایران بود.

درطول تاریخچه کودک همسری در ایران، فقدان یک رویکرد ژرفانگر و عمیق به منظور شفاف‌سازی پدیده ازدواج زودهنگام در ایران ملموس بوده و این نیاز از هر آنچه تابحال در این زمینه انجام شده فراتر می‌رود. این دختران خردسال که در آستانه زنانگی قرار دارند، بخش بحرانی نسل آینده را شکل می‌دهند. امید به این است که

یافته‌های ما، در اختیار وزرای مختلف حکومتی و فعالان غیر حکومتی قرار گرفته تا به تغییری منجر شود. این عاملان و مجریان تغییر در بردارنده سیاست‌های دولتی و برنامه‌های طرح ریزی شده جهت تقویت برابری جنسی و همچنین برنامه‌های توسعه مد نظر سازمان‌های غیر دولتی^۲ می‌باشد. جهت تحقق این مهم حجم و سیع تری از یافته‌ها بایست جمع آوری و کشف شده و حقایق و داده‌های آماری باید در اختیار عموم قرار گیرد.

دستیابی به داده‌های تحقیق در زمینه میزان و حد و حدود ازدواج زود هنگام از ابتدا دشوار می‌نمود، زیرا برخی از این ازدواج‌ها به ثبت رسمی نمی‌رسیدند و برخی والدین سن دخترانشان را جعل می‌کردند. فقدان ثبت رسمی ازدواج در مناطق روستایی به علت عدم ثبت یا ثبت نادرست آمار تولد تسهیل شده است. به این معنا که ازدواج زود هنگام کودکان تحت پوشش کافی قانونی یک دادگاه خاص نبوده در نتیجه مزایای یک مقیاس اندازه گرفته شده جهت حمایت از حقوق آنها انکار می‌شود (یونیسف، ۱۳۹۳). علاوه بر این ثبت نکردن یک ازدواج منجر به عدم وجود حمایت قانونی از زن و فرزندان آینده‌اش خواهد شد.

سازمان ثبت احوال ایران بر اساس سرشماری جمعیتی هر ساله داده‌هایی در خصوص چهار رویداد جمعیت شناختی فراهم می‌کند: تولد، مرگ، ازدواج و طلاق. این اطلاعات همیشه در دسترس عموم

^۲NGOs

بوده‌اند، اما آنچه که در این میان ناگفته مانده آمار پنهانی پشت این داده هاست که از اطلاعات و داده‌های عمومی فراتر می‌رود. همان طور که قبلاً گفته شد مطالعات آماری توصیفی بر گرفته از پایان نامه‌های دانشگاهی در تعیین راهکارهای ممکن ناکام مانده‌اند. نتایج تلاش‌های دانشگاهی و آکادمیک اکثراً مورد رد و انکار واقع شده و بر خلاف شیوع و گسترده‌گی این پدیده در جذب توجه و علاقه دولت مردان- که در سال‌های اخیر به افزایش رشد جمعیت تأکید داشته و انگیزه جوانان را جهت تسریع در ازدواج و فرزند آوری افزایش می‌دادند- موفق نبوده‌اند. علاوه بر این توجهات فردی در این زمینه در حمایت مالی از سازمان‌های غیر دولتی جهت انجام مطالعات و تحقیقات بیشتر نیز راه به جایی نبرده است.

در حین مطالعه قبلی در باره ختنه زنان در ایران، رابطه غیر تصادفی میان ازدواج زودهنگام و ختنه زنان کشف شد. دختران جوانی که به ختنه تن داده بودند، در سنین نوجوانی ازدواج می‌کردند، و از طرف دیگر سن ازدواج برای سایر دختران بالاتر به دست آمد. این واقعیتی بود که در ابتدای مطالعه ده ساله تمامی مناطق مورد بررسی جهت نمونه برداری مشاهده شد. این دو پدیده، وقایع توأمان تصادفی نیستند. این دو مسأله سرکوبگرانه جنسی ذاتاً در اولین مرحله نمونه برداری و غربالگری مطالعه ازدواج کوکان در هم تنیده شده بودند. همان طور که در فصل دوم به تفصیل بحث آن رفت، این امر خصوصاً در نواحی روستایی ایران-جایی که تمرکز کار میدانی بر آن واقع شده بود- اتفاق می‌افتاد.

رویکرد تحقیق

همان طور که از قوانین و اخلاقیات تحقیق بر می‌آید، یک مطالعه پژوهشی بایست رویکردی عینی را در تمامی مراحل کار اقتباس نماید. در اولین مرحله انتخاب موضوع ازدواج کودکان در ایران، علایق پیشین نویسنده در مضامین خشونت بر مبنای جنسیت، توانمندسازی زنان و تجربه جمع‌آوری اطلاعات مربوطه در مطالعه ختنه زنان اثر گذار بود. در تمامی مراحل بعدی، کلیه پیش فرض‌های قضاوتی بایست کنار گذاشته شده و یک رویکرد عینی و کیفی جهت فهم ماهیت کودک همسری اتخاذ می‌شد که با چهارچوب قانونی، فرهنگی و دینی نواحی روستایی ایران همخوان بود. این امر در اقتباس فهمی بی‌طرفانه و غیر متعصبانه از کودک همسری حیاتی بود. در اینجا هدف دستیابی به عمق معنای ازدواج کودکان با تمامی پیچیدگی‌های ذاتی‌اش می‌باشد.

آنچه در ایران مشاهده شد، وجود تبعیت و دنباله روی خاص از رسوم در انعکاس کودک همسری به معنای ابزار حفظ بقا بود. ازدواج زود هنگام کودکان یک مسأله شدیداً روز افزون بوده و بیشتر در نواحی روستایی دیده می‌شود. برخی این پدیده را یک مکانیزم دفاعی می‌بینند که یک زندگی بهتر یا امن تر را برای فرزندان‌شان فراهم می‌کند، برخی آن را تبعیت از فشارهای اجتماعی جهت ازدواج دادن جوانان و به عبارتی ازدواج در زمان معصومیت و پاکی جوانی می‌دانند. برخی آن را بخشی از وظیفه مذهبی خود دانسته و بنابراین ازدواج زود هنگام را بنا به خواست خود صورت می‌دهند. علاوه بر

این داغ اجتماعی و تابوهایی مانند روابط عاطفی و جنسی قبل از ازدواج شکل دهنده جنبه‌های دیگر عقلانیت ازدواج زود هنگامند و اینکه چرا کودک همسری هنوز پابرجا بوده و حتی مورد تشویق قرار می‌گیرد. با محقق‌سازی یک مطالعه تحقیقاتی که تمامی تفاوت‌های فرهنگی را پوشش می‌دهد و با حضور شخصی در نواحی تحت برنامه، سطح بالایی از عینیت و واقع‌گرایی در تحقیق تضمین می‌شود. هدف اصلی و رای تمامی اهداف دیگر مطالعه، اکتساب دانشی نوین و منصفانه در خصوص ازدواج زود هنگام کودکان می‌باشد که بر سایر شاخه‌های گفته شده اثر می‌گذارد.

یک رویکرد کیفی، تبیین‌های توصیفی و واقعیات مستقلاً اثبات شده مورد بحث قرار گرفته‌اند. استانداردهای اخلاقی مانع از گزینش متعصبانه تصمیمات در روند برنامه‌های تحقیق بود. در رویکرد ما، شیوه ارزیابی مسائل نه یک رویکرد حقوق بشرانه بلکه یک رویکرد مسأله محور و تجربی بود.

با این حال با وجود ملاحظات مربوط به جمع‌آوری داده‌ها، مطالعه ما محدودیت‌های خاص خود را داراست. در مطالعات کیفی عینیت همواره یک مسأله بوده و گاهی برخی تعصبات به صورت اجتناب ناپذیری از جانب محقق اعمال می‌گردد. محدودیت‌های زمانی و مالی نیز به این معناست که حجم نمونه بایست کوچک باشد، یعنی یافته‌های تحقیق در خطر تعمیم ناپذیری بوده و ممکن است نمایانگر جمعیت بزرگتر ایران نباشند. با این حال تمامی تلاش‌ها بر این بوده که تا حد ممکن از دخالت تعصبات جلوگیری شود. روش سخت گیرانه و

مشارکتی‌ای که سؤالات تحقیق به وسیله آن طراحی شد غنی و آگاهی بخش می‌باشند. به شرکت کنندگان، محرمانه بودن اطلاعاتی که ارائه می‌دهند تضمین شد و مکانی امن و دوستانه برای ایشان فراهم شد که در آن به سهیم شدن تجربیات شخصی و خصوصی و دیدگاه هایشان با ما بپردازند. در خصوص فردیت شخصی پاسخگویان نویسنده که خود سخنگوی بومی آن منطقه بوده، سخنان و اظهارات پاسخگو را فهم و به دقت هر چه بیشتر ترجمه کرده است.

در سراسر مطالعه، یافته‌ها صرفاً بر اساس گفته‌های دقیق شرکت کنندگان بوده و نقل قول‌هایی از ایشان در سراسر گزارش ذکر شده است. این بیانات جهت واجوبی واقعیات زندگی کودک عروسان مورد استفاده قرار گرفته تا اعتبار و اصل اصالت تحقیق را برآورده سازند. این نقل قول‌ها دامنه‌ای از مضامین را در بر می‌گیرند؛ از جمله فهم دختران از علل و نتایج ازدواج کودکان و دستیابی آنها به اطلاعات و خدمات. نقل قول‌ها علاوه بر این اطلاعات، روایاتی غنی را شکل داده و بصیرتی خاص به درون زندگی مردم، فهم ایشان، رفتار مذاکره پذیر و روابط قدرت ضمنی را فراهم می‌سازند. آنها از دیدگاه این تحقیق، یک فرصت منحصر به فرد برای بحث و بررسی موضوعات حساس هستند. روایات روشنگرانه برای انتقال ماهیت هر زمینه‌ای انتخاب شده و در سراسر نسخه حاضر به عنوان مثال‌هایی از مباحث کلی گنجانده شده‌اند. در این مطالعه در کنار بررسی فهم کودک عروسان از عمل ازدواج کودکان، جزئیات اثرات کودک همسری بر زندگی روزمره دختران نیز ارائه شده است.

ازدواج زود هنگام کودکان موضوع شایان توجهی است، زیرا اطلاعات بسیار ناچیزی در خصوص رواج و اثرات آن در دست می‌باشد. داده‌های ازدواج کودکان محدود و ناچیز باقی مانده و متعاقباً اولین پیش نیاز در بررسی پدیده کودک همسری نیاز به تحقیق و درک عمیق تر است. برای پیشرفت قابل توجهی در درک خطرات ملازم با کودک همسری و پویایی مسئله ازدواج کودکان اطلاعات جامع موجود در این مطالعه ضروری به نظر می‌رسد. پیمایش‌های پیش رو حجم اطلاعات دسترس را به طرز چشمگیری افزایش داده و نیاز مبرم به داده‌های تجربی در خصوص ازدواج کودکان را برطرف می‌نماید.



پرسش و پاسخ و بحث با مردمان محلی در استان آذربایجان شرقی
عکس: کامیل احمدی

بازدید میدانی و بحث با مردمان بومی نواحی مختلف، عوامل چندگانه‌ای را بر ملا ساخت که می‌توانستند در نگهداشت و حمایت از رسم کودک همسری جدای از موانع قانونی دخیل باشند. اول اینکه گروه‌های اجتماعی از رسوم دوره‌های پیشین خود بدون زیر سؤال بردن ارتباط و تناسب معاصرشان پیروی می‌کنند. ازدواج زودهنگام به والدین اجازه می‌دهد که از مسئولیت سر و سامان دادن به فرزندانشان معاف شوند.



خانواده ی لر در استان خوزستان با نظری موافق به ازدواج زودهنگام عکس: کامیل احمدی

دوماً، خانواده‌های گسترده و به لحاظ اقتصادی ضعیف به اعمال ازدواج زودهنگام تشویق می‌شوند زیرا به کم شدن یک فرزند دختر کمک می‌کند، در حالی که ازدواج زودهنگام پسران یک نیروی کاری اضافی برای کمک به افراد خانواده در کارهای خانه و فعالیت‌های اقتصادی اضافه می‌کند.

سوماً، افراد جامعه‌ای که در آن ازدواج کودکان رایج است، معمولاً تحصیلات رسمی اندک و ناچیزی دارند. باور و اعتقاد به متون مذهبی و این باور مرسوم که این متون تجویزگر ازدواج زودهنگام، منجر می‌شود که خانواده‌ها چنین "تعهدی" را برآورده سازند.

چهارماً، ازدواج زودهنگام متضمن استفاده تمام و کمال از قدرت و توانایی باروری است و در نهایت، پیوندهای قوی طبقاتی وجود و در دسترس بودن شریک زندگی مناسب را محدود می‌سازد.

این مطالعه در عمل یک رویکرد نخستین است که به خفقان و سکوت پیرامون ازدواج کودکان و بازماندگانش صدا می‌بخشد. چنین چهارچوبی یک فرصت نادر جهت بیان رنج‌ها و دردهایی بود که هرگز به رسمیت شناخته نشده یا شنیده نشده بودند. بدین منظور پرسشنامه‌ای با سؤال‌هایی با پایان باز فراهم شدند تا پاسخگویان برای بیان هرآنچه که مهم می‌انگاشتند آزاد و راحت باشند.

از آنجا که اعتماد و محرمانگی حتمی و ضروری می‌نمود، پیمایشگران

به نحوی آموزش دیدند که این امر را در فضایی راحت و دوستانه محقق سازند. داده‌های کیفی از طریق مجموعه‌ای از افراد مطلع و مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته به دست آمد. پاسخگویان در جواب دادن به سؤال‌ها، در ادامه دادنشان یا متوقف ساختن مصاحبه آزاد بودند. برخی از پاسخگویان ترجیح دادند اسمشان را ذکر نکنند و برخی تنها اسم کوچکشان را گفتند. با احترام به انتخاب آنها، عقاید و بیاناتشان دقیقاً به همان شکلی که خودشان مطرح کرده بودند یادداشت شده، به این معنا که در برخی موارد اسامی افراد را ذکر کرده‌ایم و در برخی دیگر تنها اطلاعاتی که خودشان اجازه داده بودند در گزارش بازتاب داده شد. نقل قول‌هایی که از بیانات و یا نظرات عمومی و قبلاً منتشر شده از رئیس جمهورها، رهبران، شخصیت‌های محلی، حاکمان دینی و سایر چهره‌های حکومتی نیز در کار گنجانده شده که در اینجا، ذکر نامشان انحراف و تخطی از اخلاقیات تحقیق محسوب نمی‌شود.

روش شناسی تحقیق

رویکرد روش شناختی به کار گرفته شده در این تحقیق یک روش کیفی در مقیاس کلان بود. از آنجا که تحقیقی پیش از این در این باره در دسترس نبود که بتوان به آن رجوع کرد یا شیوه شناخته شده‌ای در ایران به عنوان یک تحلیل تطبیقی به کار گرفته نشده بود، روش شناسی مطابق و همخوان با پدیده مورد نظر وجود نداشت که این امر نیاز به یک مطالعه تطبیقی از مناطق دارای نرخ‌های بالای رواج ازدواج کودکان در داخل ایران را ضروری می‌کرد تا در فهم شباهت‌ها و

تفاوت‌ها به ما کمک کند. تحلیل‌های جامع اضافی دیگری جهت تلاش برای فهم کامل تر علل و خطرات ازدواج زود هنگام کودکان ضروری است.

با در نظر داشتن اینکه تقریباً هیچ تحقیق دیگری این ابعاد کودک همسری در ایران را هدف بررسی خود قرار نداده است، وظیفه و مسئولیت تحقیق حاضر به طرز چالش بر انگیزی بالا بوده و روش شناسی مربوط به آن پویا و دینامیک است. تصمیمات روش شناختی با موانع و تفاوت‌هایی که تحقیق در هر منطقه با آن مواجه می‌شد در انعطاف کامل بود. حجم جامعه، حجم نمونه، روش نمونه‌گیری، تعداد مصاحبه‌های تعیین شده برای هر بخش و ناحیه حتی زمان اختصا داده شده به هر استان خاص بازتابی از رواج ازدواج زود هنگام کودکان در آن منطقه بوده است. با توجه به تمامی تفاوت‌ها و تنوعات، روش شناسی تحقیق جهت محقق سازی آنچه مورد نیاز و نیت مطالعه بوده، اتخاذ و اقتباس شده است. شایان ذکر است که تصمیمات روش شناختی خاص و مختص این دست تحقیقات حساس جنسیتی بوده و مطابق با ویژگی‌های منحصر به فرد هر ناحیه مورد پژوهش به کار گرفته شده است. در نتیجه این تصمیمات ممکن است در زمینه‌های دیگر، به این شکل کارا نباشند.

در راستای بررسی پدیده ازدواج کودکان در ایران، این مطالعه به بررسی مناطق گزینش شده و خاصی محدود شد که به وسیله تحلیل داده های سازمان ثبت احوال به دست آمده بودند. هفت استان با بالاترین نرخ ازدواج ثبت شده کودکان انتخاب شدند.

۴	فارس ۱۸۵۷	آذربایجان غربی ۱۳۳۰۸	۴	زنجان ۲۸	آذربایجان غربی ۲۰۳۱	۴	همدان ۱۸۹۳	فارس ۱۱۴۷۵	کهنکلیویه و بویراحمد ۱۰
۵	آذربایجان غربی ۱۶۴۰	سیستان و بلوچستان ۱۳۲۸۷	۵	خراسان رضوی ۲۱	آذربایجان غربی ۱۹۵۰	۵	سیستان و بلوچستان ۱۸۴۱	آذربایجان غربی ۱۱۲۷۷	کرمانشاه ۹
۶	اردبیل ۱۶۰۱	فارس ۱۲۷۱۷	۶	فارس ۲۰	گلستان ۱۴۴۳	۶	فارس ۱۸۲۹	سیستان و بلوچستان ۱۰۲۹۶	فارس ۸
۷	زنجان ۱۴۲۰	اصفهان ۱۰۹۰۵	۷	گلستان ۱۹	فارس ۱۲۴۲	۷	آذربایجان غربی ۱۶۰۴	اصفهان ۱۰۱۴۷	-----
۸	مازندران ۱۳۵۹	گلستان ۸۴۲۰	۸	-----	کرمان ۱۲۱۱	۸	اردبیل ۱۵۹۶	مازندران ۷۸۱۴	-----

وسعت نواحی تحت پوشش این مطالعه، ملاحظات زمانی و مالی و همچنین محدودیت‌های بودجه‌ای، به کارگیری نمونه‌گیری خوشه‌ای را کارکردی می‌ساخت.^۳ با استفاده از این شیوه، چندین شهر واقع در شمال، جنوب، شرق و غرب هر استان برای پوشش اولین خوشه انتخاب شدند. مطابقاً چندین روستا از هر شهر جهت قرار گرفتن در خوشه دوم انتخاب شدند.

تعداد مصاحبه‌های هر استان بر مبنای رتبه‌اش در جدول ۱۰ ساله طبقه بندی استان‌ها تعیین شد. بدین جهت تمامی مناطق مورد بررسی شمار متفاوتی از مصاحبه‌ها را ملزوم می‌داشتند. اگرچه پرسشنامه به کار گرفته شده در هر منطقه یک نسخه محلی شده و بومی از پرسشنامه‌های پیمایش

۳. نمونه‌گیری خوشه‌ای یک روش از نمونه‌گیری است که در آن گروه‌های مختلف درون یک جمعیت آماری به عنوان نمونه انتخاب می‌شوند.

جمعیتی و سلامت بود، اما بیشتر بخش‌های آن محقق ساخته بود. داده‌های پیمایشی به دست آمده از پرسشنامه خانگی DHS برای ارزیابی سطوح ازدواج کودکان مورد استفاده قرار گرفتند تا همچنین تحلیل بسط یافته تری از اینکه چگونه ازدواج زود هنگام کودکان با شاخص‌های تعیین گر خود همبستگی پیدا می‌کند به دست می‌دهد. DHS پیمایش‌های خانگی معرف ملی هستند که جهت اندازه‌گیری سلامت و وضعیت تغذیه زنان و کودکان در کشورهای در حال توسعه طراحی شده اند.^۵

پرسشنامه‌های DHS به عنوان مجموعه‌های بی نقص و سازمان یافته سؤالات، دارای حداکثر اعتبار استاندارد و روایی تعریف شده اند. با این حال با عطف به تفاوت‌های خاص فرهنگی و تنوعاتی که در هر ناحیه موجود بود، اعمال تغییرات و تنظیم سؤالات در مناطق مورد بررسی مازامی می‌نمود. برای استفاده از سؤالات استاندارد DHS در این تحقیق، انجام تعدیل‌های سازگار فرهنگی برای ترجمه پرسشنامه به زبان محلی ضروری بود.

گویه‌های ساختار یافته در پرسشنامه با موضوعات زیر آورده شدند: پیش زمینه پاسخگو، ازدواج، تصمیم‌گیری‌های ازدواج، باروری زنان، باروری مردان، نگرش‌های جنسیتی، مواجهه با پیام‌های پیش گیرانه ازدواج کودکان، خشونت جنسی زنان، خشونت خانگی مردان. پرسشنامه بر میزان رواج و علل ازدواج کودکان در مناطق مورد مطالعه تمرکز داشت.

DHS^۴

۵. برای اطلاعات بیشتر در خصوص پیمایش‌های DHS به آدرس زیر مراجعه کنید:
www.measuredhs.com

پرسشنامه مذکور، تنها در مصاحبه با افراد محلی مورد استفاده قرار گرفت. مطالعه همچنین شامل مصاحبه با مسئولین، شخصیت‌های حکومتی، دینی و رهبران محلی هم بود. سؤالات مطرح شده به تناسب اینکه فرد مصاحبه شونده در چه زمینه‌ای تأثیرگذار و مطلع بود، بر حوزه‌های خاصی متمرکز می‌شد و روند مصاحبه‌ها به لحاظ ساختاری متفاوت بود. در حین اولین مرحله نقشه‌برداری و غربالگری تمامی نواحی، مصاحبه‌هایی با افراد مطلع محلی و شبکه همکاران ترتیب داده شد تا درک روشن و عمومی تیم پژوهشی را در خصوص استان مورد بررسی بالا برند. در بخش‌های دیگر گزارش این امر به عنوان مراحل غربالگری مشاهده‌ای مورد بحث قرار گرفته‌اند. در سراسر قسمت‌های زیر اطلاعات مربوط به هر استان به چند بخش مختلف تقسیم شده‌اند:

محدوده جغرافیایی: این بخش اطلاعات عمومی در مورد نواحی را فراهم می‌کند و بحث‌های وضعیت سیاسی، فرهنگی، جمعیت شناختی و اجتماعی هر منطقه و همچنین رتبه و درجه‌اش در میزان رواج کودک همسری را به پیش می‌کشد.

تحلیل زمینه‌ای: دانش در خصوص هنجارهای اجتماعی و رسوم هر نقطه جغرافیایی خاص در این بخش پرداخته شده است. با موشکافی داده‌های حاصله از پرسشنامه، سومین و آخرین بخش به نتایج تحلیلی و آمارهای توصیفی و استنباطی کار میدانی اختصاص یافته که در ادامه جزئیات بیشتر شرح آن‌ها رفته است:

تحقیق استانی

استان خراسان رضوی



محدوده جغرافیایی تحقیق

استان خراسان رضوی اولین هدف بررسی این مطالعه بود. استان خراسان رضوی واقع در شمال شرق ایران دارای جمعیت 6262000 نفر

می‌باشد (سالنامه آماری، ۱۳۹۳) اکثریت جمعیت آن قومیت فارس و زبان آنها فارسی است. خراسان رضوی یک قطب جاذبه مذهبی در ایران است و پایتخت معنوی تشیع می‌باشد. شیعه محور بودن در این منطقه به دلیل وجود حرم امام رضا (ع) در مشهد است با این حال مناطق مرزی استان سنی مذهب هستند. مرقداً امام رضا مجموعه‌ای است شامل مقبره امام رضا (امام هشتم شیعیان دوازده امامی). این مکان، بزرگترین مسجد دنیا از لحاظ ابعاد و دومین مسجد بزرگ دنیا از لحاظ گنجایش است. این مرقد و زیارتگاه مذهبی وجهه‌ای دینی و سیاسی به استان خراسان داده است. افراد ادیان و طبقات مختلف از ازدواج زود هنگام حمایت کرده که در میان بسیاری از جوامع مذهبی اعمال می‌شود. در این مورد، مشهد نمایانگر شدیدترین شکل سناریوست. این استان اولین رتبه را در ازدواج زود هنگام در میان پسران در سنین ۱۰ الی ۱۴ سال و ۱۵ الی ۱۹ سال و همچنین رتبه اول را در ازدواج دختران ۱۵ الی ۱۹ سال دارد. مجموع پنج شهر در روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. اولین خوشه شامل

شهرهای خاف، مشهد، سبزوار، تایباد، تربت حیدریه و تربت جام بودند. بیش از ۴۵ مصاحبه با مردم محلی در حین کار میدانی تحقیق انجام شد. با عنایت به تفاوت‌های زبانی و فرهنگی یک تیم چهار نفره متشکل از پیمایش گران قبلاً آموزش دیده، یک مطلع محلی، یک ناظر و یک راننده به مدت یک هفته به مناطق مورد نظر فرستاده شدند. دومین خوشه نمونه شامل چندین روستا از هر شهر می‌شد؛ از جمله خیر آباد، ریزه، صالح آباد، حاجی آباد، خوشاب، رباط جز، سلطان آباد، قاسم آباد، فیض آباد، نشیمنان و مشکان.

استان خراسان رضوی را اکثریت مسلمانان شیعه تشکیل می‌دهند. افراد بومی، مهاجران و زائران بخشی از تنوع فرهنگی در این استان می‌باشند. بر خلاف قطبیت اسلام شیعی در بیشتر نواحی استان، در مناطق شمال شرقی ساکنان سنی مذهب اقامت دارند که در نزدیکی مرز در شهرهای تایباد و خاف زندگی می‌کنند. شاهد بودیم که چگونه رسوم و هنجارها در تقریباً هر بخش مطالعه نمایانگر و باز نمود تفاوت‌ها بود. تسلط شیعیان در این استان و قدرت سیاسی شان به روی سنی مذهبیان، محرک برخی ناسازگاری‌ها و اختلافات منطقه‌ای است. با وجود این اختلافات، رواج ازدواج زود هنگام کودکان در درون استان در میان هر دوی مذاهب شیعه و سنی وجود داشت و به خصوص در مناطقی که در آن‌ها فقر و محرومیت شدت بیشتری گرفته بود، اکثراً در نواحی مرزی که سنی مذهبیان در آن ساکن بودند پررنگ تر و در ابعاد بیشتری دیده می‌شد. شهرها و روستاهای نزدیک به مرز افغانستان و ترکمنستان شباهت‌های اعجاب آوری با فرهنگ شهرهای آن طرف مرز دارند. برای

مثال، تسلط مردمان سنی حنفی در ترکمنستان و هم چنین افغانستان همخوان و هم سو با اکثریت بودن سنی‌های حنفی در شهرهای مرزی مانند خاف و تایباد می‌باشد. این عاملی مهم در فهم علل هنجارها و قوانین ازدواج است. با این حال، همان طور که از مشاهدات تیم پژوهشی برآمد و در مصاحبه‌ها صحبت از آن رفت، ازدواج با کسانی خارج از قومیت افراد غیر معمول بوده و غالباً نکوهیده تلقی می‌شود.

تأکید به ازدواج دادن فرزندان به افراد شیعه مذهب بسیاری را به این باور رسانده که ازدواج زود هنگام در درون خانواده و طایفه برای دختران به صلاح تر است تا ازدواج دیر هنگام با فردی خارج از نظام عقیدتی و فرهنگی یا ملیت خانواده. در خصوص این مورد رایج، ازدواج کودکان پاسخی عقلانی و عملی استاندارد به آینده مهم دختران تلقی می‌شود. ازدواج زود هنگام کودکان که در فرهنگ و سنت ایشان ریشه دوانده، یک رویکرد شدیداً مرد سالارانه و راه حل منطقی والدین و ریش سفیدان آن جامعه است که نگران آینده دخترانشان می‌باشند.

مهم است که پدیده کودک همسری در درون زمینه پدر سالاری دیده و فهمیده شود. اثر انباشتی مرد سالاری تسلط و انقیاد زنان را تحت عنوان مراقبت، حمایت و رفاه تقویت می‌کند و ایشان را در سراسر زندگی شان وابسته به مردان می‌سازد. در یک نهاد مرد سالارانه، ازدواج زود هنگام کودکان برای دختران، ارشدیت سنی شوهران و پدر مکانی ازدواج از عمده خصوصیات منتج هستند.

ازدواج کودکان اغلب در این جوامع مردسالارانه رخ می‌دهد، جایی که والدین و ریش سفیدان طایفه نقش چشمگیری در انتخاب شوهران

برای فرزندان‌شان دارند و نوعروسان به عنوان نیروی کمکی در کار خانگی به خانه هایشان آورده می‌شوند. قدرت تصمیم‌گیری عمده و مهم زندگی از اکثر این افراد سلب شده و هیچ چیزی در خصوص تدارکات و ترتیبات ازدواج‌شان نمی‌دانسته و وادار به ازدواج شده‌اند، زیرا عمدتاً این والدین یا افراد بزرگتر خانواده هستند که چنین تصمیماتی را می‌گیرند. این بدان معناست که به محض این که شخصی قابل ازدواج و مناسب وارد زندگی شان می‌شد و یا غالباً توسط بستگان انتخاب می‌شد مراسم ازدواج به عنوان عالی‌ترین راه حل جهت خلاص شدن از ترس در خصوص دخترانشان تلقی می‌شد. بی شک ازدواج زود هنگام کودکان ابزاری برای برقراری توازن در روابط قدرت در میان خانواده‌ها بود. ما دیدیم که بسیاری از والدین بر این باور بودند که ازدواج آینده یک دختر را تضمین کرده و این به نفع و صلاح خود او ست که زود ازدواج کند. متأسفانه در بیشتر شهرها و روستاهای مرزی استفاده از مواد مخدر و قاچاق دخانیات یک مشکل همه گیر و قابل توجه بود. مردان یا خودشان معتاد بوده یا درگیر کارهای قاچاق مواد مخدر از مرز افغانستان بودند. با در نظر داشتن اینکه ازدواج زود هنگام کودکان، دختران خردسال را در خطرات بالایی از جمله ناتوانی در بحث و مذاکره در خصوص رابطه جنسی سالم، آسیب پذیری در برابر بیماری‌های جنسی از جمله ایدز، زایمان زود رس و سوء استفاده خانگی قرار می‌دهد، ازدواج احتمالی با یک فرد معتاد به مواد مخدر ترس دیگری بر این عمل قبیح می‌افزاید.

ازدواج زود هنگام کودکان معمولاً یک عمل خانوادگی است که درون طایفه و خانواده صورت می‌پذیرد. مردم تمایل دارند که ازدواج‌های

خانوادگی را ترتیب دهند که در آن والدین همدیگر را می‌شناسند. بر این مبنا برخی رسوم مانند مهریه می‌تواند کمتر باشد. در جوامعی که زنان به عنوان نیروی کاری نان آور به حساب نمی‌آیند خانواده‌ها اغلب دختران را یک بار اقتصادی بر روی شانه‌های خود می‌بینند. شایان ذکر است که ازدواج زود هنگام کودکان هم چنین در درون ساختار شرایط مالی محدود یا وضعیت‌های اقتصادی ضعیف و دارایی‌های قلیل رواج دارد و دلایل اقتصادی منجر به پذیرش، قبول و تداوم این عمل شده‌اند.

جهیزیه و مهریه هزینه‌هایی هستند که با اهداف ازدواجی ایجاد شده‌اند. مهریه مقدار پول یا دارایی است که توسط مرد (داماد یا خانواده اش) به خانواده زن (عروس) در ازای ازدواج زن با آن مرد پرداخت می‌شود و منظور از جهیزیه آن مقدار از پول یا دارایی‌هایی است که توسط عروس (یا خانواده اش) بعد از ازدواج به منزل همسرش آورده می‌شود.

مهریه موضوع مهمی در زمانبندی ازدواج کودکان است. کودکی و جوان بودن به عنوان عاملی تعیین می‌شود که ارزش عروس را بالاتر می‌برد. یک دختر جوان زمان بیشتری برای وقف کردن و فرزند آوری برای خانواده جدیدش دارد. این مبادلات مالی باعث می‌شود که حجم زیادی از پول در این میان دست به دست شود. اغلب این دختران در وصلت‌های زناشویی به اغنیا فروخته می‌شوند و سرنوشت و هم آوری از تجاوز زناشویی، خشونت و سرکوب را تجربه می‌کنند (CARE، ۱۳۹۴). میزان مهریه ممکن است در شرایط مختلف متغیر باشد. برای مثال در برخی مناطق مهریه بستگی به شناخت از خانواده داماد دارد. اگر داماد فردی

غریبه و خارج از طایفه باشد، مهریه بالاتر از زمانی است که وی یکی از عموزاده‌ها است. به طور کلی، صرف نظر از میزان مهریه، این هزینه به شکل پول یا طلا به ندرت به عروس پرداخت می‌شود. در برخی طوایف بخشی از پول قبل از ازدواج به خانواده دختر پرداخت می‌شود و بخش دیگر آن، که در اصل متعلق به شخص عروس می‌باشد، تقریباً هرگز به وی داده نمی‌شود. مطابق قوانین اسلامی این مهریه بایست عندالمطالبه بوده و به محض درخواست زن از شوهر، به وی پرداخت گردد، اما واقعیت تلخ این است که وی سهم حقوقی و شرعی خود یعنی مهریه را تنها زمانی دریافت می‌کند که تقاضای طلاق کرده و قانون مرد را ملزم به پرداخت آن کند.

”دخترم فاطمه ۱۴ سالشه، ۱۳ سالش بود که ازدواج کرد. خیلی دختر خوییه. پدرش ده ساله زندانه به خاطر مواد مخدر. فاطمه رو مفت دادم. چون پسره گفت کاگر ساده ام گفتم باشه ببر. دو ست دایم قیمتش بالا باشه. اینجا هر چی دختر جوون تر باشه پولشم بیشتره. نهایتاً یک میلیون میدن. بع ضیا هم صد تومن، دویست تومن میدن. اما من مفت دادمش“

پاسخگوی زن - تایباد

استان خراسان رضوی

میزان جهیزیه نیز بسته به ناحیه جغرافیایی و از شهری به شهر دیگر متفاوت است. برای مثال، در روستاهایی مانند خیرآباد، فیض آباد، تربت جام، کرات (تایباد)، نشتیفان، صالح آباد و ریزه، اکثراً جهیزیه توسط داماد و خانواده‌اش تهیه می‌شود، برخلاف مناطقی چون قاسم آباد که خانواده عروس مسئولیت فراهم آوردن اسباب و اثاثیه منزل زوج تازه بخت را دارند.

از آنجا که ایجاد پیوندهای خانوادگی از طریق ازدواج زود هنگام کودکان وسیله‌ای برای تحکیم روابط قدرتمند میان خانواده هاست (صندوق جمعیت سازمان ملل، ۱۳۹۱)، تداوم روابط اجتماعی میان خانواده‌ها مهم تلقی می‌شود. این بدون شک به مهریه‌ای بالاتر در مقایسه با سایر نواحی دوروبر می‌انجامد. این هزینه بر روی عروس به عنوان قیمت او گذاشته می‌شود، و یا پولی که خانواده داماد در ازای عروسی کردن او به وی بپردازد. در طول بازدیدهای محلی و کار میدانی و صحبت با مطلعین محلی، چندین نفر متفاوت ماجرای مردی را برای ما تعریف کردند که دختر جوانی را به قیمت صد میلیون تومان خریداری کرده بود. این رسم مهریه و پرداخت هزینه در سایر مناطق عجیب به نظر می‌رسد. بسیاری از خانواده‌ها چنین رقمی را در ازای دخترانشان تقاضا نمی‌کنند. با استناد به گفتگوهایی که با ساکنین صورت گرفت، میزان مهریه به نسبت سن عروس تغییر می‌کند، به نحوی که هرچه وی جوان تر باشد، قیمتش نیز بالاتر است.

فقدان قدرت این کودک عروسان شدید و بحرانی است، زیرا این دختران خردسال متأهل، قدرت چانه زنی و مقابله بسیار اندکی در مقابل خانواده شوهرشان دارند. دختران نه در ازدواجشان و نه در تعیین سن یا پذیرش خاستگاری حرف آخر را نمی‌زنند. این کودک عروسان به خدمت شوهر و خانواده شوهرشان در می‌آیند و هیچ حقی در انجام تصمیم‌گیری‌های خود ندارند. قباح و زننده بودن این امر در هیچ جایی به اندازه طلاق به چشم نمی‌خورد. حق طلاق گرفتن و یا حتی صحبت از طلاق عموماً از زنان سلب شده است. مثال این مورد را در قاسم آباد می‌توان دید که در آن دختران در سن ۱۲ سالگی ازدواج کرده و حق طلاق ندارند، همچنان که مطلعین محلی ذکر کردند، این امر به نارضایتی از زندگی انجامیده و فراوانی بالای خیانت‌های زناشویی را منجر شده است. در سلطان آباد نیز مانند قاسم آباد پسران اکثراً در سن ۱۶ سالگی ازدواج می‌کنند و بلافاصله پس از آن به خدمت سربازی فرستاده می‌شوند.

چون ازدواج گزینه مهمی برای بقای اقتصادی تلقی می‌شود، در نتیجه طلاق یک انتخاب عملی و موفقیت‌آمیز نخواهد بود. هیچ راه جایگزین دیگری جدای از ازدواج در مقابل دختر قرار داده نشده است. از عنفوان کودکی، دختران به نحوی جامعه‌پذیر می‌شوند که باور داشته باشند ازدواج تنها هدف زندگی است و باید علایق شخصی آن‌ها پیرو علایق خانواده‌شان باشد. در نتیجه، خشونت خانوایی به طور رایج و همه‌گیر اعمال می‌شود. دختران جوان به شدت در مقابل خشونت‌های خانگی، سوءاستفاده و ترک آسیب‌پذیر می‌باشند. منظور از خشونت، خشونت‌های جسمی، جنسی یا سوءاستفاده روان‌شناختی است (هیس و همکاران، ۱۳۷۳). دخترانی که که

در کودکی ازدواج می‌کنند، در معرض خطرات خشونت از جانب شوهرانشان یا خانواده شوهرشان قرار دارند. آن‌ها در مقایسه با دخترانی که بعدها ازدواج می‌کنند، مداوماً در معرض کتک و تهدید قرار می‌گیرند. در این میان هر چه شکاف سنی میان دختر و شوهرش بیشتر باشد، احتمال تجربه خشونت جنسی و زناشویی نیز بالا می‌رود (دختران نه عروسان، ۱۳۹۳). مطالعات دیگری همبستگی میان تفاوت شکاف سنی و پیامدهایش را نشان داده‌اند؛ هرچه دختر در زمان ازدواجش جوان‌تر می‌بود، شکاف و تفاوت سنی میان او و شوهرش نیز عمیق‌تر بود (طرح بریتانیا، ۱۳۹۳). این فاصله سنی معمولاً دختران را در مقابل خشونت خانگی و تجاوز زناشویی آسیب‌پذیر می‌کند. حتی دخترانی که امکان طلاق گرفتن از شوهر متجاوزشان را دارند نیز شکننده و آسیب‌پذیر هستند زیرا قدرت کسب درآمد، تحصیلات و حمایت مالی اندکی دارند. گروه‌های حقوق بشری مواردی را گزارش داده‌اند که دختران پس از تلاش برای فرار از وصلت مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند. عروسان نیز اگر در چنین سنین پایینی بیوه شوند، خود را بی دفاع و بدون هیچ حمایتی می‌یابند که بدین وسیله قادر به بزرگ کردن کودکانشان نخواهند بود.

در عوض، نرخ طلاق در تربت جام (نشتیفان) به طرز قابل توجهی بالاست و از عمده‌ترین دلایل این که دختران نمی‌توانند تحصیلات خود را ادامه دهند. نرخ بالای ازدواج زود هنگام کودکان با تحصیلات اندک دختران دارای همبستگی است. پسران علاقه‌ای به تحصیل ندارند زیرا اکثراً درگیر کارهای دستی و مشاغل رده پایین می‌باشند و بدین وسیله باید احتیاجات مالی خانواده جدید خود را برطرف نمایند. گرچه دختران

اجازه ادامه تحصیل را دارند، اما هنوز مجبور به ازدواج در سنین پایین هستند. در نتیجه رشد ذهنی و تحصیلی آنها همخوان و هم جهت با موقعیت ایستای شوهرانشان نبوده و منجر به طلاق می‌گردد.

”اینجا بالای ۱۸ سال به عقیده ی مردم پیردختر است. در مشکان، اگر پسری واقعاً دختری را بخواهد می تواند حتی علی رغم مخالفت دختر او را با خود ببرد. من ۱۵ سالگی به اجبار و با انتخاب خانواده م ازدواج کردم. اصلاً از رفتار شوهرم و زندگیم راضی نیستم. به هر کسی رسیدید، خواهش می کنم بهش بگید زود ازدواج نکنه. حتی اگه سرشو بخوان بَرن زود ازدواج نکنه“

پاسخگوی زن، ۱۶ ساله

مشکان، سبزوار

استان خراسان رضوی

از دیگر عوامل برجسته و کلیدی، مالکیت آب است. در استان خراسان رضوی اقلیم گرم و خشک توسعه کشاورزی را با مشکل مواجه می‌کند و دسترسی به منابع آب از طریق مالکیت زمین‌هایی که دارای

قنات آبی هستند، یک امتیاز بزرگ است. این عامل محیطی نقش مهمی در شکل‌گیری و چند و چون هنجارهای اجتماعی داشته است. برای مثال در خیرآباد، جایی که اکثر ساکنین دارای قنات آب هستند، ازدواج زود هنگام در میان افراد درون طایفه رواج بالایی دارد تا بدین وسیله سلسله مراتب از پیش موجود حفظ شود.

علاوه بر این، فرار از خانه نیز در برخی قبایل دیده می‌شود، اما پاسخ اجتماعی به این امر، سخت و کوبنده است. در بسیاری از مناطق این عمل، قبیح و ویرانگر افتخار و عزت خانواده تلقی می‌شود که موجب تنبیهات سخت یا طرد از طرف خانواده می‌گردد، اما در سایر مکان‌ها مانند تربت جام (جایی که نرخ طلاق همچنین بالاست)، فرار از خانه به این اندازه سفت و سخت دیده نمی‌شود. زوج پس از بازگشت به جامعه، پذیرفته شده و گاهی خانهای به همراه اسباب و اثاثیه و مواد خوراکی به آن‌ها داده می‌شود تا به کمک ایشان زندگی خود را شروع کرده و تشویق به ماندن با یکدیگر شوند.

رسم تبادل زنان در میان اقوام خاص برخی جوامع رایج است. مثالی از این اقوام طایفه علی شو هستند. زمانی که دو زن در میان دو خانواده مبادله می‌شوند، زندگی هایشان بایست مشابه یکدیگر شود. به این معنا که اگر یکی از آن زوجین دعوایشان شده و زن از خانه بیرون رانده شده است، زوج دیگر نیز علی رغم نبود هیچ مشکلی با یکدیگر بایست دچار اختلاف شده و مرد بایست همسرش را از خانه بیرون کند. اگر یکی از زوجین منزل یا اثاث جدیدی خریده باشد، زوج دیگر نیز باید اعمال مشابهی انجام دهد تا سبک زندگی یکسانی را حفظ کند.

سایر قبایل رسوم ازدواج مخصوص خود را دارند. در طایفه شناخته شده رجب علی زاده، دختران در سنین ۹ سالگی ازدواج داده شده و خانواده از ابتدا مقدار طلایی که توسط خانواده داماد باید خریداری شود را تعیین می‌کنند. بعد، زمانی که وی به سن ۱۵ سالگی رسید و ازدواج کرد یک خانه به همراه وسایل و مواد غذایی به وی داده می‌شود. بسیاری از عوامل دست به دست یکدیگر داده تا یک دختر را در خطر ازدواج زود هنگام قرار دهد، از جمله هنجارهای جنسی اجتماعی. ازدواج زود هنگام کودکان می‌تواند به فرایند تفکر جمعی ارجاع داده شود، مردم عمل ازدواج زود هنگام کودکان را دنبال و پیروی می‌کنند زیرا این تنها راهی بوده است که در خانواده شان چنین اموری صورت پذیرفته و در نتیجه «درست» تلقی می‌شوند. از آن جا که این رسم برای قرن‌ها مورد پیروی بوده است، فشار اجتماعی شدیدی از طرف جامعه برای ازدواج دادن کودکان خصوصاً دختران در سنین پایین وارد می‌شود. فشار اجتماعی از درون جامعه از دلایل عمده‌ای است که والدین را وادار به ازدواج دادن فرزندانشان می‌کند. ازدواج کودکان یک عمل سنتی است که در بسیاری از مناطق تنها به این خاطر که در نسل‌های متمادی انجام پذیرفته است تداوم می‌یابد. اعمال سنتی اغلب مورد پرسش قرار نمی‌گیرند زیرا همواره بخشی از زندگی جامعه و هویت آن بوده اند (دختران نه عروسان، ۱۳۸۱).

این دختران جوان اغلب ساختارهای اجتماعی شدیداً تبعیض آمیزی را تجربه می‌کنند که توانایی‌ها و رفاه عمومی شان را عمیقاً با مشکل مواجه می‌کند. بر روی این دختران درجه‌ای از فشار از جانب جامعه و

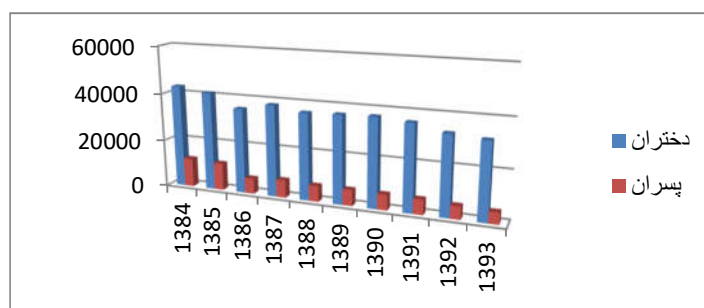
خانواده شان وجود دارد تا آن‌ها را وادار به تن دادن به ازدواج زود هنگام کند تنها برای اینکه مانند سایرین باشند. جای تعجب نیست که توقعات در مورد هنجارها و رفتار درون خانواده و خارج از آن، در فرد نسبتاً زود آغاز به رشد می‌کند. از این رو حتی درون یک خانواده نیز دخترها و پسرها بر مبنای ارزش‌ها و هنجارهای متفاوتی بار می‌آیند و بزرگ می‌شوند. این توقعات به وسیله هنجارهای محلی در خصوص این که ویژگی‌های یک دختر/پسر/مرد/زن خوب چیست، هدایت می‌شوند که هرچند به مرور زمان در حال تغییرند اما هنوز بر این اساس مشترک می‌باشند که "دختران خوب در حرکاتشان در بیرون از خانه محدودند و مطیع هستند و با مردانی خارج از خانواده تعامل ندارند". جدای از این که دختران در سنین بسیار پایینی درگیر این هنجارها می‌شوند، رسوم حتی زمانی که دختر با فردی خارج از بستگان خود ازدواج کرده است نیز تقویت می‌شود؛ همسر ایده آل عموماً در مفاهیم سخت کوشی و کار زیاد در خانه شوهر، مطیع شوهر و خانواده اش بودن، عدم تعامل با مردان دیگر، کم تحرکی، خوش رفتاری با همسایگان و لباس مناسب پوشیدن (لباس سنتی و محلی) تعریف می‌شود (گیمیره و ساموئلز، ۱۳۹۳).

علاوه بر پایداری و تداوم هنجارهای اجتماعی درون نسلی، مطیع هنجارهای نانو شته و فشار اجتماعی بودن و پرهیز از داغ اجتماعی، ترس و نبود امنیت از دیگر موارد زمینه ساز و محرک ازدواج زود هنگام کودکان هستند. فایده تبعیت از هنجارها و دنباله روی از سنت، عمیقاً ریشه در "فرهنگ تطابق" دارد. یعنی آن نوع از تأثیر اجتماعی که دربردارنده تغییر در

باور یا رفتار باشد تا به این وسیله فرد در یک گروه جای داده شود (مک لیود، ۱۳۸۶). این توجیه کننده این واقعیت است که چرا سنین ازدواج در یک مکان در محدوده نزدیک به هم قرار دارند و هیچ انحراف استاندارد معنی داری در میان این سنین دیده نمی شود. در جایی که ازدواج کودکان به هنجاری مقبول تبدیل می شود، مردم به صورتی اتوماتیک آن را ادامه داده و با وادار کردن غیر مستقیم یکدیگر به ازدواج دادن فرزندانشان در سنین پایین، کودک همسری را تشویق می نمایند. در رباط جز وقتی فردی به سن بیست سالگی می رسد، به این معناست که او دیگر هرگز قادر به ازدواج نخواهد بود. برای مثال در مشکان (سبزوار)، مردم کسانی را که هجده سال سن دارند و هنوز مجردند "ترشیده" می خوانند. این فشار اجتماعی برای ازدواج کردن، سایر نتایجی که در پیش گفته شد را تشدید کرده و رواج کودک همسری را بالا می برد.

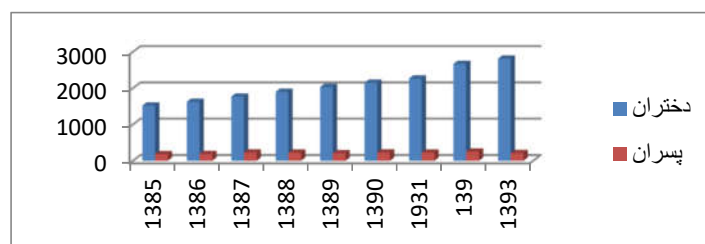
نتایج پیمایش

شکل یک رواج ازدواج زودهنگام در ده سال اخیر در استان خراسان رضوی را نشان می دهد. همانطور که مشخص است ازدواج کودکان در آن منطقه هنوز رایج ولی تمایل به چنین ازدواجی رو به کاهش است. میانگین ازدواج کودکان در میان دختران نسبت به پسران زیادتر می باشد.



نمودار ۱-۳ ازدواج زیر سن ۱۸ سال در دهه گذشته در استان خراسان رضوی

برخلاف کاهش اندک در ازدواج زودهنگام کودکان، با افزایش نرخ طلاق در این استان در مقایسه با یک دهه گذشته مواجه هستیم.



نمودار ۲-۳ طلاق زیر سن ۱۸ سال در دهه گذشته در استان خراسان رضوی

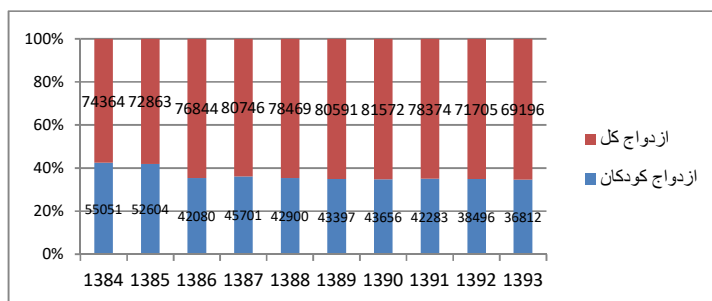
تحلیل دقیق هر دوی نمودارهای فوق نشانگر این است که ازدواج زود هنگام کودکان تأثیر ژرف تری بر روی دختران دارد تا پسران. باوجود اینکه پسران نیز در معرض ازدواج زود هنگام قرار دارند، بدون هیچ تناسبی تحت تأثیر پدیده کودک همسری بوده و بیشترین قربانیان ازدواج کودکان هستند. چنین اثراتی برای دختران و رای بلوغ و بزرگسالی است (بیگم، ۱۳۹۳). بسیاری از جنبه‌های زندگی شان توسط مردان مسن تری که آنها را تنها خدمتکاران خانگی و جنسی می‌پندارند، کنترل می‌شود. هرچه تفاوت سنی بالاتر باشد، احتمال بی قدرتی دختران و

خطرات خشونت، سوء استفاده یا استثمار آن‌ها بیشتر خواهد بود. گاهی مشکلات دختران زمانی آغاز می‌شود که با بچه‌هایشان وارد خانه‌ای می‌شوند که در آن مدام توسط شوهرانشان ترک می‌شوند (مرکز بین‌المللی تحقیق بر روی زنان، ۱۳۸۶: ۱۰).

از غالب‌ترین نیروها، مفاهیم مرد سالارانه و میل به انقیاد زنان جهت کنترل امیال جنسی آن‌هاست. مسئله پیچیده ازدواج کودکان ریشه در نابرابری جنسی و باور به مادون بودن زنان و دختران نسبت به مردان و پسران است. فقر، کمبود تحصیلات، اعمال فرهنگی و ناامنی، وجود کودک همسری را تشدید و تقویت می‌نماید زیرا دختران به اندازه پسران ارزشمند محسوب نشده و به عنوان باری بر دوش خانواده شان دیده می‌شوند. ازدواج با یک دختر جوان در سنی پایین می‌تواند به عنوان راهی برای تخفیف مشقت‌های اقتصادی، با حواله کردن این بار به شانه خانواده‌ای دیگر تلقی شود (تامسون، ۱۳۸۲).

مشابهاً، نرخ‌های طلاق نیز در میان دختران جوان در مقایسه با پسران به خاطر همان عوامل چندگانه‌ای که بر شمار مشکلات اجتماعی دختران می‌افزاید، رشد پیدا کرده‌اند. شمار زیادی از ازدواج‌ها در سنین خردسالی به طلاق در سن خردسالی کشیده شده‌اند. دخترانی که جوان ازدواج می‌کنند بیشتر محتمل به طلاق در سنین پایین می‌باشند. کودک عروسان همواره فاقد قدرت و وابسته به شوهرانشان هستند. سالانه نرخ‌های طلاق رو به افزایش نهاده‌اند و این امر دختران را با مشکلات بیشتر اجتماعی مواجه کرده است؛ مشکلاتی که به عنوان یک کودک بیوه یا کودک مطلقه قادر به دست و پنجه نرم کردن با آن نیستند. مسئولیت‌هایی که دختر بچه در تبدیل شدن به

"همسر"، سپس "مادر" و سپس "بیوه" به دوش می‌کشد فاجعه بار است. این دختران در صورتی که شوهرانشان ترکشان کند، بمیرد یا طلاقشان دهد، نسبت به فقر پایدار آسیب پذیرترند. با این وصف که دختران در ازدواج زود هنگام به طرز قابل توجهی از شوهرانشان کوچکترند، زودتر هم بیوه شده و با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی به مدت مدیدی از زندگی شان رو به رو خواهند شد. ابعاد این مسئله با افزایش جمعیت جوان در کشورهای در حال توسعه دامن گیرتر می‌شود (یونیسف، ۱۳۹۲). علاوه بر این چون ازدواج کودکان یک قرارداد اتحاد درون خانواده‌ای محسوب می‌شود، شکستن آن - یعنی طلاق- می‌تواند عواقب جدی‌ای برای خانواده‌ها و برای دختر داشته باشد. حتی دخترانی که امکان طلاق گرفتن از شوهر سوءاستفاده گر یا بدرفتار خود را دارند نیز در خطرند زیرا قدرت کسب درآمد، تحصیلات و حمایت مالی اندکی دارند.



نمودار ۳-۳ نرخ ازدواج کودکان در خراسان رضوی در بازه ی ده ساله

بررسی نسبت ازدواج زودهنگام کودکان در دههٔ اخیر حاکی از این است که سهم ازدواج کودکان در مجموع ازدواج‌های هر ساله، همواره بیش از ۳۵ درصد را نشان می‌دهد. این حقیقت، بازتابی از هنجارهای فرهنگی‌ای

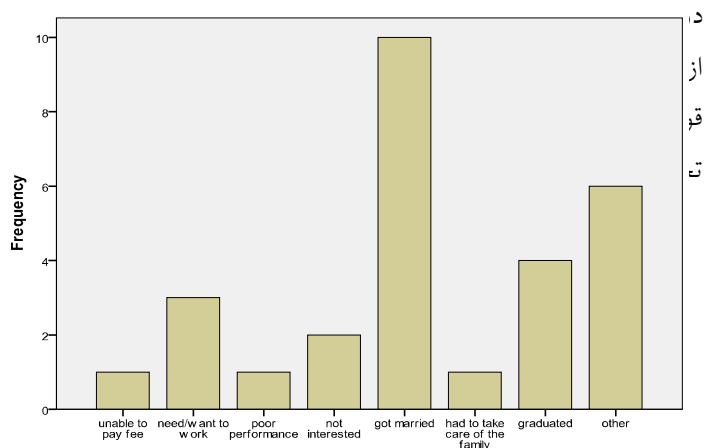
است که در درون یک سیستم اجتماعی زاده می شوند تا به موازات کودک همسری پیش روند. با این حال، همچنان که یافته‌های جدول سوم نشان می‌دهد، این عمل در سرایشی کاهش قرار گرفته است.

پیش زمینه

اکثریت پاسخگویان در فاصله سنی ۲۵ الی ۳۰ ساله قرار داشتند. در این بازه سنی ۸۲ درصد را زنان و ۱۸ درصد را مردان تشکیل می‌دادند که با شیوه نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده بودند. ۵۲٫۵ درصد از ایشان هم اکنون ازدواج کرده و ۴۲٫۵ درصد مجرد و ۵ درصد از آن‌ها مطلقه بودند. ۴۲ درصد از افراد همراه زن یا شوهرشان و ۴۰ درصد از آن‌ها با خانواده همسرشان زندگی می‌کردند. پاسخگویان دامنه متنوعی از ملیت‌ها را تشکیل می‌دادند؛ یعنی فارس (۵۵ درصد)، ترک (۳۵ درصد)، کرد (۵ درصد) و افغان (۵ درصد). میانگین سن شروع وظایف دینی در میان ۶۵٫۵ درصد از پاسخگویان سن ۹ سالگی بود.

ازدواج کودکان به مجموعه‌ای از پیامدهای منفی برای دختران خردسال ارتباط داده شده است و این امر در هیچ جای دیگری به اندازه مقوله تحصیلات خود را نشان نمی‌دهد. ازدواج کودکان دستیابی دختر بچه‌ها را به تحصیلات و آموزش سلب می‌کند، این بیانات به شدت مستند بوده و قابل اثبات می‌باشند. کودک همسری مغایر با به مدرسه رفتن دختران و حق تحصیل آن‌هاست که خود لازمه رشد فردی و سهم اثرگذار آن‌ها در بهبود و سامان آینده جامعه می‌باشد.

دختران معمولاً زود از مدرسه بیرون کشیده می‌شوند و رشد و توسعه آموزشی آنها به پایان می‌رسد. کمبود تحصیلات در میان دختران آنها را ضعیف و آسیب‌پذیر می‌نماید. ترک تحصیل به خاطر ازدواج، فرصت‌های وی را برای تبدیل شدن به فردی خود-متکی و مستقل می‌کاهد. دخترانی که در خردسالی ازدواج می‌کنند، بیشتر احتمال می‌رود که در سنین پایین نیز طلاق داده شوند. تحقیق نشان داده است که ۲۷ درصد از قربانیان ازدواج زودهنگام هنوز در حال تحصیل هستند و ازدواج دلیل عمده ترک مدرسه برای ۴۵ درصد از افراد بود تا بتوانند کارهای خانه‌داری و وظایف بچه‌داری را به انجام برسانند. اکثریت پاسخگویان تنها تحصیلات ابتدایی داشتند و تنها ۱۰ درصد از آنها این شانس را یافته بودند که تحصیلاتشان را تا کلاس



نمودار ۳-۴ دلیل ترک مدرسه در استان خراسان رضوی

نتایج منفی ملازم ازدواج کودکان و ترک تحصیل از مدرسه تأثیر تخریبی دومینوای نه تنها برای خود کودک عروس بلکه بر فرزندان و در کل، بر تمامی جامعه در بر دارد. رواج کودک همسری با نرخ‌های بالای رشد جمعیت، یتیم شدگی بیشتر، و شیوع بیشتر بیماری‌ها ارتباط مستقیم دارد (فیلد و امبروس ۱۳۸۷: ۸۸۱-۹۳۰). کم سوادى علاوه بر این بر رفتار بارورانه و استفاده از وسایل پیشگیری و نیز سلامت نوزادان اثر می‌گذارد. حتی اگر زنانی که زود ازدواج کرده‌اند مضرات ازدواج کودکان را بتوانند تشخیص دهند، باز هم در موقعیتی نیستند که جلوی این اتفاق را برای کودکان خودشان بگیرند.

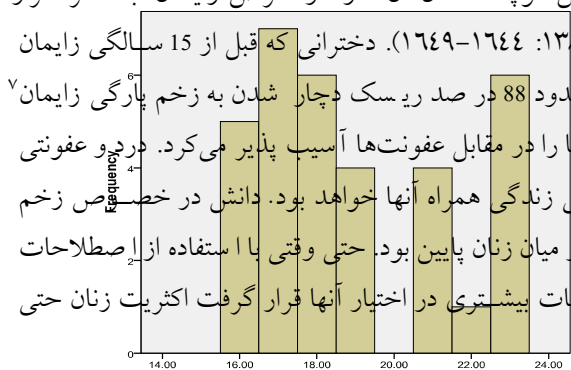
باروری زنان

در نتیجه ازدواج کودکان سلامت جنسی و باروری دختران خرد سال بیش از هر چیزی تحت تأثیر قرار می‌گرفت. جسم دختر بچه‌ها از لحاظ فیزیکی شرایط مناسبی برای زایمان ندارد و دختر به قدر کافی بالغ نبوده و در نتیجه هم سلامت مادر و هم سلامت فرزند به خطر می‌افتد. ازدواج کودکان نه تنها سلامت مادر بلکه سلامت نسل بعد را به خطر می‌اندازد. مطالعه نشان داد که ۹۷ درصد از زنان که یک بار زایمان کرده بودند، توسط خانواده خودشان و مادرانشان مراقبت‌های بعد از زایمان را داشتند. شمار قابل توجهی از

پاسخگویان (۴۵ درصد) هیچ مشکلی را در حین زایمان گزارش ندادند و ۲۷ درصد اعلام کردند که زایمان دردناک و خونریزی‌های شدید داشتند. اگر چه ۶۹,۷ درصد از مادران از وسایل پیشگیری استفاده کرده بودند، ۷۲,۷ درصد از ایشان تمایلی به استفاده از کاندوم نداشتند. دانش در خصوص مشکلات عمومی زایمان و مسائل سلامت زنان در میان زنان پایین بوده است. اکثریت پاسخگویان (۳۶ درصد) هیچگونه اطلاعی در خصوص این مشکلات نداشتند.

نمودار ۳-۴ سن زنان در اولین زایمان در استان خراسان رضوی

زمانی که دختر در سنین خرد سالی قرار دارد، لگن خاصره و مجاری زایمانش هنوز کوچک و رشد نیافته هستند. بارداری در نوجوانی، خصوصاً در زیر سن ۱۵ سالگی خطر ابتلاء به زخم یا پارگی^۶ را افزایش می‌دهد زیرا لگن کوچکشان آن‌ها را در معرض زایمان آبستره قرار می‌دهد (نور، ۱۳۸۵: ۱۶۴۴-۱۶۴۹). دخترانی که قبل از ۱۵ سالگی زایمان کرده بودند تا حدود ۸۸ درصد ریسک دچار شدن به زخم پارگی زایمان^۷ را داشتند که آن‌ها را در مقابل عفونت‌ها آسیب پذیر می‌کرد. درد و عفونتی که در تمام طولی زندگی همراه آنها خواهد بود. دانش در خصوص زخم پارگی زایمان در میان زنان پایین بود. حتی وقتی با استفاده از اصطلاحات محلی، توضیحات بیشتری در اختیار آنها قرار گرفت اکثریت زنان حتی



۶. Obstetric Fistula

۷. هر زخم واژنی که در حین زایمان رخ دهد و بیش از شش بخیه را منجر شود

کسانی که بیش از 15 بخیه را در حین زایمان داشتند، نمی‌دانستند که در واقعیت زخم پارگی زایمان را تجربه کرده اند.

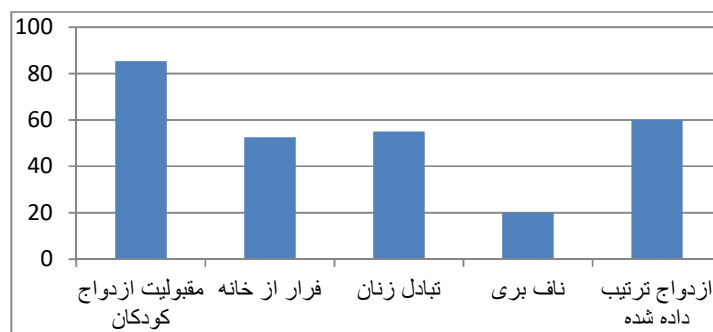
باروری مردان

مطالعه نشان داد که ۴۲ درصد از پاسخگویان مرد هنگام تولد اولین فرزندشان 17 سال سن داشتند و در زمان مطالعه آنها صاحب دو فرزند بودند. سایر ۱۴ درصد از مردان زمانی که اولین بار پدر شدند ۱۶ سال سن داشتند. تقریباً ۵۷ درصد از آنها هیچ دانش و اطلاعاتی در خصوص زایمان یا خطرات بارداری نداشتند و بیشتر پاسخگویان (۴۲,۹ درصد) ضعف را به عنوان خطرناک‌ترین مشکل می‌دیدند.

ازدواج و تصمیم‌گیری

در مناطقی که ازدواج زودهنگام کودکان رایج بود، والدین تصمیمات مربوط به ازدواج را بجای افراد می‌گرفتند. تحقیق پیمایشی در استان خراسان رضوی نشان داد که ۳۰ درصد پاسخگویان متأهل اظهار کردند که ازدواجشان بلافاصله پس از عقد ثبت شده است. شمار خاصی از پاسخگویان وجود داشتند که تجربه دخالت یا معرفی یک شخص میانجی که ازدواجشان را ترتیب داده بود را نقل می‌کردند (۶۷,۵ درصد). تقریباً ۷۶,۲ درصد از افراد متأهل در زمان ازدواج، از شکل‌گیری ازدواج خودشان باخبر بودند ولی 23 درصد از افراد هیچ اطلاعی از اینکه با چه کسی ازدواج می‌کنند نداشتند. ۵۲,۴ درصد از تصمیم‌های ازدواج توسط والدین یا سایر اعضای خانواده به غیر از خود فرد گرفته شده بود. در زمانی که مراسم ازدواج ترتیب داده شده بود ۴۲,۹

درصد از افراد تمایل به ازدواج نداشتند.

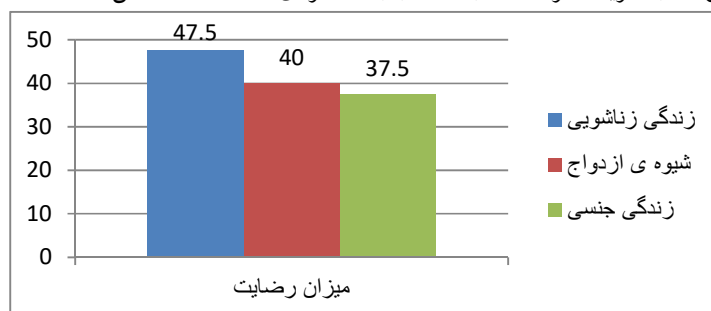


شکل ۳-۵ انواع ازدواج و میزان رواج آن در استان خراسان رضوی

در ۲۴ درصد موارد فاصله سنی میان زوجین بیش از ۱۰ سال بود، در ۲۱،۲ درصد موارد این فاصله کمتر از ۱۰ سال بود، مثلاً ۵۷،۱ درصد از مردان زنانی داشتند که بیش از ۱۰ سال از خودشان جوان‌تر بودند. این شکاف سنی متداول زمانی که زوج با خانواده مرد زندگی می‌کردند بیشتر به چشم می‌خورد. بدیهی است که این امر منجر به نابرابری‌های جنسیتی و ناتوانی در تصمیم‌گیری شخصی می‌شود. تنها ۱۰ درصد از افراد متأهل ازدواج زود هنگام را برای فرزندان خود نیز می‌خواستند. با وجود مخالفت فرد در خصوص ازدواج، زمانی که وصلت در حال شکل‌گیری بود، تنها ۱۵ درصد از افرادی که نمی‌خواستند ازدواج کنند، در این خصوص با خانواده‌شان صحبت کرده بودند. مابقی مطمئن بودند که ازدواج طبق میل آنها به هم نخورده و سر می‌گیرد.

پیمایش نشان داد که ۵۷،۵ درصد از ازدواج‌ها شامل مهریه و جهیزیه می‌شدند. در ۳۷،۵ درصد موارد این خانواده عروس بود که جهیزیه را فراهم

می‌کرد. بیشتر پاسخگویان زن (۳۵ درصد) هرگز مهریه خود را دریافت نکرده بودند و اکثریت افراد (۱۲ درصد) در زمان نامزدی شان ۱۷ سال سن داشتند.



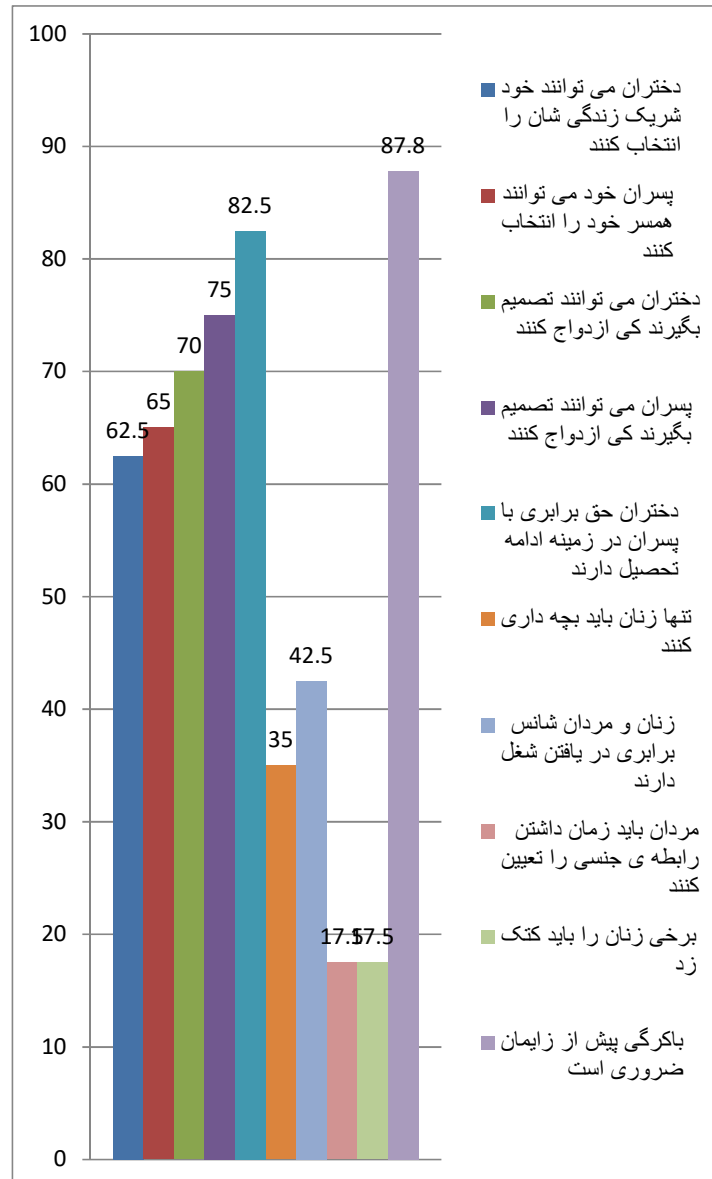
شکل ۳-۶ میزان رضایت از ازدواج در استان خراسان رضوی

مواجهه با آموزش جنسی و پیام‌های پیشگیرانه از ازدواج کودکان

اطلاعات دقیق در باره سلامت جنسی و باروری و همچنین حمایت و مهارت‌های لازم برای راحت بودن و اعتماد به نفس در خصوص بدن و میل جنسی افراد ناچیز بود. آموزش جنسی در مدارس وجود نداشت و یا بسیار ناچیز و با حداقل کیفیت ارائه می‌شد. پاسخگویان می‌گفتند که آموزش جنسی را اکثراً از طریق سایر بزرگسالان خانواده مانند مادران یا خواهران‌شان (۲۰ درصد)، دوستان و همسالان (۲۰ درصد) و مشاورین خانواده (۷٫۵ درصد) دریافت کرده بودند. اکثر پاسخگویان (۷۷ درصد) هیچ فایده‌ای را در ازدواج زود هنگام نمی‌دیدند و ۳۰ درصد از آنان تا به حال هیچ پیام پیشگیرانه‌ای در مواجهه و مقابله با کودک همسری نشنیده بودند. به طور کلی، ۶۰ درصد پاسخگویان باور داشتند که ازدواج زود هنگام کودکان بایست متوقف و منسوخ شود و ۳۲٫۵ درصد معتقد بودند که این امر بستگی به خصوصیات فردی و اندازه بدن و رفتار دختر

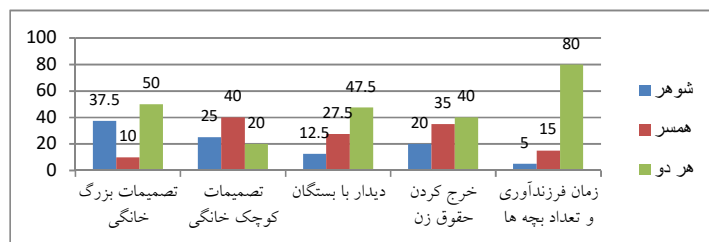
دارد. به طور کلی 60 درصد پاسخگویان عقیده داشتند که ازدواج زودهنگام کودکان باید متوقف شود و ۳۲,۵ درصد عقیده داشتند که این امر بستگی به ویژگی بدنی و عقیده شخص دارد. هیچکدام از پاسخگویان اطلاعی از سن قانونی ازدواج نداشتند. زمان پاسخگویی به این سؤالات آنها می‌پنداشتند سن قانونی ازدواج 18 سال به بالا است. اکثریت افراد معتقدند سن 15 سالگی برای ازدواج دختران و 20 سالگی برای ازدواج پسران زود است و بر این باور بودند سن ایدئال برای ازدواج فرزندان شان 20 سالگی است. ۶ درصد از زنان گزارش دادند که برخلاف میلشان مورد لمس یک مرد قرار گرفته اند و 9 درصد تجاوز اجباری را تجربه کرده بودند. ۲۱,۲ درصد از زنان متأهل بیان کردند که مجبور به رابطه جنسی با شوهرانشان بودند و تعداد کمی از آنها توانایی این را داشتند که با شوهرشان در مورد عدم علاقه به رابطه جنسی بحث و مذاکره کنند زیرا می‌پنداشتند آمیزش جنسی به طور اجتناب ناپذیری بخشی از وظایف زناشویی آنهاست. رایج‌ترین واکنش اساسی به این آمیزش اجباری ناراحتی (۴۲,۹ درصد)، نفرت (۲۸,۶ درصد) و خشم (۲۸,۶ درصد) بود.

نگرش‌های جنسیتی



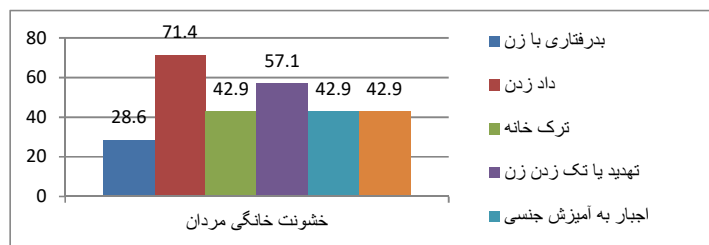
نمودار ۳-۶ میزان موافقت با نگرش‌های جنسیتی در استان خراسان رضوی

نمودار شش، در صد توافق به جملات حاکی از نگرش‌های جنسیتی را در خراسان رضوی نشان می‌دهد. یک جنبه مثبت که در این میان دیده شد، اعتقاد مبتنی بر برابری دختران و پسران در زمینه امکان تحصیل بود که مجموع کلی این توافق ۸۲٫۵ درصد را در بر می‌گیرد. بالاترین درصد موافقت مربوط به گویه الزام کنترل بر روی امیال جنسی زنان با عطف به باکرگی پیش از ازدواج بود که خود از اهم موضوعات در جوامع مردسالارانه است.



نمودار ۳-۷ چگونگی گرفتن تصمیمات خانگی در استان خراسان رضوی

نمودار هفتم ظرفیت‌های تصمیم‌گیری را در سطح خانگی می‌سنجد که به طور تعجب‌آوری یک تصویر متعادل را به تصویر می‌کشد. در بیشتر موارد باور بر این بود که زن و شوهر باید با یکدیگر تصمیم‌گیری کنند، در حالی که در موارد دیگر زن قدرت مسلط در تصمیم‌های داخل خانه و مرد بیشتر مسئول تصمیم‌های نحوه خرج پول در خانه، دیدار از بستگان و ... بود.



نمودار ۳-۸ میزان خشونت خانگی مردان

نمودار هشتم به برخی نگرش‌های جنسیتی نظر افکنده است و نرخ خشونت خانگی مردان را نشان می‌دهد. بالاترین درصد ثبت شده مربوط می‌شود به داد زدن بر سر زن (۷۱ درصد) و تهدید کردن یا کتک زدن (۵۷ درصد) و شمار اندکی از پاسخگویان که بدرفتاری با همسرانشان را گزارش کردند.



۲. استان آذربایجان شرقی

محدوده جغرافیایی تحقیق

استان آذربایجان شرقی واقع در شمال غرب ایران، همجوار مرزهای ارمنستان و جمهوری آذربایجان می‌باشد. آخرین

سرشماری در سال ۱۳۹۳ جمعیت ۳۸۰۷۰۰۰ نفری را برای این استان ثبت کرده است (سالنامه آماری، ۱۳۹۳). مرکز این استان -تبریز- به عنوان پایتخت اسلامی و هنری در ایران در طول قرن‌های متمادی شناخته شده و شامل ۱۲ شهر ترک نشین می‌باشد. جمعیت استان بیشتر متشکل از ساکنان ترک با تسلط زبان آذری است. اگرچه این استان محل زندگی سایر اقلیت‌های قومیتی نیز هست اما شمار و بُعد جمعیت آن‌ها چشمگیر

نتایج و یافته‌های تحقیق ۱۷۹

نبوده در نتیجه سراسر آن یک استان اکثراً ترک نشین دیده می‌شود. در برخی بخش‌های استان مردمان ارمنی اقلیت قومی از مهاجران را تشکیل می‌دهند که پس از جنگ تاریخی سال ۱۲۹۷ به این استان آمدند. اکثریت این استان دارای مذهب تشیع اند. آذربایجان شرقی سومین رتبه را در ازدواج دختران ۱۵ تا ۱۹ سال و پنجمین رتبه در ازدواج پسران ۱۵ الی ۱۹ سال، اولین رتبه در ازدواج کلی دختران و پسران ۱۰ الی ۱۴ سال را داراست.



در برخی روستاهای شهر سراب، کودکان در سن ۱۰ سالگی ازدواج داده می‌شوند.

عکس: کامیل احمدی

مجموع ده شهر برای اولین خوشه مطالعاتی کار پیمایشی انتخاب شد. یک تیم چهار نفره شامل یک پیمایش گر آموزش دیده شده، یک مطلع محلی، یک ناظر و راهنما و یک راننده جهت انجام مأموریت میدانی به

این استان فرستاده شد. شهرهایی از استان از جمله اهر، بستان آباد، هریس، جلفا، خامنه، ملکان، مراغه، سراب، صوفیان و ورزقان مورد مصاحبه و مطالعه قرار گرفته و بالغ بر ۴۸ مصاحبه با مردمان محلی در نواحی روستایی انجام گرفت؛ از جمله قله قاضی، آغمیون، اله حق، گیلک آباد، علی آباد قشلاق، کلب کندی، مراغه، گلی شهر، ممقوتای، روا سجان، آذقان، دوریق، صومعه دل، سردارکندی، الخلیج، کمر سفید و قره بلاغ.

مروری بر مشاهدات^۸

ازدواج کودکان در سراسر نواحی روستایی استان به طرز همه‌گیری بالا و رایج بود، و در نرخ‌ها و فراوانی‌های آن تنها تفاوت اندکی دیده می‌شد. ازدواج زود هنگام کودکان توسط جامعه کارکردی دیده می‌شد و خصوصاً در نواحی روستایی و فقیرنشین که به باور افراد فایده و منفعتی از وجود دختران به خانواده نمی‌رسد، هنوز آن را اعمال می‌کردند. روشن است که یک همبستگی اسف‌بار میان مشقت اقتصادی و مقبولیت ازدواج زود هنگام کودکان در استان وجود دارد. در این زمینه اقتصادی ازدواج کودک به عنوان راهی برای بهتر کردن آینده‌اش دیده می‌شود (سانیکتا و همکاران، ۱۳۸۲). ازدواج یک دختر خردسال با یک مرد میانسال به لحاظ اقتصادی مرفه، در یک خانواده محروم یک اولویت و ارجحیت محسوب می‌شود و در صورتی که چنین فرصتی برای ایشان

^۸Observational Scanning

فراهم گردد، بدون در نظر گرفتن سن مرد یا تمایل شخصی دختر، خانواده‌ها این موقعیت را از دست نمی‌دهند. ازدواج در این موقعیت، ابزاری برای تضمین آینده دختر تعریف می‌شود، نتیجه‌ای که با در نظر گرفتن وابستگی اقتصادی او و ننگ اجتماعی مجرد ماندنش برای وی حیاتی تلقی می‌گردد.

با توجه به این که ازدواج برای هر دوی زنان و مردان، ضروری و پسندیده در نظر گرفته می‌شود، جای تعجبی ندارد که طرفین در سنین پایین مایل به وصلت باشند. مصاحبه‌ها مبتنی بر این عامل اجتماعی رایج و گسترده بود: عدم امنیت و ترس از آینده. دختر داشتن در خانواده ترجمان احساس خطری است که اگر او را در سن مناسب فوراً ازدواج ندهند وی احتمالاً مجرد باقی می‌ماند. عموماً برای هر دوی مردان و زنان به لحاظ اجتماعی قابل قبول نیست که تا سنین بالای بزرگسالی مجرد باقی بمانند، گرچه تبعات این تجرد برای زنان به مراتب بدتر از مردان می‌باشد.

”وقتی دو سالم بود نامزد شدم. این جا رسمه و همه دخترا تا سن ۲، ۳، ۴ سالگی ازدواج می‌کنن. من سه تا دختر و یه پسر دارم. دخترم ۶ ماهه بود که نامزد شد و الان زندگی خوبی دارند. این یه رسم خوب نیست ولی اگه توی این سن ازدواجشون ندیم مردم پشت سرمون حرف در میانن.“

پاسخگوی زن

گیلک آباد، سراب- آذربایجان شرقی

دختری که مجرد است، همیشه در معرض قرار گرفتن در روابط عاطفی بوده و می‌تواند آبرو و احترام خانواده را با درگیری در روابط پیش از ازدواج از بین ببرد. در نتیجه دختران و پسران در بند یک کنترل اجتماعی قدرتمند هستند که سعی می‌کند آن‌ها را در حالی که خرد سال و جوانند سر و سامان دهد تا از چیزی که عرفاً فساد یا رفتار نامشروع خوانده می‌شود جلوگیری کنند. فشار اجتماعی نقش عمده‌ای را در ازدواج زود هنگام ایفا می‌کند. تنها این نتیجه را می‌توان گرفت که هرچه عروس جوان تر باشد، خواستنی تر است. زیرا کنترل وی آسان تر بوده، مطیع تر است و در احترام به شوهرش تربیت پذیرتر.

جوانی به معنای زیبایی، باکرگی و باروری است. برای یک دختر ۱۵ ساله مجرد ماندن موجب ابراز نگرانی و شک همسایگان و جامعه محلی به عفت و پاکدامنی و سلامت وی می‌شود. همچنان که در استان

آذربایجان شرقی دیده شد، اکثراً ازدواج‌ها توسط خانواده و در درون سیستم خویشاوندی ترتیب داده شده و تمایل خود کودک به هیچ عنوان در نظر گرفته نمی‌شود. مشاهدات انجام شده در روستای گیلک آباد برای مثال، نشان داد که دختران در سنین یک یا دو سالگی نامزد می‌شدند و هیچ کودک مجردی بالای سن پنج سال در روستا وجود نداشت. شدت رواج ازدواج زود هنگام کودکان در مصاحبه‌های محلی که در آن‌ها بر اهمیت هنجارهای محلی و رسوم تأکید شده بود، خود را نشان می‌دهد. در گیلک آباد، یک نوزاد شش ماهه نامزد شده بود. مشابهاً مصاحبه‌های دیگر با پاسخگوی مرد این روستا، مبنی بر این واقعیت بود که آن‌ها چنین دختر را در شکم مادرش و قبل از به دنیا آمدن نامزد می‌کردند.

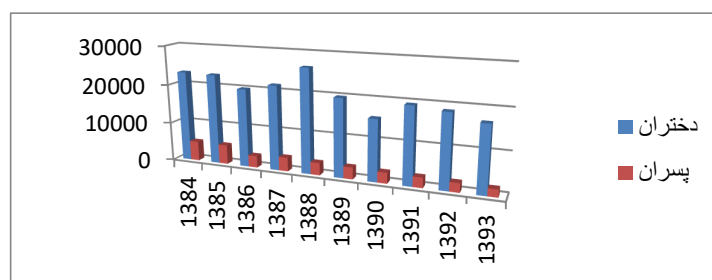
”هیچ بچه‌ی مجردی بالای ۱۳ سال در روستا نیست. اونا همگی زیر سن ۱۲ سال ازدواج می‌کنن. عروس ما یک سالش بود وقتی با برادرم ازدواج کرد. من خودم ۱۲ سالم بود. نصفه شب بود و من خواب بودم وقتی همسایه مون در زد و بهم یه حلقه دادن.“

لیلا، ۲۳ ساله

گیلک آباد-سراب- آذربایجان شرقی

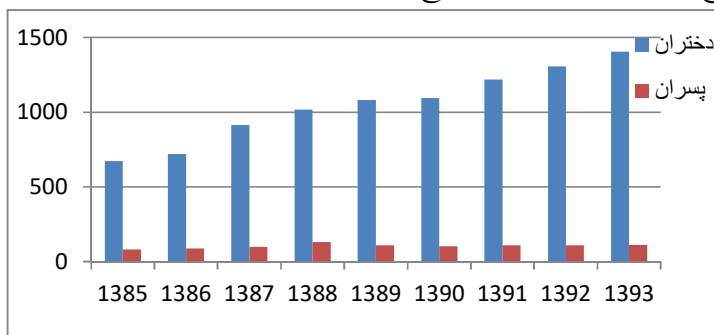
نتایج پیمایش

مطابق شکل زیر ازدواج زیر سن ۱۸ سال در استان آذربایجان شرقی روند متغیر و تحول پذیری داشته است. در طول دهه گذشته، ازدواج کودکان به لحاظ نرخ و فراوانی آمار بالایی را دارا بوده که در سال‌های اخیر روند نزولی به خود گرفته است.

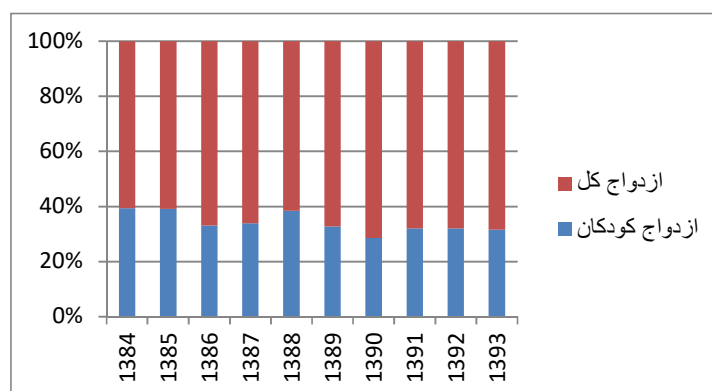


شکل ۳-۹- نمودار ازدواج زیر سن ۱۸ سال در استان آذربایجان شرقی

بر عکس، آمار طلاق در حال افزایش است. سالانه شمار بیشتری از کودک عروسان و کودک دامادان ادامه زندگی مشترکشان را غیر عملی می‌دانند و در همان سنین پایین طلاق می‌گیرند. همان طور که در شکل زیر دیده می‌شود، شاخص فراوانی بیوه‌های جوان در حال افزایش است. جدول بعدی نرخ ازدواج کودکان و نرخ کلی ازدواج را در مقیاسی ده ساله در کنار یکدیگر قرار می‌دهد. مطابق نمودار در دهه گذشته سهم کودک همسری هیچ گاه کمتر از ۳۰ درصد ازدواج کلی در تمامی سنین نبوده است.



نمودار ۳-۱۰ فراوانی طلاق در سنین زیر ۱۸ سال در استان آذربایجان شرقی

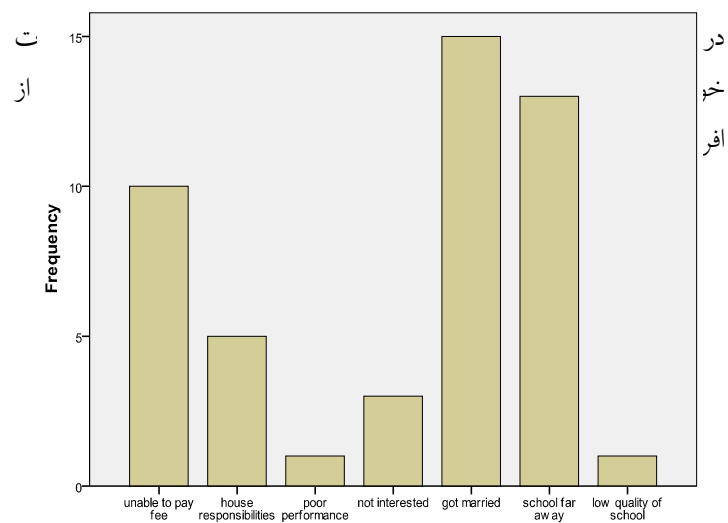


نمودار ۳-۱۰ نسبت ازدواج زودهنگام کودکان در استان آذربایجان شرقی

پیش زمینه

حجم نمونه در استان آذربایجان شرقی به طور تصادفی به ۶۴,۶ درصد زن و ۳۵,۴ درصد مرد تقسیم شد. محدوده سنی پاسخگویان عموماً ۲۲ تا ۲۸ سال (۱۰,۴ درصد) بود. پاسخگویان معمولاً با شوهر/همسرشان (۵۲,۱ درصد) و یا با خانواده او زندگی می‌کردند (۳۹,۶ درصد). تمامی پاسخگویان ترک بوده و به زبان آذری صحبت می‌کردند. توانایی خواندن و نوشتن در میان والدین پاسخگویان برای مادران و پدران به ترتیب ۱۴,۶

۱۸۶ طنین سکوت



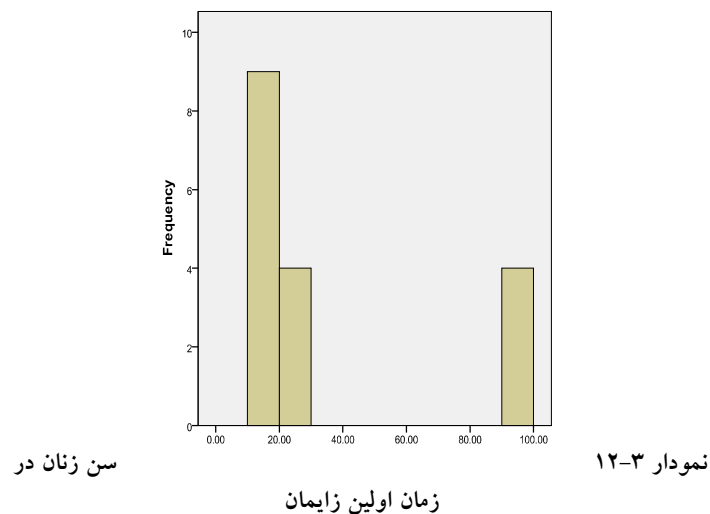
نمودار ۳-۱۱ دلیل ترک مدرسه در استان آذربایجان شرقی

در اکثر موارد عمده‌ترین دلیل ترک مدرسه ازدواج کردن بود. غالب زنان و دختران در تأمین شدن احتیاجات مالی خود وابسته به مردان

بودند؛ اول وابسته به پدرانشان و سپس به شوهرانشان. این وابستگی ریشه در تقسیم جنسیتی کار داشت. بر این اساس زنان در سمت مسئولیت کارهای خانگی، فرزندآوری و بچه داری قرار داده شده و مردان مسئول کسب درآمد. از آن جا که پس از ازدواج اجازه ادامه تحصیل از افراد سلب می شود، تنها مهارت شغلی و کاری پاسخگویان کار خانگی و تربیت فرزندان (۵۲,۱ درصد) و کشاورزی (۱۴,۶ درصد) بود. پاسخگویان تماماً شیعه مذهب بوده و ۷۷ درصد از آن‌ها اعمال دینی خود را انجام می دادند و این تکالیف را از سن ۹ سالگی شروع کرده بودند (۴۳,۹ درصد).

باروری زنان

۶۷,۷ درصد از زنان مصاحبه شده دارای فرزند بودند. مراقبت‌های پس از زایمان ایشان اکثراً توسط خانواده خودشان (۹,۴ درصد) فراهم شده بود. اکثر این زنان (۲۹ درصد) هیچ مشکل خاصی را در حین زایمان خود گزارش نکردند. داغ اجتماعی پیرامون میل جنسی زنان و جلوگیری از رابطه جنسی قبل از ازدواج و خارج از ازدواج، با وجود کمبودهای خدمات بهداشتی باروری و دسترسی به منابع خدماتی جنسی خصوصاً برای دختران جوان مجرد وضعیت بدتر و آسف بارتری را به دست داده است.



میل به استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری به طرز چشمگیری پایین بود (تنها ۳,۲ درصد). دانش و معلومات کلی در خصوص تولد کودکان و مشکلات زایمان در میان زنان به صورت انگشت شمار دیده شد.

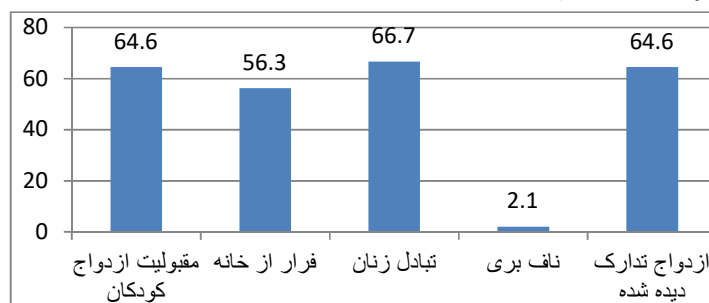
روندی که به طور عمومی در تمامی مناطق مورد بررسی دیده شد این بود که دختران دارای کمترین و پایین‌ترین سطح دانش در خصوص جسم خودشان بودند. ۷۷,۴ درصد از آن‌ها هیچ گونه اطلاعی از مشکلات سلامتی جنسی و بیماری‌های زنانه و راه رفع این مشکلات نداشتند. ۴۸ درصد از این زنان هرگز مشکل "پارگی یا زخم زایمان" را نشنیده بودند در حالی که ۱۹,۴ درصد از آن‌ها در واقع آن را تجربه کرده بودند.

باروری مردان

در آذربایجان شرقی، بیشتر پاسخگویان مرد (۲۹۴درصد) در زمان تولد اولین فرزندشان ۱۶ سال سن داشتند و اکثراً دارای شش فرزند بودند (۲۹,۴درصد). در زمان تولد فرزندشان تقریباً ۶۷ درصد از افراد مایل به داشتن فرزند بودند در حالی که ۱۱,۸ درصد از آن‌ها دوست داشتند بعداً بچه‌دار شوند. اکثریت ۷۶,۵درصد از مردان گزارش دادند که هیچ دانش و اطلاعاتی از مشکلات و بیماری‌های زنانه و چگونگی رفع آن‌ها ندارند.

ازدواج و تصمیم‌گیری

۷۰,۸ درصد از پاسخگویان در زمان انجام پژوهش، ازدواج کرده بودند و کمتر از ۲۰ درصد آنها در مراسم ازدواج خود حضور نداشتند. در ۷۵ درصد از موارد یک نامزدی رسمی توسط خانواده‌هایشان تدارک دیده شده بود. مجموع ۱۸,۶ درصد از پاسخگویان مجرد بوده و در میان متأهلان ۷۰,۸ درصد از ازدواج‌ها به محض ازدواج در مدارک شناسایی افراد ثبت شده بود.



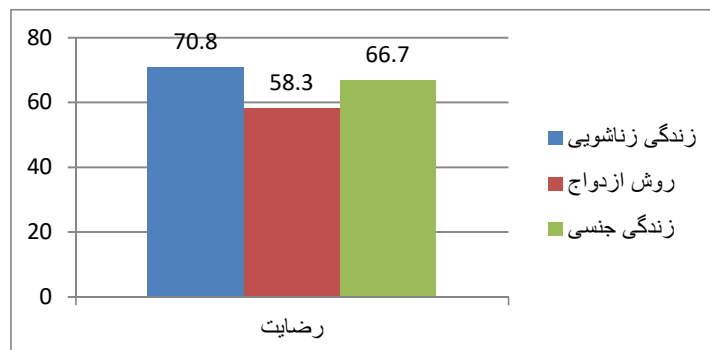
نمودار ۳-۱۳ رواج انواع ازدواج در استان آذربایجان شرقی

۱۸,۸ درصد و ۴۱,۷ درصد از پاسخگویان به ترتیب در ۱۸ و ۱۵ سالگی نامزد شده بودند. متعاقباً ۳۵,۴ درصد از آنها در زمان برنامه ریزی خانواده شان جهت تدارکات ازدواج نمی دانستند دارند با چه کسی ازدواج می کنند. پاسخ های متفاوتی در این خصوص گزارش شد: احساس خوشحالی نسبت به ازدواج (۳۷,۵ درصد)، بی تفاوتی (۳۱,۳ درصد) غصه و ناراحتی (۲۹,۲ درصد) و عصبانیت (۲,۱ درصد). در اکثر موارد (۶۶,۷ درصد) شریک زندگی فرد توسط خانواده او انتخاب شده بود و در ۳۵ درصد موارد خود فرد راضی به وصلت نبوده است. حدوداً ۱۸,۸ درصد از افراد با دوستان یا اعضای خانواده شان درباره به هم زدن ازدواج صحبت کردند اما این امر محقق نشد.

در تمامی ازدواج هایی که شامل جهیزیه می شد، خانواده دختر مسئول خریداری و فراهم آوردن اسباب و اثاثیه منزل بودند (۹۵,۸ درصد). در ۷۲,۹ درصد ازدواج ها صحبتی از تعیین شیربها نشده بود. در ۶۱,۳ درصد و ۲۲,۶ درصد از موارد زنان به ترتیب، شوهری ده سال بزرگتر از خودشان و ده سال کوچکتر از خود داشتند. مردان نیز به وصلت زنانی درآمده بودند که در ۵۲,۹ درصد موارد حدود ده سال از خودشان کوچکتر بودند.

نمودار ۱۴ نرخ رضایت از زندگی زناشویی، شیوه ازدواج و رضایت جنسی را نشان می دهد. شکل حاکی از این است که در استان آذربایجان شرقی، پاسخگویان با نرخ بالای ۷۰,۸ درصد از زندگی زناشویی خود رضایت بالایی دارند. دومین درصد بالا رضایت جنسی بالا در زندگی شان را مشخص می سازد. کمتر از ۵۰ درصد افراد از شیوه زندگی خود

ناراضی بودند.



نمودار ۳-۱۴ رضایت از زندگی زناشویی در استان آذربایجان شرقی

مواجهه با آموزش‌های جنسی و پیام‌های پیشگیرانه از ازدواج کودکان

۵۰ درصد از موارد آموزش جنسی خود را از طریق صحبت با سایر اعضای بزرگسال خانواده شان دریافت داشته و ۱۸٫۸ درصد افراد با کمک مشاورین خانواده این آموزش‌ها را دیده بودند. ۷۹٫۲ درصد افراد گفتند که ازدواج زود هنگام کودکان هیچ فایده و منفعتی در بر ندارد و ۷۲٫۹ درصد ایشان خواستار اتمام و متوقف‌سازی این رسم بودند. اکثریت ۶۲٫۵ درصد از پاسخگویان هیچ گاه در معرض هیچ گونه آموزشی علیه ازدواج کودکان قرار نگرفته بودند و همچنین ۹۵٫۸ درصد افراد سن قانونی ازدواج برای دختران و پسران را نمی‌دانستند. ۲۰٫۸ درصد افراد سن ۱۸ سال را برای ازدواج دختران و سن ۲۰ سال را برای پسران ایده آل به حساب می‌آوردند. سن مناسب ازدواج از نظر آن‌ها

برای ازدواج فرزندان خودشان ۲۰ سالگی بود (۲۹ درصد).

نگرش‌های جنسیتی

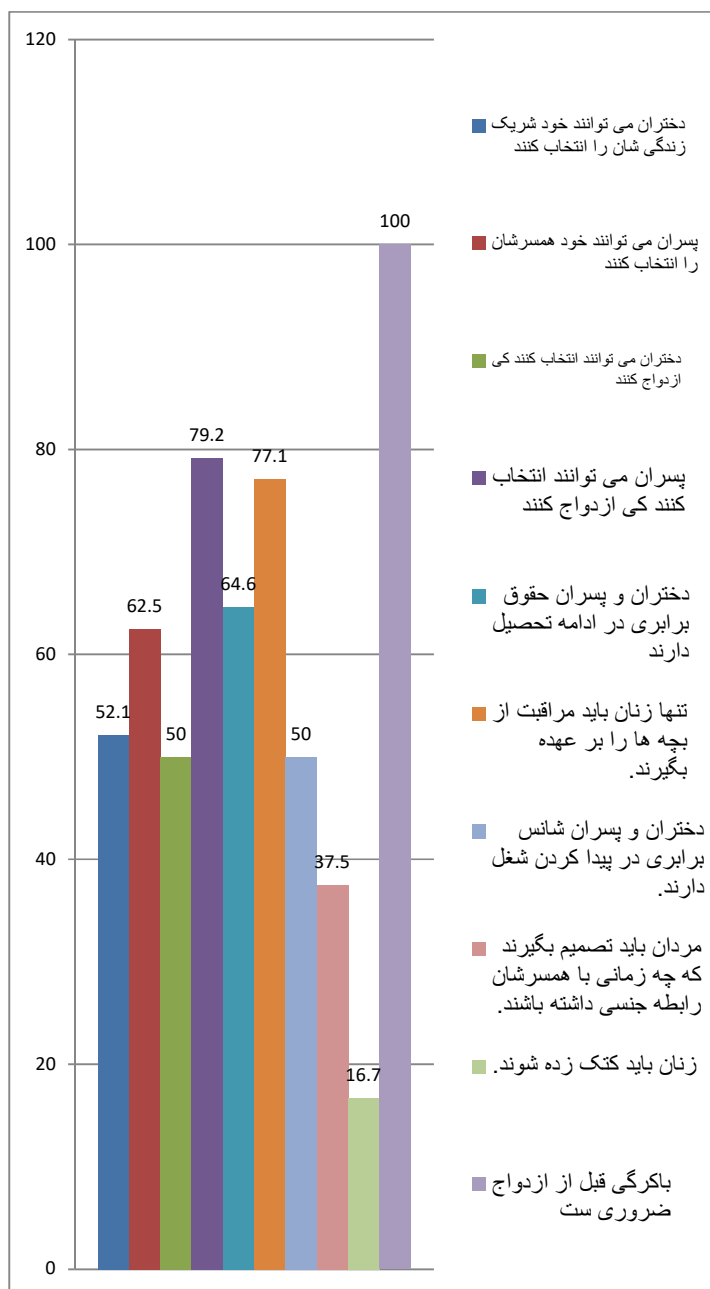
مقبولیت ازدواج زود هنگام کودکان تحت شعاع نگرش‌های جنسیتی شدیداً محافظه کارانه‌ای قرار گرفته است؛ از یک طرف فعالیت‌های جنسی خارج از ازدواج را منع می‌کند و از طرف دیگر زنان و دختران را به همراه خانواده‌هایشان مسئول هر گونه انحراف و تغییر در این هنجار می‌داند. تحت چنین شرایطی یک دختر مجرد تهدیدی مداوم برای اعتبار و آبروی خانواده‌اش به حساب می‌آید، یا به این خاطر که در یک رابطه عاطفی قرار گرفته است و یا چنین به نظر می‌رسد که قبل از ازدواج در معرض خشونت و آزار جنسی قرار گیرد که در هر دوی این حالات به یک اندازه اعتبار و نیکنامی‌اش لطمه می‌بیند. والدین مجبور می‌شوند که دخترانشان را به محض رسیدن به سن بلوغ ازدواج دهند زیرا صرف وجود یک زن یا دختر به لحاظ جنسی فعال ولی مجرد خطری برای یک جامعه مرد سالارانه است که بر تسلط مطلق مرد و کنترل کامل بر میل جنسی زنانه اصرار دارد.

پاسخگویان همواره اعلام می‌داشتند که دختری که دیگر یک باکره نیست ارزش خود را در "بازار" ازدواج از دست داده است و قیمتش به سرعت سقوط می‌کند. بررسی نگرش‌های جنسیتی در این استان تمایل وافر به کنترل باکرگی زنان را نشان داد (۱۰۰ درصد).

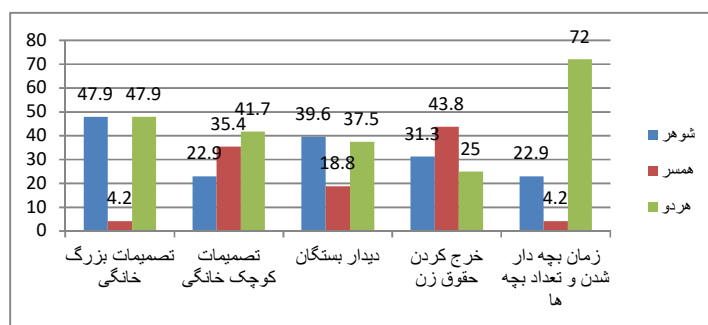
شمار بالایی از موارد، پسران احساس می‌کردند که خود حق تعیین زمان ازدواج کردنشان را دارند (۷۹٫۲ درصد). تفاوت‌های جنسیتی خود را در تقسیم جنسیتی کار نشان می‌دهد که به دو قسم کارهای تولیدی و

نتایج و یافته‌های تحقیق ۱۹۳

کارهای باز تولیدی (فرزند آوری) تقسیم شده بود. وظیفهٔ مراقبت از کودکان کاملاً بر عهدهٔ زنان بود (۷۷,۱ درصد). شمار بسیار اندکی از افراد اعتقاد داشتند که کتک زدن در صورتی که زن مداخله و جرو بحث کند مقبول و معقول است، زیرا این رفتار زن انحراف و تخطی از "حقوق" شوهرش قلمداد می‌شود.



نمودار ۳-۱۵ میزان توافقی با نگرش‌های جنسیتی در استان آذربایجان شرقی



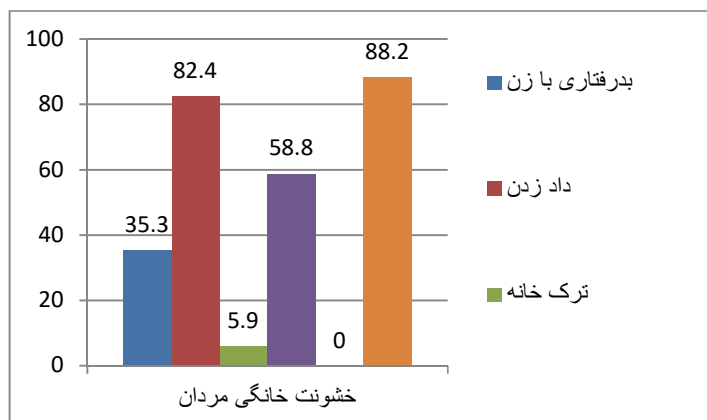
نمودار ۳-۱۶ تصمیم گیری‌های خانگی در استان آذربایجان شرقی

خشونت خانگی مردان

با در نظر داشتن این که خشونت خانگی یک نگرانی عمومی و جهانی در سلامت است که تقریباً ۳۰ درصد از زنان در سراسر دنیا با آن مواجه هستند (سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۹۲)، یکی از پیامدهای جدی ازدواج زود هنگام کودکان سوء استفاده جنسی در شکل خشونت خانگی است. زنان جوانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند، احتمال بیشتری می‌رود که توسط شوهرانشان مورد سوء استفاده و آزار قرار گیرند و نسبت به همسالانشان که بعداً ازدواج می‌کنند، به تجربه خشونت خانگی

محتمل ترند (یونیسف، ۱۳۸۴). دختران با قدرت چانه زنی پایین در خانه احتمال بیشتری می‌رود که خشونت را از جانب افراد نزدیک خود تجربه کنند. ازدواج زود هنگام می‌تواند قربانیان را به یک عمر خشونت جنسی دچار کند. این آسیب فراگیر و گسترده است. با وجود به بار آوردن عواقب وخیم سلامتی و اقتصادی برای بازماندگان آن، اثرات جدی اقتصادی را نیز برای کل جامعه به همراه خواهد داشت. خطر خشونت خانگی خصوصاً در مورد ازدواج کودکان برجسته است.

شکل ۱۷ نوع و میزان خشونت‌های خانگی را در آذربایجان شرقی نشان می‌دهد. مشابهاً نسبت دعوا و مرافعه با همسران ۵,۹ درصد است. بالاترین نرخ اعمال خشونت خانگی مربوط به آن دسته از افرادی است که خود در زمان کودکی شاهد آزار جسمی و دعوای پدرانشان با مادرانشان بوده‌اند.



نمودار ۳-۱۷ خشونت خانگی مردان در استان آذربایجان شرقی



۳. استان خوزستان

محدوده جغرافیایی تحقیق

استان خوزستان سومین استان هدف در این مطالعه بود. این استان در جنوب غربی ایران واقع شده و در سال ۱۳۹۳ دارای

جمعیتی برابر با ۴۷۲۴۰۰۰ نفر بوده است (سالنامه آماری، ۱۳۹۳). قومیت‌های مختلفی در این بخش زندگی می‌کنند، از عرب گرفته تا لر، بختیاری و فارس. هرکدام از این قومیت‌ها تحقیق را با پیش زمینه‌ها و خصوصیات فرهنگی مختلفی مجهز کرده است. اکثریت پاسخگویان دارای مذهب شیعه بوده و به زبان فارسی، عربی یا لری صحبت می‌کردند. علیرغم تنوع در قومیت و زبان در این ناحیه چیزی که مشاهده شد، مجموعه‌ای از شباهت‌های فرهنگی ثابت و رایج در مناطق روستایی بود. استان خوزستان دومین رتبه در ازدواج دختران پایین تر از ده سال و ۱۵ الی ۱۹ سال را دارد. همچنین دومین رتبه را در ازدواج پسران در گروه سنی ۱۰ الی ۱۴ سال و رتبه دوم در ازدواج مجموع دختران و پسران در گروه سنی ۱۵ الی ۱۹ سال را دارد. در جهت انجام بیش از ۴۱ مصاحبه مجموع شش شهر از این استان در خوشه اول انتخاب شد: آبادان، اهواز، دزفول، هفتکل، شوش و شوشتر. که در میان این‌ها خوشه دوم روستایی انتخاب شدند: کوی آل صافی، الباجی، کوی عبود، علوان، بنادر، کنارپیر، اسلام آباد، کوله جز، شهرک بهرام، حاج حسین، رمیله، شطیط، سوابر، تاریخا، شحله، چمن لاله، دیمه درب، نمره دو، جازو و گزین

و نفت سفید.

استان خوزستان همجوار مرز عراق از طرف غرب بوده و یک ناحیه اصلی در زمان درگیری‌های جنگ عراق در اولین دهه انقلاب اسلامی بود. در سراسر جنگ هشت ساله این ناحیه در مسائل اشغال و عدم سکونت غرق شد که برای دهه‌ها تأثیر منفی‌ای بر این استان برجای گذاشت. توازن جمعیت و تنوع آن به طرز چشمگیری در طول این سال‌ها تغییر پیدا کرد که بر اولویت‌ها و سیاست‌گذاری‌های جمعیتی و مهاجرتی این ناحیه اثر گذاشت. بنابراین شباهت‌های بسیاری را می‌توان در میان ساکنان این منطقه و اعراب ساکن آن سوی مرز مشاهده کرد.

”ما خواهر ۱۳ ساله مونو به پسر عموم دادیم که اون موقع ۱۹ سالش بود. اون ازدواج کرد و ما ۴ میلیون تومان پول گرفتیم.“

پاسخگوی مرد- کعبه عبود
اهواز- خوزستان

جسمی را در این میان به نهایت خود می‌رساند. آنچه که یک پدیده جامعه‌شناختی و جهانی می‌نماید، بلوغ زودرس است. دانشمندان شماری از توجیهات و توضیحات را برای بالا رفتن و شیوع بلوغ زودرس در سراسر جهان تحت تأثیر موضوعات مختلفی از وضعیت‌های

اقتصادی گرفته تا ژنتیکی مطرح کرده اند.

استدلال عقلانی شایان توجه خاص در این باره الگوهای اقلیمی است. نشانه‌های محیطی مربوط به اقلیم و نور در جامعه‌ای با تنوع زیاد در زمان بلوغ جالب توجه است. دما و آهنگ نور-تاریکی جغرافیا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و فصل‌ها ممکن است شاخص و تقارن باروری را بر این اساس تنظیم کنند. با این حال در نواحی قطبی ماه‌های تاریک زمستانی می‌تواند همراه با کاهش کارکرد غده هیپوفیز- گناد و پایین آمدن میزان تخم‌گذاری همراه باشد (روژانسکی و همکاران، ۱۳۷۱). در نتیجه تأثیرات نور و دما بر روی محور باروری انسانی نامشخص است. اثرات توازن و آهنگ نور- تاریکی می‌توانند از طریق هورمون غدد کاجی، ملاتونین که در طول شب هنگام با تمرکز بیشتری در جریان است تعدیل و تنظیم شوند (پارنت و همکاران، ۱۳۹۵). مشخصاً مطالعه بیشتر بر روی ظهور بلوغ به عنوان یک نشان ممکن و یک علامت از تعامل متقابل شرایط محیطی و استعداد ژنتیکی می‌تواند بر فرآیند فیزیولوژیکی و آسیب‌شناختی دخیل باشد.

اقلیم گرمسیری در این ناحیه دلیل بلوغ زودهنگام در بین دختران و پسران است؛ به این معنا که کودکان علیرغم سن بیولوژیکیشان ممکن است به عنوان بزرگسالی در نظر گرفته شوند که برای ازدواج آماده است. در دل این امر ازدواج کودکان ریشه در نابرابری جنسی و این باور دارد که زنان و دختران پایین‌تر و پست‌تر از پسران و مردانند. جبرگرایی جغرافیایی عامل بسیاری از رسوم و هنجارهای اجتماعی مربوط به ازدواج کودکان است. به خاطر شرایط نامساعد آب و هوایی و دمای بالا در طول روز،

فعالیت‌هایی هم چون کشاورزی و باغداری تقریباً غیر ممکن است. از این رو ساعت کاری خانواده محدود به صبح زود و عصر می‌باشد، یعنی زمان‌هایی که دمای هوا مقداری پایین تر می‌آید. این به معنای نیاز مبرم به کارگران بیشتر کارهای یدی در درون خانواده است که نیاز به کودک همسری و ازدواج کودک را تحریک و تشویق می‌نماید.

”سقط جنین این جا بسیار رایج است. همه دخترایی که در این سن ازدواج می‌کنند با همین مشکل رو به رو هستند. عروس ما ۱۳ سالشه و تا حالا دو بار سقط جنین داشته. تا الان ۴ بار زایمان کرده قبل این که به سن ۱۳ سالگی برسه. این جا بعد از ازدواج همه باید بعد از ۹ ماه بچه بیارند چون مردم مجبورشون می‌کنند. برای همینه که این مشکل سقط جنین رو زیاد داریم.“

پاسخگوی زن ۳۷ ساله

علوان، شوش- استان خوزستان

چه کسی ازدواج کنند. دختران در جامعه موقعیت و جایگاه پایین تری را اشغال می‌کنند زیرا رسوم فرهنگی و اجتماعی، نگرش‌ها و

باورها حقوق آن‌ها را ملغی و استقلال و خود ایستایی را در آن‌ها خفه می‌کند.

آن چه در زمان مصاحبه با این عروسان جوان دیده شد، ترس آن‌ها از بیان آزاد عقایدشان بود. حالات بدن و تن صدایشان اغلب در زمان ورود سایر اعضای خانواده به محل مصاحبه جهت کنترل پاسخ‌های او یا صرفاً نظارت بر روند مصاحبه، تغییر می‌کرد. در بیشتر موارد نه تنها یک نظارت قوی خانوادگی و کنترل سخت گیرانه وجود داشت، بلکه سایر بزرگسالان حاضر در خانه اصرار داشتند به جای او پاسخ دهند. تلاش‌های زیادی صورت گرفت تا این کم حرفی و سکوت اجباری از روی پاسخگویان برداشته شود، برای مثال شرایطی فراهم می‌شد که پاسخگو تنها باشد و بتواند آزادانه پاسخ دهد. پاسخ‌ها در جداول پایانی پرسشنامه در خصوص خشونت جنسی زنان و خشونت خانگی مردان عموماً توسط اعضای خانواده تنقیح می‌شد، در نتیجه احتیاط و توجه مازادی در کار میدانی و تعلیم نیروها صرف شد تا اعتبار روش مصاحبه و استاندارد بودن آن تأمین شود.

زایمان زودهنگام در جوامع خاورمیانه‌ای ریشه‌های عمیقی دارد و به عنوان هدف نهایی در زندگی یک زن دیده می‌شود. در کنار کمبود آزادی فعالیت و جنبش و نبود آزادی بیان و ابراز عقیده، موضوع دیگری که در استان خوزستان تحت شعاع مستقیم کودک همسری قرار دارد، فراوانی و شیوع بسیار بالای سقط جنین در میان کودک مادران است. در برخی طوایف از جمله بُساک و زَلّقی

نتایج و یافته‌های تحقیق ۲۰۱

دخترانی به خردسالی ۱۱ سال ازدواج کرده و از آن‌ها انتظار می‌رود به سرعت فرزندآوری کنند. سقط جنین بسیار معمول بوده و در همبستگی قوی‌ای با سن پایین مادران قرار دارد. ازدواج‌های فامیلی از لحاظ مناسک و مراسم در خانواده‌های عرب زیاد متفاوت نیست. برخلاف آنچه در سایر قومیت‌ها دیده شده، در خانواده عرب داماد به طور کامل مسئول خرید جهیزیه است. جهیزیه در چنین فرهنگ‌هایی نماد کاملی از اعتبار و آبروست. مهریه نیز تحت تأثیر خویشاوند بودن داماد است یعنی اگر داماد پسرعمو، پسرخاله یا سایر بستگان عروس باشد، مهریه پایین تر از زمانی است که داماد یک غریبه باشد. بخشی از این پول به خانواده عروس در زمان قبل از ازدواج پرداخت می‌شود که به اصطلاح محلی، مقدم و پولی که پس از ازدواج به ایشان پرداخت می‌شود، مؤخر نامیده می‌شود.



رهبر قبیله ای و محلی در حاشیه شهر اهواز در خانه ی خودش، جایی که
جلسات قومی را در آن برگزار می کنند
عکس: کامیل احمدی

هزینه های مقدم و مؤخر در مجموع مهریه را شکل می دهند و
میزان آن بسته به تصمیم قبایل و طوایف متفاوت است. در برخی
طوایف اگر اختلاف و ناسازگاری بالا گرفته و به طلاق ختم شود، در
صورتی که زن خواهان طلاق بوده باشد، خود او باید مهریه را به
خانواده شوهر بپردازد و بر عکس اگر مرد بخواهد طلاق بگیرد باید
مهریه را به عروس یا خانواده عروس پرداخت کند. در سایر طوایف
مهریه همیشه وظیفه داماد بوده و اگر عروس بخواهد طلاق بگیرد باید
از حق مهریه اش بگذرد و آن را به شوهرش ببخشد.

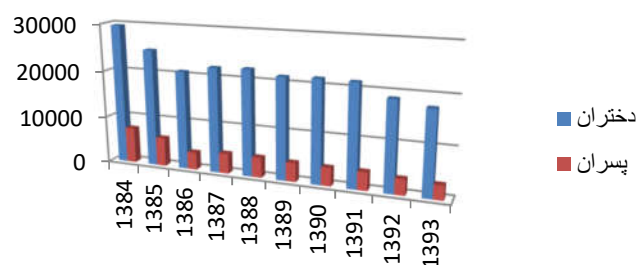
به نقل از افراد مطلع محلی در نواحی اطراف آبادان یک عمل رایج
وجود دارد که مردمان محلی آن را "خریدن سن" می نامند. از آن جا که
مهریه انعکاسی از هزینه پرداخت شده توسط داماد به والدین عروس
است، تا بدین وسیله رضایت آن ها را به ازدواج کردن دخترانشان
جلب کند، هر چه عروس جوان تر باشد قیمت او نیز به موازات
جوانی اش پیش رفته و بالاتر است (بری، ۱۳۸۵). تقاضا برای چنین
دختران جوانی به وجود آورنده یک محرک اقتصادی است که با وجود
آن، والدین دختران خردسالشان را به بالاترین قیمت پیشنهادی ازدواج
می دهند. مطابق تجربه و ادعای آنها خانواده هایی که دارای دختری

نتایج و یافته‌های تحقیق ۲۰۳

خردسالی هستند که ازدواجش به خاطر سن پایین نمی‌تواند ثبت شود، به دادگاه خانواده مراجعه کرده و سن لازم برای ثبت قانونی ازدواجش را می‌خرند. قیمت هر مورد بستگی به تعداد سال‌هایی دارد که تا رسیدن به ۱۳ سال کم آورده‌اند. طبق گفته‌های مطلعین محلی، این مقدار پول از ۱۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان متغیر است.

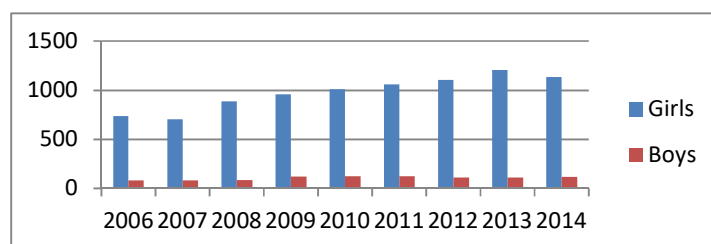
یافته‌های پیمایش

همان‌طور که در نمودار ازدواج که فرآیند وصلت‌های زیر ۱۸ سال را در عرض ده سال اخیر به تصویر می‌کشد می‌بینیم، تحلیل و بررسی جامع دختران و پسران کم سن و سال چندین حقیقت را آشکار می‌نماید. ازدواج برای دختران جوان زیر ۱۸ سال بسیار بالاتر از میزان ازدواج پسران در همین سن است، اما همان‌طور که در نمودار مشخص است، در یک دورنمای ده ساله روند نزولی آن انتظار می‌رود.



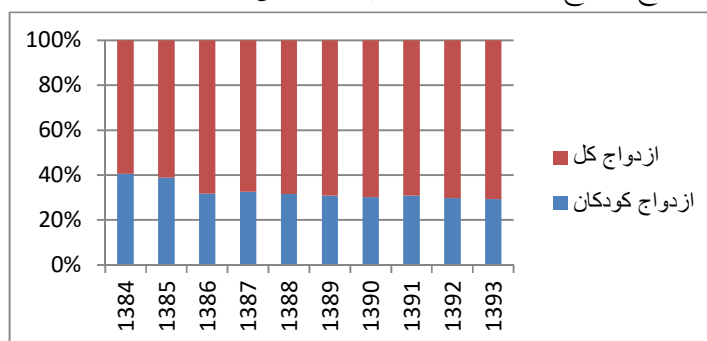
نمودار ۳-۱۸ فراوانی ازدواج زیر ۱۸ سال در استان خوزستان

برخلاف ازدواج زودهنگام که در طولانی مدت رو به کاهش است، سنین طلاق هر سال کودکان بیشتری را هدف قرار می‌دهد. هر ساله شمار بیشتری از کودکان در گروه‌های سنی زیر ۱۸ سال طلاق می‌گیرند و کودک بیوه به حساب می‌آیند. در این جا نیز، دوباره این مسأله زنان را بیشتر از مردان قربانی می‌کند. دختران آسیب پذیر و مطلقه زیر ۱۸ سال بیشتر از پسران خردسال مطلقه دیده می‌شوند.



نمودار ۳-۱۹ فراوانی طلاق‌های زیر ۱۸ سال در استان خوزستان

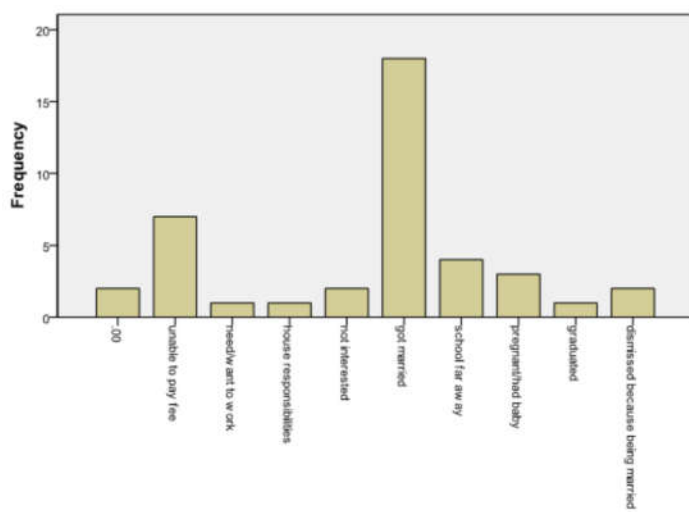
ازدواج زودهنگام کودکان در استان خوزستان کاهش سالانه آهسته‌ای را نشان می‌دهد. درصد کلی رواج ازدواج کودکان همواره ۳۰ تا ۴۰ درصد از مجموع ازدواج‌های استان را به خود اختصاص داده است.



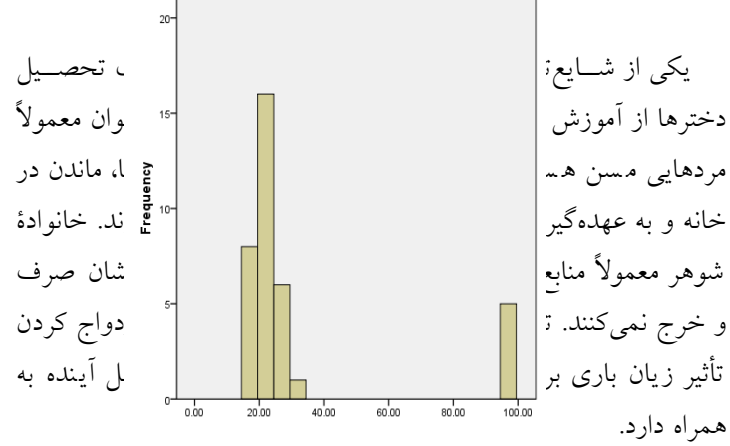
نمودار ۳-۲۰ سهم ازدواج زودهنگام کودکان در ازدواج کل در استان خوزستان

پیش زمینه

حجم نمونه در استان خوزستان به طور تصادفی ۸۷,۸ درصد زنان و ۱۲,۲ درصد مردان را شامل می‌شد. محدوده سنی آن‌ها به طور کلی ۱۶ الی ۲۵ سال بود (۹,۸ درصد). بیشتر پاسخگویان (۲۹,۳ درصد) با شوهر یا همسرشان زندگی می‌کردند و سایر آن‌ها (۱۴,۶ درصد) با خانواده شوهر (اکثراً پدر شوهر). اکثریت ۷۱ درصد پاسخگویان عرب و ۱۴,۶ درصد فارس و بختیاری هستند. به همین ترتیب ۵۸,۵ درصد آن‌ها به زبان عربی و ۱۷,۱ درصد بختیاری صحبت می‌کنند. توانایی والدین به خواندن و نوشتن برای مادران و پدران به ترتیب ۴۳,۹ درصد و ۴۸,۸ درصد بود. تمامی پاسخگویان با سواد بودند و تنها ۴۹ درصد از افراد در زمان مصاحبه در حال تحصیل بودند. اکثراً آن‌ها تا مقطع دبیرستان به تحصیلات خود ادامه داده اند (۱۹,۵ درصد).



نمودار ۳-۲۱ دلایل ترک مدرسه در استان خوزستان



نمودار ۳-۲۲ محدوده ی سنی زنان در زمان اولین بارداری شان در استان خوزستان

مهم‌ترین دلیل برای ترک مدرسه ازدواج کردن بود (۴۳,۹درصد). شواهد براین مبناست که دخترانی که زود ازدواج می‌کنند، تحصیلات رسمی شان را کنار گذاشته و باردار می‌شوند. کار اغلب پاسخگویان، کارهای خانگی و فرزندآوری و بچه داری بود (۶۸,۳درصد) و مابقی آنها (۱۴,۶درصد) شغل آزاد داشتند. تمامی پاسخگویان از مذهب شیعه بوده و ۸۲,۹ درصد آنها تکالیف دینی شان را از سن ۹ سالگی انجام می‌دادند (۳۶,۶درصد).

باروری زنان

مجموع ۸۶,۱ درصد از زنان مصاحبه شده حداقل یک بار زایمان کرده بودند. اکثر آنها (۱۱,۱درصد) اولین فرزندشان را در سن ۱۹ سالگی به دنیا آورده بودند. در بیشتر مواقع مراقبت‌های پس از زایمان آنها توسط خانواده شوهر (۳۸,۹درصد) فراهم آمده بود. اکثر این زنان مشکلات زایمان طولانی (۲۷,۸درصد) و خونریزی شدید (۲۲,۲درصد) را تجربه کرده بودند. میزان استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری و کاندوم به گزارش زنان به ترتیب ۴۴,۴ درصد و ۳۳,۳ درصد بود. دانش عمومی زنان در خصوص بیماری‌های زنانه و جنسی به شدت پایین به دست آمد. با این حال تعداد اندکی از ایشان (۲۷,۸درصد) خونریزی شدید را به عنوان یک مشکل محتمل

شناسایی کردند. تقریباً نیمی از زنان مصاحبه شده با مفهوم پارگی زایمانی آشنا بوده و ۲۵ درصد از آنها خود این پارگی را حین زایمان تجربه کرده بودند.

باروری مردان

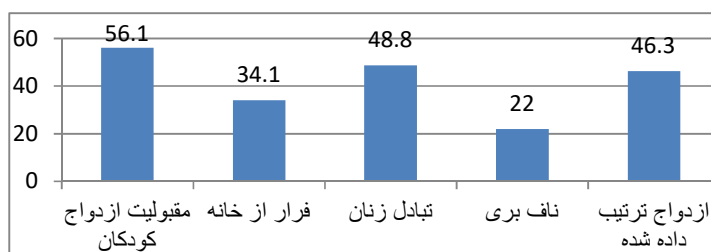
مجموع ۷۵ درصد از مردان حداقل دو فرزند داشتند و ۲۵ درصد از آنها برای اولین بار در سن ۱۶ سالگی پدر شده بودند. ۷۵ درصد از مردان در زمان زایمان همسرانشان، مایل به بچه داشتن بودند، ولی ۲۵ درصد از ایشان به هیچ عنوان بچه نمی‌خواستند. تمامی مردان ادعا کردند که از مسائل و مشکلات حین زایمان آگاهی دارند و در ۵۰ درصد موارد "ضعف" را یک مشکل حاد حین بارداری ذکر کردند.

ازدواج و تصمیم‌گیری

افراد نمونه به طور تصادفی شامل ۹۵,۱ درصد افراد متأهل و ۴,۹ درصد مجرد بود. مجموع ۹۸ درصد از ازدواج‌ها در جایی ثبت نشده بود. در بسیاری از موارد، دختران به همسری مردان بسیار بزرگتر از خودشان درآمده بودند و هیچ اختیاری از خود در خصوص انتخاب همسر نداشتند. مشاهدات ما گواه بر این است که بیش از نیمی از زنان شوهرانی حداقل ۱۰ سال از خودشان بزرگتر داشتند. براساس گزارشات پاسخگویان متأهل در ۹۵ درصد موارد خود فرد جسماً در مراسم ازدواج خود حضور داشته در حالی که ۵۱,۲ درصد وصلت‌ها، ازدواج توسط یک فرد خارجی ترتیب داده شده بود. ۴۸,۴ درصد

نتایج و یافته‌های تحقیق ۲۰۹

افراد مراسم نامزدی برنامه ریزی شده و تدارک دیده شده توسط خانواده شان را نداشتند.

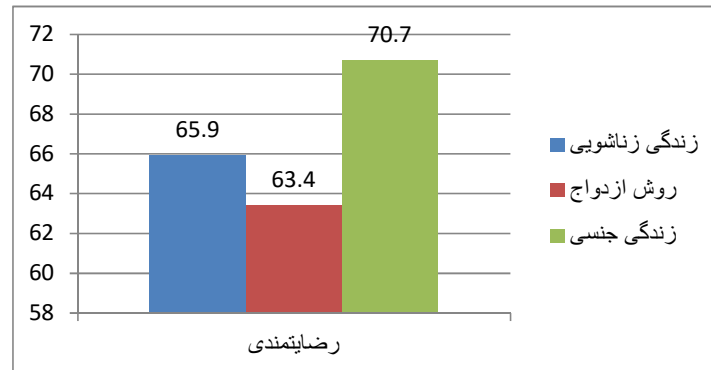


نمودار ۳-۲۳ رواج انواع ازدواج در استان خوزستان

در اکثر موارد (۲۶,۸ درصد) سن افراد در زمان نامزدی ۱۸ سالگی بود. ۲۴,۴ درصد از پاسخگویان در زمان ازدواجشان را ضعیف به این و صلت نبوده اند. با این حال ۶۱ درصد افراد از سرانجام ازدواجشان خوشحال، ۲۲ درصد بی تفاوت و ۱۲,۲ درصد ناراحت بودند. در ۳۴,۱ درصد موارد پاسخگویان مدعی بودند که در زمان ازدواج خبر نداشته اند که با چه کسی در حال ازدواج هستند، در حالی که مابقی ۴۱,۵ درصد افراد خود شریکشان را برگزیده بودند. ۳۶,۶ درصد شریک زندگی شان را انتخاب خانواده شان می‌دانستند. همان طور که قبلاً بحث آن رفت، گروه‌های اجتماعی از سنت‌های دوره‌های پیشین تبعیت می‌کنند و هرگز ارتباط آن‌ها را با زمان معاصر زیر پرسش نمی‌برند.

مشاهدات ما به این یافته صحنه می‌گذارد که افراد ازدواج زودهنگام را اعمال می‌کردند، زیرا این تنها راه و رسمی بوده که همواره در خانواده و

جامعه شان دیده اند. رقم بزرگی از والدین (۶۳,۴در صد) مایل بودند که فرزندان شان همان سبک و سیاقی که خود شان ازدواج کرده اند را ادامه دهند.



نمودار ۳-۲۴ سطح رضایت از ازدواج در استان خوزستان
 ۷۵,۶ درصد ازدواج ها شامل جهیزیه و ۶۳,۴ درصد آن ها شامل مهریه بود در ۹۵,۹ درصد موارد این مهریه هرگز به عروس پرداخت نشده بود. ۵۰ درصد از مردان پیش از ازدواج به همسرانشان قول ادامه تحصیل داده بودند اما در واقعیت این امر تحقق نیافته بود.

مواجهه با آموزش های جنسی یا پیام های پیشگیرانه از ازدواج کودکان

عروس های جوان معمولاً کمبود دانش و اطلاعات در زمینه روابط جنسی، بدن خود شان و باروری دارند، شکلی که با خفقان و سکوت پیرامون این موضوعات بدتر نیز شده است. جهت گیری

جنسی نقش مهمی در شکل دادن به ساختار زندگی زناشویی دارد. سطح آموزش جنسی در میان تمامی پاسخگویان بسیار پایین و محدود به دست آمد. پیمایش در این استان ۵۱,۲ درصد از پاسخگویانی را نشان داد که آموزش جنسی را از مشاورین خانواده قبل از ازدواج گرفته بودند و ۲۶,۸ درصد افراد با صحبت با سایر اعضای بزرگسال خانواده به این اطلاعات دست یافته بودند. ۲۹ درصد پاسخگویان ذکر کردند که هیچ فایده‌ای در ازدواج زودهنگام کودکان وجود ندارد و ۲۲ درصد بر این اعتقاد بودند که جلوگیری از رابطه جنسی قبل از ازدواج یک فایده و نقطه قوت در ازدواج زودهنگام کودکان است. ازدواج‌های دیر هنگام از منظر ۲۶,۸ درصد افراد جنبه‌ای منفی داشت و هیچ فایده‌ای برای زوجین به همراه نمی‌آورد. ۴۳,۹ درصد پاسخگویان ذکر کردند که هیچگاه پیامی در خصوص مقابله با کودک همسری در هیچ کجا نشنیده‌اند، در حالی که ۳۴,۱ درصد افراد گفتند که پیام‌های پیشگیرانه را در تلویزیون دیده‌اند. ۳۶,۶ درصد افراد بر این باور بودند که ازدواج زودهنگام کودکان بایست متوقف شود و ۴۶,۳ درصد دیگر اعتقاد داشتند که این امر بستگی به عواملی چند از جمله اندازه بدن و شرایط خاص شخصیتی دارد. بسیاری از پاسخگویان دانشی در خصوص سن قانونی ازدواج نداشتند و این کمبود آگاهی در مورد قانون و ازدواج کودکان در نقش مانعی برای پایان عمل ازدواج کودکان ظاهر می‌شود. پاسخ‌های افراد به سن مناسب ازدواج بازتاب این باور در آن‌ها بود که ازدواج دختران و پسران را در سن قانونی ترجیح می‌دادند.

اما چیزی که در واقعیت اتفاق می‌افتاد این بود که پسران و خصوصاً دختران در سنین خرد سالی وادار به ازدواج می‌شدند و برچسب زن یا شوهر بر روی آن‌ها گذاشته می‌شد. بسیاری از افراد سنین ۱۸ و ۲۵ سالگی را به عنوان سن قانونی ازدواج می‌دانستند. ۳۷,۱ درصد پاسخگویان اظهار داشتند که سن ۱۵ سالگی برای دختران و ۲۰ سالگی برای پسران سنین بسیار پایینی برای ازدواج است. سن ایده آل و مناسب از نظر آنها، که دوست داشتند فرزندان خودشان در این بازه سنی متأهل شوند ۲۵ سالگی بود (۲۶,۸ درصد).

نگرش‌های جنسیتی

باورها و اعتقادات سنتی به همراه نگرش‌های جنسیتی و تعصبات باعث می‌شوند که یک دختر بچه هیچ گونه مهارتی را به جز مهارت‌هایی که ظرفیت بیولوژیکی به وی تحمیل می‌کند، نتواند بیاموزد. ازدواج زودهنگام محصول انقیاد زنان است، زیرا ارزش آن‌ها را ساقط کرده و تبعیضی علیه آنان به حساب می‌آید (تریستام، ۱۳۹۵). "تبعیض" مطابق بیانات یونیسف در خصوص "ازدواج کودکان و قانون"، معمولاً از طریق ازدواج زودهنگام کودکان خود را نشان می‌دهد. این مقدمه، دلیل عمده تداوم کودک همسری و پاسخ به این سؤال است که جوامع مرد سالارانه زنان را چگونه موجوداتی می‌بینند. نقش‌های اجتماعی حاشیه‌ای که به دختران متأهل داده می‌شود، کودکی را از آن‌ها گرفته و مانع دستیابی شان به قدرت بزرگسالان جامعه شان می‌شود (اکپات، ۱۳۹۲). هم دوران

کودکی و مقتضیات آن را از دست داده و هم از رسیدن به قدرت و استقلال بزرگسالی بازمانده اند. تحقیق در استان خوزستان بر این واقعیت صحنه می‌گذارد.

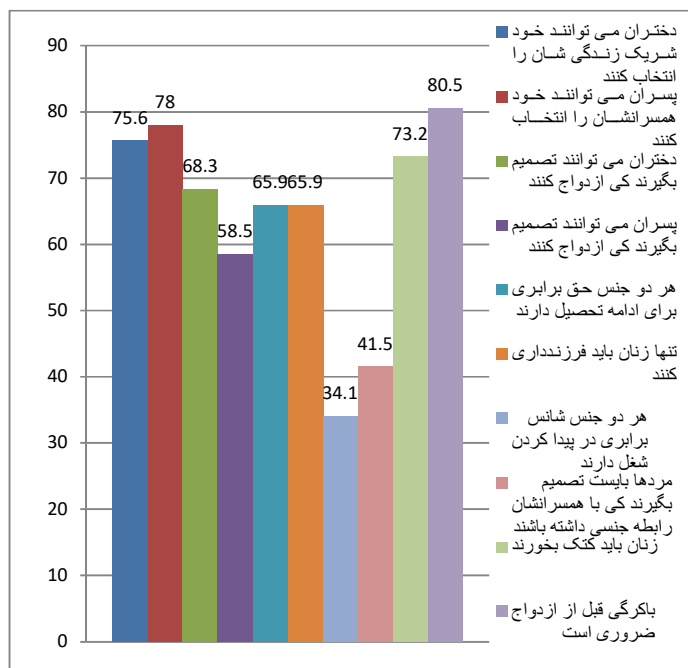
میل جنسی و باکرگی امری حیاتی اند. هویت یک دختر و تصمیماتی که در زندگی‌اش می‌گیرد با انتظاراتی که در خصوص نقش‌های جنسی و رفتاری‌اش از وی می‌رود تعیین می‌شود. در برخی فرهنگ‌های خاص، ازدواج با یک دختر جوان به این معناست که میل جنسی (در نتیجه افتخار خانوادگی وی) با تضمین باکرگی دختر در حال ازدواج "حفظ و حمایت" می‌شود. باکرگی یک دختر به عنوان یک نشان افتخار برای شوهرش دیده می‌شود.

میل جنسی زنانه افتخار و عزت خانوادگی را در چشم والدین و جامعه شکل می‌دهد: باکرگی برای یک دختر مجرد و ازدواج نکرده، به مانند قدرت فرزندآوری برای زن متأهل است. تعدیل میل جنسی دختر بخشی از نگهداشت این عزت و احترام است زیرا باکرگی یک دختر و قدرت باروری وی در بین خانواده‌ها رد و بدل می‌شود (پاریخ، ۱۳۹۱). تحمیل عزت خانواده بر شانه‌های یک دختر به تنهایی به معنای گرفتن شأن و احترام وی است و در واقع آبروی خانواده را تحت شعاع قرار می‌دهد. باکرگی قبل از ازدواج برای ۸۰٫۵ درصد از افراد از اهم موارد بود.

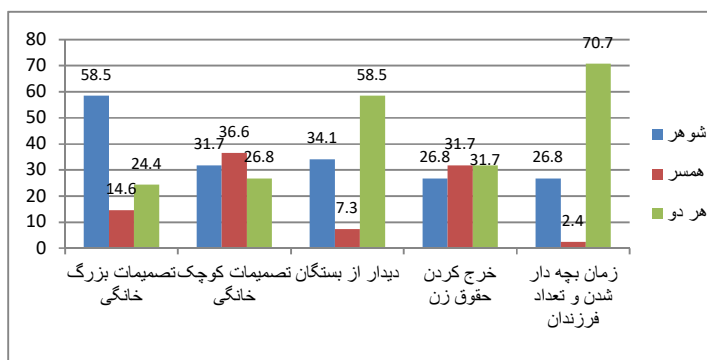
فرصت‌های شغلی و ارتباطش با نقش‌های جنسی و باروری نشان از آن دارد که شمار معدودی از پاسخگویان باور داشتند که فرصت‌های برابر بایست به هر دو جنس داده شود تا بتواند شغل

منا سبی را بیابند. ۷۸ درصد از پاسخگویان باور داشتند که پسران حق دارند خود شریک زندگی شان را انتخاب نمایند، درحالیکه ۷۶٫۵ درصد معتقد بودند که دختران نیز باید حق انتخاب داشته باشند.

در خصوص قدرت تصمیم گیری، تحلیل جالب توجهی مطرح است. بر اساس پاسخ‌هایی که از مردمان خوزستان به دست آمد، ۵۸٫۵ درصد از شوهران حق انحصاری تصمیم‌گیری در خصوص مسائل بزرگ خانه و خانواده را داشتند و تنها ۱۴٫۵ درصد از زنان در بخشی از تصمیمات خانه دخالت می‌نمودند. با این حال، در تمامی تصمیمات کوچک و محدود خانگی زنان نقش بیشتری نسبت به شوهرانشان داشتند که به ترتیب ۳۶٫۶ درصد و ۳۱٫۷ درصد به دست آمد.



نمودار ۳-۲۵ میزان توافق با نگرش‌های جنسیتی در استان خوزستان



نمودار ۳-۲۶ تصمیم گیری‌های خانگی در استان خوزستان

خشونت جنسی زنان

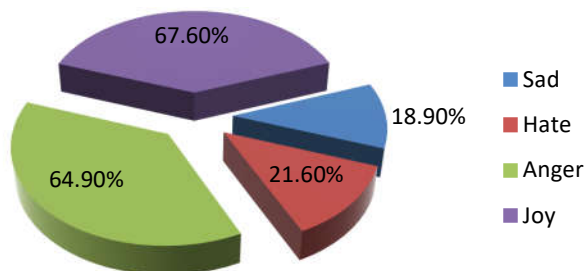
از آنجا که دختران متأهل جوان قدرت کمی در رابطه با شوهرانشان دارند، در نتیجه در مقابل سوءاستفاده جنسی بسیار آسیب پذیرند و در معرض ریسک بالای تعرضات جنسی قرار دارند. بسیاری از این دختران جوان به دام روابط جنسی‌ای می‌افتند که آن‌ها را از حقوق اولیه انسانی شان باز می‌دارد. دخترانی که قبل از

سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده اند احتمال بیشتری می‌رود که اولین تجربه جنسی شان را اجبار آمیز گزارش دهند. همانطور که یک دختر همسر می‌شود خیلی زود مجبور به وارد شدن به برهه زندگی جنسی بزرگسالانه می‌گردد. در چنین رویکردی یک کودک عروس معمولاً دسترسی اندکی به تحصیلات دارد و از لحاظ جسمی، روانی و عاطفی از آمادگی‌های لازم برخوردار نیست، مجهز به دانش خاص در مورد بدن خود نبوده و قدرتی برای جستجوی حمایت‌های اجتماعی و خدمات بهداشتی و سلامتی (اگر موجود باشد) ندارد.

در موقعیت پیش از ازدواج که در آن اجتماعی شدن با جنس مخالف و درگیر شدن در روابط جنسی به لحاظ اجتماعی تنقیح و حتی محکوم شده است یک دختر متأهل به واقعیت دیگری می‌رسد و آن این است که از وی انتظار می‌رود نقش‌های جنسی یک همسر را ایفا کند. آمیزش‌های جنسی غیر توافقی و اجباری دختر را وافی دارد که ناخواسته تن به این روابط بدهد (اکپات، ۱۳۹۴).

تنها ۲,۷ درصد از پاسخگویان تجربه لمس شدن بر خلاف میلشان توسط مرد دیگری را داشته‌اند. ۴۰,۸ درصد از پاسخگویان زن وادار به رابطه جنسی با شوهرانشان شده‌اند و احساسشان به این نکاح اجباری در بیشتر موارد احساس تنفر (۲۱,۶ درصد) و ناراحتی (۱۸,۹ درصد) بوده است. ۶۴,۹ درصد از پاسخگویان زن گفته‌اند که هرگز با شوهرانشان بدرفتاری نکرده‌اند و ۶۷,۶ درصد از آنها اظهار داشتند که هرگز ایشان را تهدید و با وی دعوا نکرده‌اند.

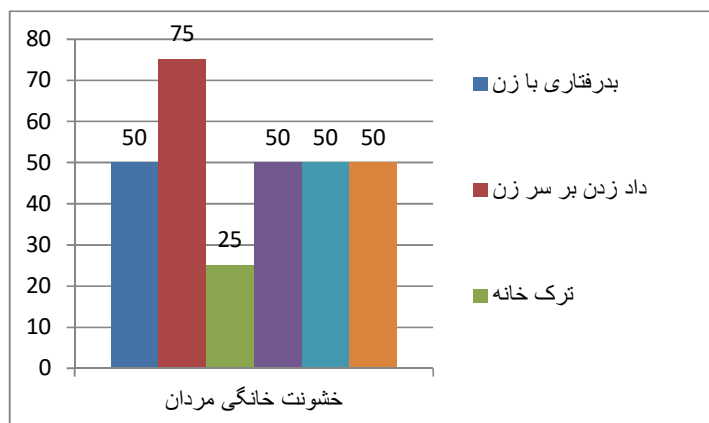
نتایج و یافته‌های تحقیق ۲۱۷



نمودار ۳-۲۷ احساس زنان نسبت به آمیزش اجباری در استان خوزستان

خشونت خانگی مردان

شکل ۲۸ نشان دهنده خشونت خانگی مردان در استان خوزستان می‌باشد که بالاترین درصد آن داد زدن بر سر زن (۷۵ درصد) است و پایین‌ترین درصد مربوط به ترک خانه (۲۵ درصد) می‌باشد.



نمودار ۳-۲۸ خشونت خانگی مردان در استان خوزستان

۴. سیستان و بلوچستان

محدوده جغرافیایی



استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرقی ایران، هم مرز با پاکستان و افغانستان واقع شده است. این استان با اقلیم بیابانی و خشک یکی از فقیرترین و محرومترین

نواحی ایران است. آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۳ نشان داد که جمعیت این استان برابر با ۲۷۲۴۰۰۰ نفر می‌باشد (سالنامه آماری، ۱۳۹۳). سیستم اعتقادی غالب تسنن است اما گروهی اقلیت از شیعیان مسلمان نیز در قسمت‌های شمالی استان زندگی می‌کنند. سیستان و بلوچستان رتبه اول را در ازدواج دختران زیر ده سال، و رتبه‌های پنجم و ششم را به ترتیب در مورد ازدواج دختران گروه سنی بین ۱۰ تا ۱۵ و ۱۵ تا ۱۹ دارد. این رتبه در مورد ازدواج پسران در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ دوم و گروه سنی ۱۸ تا ۱۹ سال، سوم است. در مجموع آمار مربوط به ازدواج‌های انجام شده حاکی از این است که استان سیستان و بلوچستان در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال در رتبه پنجم قرار دارد. در مجموع شش شهر در هر یک از نواحی جغرافیایی انتخاب شده اند که عبارتند از خاش، زاهدان، سراوان، زهک، هیرمند و بغار. روستاهای مختلفی که در خوشه دوم برای انجام ۴۹ مصاحبه انتخاب شدند عبارت بودند از، دورین، بلال آباد، محمودآباد، عباس آباد، کاهکی، ناهوک، دشتوک، مولوی، قلعه کنگ، رسول غلام، دوست محمد و رضا جور.

مروری بر مشاهدات

جنگ و درگیری در منطقه عامل اصلی شکل‌گیری تاریخ این استان بوده است. این استان به واسطه نبود سیستم تحصیلی مناسب و دیگر حمایت‌های اجتماعی و امکانات زیرساختی، مشابهات یکدست و یکنواختی را نشان می‌دهد، به این معنی که تفاوت فاحشی بین مناطق شهری و روستایی دیده نمی‌شود. روش رایج زندگی در این سیستم فئودالی و قبیله‌ای بر خویشاوندی تمرکز دارد و این سبک زندگی جمع‌گرایی آداب و رسوم و ایده آل‌های ازدواج و سن قابل قبول ازدواج را شکل می‌دهد.

در هر دوی مناطق شهری و روستایی، سطح مشابهی از فقر، ویژگی‌های فرهنگی، عقاید مذهبی، هنجارهای پذیرفته شده و عمومیت ازدواج کودکان موجود است. رواج ازدواج زودهنگام کودکان در هر دوی نواحی مسکونی روستایی و شهری بالاست و تفاوت‌ها در میان این مناطق بسیار ناچیز است.

پارادوکس و تناقض ازدواج دیرهنگام که در بیشتر شهرهای مراکز استانی و مناطق شهری وجود دارد، در منطقه سیستان و بلوچستان چشمگیر به نظر می‌رسد. آنچه که در روند تحقیق مشاهده شد این بود که اگرچه بنظر می‌رسد سن ازدواج در قسمت‌های شمالی استان مانند سیستان که اکثریت جمعیت آن مسلمانان شیعه هستند بالاتر باشد، در دیگر قسمت‌های جنوبی استان که هم مرز با پاکستان است، سن ازدواج در شهرهای سرباز، سراوان و ایرانشهر به مراتب پایین‌تر دیده شده است.



برخی قبایل محلی هنوز در چادر زندگی می کنند، چند همسری و کودک همسری در میان این قبایل به شدت رایج است.

عکس: کامیل احمدی

جمعیت این استان در یک سیستم قبیله‌ای و طایفه‌ای زندگی می کنند که در آن رضایت در خصوص ازدواج کودکان فقط تحت تأثیر فرهنگ نیست. ازینرو این شیوه ازدواج زودهنگام کودکان اثر بزرگی نه تنها بر روی تحصیل دختران بلکه بر رفاه فیزیولوژیکی آنها نیز دارد. کمبود آگاهی، فقر، تبعیض گسترده جنسی بر روی دختران از علل اساسی‌ای هستند که والدین را وادار به ازدواج دادن دختران و پسرانشان قبل از سن 18 سالگی می کند. علاوه بر این والدین نمی توانند از پس مخارج مدرسه یا دانشگاه فرزندانشان بر آیند. در نتیجه آنها را وادار به ازدواج می کنند.

علت مهم دیگر ازدواج کودکان سیستم ثبت تولد ناکارآمد و غیر پاسخگو است. ثبت تولد کودکان، به ویژه دختران هرگز اولویت بندی نشده است، که خود به طور بالقوه فرصتی برای تغییر سن کودک در زمان

ازدواج را فراهم می‌کند. به علاوه، هیچ هیأت مستقل و قوی برای حقوق کودکان وجود ندارد که بتواند نقض حقوق آنها من جمله ازدواجشان را بررسی کند. عوارض بارداری و زایمان علت اصلی مرگ و میر در زنان جوان ۱۵ تا ۱۹ ساله است. ازدواج کودکان باعث می‌شود دختران به مراتب در معرض خطرات بهداشتی مرتبط با باردای و زایمان زودرس باشند - درست مانند بچه هایشان که در معرض عوارض مرتبط با زایمان زودرس هستند.

صندوق جمعیت سازمان ملل در سال ۱۳۸۹ گزارش داده است که در برخی استان‌ها نرخ مرگ و میر مادران بالاتر از نرخ تولد است، به این معنا که در استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان مادران بیشتر در اثر زایمان می‌میرند. گرچه نرخ موالید در این استان ۵,۶۴ درصد می‌باشد، اما ۱۲ درصد از مرگ و میر مادران در کل کشور را تشکیل می‌دهد. از این رو میزان مرگ و میر مادران در استان سیستان و بلوچستان بسیار بالاتر از سایر نواحی است. سایر استانها مانند آذربایجان غربی، خوزستان، کرمان، لرستان و اصفهان درصدهای کمتری از مرگ مادر را گزارش کرده اند (UNFPA، ۱۳۸۹). در سال ۱۳۹۴ سیستان و بلوچستان بالاترین میزان زایمان را در میان مادران زیر سن ۱۵ سال داشت (۴۶۲ مورد). سوابق ازدواج دختران نشان داده است که یک سوم دختران کمتر از ۱۴ سال یک سال پس از ازدواج باردار می‌شوند (رئیزی، ۱۳۹۳: ۱۸۲). سیستان و بلوچستان ۳ درصد از کل جمعیت کشور، ۷ درصد از میزان زاد و ولد و ۷۷ درصد از مرگ و میر مادران در کشور را تشکیل می‌دهد (همان: ۱۸۳).



کار میدانی در نواحی روستایی بلوچستان. عکس: کامیل احمدی

در مقایسه با سایر نواحی قدرت فشار اجتماعی بر ازدواج دادن فرزندان پایین بود. حرکت مدافعانه قوی‌ای در خصوص ازدواج کودکان در این استان وجود نداشت، زیرا این امر به قدری رایج شده بود که به طور کامل پذیرفته شده و وضعیت نرمال تلقی می‌شد. برنامه‌هایی که برای جلوگیری از این نوع ازدواج‌ها وجود دارند، از آنجایی که کودک همسری را به چالش نکشیده و تاحد زیادی ناگفته باقی گذاشته، با شکست مواجه شده اند. از آنجا که این پدیده با هیچ مخالفتی روبرو نشده، هیچ گونه عکس العمل اجتماعی در حمایت از ازدواج کودکان شکل نگرفته است. این مساله قبلاً همیشه بوده و هنوز هم وجود دارد. چون ازدواج زودهنگام کودکان از روابط پیش از ازدواج جلوگیری و به کاهش فساد کمک می‌کند، در چارچوب زندگی قبیله‌ای مثبت دیده و باور شده است. در مناطق فقر زده و یا مناطقی با زیرساخت‌های ضعیف و کمبود مزایای فن

آوری، ابزار مدرن و به روز ارتباطی مانند تلفن‌های همراه و شبکه‌های اجتماعی تهدیدی برای این سیستم قبیله‌ای و فئودالی سنتی و روش‌های سنتی برقراری ارتباط، به ویژه برای زنان تلقی می‌گردد. در نتیجه کودک همسری به عنوان یک عمل عاقلانه دیده می‌شود.

همانطور که قبلاً ذکر شد، شیوه‌ای که در آن اجزای جامعه شکل گرفته شامل زندگی در قبیله‌ها و متعلقات سبک زندگی خویشاوندی است. زوج‌هایی که زندگی زناشویی شان را با تکیه بر منابع خانوادگی و حمایت عاطفی و مالی آغاز می‌کنند سیستم سلسله مراتبی خویشاوندی و پذیرش بی چون و چرای پدرسالاری را با زندگی در کنار والدین خانواده داماد ادامه می‌دهند. بعنوان یک رسم در برخی از قبیله‌ها، تا زمانی که پسر جوان تر نامزد نکرده باشد، پسر بزرگتر که ازدواج کرده است نمی‌تواند از والدین خود جدا شود و با آنها زندگی خواهد کرد. این انطباق اجتماعی، که ریشه در سنت‌های مذهبی، شیوه‌های اجتماعی، عوامل اقتصادی و تعصبات دارد، منجر به وابستگی مداوم و عدم وجود قدرت در زن و شوهرهای جوان می‌شود. از آنجایی که ازدواج‌ها بیشتر در خانواده برنامه ریزی می‌شود، عروس بسیار جوانی که با خانواده شوهرش زندگی می‌کند مسلماً بخشی از فرایند تصمیم‌گیری نیست.

تقریباً تمامی پاسخگویان در این مطالعه ذکر کردند که رسم ازدواج ناف بری یا برای خودشان، بستگان‌شان یا یکی از کسانی که می‌شناختند، صورت گرفته است. این رسم فراگیر به این معناست که دو نوزاد با رضایت والدین‌شان به نامزدی هم درمی‌آیند و قرار بر این است زمانی که بزرگ شدند باهم ازدواج کنند.

رواج این پدیده به طرز چشمگیری در همهٔ روستاهای مورد بررسی بالا بود. تقریباً تمامی پاسخ دهندگان به این سنت پایبند بودند. اگرچه شریک ازدواج زمانی که طفل هستند برای افراد انتخاب می‌شود، با وجود این دختر و پسر جوان همانطور که بزرگتر می‌شوند می‌توانند ازدواج با شریک از پیش تعیین شده شان را رد کنند. منطق این عمل حفاظت از آینده بچه‌ها و تضمین ازدواج آنهاست. همان طوری که توسط افراد مطلع محلی گفته شد، فرد می‌تواند این وصلت نانوشته را در بزرگسالی اش لغو کند و تصمیم بگیرد که با کس دیگری ازدواج کند. بر اساس پاسخ‌هایی که از خود پاسخگویان شنیدیم رد کردن ازدواج چیزی است که معمولاً اتفاق می‌افتد. حق شکستن این پیمان توسط جامعه به فرد داده شده ولی به طور عمومی امری تقبیح شده است، زیرا نگهداشتن چنین پیمان‌های خانوادگی و قبیله‌ای بسیار مهم تلقی می‌شود. در واقع هنگامی که ازدواج در داخل خانواده برنامه ریزی می‌شود، هیچ ضرورتی برای ثبت آن وجود ندارد. خانواده‌ها به وضوح نیازی به اصرار برای ازدواج قانونی احساس نمی‌کنند.

”سن ازدواج برای دختران ۱۳ و برای پسران ۱۵ سال به بالا خوب است. من خواهر و دو خواهر زاده ام در سن ۱۳ سالگی و کمتر ازدواج کرده اند و بسیار هم را ضی هستند. ازدواج سن بالا محتمل است به طلاق کشیده شود. دختر ۱۳ ساله بعد از آنکه صلاح دانسته شد ازدواج کند مشکلی نیست اگر جثه دختر بزرگ بود بهتر و ازدواج جایز است. ولی حتماً باید دیندار باشد.“

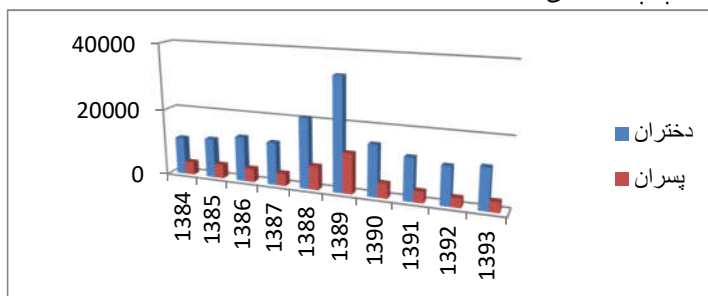
مولوی عبدالصمد جزیکی

استان سیستان و بلوچستان

یافته‌های پیمایش

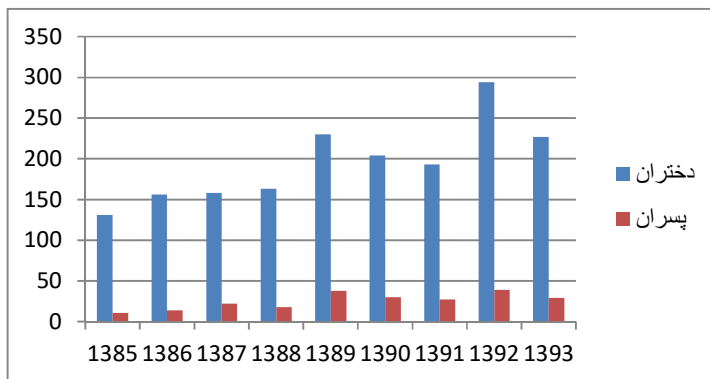
همواره دیده شده است که ازدواج زودهنگام کودکان در سیستان و بلوچستان افزایش یافته است. نمودار افزایش کودک همسری در ده سال گذشته با چرخشی رو به پایین در سال ۱۳۸۹، تا سال ۱۳۹۰ را نشان

می‌دهد. این افزایش تدریجی و کاهش ناگهانی برای هر دو جنس از سال ۱۳۹۰ به بعد صادق است.

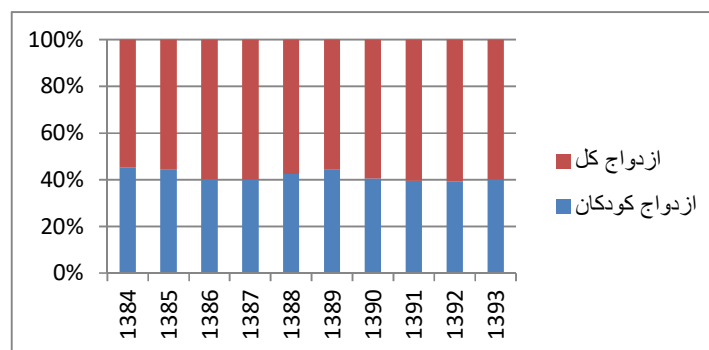


نمودار ۳- ۲۹ میزان ازدواج در سن زیر ۱۸ سال در استان سیستان و بلوچستان

نرخ طلاق در استان سیستان و بلوچستان در مقایسه با سایر استان ها، فراوانی و تکرار پایین تری را نشان داده است. زمینه‌های مذهبی و محرومیت استان همراه با سبک زندگی قبیله‌ای منجر به سطح پایین رواج طلاق در این منطقه شده است. این نرخ در سال‌های اخیر افزایش یافته است.



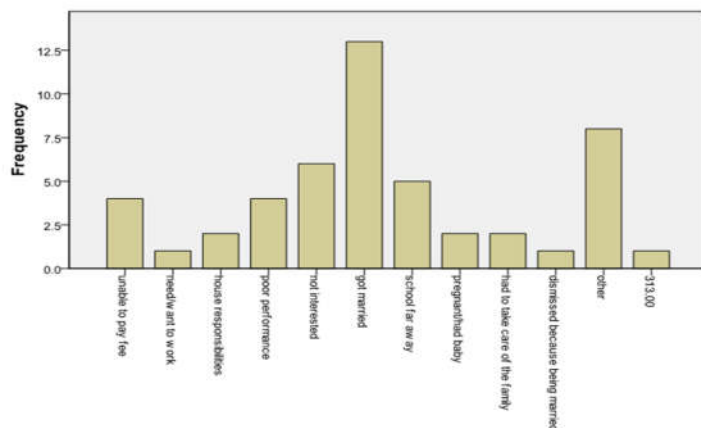
نمودار ۳-۳۰ میزان طلاق در سن زیر ۱۸ سال در استان سیستان و بلوچستان
نرخ ازدواج کودکان در مجموع نرخ‌های طلاق در سیستان و
بلوچستان هرگز پایین‌تر از ۴۰ درصد نبوده است. ازدواج زیر ۱۸ سال
بخش قابل ملاحظه‌ای از مجموع آمار ازدواج در نمودار این دهه را
تشکیل می‌دهد.



نمودار ۳-۳۱ نسبت ازدواج کودکان به ازدواج کل در استان سیستان و بلوچستان

پاسخ گویان، ۶۷,۳ درصد زن و ۳۲,۷ درصد مرد، بیشتر در رده سنی
۲۶ تا ۳۲ (۱۲,۲ و ۱۶,۳ درصد) بودند. اکثریت افراد یا با همسرانشان
زندگی می‌کردند (۵۵,۱ درصد) و یا با بستگان همسرشان (۱۸,۴ درصد).
اکثریت پاسخ دهندگان بلوچ (۷۷,۶ درصد) و فارس (۸,۲ درصد) بودند.
توانایی والدین در خواندن و نوشتن به ترتیب ۳۰,۶ درصد و ۳۸,۸ درصد
برای مادران و پدران بود. ۹۱,۸ درصد از پاسخ دهندگان باسواد بودند و
به طور میانگین ۸ سال تحصیل کرده بودند (۲۰,۴ درصد). هیچ یک از
پاسخ دهندگان در زمان مصاحبه مشغول تحصیل نبود، و دلیل اصلی این

۲۲۸ طنین سکوت



ترک تحصیل ازدواج کردن بود.

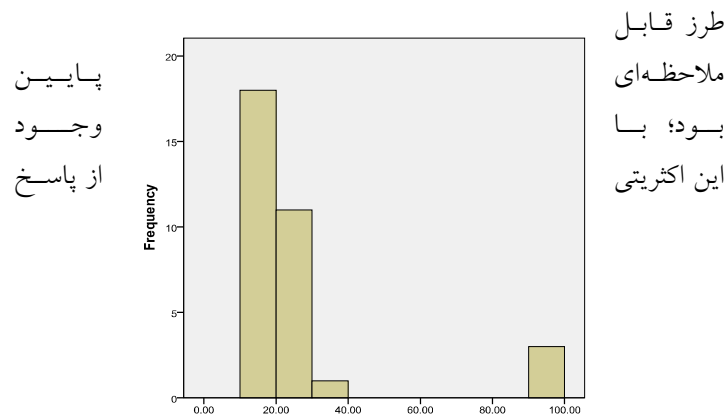
نمودار ۳-۳۲ دلیل ترک مدرسه در استان سیستان و بلوچستان

بیشتر پاسخ دهندگان مشغول کار منزل و نگهداری از فرزندان (۴۰,۸ درصد) و یا خوداشتغالی بودند (۴۰,۸ درصد). اکثریت پاسخ دهندگان مسلمانان سنی (۸۵,۷) و بقیه مسلمانان شیعه (۷ درصد) بودند. تمام پاسخ دهندگان اذعان داشتند که به اعمال مذهبی پایبند بوده و آنها را از سن ۹ سالگی انجام می دادند (۵۹,۲ درصد).

باروری زنان

۹۳,۹ درصد از زنانی که مصاحبه شده بودند، حداقل دوبار زایمان داشته اند (۴۸,۵ درصد). مراقبت پس از زایمان آنها بیشتر از سوی خانواده شان (۷۲,۷ درصد) یا خانواده همسر شان (۱۸,۲ درصد) بوده است.

۲۱,۲ درصد آنها ذکر کرده بودند که هیچ مشکل وضع حمل نداشته اند و ۱۸,۲ درصد درد ممتد را گزارش دادند. ۵۴,۵ درصد از قرص‌های ضدبارداری استفاده کرده و ۶۰,۶ درصد از پاسخ دهندگان از وسایل پیشگیری از بارداری مانند کاندوم استفاده نکرده اند. دانش زنان در مورد مشکلات عمومی بهداشت و موضوعات مامائی و بیماری‌های زنانه به



دهندگان (۳۳,۳ درصد) مدعی شدند که همه چیز را درباره این موضوعات و راه‌های حل آن می‌دانند. ۵۴,۵ درصد از پاسخ گویان گفتند که هرگز چیزی درباره بیماری پارگی یا زخم زایمان نشنیده‌اند، اما زمانی که به طور کامل برای آنها توضیح داده شد، مشخص شد که ۲۷,۳ درصد از آنها خود این مشکل را تجربه کرده بودند. ۷۵,۸٪ زنان زمانی که باردار بودند بچه را می‌خواستند، و ۲۱,۲ درصد دیگر خواستار تأخیر در زایمان بودند.

نمودار ۳-۳۳ میانگین سنی زنان در زمان اولین زایمان در استان سیستان و بلوچستان

باروری مردان

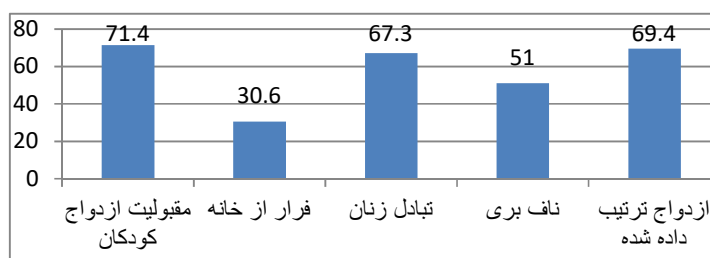
اکثریت مردان پاسخ دهنده ۶ بچه داشتند (۲۵ درصد) و زمانی که اولین بچه آنها بدنیا آمده بود (۱۸,۸ درصد) ۲۱ ساله بودند که ۷۵ درصد از این مردان بچه را در همان زمان می خواستند. ۲۵ درصد آنها درباره خطرات زمان زایمان اطلاع داشته و ۷۵ درصد ایشان کوچکترین اطلاعاتی در این باره نداشتند.

ازدواج و تصمیم گیری

تمامی پاسخ دهندگان اخیراً ازدواج کرده بودند و ازدواج آنها در بیشتر موارد (۶۳,۳ درصد) مستقیماً به نامشان ثبت شده بود. اکثریت آنها (۲۰,۴ درصد) زمانی که اولین بار نامزد کرده بودند ۱۵ سال سن داشتند.

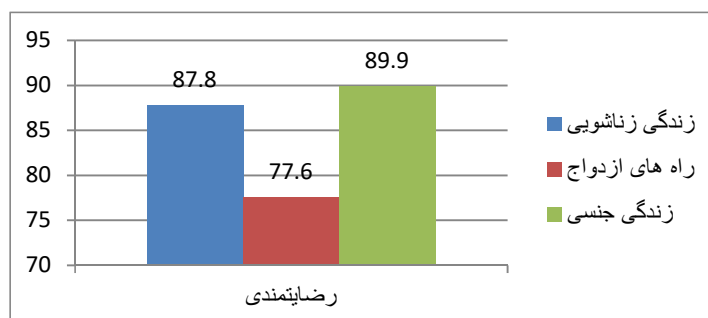
نتایج و یافته‌های تحقیق ۲۳۱

ازدواج ۷۷,۶ درصد از پاسخگویان توسط یک فرد میانجی تدارک دیده شده بود. ۵۱,۱ درصد از افراد گفتند که یک نامزدی رسمی از طرف خانواده هایشان برایشان برگزار شده بود. ۵۱,۵ درصد از زنان، شوهرانی کمتر از ۱۰ سال بزرگتر از خودشان داشتند و ۳۷,۵ درصد از مردان با زنانی کمتر از ۱۰ سال کوچکتر از خودشان ازدواج کرده بودند.



نمودار ۳-۳ میزان رواج انواع ازدواج در استان سیستان و بلوچستان

۸۱,۶ درصد از پاسخ دهندگان در زمان ازدواج می‌دانستند که با چه کسی دارند ازدواج می‌کنند. برخی از آنها اظهار بی تفاوتی (۴۲,۹ درصد)، خوشحالی (۴۰,۸ درصد) و غم (۱۶,۳ درصد) داشتند. ۴۴,۹ درصد آنها مدعی بودند که شوهران یا زنان خویش را تا زمان ازدواج نمی‌شناختند. در اکثر قریب به اتفاق موارد (۶۳,۳ درصد) ازدواج‌ها بر مبنای تصمیم جمعی خانواده‌ها بوده است تا خواست پاسخ دهندگان. تقریباً ۴۹ درصد از پاسخگویان می‌خواستند که فرزندان‌شان نیز به همان شیوه که خود وصلت کرده بودند ازدواج کنند.



نمودار ۳-۳۵ میزان رضایت از ازدواج در استان سیستان و بلوچستان

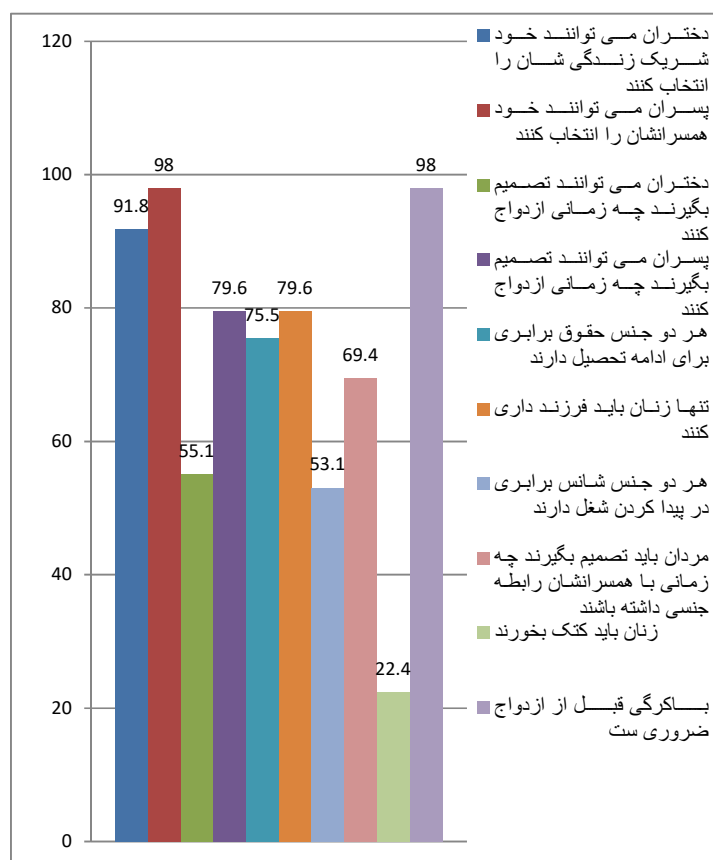
۳۶,۷ درصد و ۶۵,۹ درصد از ازدواج‌ها به ترتیب شامل مهریه و شیربها می‌شد. ۳۷,۵ درصد پاسخ دهندگان مؤنث قبل از ازدواج مدرسه رفته بودند، و به ۷۵ درصد آن‌ها قول داده شده بود که پس از ازدواج تحصیلاتشان را ادامه دهند.

مواجهه با آموزش‌های جنسی یا پیام‌های پیشگیرانه از ازدواج کودکان

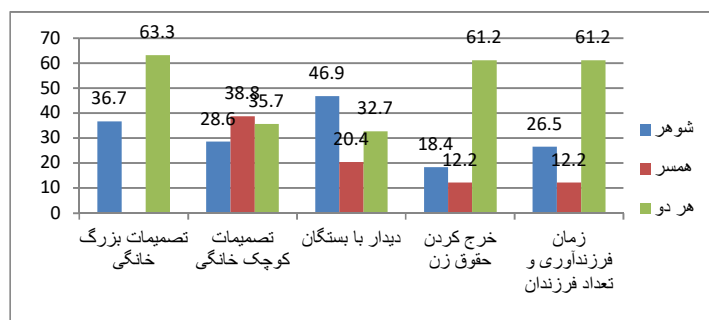
در بسیاری از حالات پاسخ دهندگان معلومات جنسی شان را با صحبت با اعضای بزرگتر خانواده (۳۲,۷ درصد) یا از طریق اینترنت (۱۲,۲ درصد) بدست آورده بودند. ۲۶,۵ درصد از موارد عقیده داشتند که ازدواج کودکان هیچ امتیاز و فایده‌ای ندارد، و ۲۴,۵ درصد دیگر جلوگیری از رابطه جنسی قبل از ازدواج را مدنظر قرار دادند و اطمینان حاصل کردند که بکارت از جمله مزیت‌های کودک همسری است. ۶۳,۳ درصد از افراد ارتباط بین ازدواج بعدی، تحصیلات بالاتر و درک بهتر از زوج را می‌دیدند.

اکثریت پاسخگویان (۴۲,۹ درصد) هرگز در معرض پیام‌های پیشگیرانه از ازدواج زودهنگام کودکان و یا در معرض آموزش جنسی قرار نگرفته بودند. با این وجود، ۳۶,۷ درصد از آنها گفتند که چیزهایی در تلویزیون در باره کاستی‌های ازدواج کودکان دیده‌اند. بطور کلی ۵۱ درصد از پاسخ دهندگان اعتقاد داشتند که کودک همسری باید ریشه کن شود، در حالی که ۳۶,۷ درصد آنها خواستار ادامه آن بودند. همه پاسخگویان (۱۰۰ درصد آنها) از سن قانونی ازدواج بی اطلاع بودند. اکثریت ۲۶,۵ درصدی از افراد سن ۱۵ سالگی را برای ازدواج دختران بسیار پایین می‌دانستند، و برای پسران، به گفته ۲۶,۸ درصد پاسخ گویان این سن بین ۱۷ تا ۲۰ بود.

نگرش‌های جنسیتی



نمودار ۳-۳۶ میزان توافق با نگرش‌های جنسیتی در استان سیستان و بلوچستان



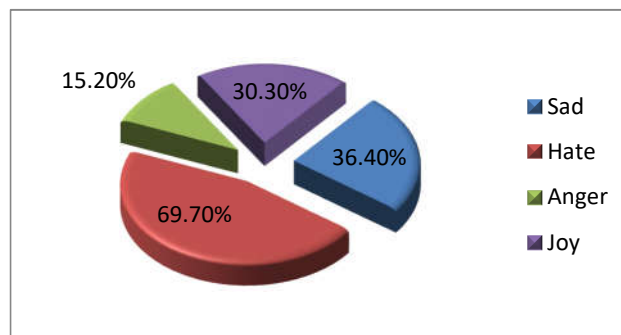
نمودار ۳-۳۷ تصمیم‌گیری‌های خانگی در استان سیستان و بلوچستان

خشونت جنسی زنان

هیچ کدام از پاسخ دهندگان اشاره‌ای به تجاوز جنسی، تعرض و تماس بر خلاف میلشان نداشتند. ۵۴,۴ درصد از زنان متأهل رابطه جنسی اجباری

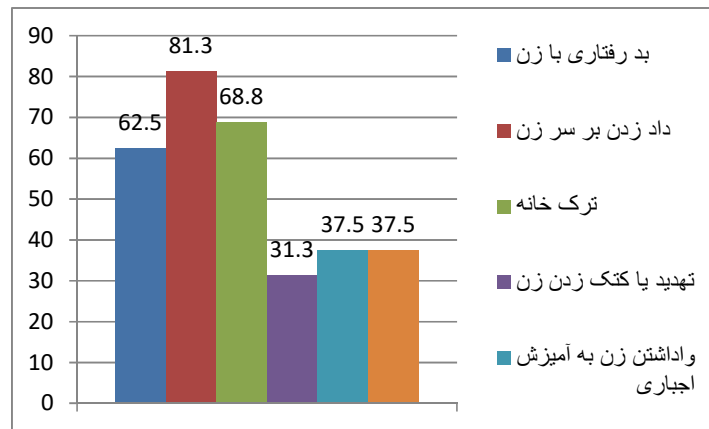
نتایج و یافته‌های تحقیق ۲۳۵

با همسرانشان را تجربه کرده بودند و احساسی که در این رابطه داشتند یا ناراحتی بود (۳۶,۴ درصد) و یا خشم (۱۵,۲ درصد). در ۶۹,۷ درصد موارد بدرفتاری با شوهر، تهدید یا پرتاب اشیاء به وی اتفاق افتاده بود، در حالیکه ۳۰,۳ درصد از این موارد همراه با احساس خوشایندی بوده است.



نمودار ۳-۳۸ احساس در مرد آمیزش اجباری در استان سیستان و بلوچستان

خشنوت خانگی مردان



نمودار ۳-۳۹ خشنوت خانگی مردان در استان سیستان و بلوچستان

۵. استان آذربایجان غربی

محدوده جغرافیایی



استان آذربایجان غربی واقع در شمال غرب ایران یک ناحیه کوهستانی در جوار مرزهای ترکیه، عراق و جمهوری آذربایجان می‌باشد. برخلاف نام این استان که تسلط آذری‌ها را می‌نمایاند، جمعیت این ناحیه را

اکثریت اکراد واقع در شهرهای کرد زبان تشکیل می‌دهد. طبق آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۳ جمعیت این استان برابر با ۳۲۰۱۰۰۰ نفر بوده است (سالنامه آماری، ۱۳۹۳). مردم در شهرهای کرد اکثراً سنی مذهب بوده در حالی که در شهرهای ترک نشین دین تشیع اکثریت دارد. استان آذربایجان غربی هفتمین رتبه در ازدواج دختران در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال و پنجمین رتبه در گروه سنی ۱۵ الی ۱۹ سال را داراست. در ازدواج زودهنگام پسران در این استان، سومین و چهارمین رتبه در گروه سنی ۱۰ الی ۱۴ سال و ۱۵ الی ۱۹ سال را دارد. این استان رتبه پنجم و چهارم را در ازدواج کل دختران و پسران در گروه‌های سنی ۱۰ الی ۱۴ سال و ۱۵ الی ۱۹ سال را داراست. مجموعه هفت شهر دو خوشه اول نمونه‌گیری این استان تعیین شدند، شامل؛ ارومیه، بوکان، خوی، مهاباد، میاندوآب، سردشت و سلماس. بیش از ۴۸ مصاحبه در روستاهای منتخب از این هفت شهر انتخاب شدند من جمله؛ تولکان، ترکان، پیرعلی، دره قاسملو، قرین دره، زنگلان، عییلو، دزه، زیوه، سورکان، کیتکه، ربط، بناویله کوچک، لیلان، زمزیران، کله گاوی، پسک،

بیلوار، بالا آباد، مظفرآباد و چیچک.



کار میدانی در استان آذربایجان غربی. عکس: کامیل احمدی

مروری بر مشاهدات

بررسی جامع در حین اولین مرحله در مطالعه این منطقه نشان داد که رسوم ازدواج و هنجارها در نواحی مختلف این استان متفاوتند و به این ترتیب، تیم پژوهش با منشوری از تفاوت‌ها و تنوعات بی‌شمار فرهنگی و جزئیات متفاوت در هر منطقه مورد بررسی آشنا شد. در برخی مناطق مانند بابل آباد (خوی) رایج‌ترین و مقبول‌ترین شکل ازدواج فرار از خانه بود. این امر چنان عادی و رایج بود که به شکل یک هنجار مقبول اجتماعی در آمده بود. سطح میانگین تحصیلات به دست آمده کلاس پنجم در مدرسه ابتدایی بود. تقریباً در تمامی موارد دختران با شریکشان از خانه فرار کرده بودند.

این سنت در سایر شهرها و روستاها نیز رایج بود، با این وصف تفاوت‌های اندکی در جزئیات آن‌ها دیده می‌شد. در برخی از مناطق با توجه به اهمیت باورهای مذهبی مشابه (شیعه و سنی بودن)، همانطور که در منطقه روستایی زنگلان (ارومیه) دیده شد، ازدواج با افراد خارج از این دو فرقه نامرسوم می‌نمود. برخلاف این عرف اکثر روستاها، مانند روستای ترکان (ارومیه)، داشتن باور دینی یکسان یک موضوع مهم در شکل‌گیری ازدواج نبود. در ترکان آنچه به فراوانی یافت می‌شد، رواج قابل توجه رسوم تبادل زنان و فرار از خانه بود. در این موارد، معتمدین برجسته محلی و رهبران دینی و روحانیون نقش واسطه‌گر را برای خاموش کردن ناآرامی‌ها و کشمکش‌ها در جامعه محلی ایفا می‌کنند و در بعضی موارد با مداخله آن‌ها از قتل‌های ناموسی بالقوه جلوگیری می‌شد.

سن ازدواج در تمامی نواحی به طرز مشابهی پایین بود که از نخستین سال‌های کودکی گرفته تا دوران نوجوانی متغیر دیده می‌شد. در روستای مظفرآباد (میاندوآب) میانگین سن در زمان ازدواج ۹ سالگی بود. اما در سال ۱۳۹۴ مواردی از ازدواج یک دختر ۷ ساله نیز ثبت شده است. در روستای بیلوار (خوی) برای مثال، کودکان بسیار جوان با عجله و اغلب در پاسخ به منابع تکنولوژیکی جامعه ازدواج داده می‌شدند. والدین اغلب استفاده از گوشی‌های تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی را برای فرزندان‌شان محدود می‌کردند تا از تأثیرات این ابزارها بر شیوه‌های پیشین زندگی فرزندان‌شان جلوگیری کنند. فشار اجتماعی برای ازدواج زودهنگام عمده‌ترین

دلیلی بود که نمی‌گذاشت والدین اجازه دهند که فرزندان خردسالشان مجرد بمانند. همانطور که مداوماً دیده شد، ازدواج زودهنگام کودکان در بعضی اجتماعات ایران یک سنت پابرجا و با قدمت باقی می‌ماند که به وسیله فقر، کمبود تحصیلات، فرصت‌های اقتصادی همچنین رسوم اجتماعی‌ای که حقوق زنان و دختران را محدود می‌کنند و استقلال تصمیم‌گیری فردی شان را از آنها می‌گیرد تقویت می‌شد. ازدواج زودهنگام کودکان در درون ساختار مادون بودگی دختران در جامعه شکوفا شده است و در استان آذربایجان غربی، نگرانی‌های اجتماعی و فشارهای جامعه محلی عاملان محرک و تقویت‌گر کودک همسری بوده‌اند.



بیلوار (خوی) دارای نرخ بالای ازدواج زودهنگام کودکان در استان آذربایجان غربی است. عکس: کامیل احمدی

بیگاری کودکان در زمینه‌های کاری کشاورزی، فرش بافی و کوره‌های آجرپزی رایج است. در ازدواج زودهنگام کودکان، زندگی دختران - حداقل سال‌های اولیه ازدواجشان - با انجام کارهای خانگی و برآورده‌سازی نیاز شوهران و خانواده شوهرشان تعریف و تبیین می‌شود. روشن است که ازدواج به معنای پایانی برای تحصیلات رسمی یک دختر می‌باشد.

دختران معمولاً در زمانی که ازدواجشان در حال شکل‌گیری و تدارک دیده شدن است و یا اندک زمانی پس از ازدواجشان از مدرسه ترک تحصیل می‌کنند. تحصیلات صرفاً برای دختران مفید و کارا دیده نمی‌شود زیرا مدارس یا در دسترس نیستند و یا هزینه مالی بالایی بر دوش خانواده فقیر می‌گذارند. در واقع دلیل برجسته و عمده این امر است که والدین ارزش تحصیلی دخترانشان را نمی‌بینند زیرا تحصیلات چیزی نیست که در ارتباط با زندگی شان مفید و کارکردی به نظر برسد. با وجود جایگزین‌هایی در دسترس، والدین اغلب ازدواج را بهترین گزینه برای دخترانشان می‌بینند. این تأثیر دوگانه‌ای بر جای می‌گذارد: تصمیم والدین یک دختر برای زود ازدواج دادن وی می‌تواند خود کارکردی از پتانسیل آموزشی یک دختر باشد، دختری که موفقیت‌های تحصیلی کمی دارد، زیان‌های احتمالی کوچکتري را هم در کسب و کار احتمالی آینده‌اش به بار خواهد آورد، در نتیجه انگیزه پایین تری برای ادامه تحصیل وی در مقایسه با دخترانی که وضعیت تحصیلی قوی تری دارند دیده می‌شود. محتمل است که والدین چنین افرادی به ازدواج دادن زودهنگام وی

راغب تر باشند.

”پدرم در ۱۳ سالگی برایم شوهر پیدا کرد و اولین فرزندم را در ۱۴ سالگی به دنیا آوردم. اطلاعی از چند و چون مهریه ام ندارم. پدرم مرا هیچ وقت به مدرسه نفرستاده بود. با وجودی که ۱۳ سالگی ازدواج کردم و دوره های اول ازدواجم جز بیماری چیزی نبود، ازدواج زودهنگام را مناسب نمی دانم اما دوست دارم دخترم در ۱۵ سالگی ازدواج کند تا درگیر روابط عاطفی نشود و کسی قصد رابطه و سوء استفاده از او را نداشته باشد.“

شهرین، ۲۷ ساله

روستای پیرعلی - ارومیه

پس از ازدواج، دسترسی دختر جوان به تحصیلات رسمی و حتی غیر رسمی با شدت بیشتری محدود و کاسته می‌شود، زیرا بار کارهای خانگی، فرزندداری و هنجارهای اجتماعی، ازدواج و تحصیلات را ناهمخوان می‌دانند (میثور و همکاران، ۱۳۸۲). مهارت های خانه داری آموخته شده تحصیلات رسمی را تحت شعاع قرار می‌دهد. در بیشتر موارد دلیلی ارائه می‌شد که توسط مردان جامعه قبول و الحاق شده بود و زنان آن جامعه نیز بدان عمل می‌کردند. معمولاً این پدر، برادر یا سایر اعضای مرد خانواده است که تصمیمات تحصیلی را به عنوان یک انحراف اجتماعی و در نتیجه تهدید برای عفت دختر می‌بینند.



استان دارای ترکیبی از جمعیت کرد زبان و ترک زبان است.

عکس: کاما احمد.

”من در این مصاحبه به کتاب‌ها و آموزه‌های دینی مراجعه نمی‌کنم. واضح است که دین اسلام جوانان را تشویق به ازدواج در سنین جوانی کرده و تأکید دارد که خانواده‌ها شرایط ازدواج فرزندان‌شان را تسهیل کنند. اعتقاد شخصی من این است که با توجه به عواقب خطرناک ازدواج زودهنگام و با در نظر گرفتن شرایطی که جامعه امروزی در آن زندگی می‌کند، ازدواج زودهنگام آسیب‌های جسمی، جنسی و روانی به کودک وارد می‌آورد. از این رو بنده شخصاً بر این باورم که سن مناسب ازدواج بالای ۱۸ سالگی است. با این حال ازدواج در سن کم تنها در زمانی که ضروری و تنها راه حل باشد، اجتناب ناپذیر است. من همیشه به پسرانم (دختر ندارم) گفته‌ام بروید و عاشق شوید. عشق زیباست، انسانی است. اما مواظب باشید که از رابطه‌تان سوءاستفاده نکنید و از حد و مرزها نگذرید زیرا عواقب زیان‌بار فرهنگی و اجتماعی برای دختر در پی خواهد داشت.“

ملا حاج سید حسن واژی- امام جماعت مسجد عشره و بشره

پیرانشهر، آذربایجان غربی

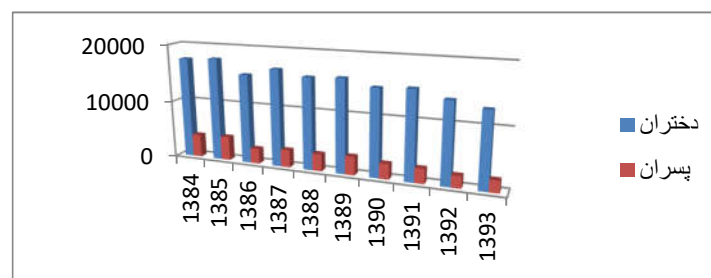
جالب اینکه مادران جوانی که خودشان بازمانده‌ای از ازدواج زود هنگام کودکان بودند، این میراث را به دختران خودشان با اجازه ندادن وی به ادامه تحصیل و سایر انتخاب‌های زندگی‌اش منتقل می‌کردند. یک دلیل عمده رایج این است که زنان از روند تصمیم‌گیری حذف شده‌اند، که این بر زندگی خودشان، سلامت جنسی و رفاهشان تأثیر گذاشته است. آن‌ها در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که جایگاه زن را در درون چهارچوب دیوارهای یک خانه تعریف می‌کند. بسیاری از این زنان موافق ازدواج کودکان هستند، زیرا انتخاب دیگری برای آن‌ها وجود ندارد. کودک همسری تنها چیزی ست که می‌دانند. کودک عروسان در انتخاب اینکه چه زمانی و با چه کسی ازدواج کنند هیچ نقشی نداشته و دارای کمترین تأثیر بر شوهر و خانواده شوهرشان هستند که این به معنای نبود فرصت برای رشد و توسعه آگاهی از حقوقشان است. در نتیجه نمی‌توانند مدعی هیچ حقوقی و خواستار هیچ انتظاری باشند. ازدواج دادن فرزندانشان در کودکی یک هنجار اجتماعی آرمانی شده است.

نقش زیربنای قدرتمند، برنامه‌ها و حمایت‌های بهداشتی، همچنین دسترسی به خدمات سلامت و بهداشتی که با ازدواج زود هنگام کودکان مقابله می‌کنند، می‌توانند اثر مثبتی بر رساندن اطلاعات اولیه در خصوص بیماری‌های جنسی، عفونت‌ها، مسائل زنانه، زخم‌های زایمانی و مسائل زنانه مربوطه را در اختیار مردم قرار بدهد. این از اهم اولویت‌هاست.

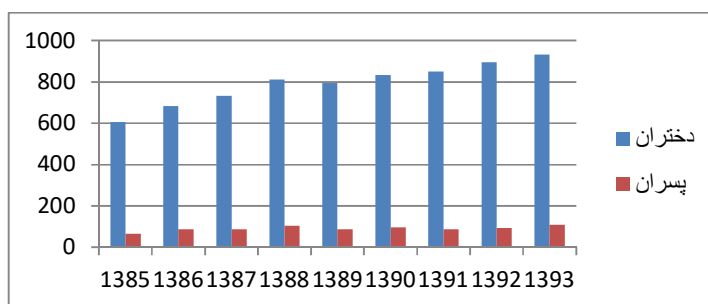
برخی روستاها از جمله درین قلعه در ارومیه، دسترسی آسانی به هیچ کلینیک یا مرکز بهداشتی ندارند و این باعث شده است که ساکنین این منطقه مجبور باشند در صورت اضطرار به شهرهای اطراف مراجعه کنند. در برخی روستاها مانند دره قاسملو باز هم در ارومیه، وجود مراکز بهداشتی منجر به بالا رفتن موجی از آگاهی در میان ساکنین شده است. برای مثال با فراهم کردن وسایل پیشگیری از بارداری از جمله قرص و کاندوم و جزوهای آموزشی، زنان در این روستا دارای سطوح بالاتری از دانش در مورد مسائل زنانه بودند. در نتیجه تسهیلات آموزشی بالاتری هم برای کودکانشان وجود داشت و خود آنها نیز به ادامه تحصیل علاقمندتر بودند. شمار کودکان و نرخ‌های مولید در این روستا کاهش یافته بود که ادعای پیشرفت و توسعه را در سالهای اخیر تقویت می‌کرد. این خدمات می‌بایست ارزان قیمت و مناسب بوده و به آسانی در اختیار ساکنان روستایی قرار گیرند.

یافته‌های پیمایش

ازدواج زیر سن ۱۸ سال در استان آذربایجان غربی، با تفاوت عمیقش میان دختران و پسران در بازه ده ساله رو به کاهش نهاده است. شمار دخترانی که زیر سن ۱۸ سال ازدواج می‌کنند به شدت بالاتر از شمار پسران است. شکل زیر نشان می‌دهد که در هر دو جنس، استان روند کند نزولی را در دهه اخیر پیش گرفته است.



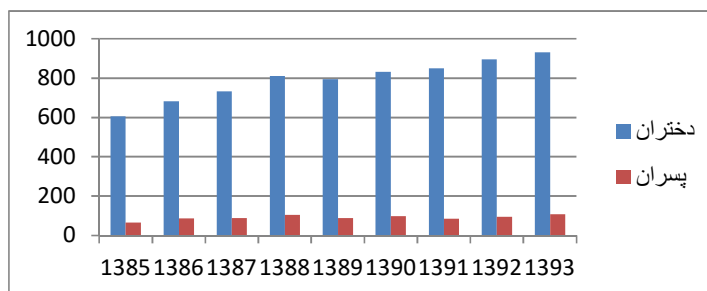
نمودار ۳-۴۰ میزان ازدواج زیر سن ۱۸ سال در استان آذربایجان غربی مطابق شکل زیر آمار طلاق در هردوی جنسیت‌ها در این استان در حال افزایش بوده است اما سطح این افزایش در میان دختران زیر ۱۸ سال در مقایسه با پسران بالاتر است. این بدان معناست که هرساله شمار بیشتری از کودکان بیوه می‌شوند. خصوصاً زمانی که دختری خردسال با مردی بسیار بزرگ‌تر از خودش ازدواج کرده است، این امر دیده می‌شود. داغ اجتماعی و لکه‌ننگی که طلاق برای فرد به همراه می‌آورد و موقعیتی که زنان در جامعه دارند، بسیاری از دختران را وادار به تنها زندگی کردن و بزرگ کردن فرزندانشان بدون حمایتی می‌کند.



نمودار ۳-۴۱ میزان طلاق در ریز سن ۱۸ سال در استان آذربایجان غربی

بیوگی یکی از مسائل حقوق بشری و جنسی چشم پوشی شده در درون ساختار ازدواج زودهنگام است. این امر خصوصاً در نواحی روستایی، جایی که سنن و رسوم و تفاسیر تبعیض گرانه از قوانین مذهبی حاکم است و فقدان سن قانونی نوین ازدواج در آن دیده می‌شود، شدت دارد. تبعات بیوگی از جمله مطرود سازی اجتماعی، وابستگی اقتصادی، در حاشیه واقع شدگی و تبعیض قانونی، مشقات سیاسی و انحرافات حقوق بشری می‌باشد. تمامی این پیامدها زمانی که فکر کنیم یک کودک با آن‌ها مواجه می‌شود سخت تر و شدیدتر می‌شوند (گودارد، ب.ت). کودک بیوگی میراث کودک همسری ست.

همانطور که در شکل زیر دیده می‌شود، نسبت نرخ ازدواج زودهنگام زیر ۱۸ سالگی به نسبت کل ازدواج‌های استان در یک مقیاس ده ساله همواره مابین ۳۰ الی ۴۰ درصد بوده است.

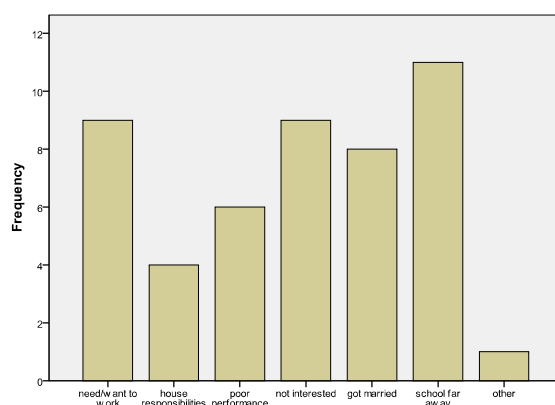


نمودار ۳-۴ نسبت ازدواج زودهنگام به ازدواج کل در استان آذربایجان غربی

پیش زمینه

پاسخگویان معمولاً در محدوده سنی ۱۹ الی ۲۵ سال قرار دارند که در

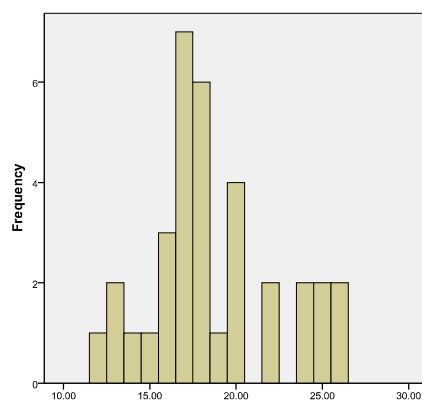
میان آن‌ها ۷۰ درصد زن و ۳۰ درصد مرد بودند. ۷۰,۸ درصد از آن‌ها با همسر یا شوهرشان زندگی کرده و سایر ۲۲,۹ درصد با خانواده همسرشان. طبق نمونه‌گیری تصادفی بکار گرفته شده، ۵۱,۲ درصد از پاسخگویان کرد و ۴۷,۹ درصد آن‌ها ترک بودند. زبان متداول در این استان کردی (۵۶,۳ درصد) و ترکی (۴۳,۸ درصد) می‌باشد. تحصیلات والدین پاسخگویان هر دو پایین بود (تنها ۲۷,۱ درصد از مادران و ۳۵,۴ درصد از پدران افراد پاسخگو قادر به خواندن و نوشتن بودند). ۶۲,۵ درصد از پاسخگویان مشغول به کار خانگی و فرزند داری بوده و ۱۰,۴ درصد از آن‌ها شغل آزاد داشتند. هیچ کدام از پاسخگویان در زمان تحقیق در حال تحصیل نبودند و عمده‌ترین دلیل‌شان برای ترک مدرسه، نبود مدارس در نزدیکی روستا بود. بالاترین سطح سواد در اکثریت افراد (۱۲,۵ درصد) کلاس دوم و کلاس پنجم (۱۲,۵ درصد) در مدرسه ابتدایی بود. درمیان پاسخگویان، ۶۲,۵ درصد تکالیف دینی خود را انجام می‌دادند و ۷۷,۱ درصد ایشان این تکالیف را از حدود سن ۱۱ سالگی آغاز کرده بودند.



نمودار ۳-۴۳ دلیل ترک مدرسه در استان آذربایجان غربی

باروری زنان

۶۱,۸ درصد از زنان حداقل یک بار زایمان کرده بودند و اکثریت آن‌ها مراقبت‌های پس از زایمانشان را از خانواده شوهرشان گرفته بودند. میانگین سنی این مادران ۱۷ سال (۲۰,۶ درصد) بود. زایمان طولانی بحرانی‌ترین مشکلی بود که زنان در فرزندآوری داشتند. دانش آن‌ها در خصوص سلامت و بیماری‌های زنانه از جمله زخم زایمانی در سطح متوسط و در برخی روستاها بالاتر از متوسط دیده شد.



نمودار ۳-۴۴ سن زنان در زمان اولین زایمان در استان آذربایجان غربی

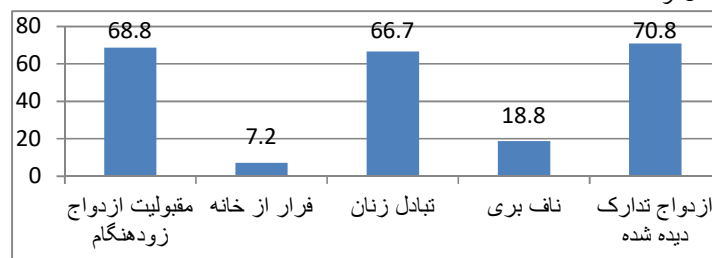
باروری مردان

اکثر پا سخگویان مرد (۷۴,۴ درصد) دارای حداقل دو فرزند بودند و بسیاری از آن‌ها در سن ۱۷ سالگی پدر شده بودند (۳۵,۷ درصد). اکثریت ۷۱,۴ درصد از مردان می‌خواستند که در همان زمان بچه‌دار شوند

اما ۲۸,۶ درصد ترجیح می‌دادند که این اتفاق در آینده رخ دهد. پاسخگویان اطلاعی از نشانه‌های خطر در میان زنان باردار نداشته و ۲۸,۶ درصد آن‌ها باور داشتند که بالاترین تهدید در سلامت مادر خونریزی شدید در حین زایمان است. دیگر ۵۷,۱ درصد مردان اظهارداشتند که بیماری زخم زایمانی را تابحال نشنیده‌اند.

ازدواج و تصمیم‌گیری

۳۷,۵ درصد از پاسخگویان گزارش دادند که در زمان ازدواجشان در مراسم خود حضور نداشته‌اند و شخص دیگری به جای ایشان مراسم را برگزار کرده است. ۱۲,۵ درصد ازدواج‌ها هرگز ثبت نشدند. در ۶۲,۵ درصد موارد یک فرد واسطه و میانجی ازدواج را تدارک دیده است و ۷۹,۲ درصد ایشان یک نامزدی رسمی تدارک دیده شده توسط خانواده شان را داشته‌اند.

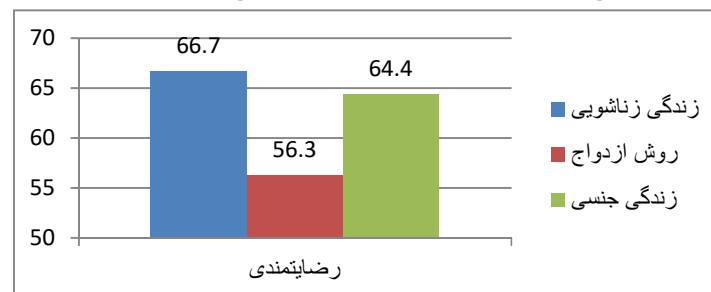


نمودار ۳-۴۵ فراوانی انواع ازدواج در استان آذربایجان غربی

مشخص شد که در ۷۵ درصد موارد، پاسخگویان می‌دانستند که ازدواجشان در حال تدارک دیده شدن است، درحالی‌که سایر ۲۵ درصد از افراد نمی‌دانستند که با چه کسی قرار است ازدواج کنند. ۴۱,۷ درصد از

با سخگویان از نتیجه ازدواج خود رضایت داشته، ۵۲٫۱ درصد افراد بی تفاوت، ۴٫۲ درصد ناراحت و ۲٫۱ درصد به خاطر عدم توانایی ادامه تحصیل عصبانی بودند. تنها ۳۵٫۴ درصد از افراد می‌خواستند که فرزندان‌شان نیز به همان شیوه که خود وصلت کرده بودند ازدواج کنند.

۱۸٫۸ درصد از پاسخگویان خواهان به هم زدن و فسخ ازدواج بر مبنای تصمیم خانواده شان بودند اما موفق به این کار نشدند. مجموع ۸۷٫۵ درصد ازدواج‌ها شامل جهیزیه شده و در ۸٫۳ درصد ازدواج‌ها شیربها پرداخت شده بود. برای زنان، میانگین سنی در زمان نامزدی ۱۵ سالگی (۲۷٫۱ درصد) و ۱۳ و ۱۴ سالگی (هر دو ۱۲٫۵ درصد) بود. اکثر آن‌ها به ازدواج مردانی درآمدی بودند که حداقل ۱۰ سال از خودشان بزرگتر بود. هیچ کدام از زنان قبل از ازدواج به مدرسه نمی‌رفته و بدین ترتیب به هیچ کدام نیز قول تحصیل پس از ازدواج داده نشده بود.



نمودار ۳-۴ میزان رضایت از ازدواج در استان آذربایجان غربی

مواجهه با آموزش جنسی و پیام پی‌شگیرانه از ازدواج زودهنگام

کودکان

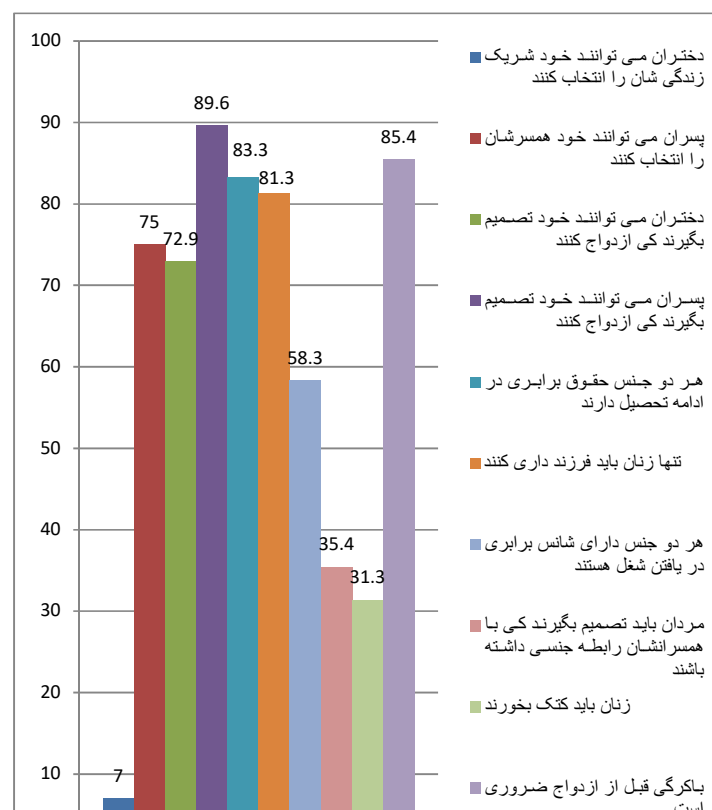
در بیشتر موارد آموزش جنسی از طریق سایر بزرگسالان خانواده (۶۲,۵ درصد) و از طریق کانال‌های ماهواره‌ای (۱۶,۷ درصد) دریافت شده بود. اکثریت پاسخگویان بر این باور بودند که هیچ فایده‌ای در ازدواج زودهنگام کودکان نیست. همانطور که قبلاً در سایر استان‌ها دیده شد، ۳۱,۳ درصد از پاسخگویان هرگز پیامی در خصوص مقابله با ازدواج کودکان نشنیده بودند. ۶۴,۶ درصد افراد خواهان متوقف‌سازی ازدواج کودکان بودند اما ۲۲,۹ درصد موارد رأی به تداوم آن دادند و معتقد بودند که ازدواج زودهنگام بستگی به عواملی از جمله جنس بدن و فرهنگ خانوادگی دارد. ۹۱,۷ درصد افراد نمی‌دانستند که سن قانونی ازدواج برای دختران و پسران چند است. ۱۶,۷ درصد افراد بر این باور بودند که ۱۵ سالگی برای ازدواج دختران و ۲۰ سالگی برای ازدواج پسران بسیار زود است و اکثر افراد اظهار داشتند که سن ایدئال برای ازدواج فرزندان شان ۲۰ سالگی است (۲۵ درصد).

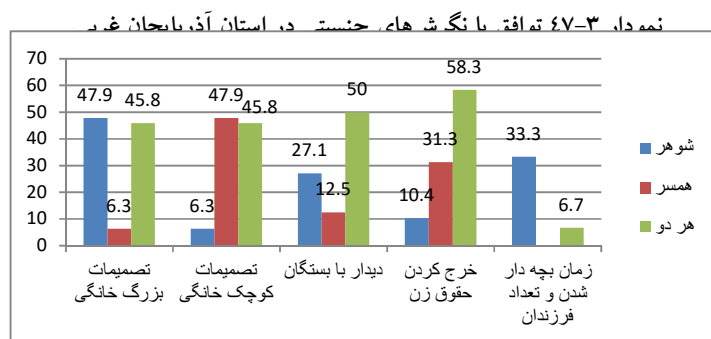
نگرش‌های جنسیتی

تجزیه و تحلیل نگرش‌های جنسیتی با عطف به زنان و نقش‌شان در تصمیم‌گیری‌ها حاکی از وجود تفاوت‌های چشمگیری بود. آسیب‌پذیری زنان ریشه در زمان نوجوانی شان دارد. موفقیت‌های اندک تحصیلی با تبعات بلند مدت‌ش در زمینه امکان اشتغال با ازدواج زودهنگام ادغام می‌شود. حفظ آبروی خانواده با ازدواج دادن زودهنگام دختران باکره در محوریت سنت کودک همسری قرار دارد و یافته‌های ما نیز نشان

داد که در این استان باکرگی در ازدواج از اهم موضوعات مورد توجه است. می‌توان این نگرش را در شکل زیر دید که ۸۵,۴ درصد از افراد به باکرگی پیش از ازدواج باور داشتند. پاسخگویان موافقت بسیار اندکی با حق دختر در انتخاب شریک زندگی‌اش نشان دادند (تنها ۷ درصد) در حالیکه ۷۵ درصد ایشان این حق را به پسران نسبت می‌دادند. نقش‌های جنسی محول شده بدیهی و آشکار می‌نمود. از آنجا که ازدواج زودهنگام جایگاه زن را در خانه تعریف می‌کند و قدرت تصمیم‌گیری وی را محدود می‌نماید، زنان مسئول به دوش کشیدن بار کارهای خانگی در نظر گرفته می‌شوند. ۸۱,۳ درصد افراد بر این باور بودند که کارهای خانگی و مراقبت از فرزندان تنها و تنها وظیفه زن می‌باشد.

مشابهاً، نمودار زیر نشان می‌دهد که زنان نمی‌توانند تصمیم نهایی را در خصوص اینکه چه زمانی و چه تعداد فرزند داشته باشند بر عهده گیرند. این امر تأثیر منفی‌ای بر توانایی تصمیم‌گیری آن‌ها داشته است. این به معنای قابلیت تصمیم مشترک زوجین و یا تصمیم مرد به تنهایی است. تصمیمات کوچک خانگی اکثراً توسط زنان گرفته می‌شود (۴۷,۹ درصد).



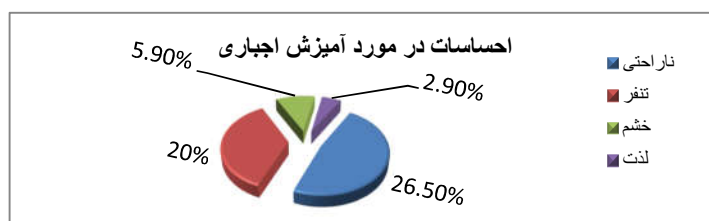


نمودار ۳-۴۸: تصمیم‌گیری‌های خانگی در استان آذربایجان غربی

خشونت جنسی زنان

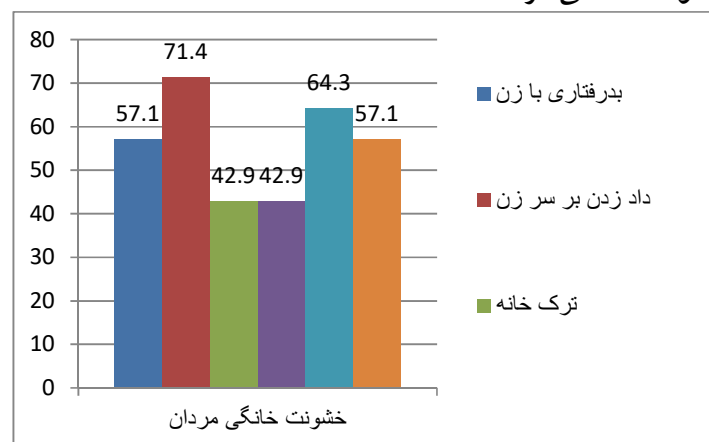
تمامی پاسخگویان زن اظهار داشتند که هرگز برخلاف میل خود مورد لمس مرد دیگری قرار نگرفته‌اند و ۵,۹ درصد ایشان بدون میل خود وادار به لمس مردی شده بودند. ۵۲,۹ درصد زنان مجبور به آمیزش جنسی اجباری با شوهرانشان شده بودند بدون اینکه قدرت چانه زنی یا ابراز احساس خود را داشته باشند. احساساتشان در خصوص این آمیزش ناخواسته عبارت بود از ناراحتی (۲۶,۵ درصد)، تنفر (۲۰,۶ درصد)، خشم (۵,۹ درصد) و لذت (۲,۹ درصد) بود. درصد زنانی که با شوهرانشان بدرفتاری کرده یا وی را تهدید کرده بودند به ترتیب ۶۴,۷ درصد و ۴۴,۱ درصد بود.

نتایج و یافته‌های تحقیق ۲۵۵



نمودار ۳-۴۹ احساسات در مورد آمیزش اجباری در استان آذربایجان غربی

خشونت خانگی مردان



نمودار ۳-۵۰ خشونت خانگی مردان در استان آذربایجان غربی

۶. استان هرمزگان

محدوده جغرافیایی



استان هرمزگان در جنوب ایران هم مرز با استان‌های فارس، کرمان، عمان و امارات متحده عربی است. طبق آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۳، جمعیت این استان برابر با ۱۶۷۶۰۰۰ می‌باشد (سالنامه آماری، ۱۳۹۳). قومیت‌های فارس، عرب و بلوچ جمعیت این استان را شکل می‌دهند. مجاورت این استان با قطر، دبی، عمان و یمن اثری فرهنگی و اقتصادی در این استان داشته است. بخش‌های جنوبی استان و جزایر آن عمدتاً مسلمانان سنی مذهب، و بخش‌های شمالی آن را اهل تشیع تشکیل می‌دهند. استان هرمزگان رتبه سوم در ازدواج در گروه سنی ۱۰ الی ۱۴ سال را داراست و یکی از محروم‌ترین استان‌های ایران با آمار بالای مرگ و میر مادران می‌باشد.

مروری بر مشاهدات

یک اعتقاد رایج در استان هرمزگان مشابه سایر مناطق استوایی، این است که گرما و دما رشد و بلوغ افراد را تسریع می‌کند. دختران بر همین اساس سریع‌تر رشد می‌کنند و جسماً به قدر کافی بالغ می‌شوند که در سنین پایین ازدواج کنند. این امر حتی در زمانی که سن فرد عامل تعیین کننده ازدواج نیست صدق می‌کند. توجیه اسلامی ازدواج زودهنگام کودکان این است که فرد باید هر چه زودتر تحت چنین شرایطی ازدواج کند. برخلاف آنچه که در سایر استان‌ها در درون چهارچوب قوانین

اسلامی دیده شد، بیشتر افراد در استان هرمزگان اهمیت زیادی به بالا بودن مهریه نمی‌دهند.



استان هرمزگان، بالاترین استان در رواج ختنه زنان و پنجمین استان در رواج ازدواج کودکان. عکس: کامیل احمدی

”من رو حانی زن و دختر یک رو حانی و مدرس علوم قرآنی هستم. طبق قوانین قرآن ازدواج زود هنگام توصیه شده است. از منظر عرفی و فرهنگی من معتقدم که دختران و پسران مانند آتش و پنبه هستند که باید از هم دور نگه داشته شوند. شعله های این آتش گناه را با ازدواج هرچه زودتر خاموش کنید.“

مولوی آمنه رستگار
روحانی شهر جاسک، استان هرمزگان

برخلاف کم بودن تأکید بر روی مهریه، این اهمیت بر روی هزینه‌هایی قرار داده شده که صرف مراسم ازدواج و فراهم کردن اتاق حجله (اتاقی که زوج اولین شب ازدواج‌شان را در آن می‌گذرانند) می‌شود. مقدار زیادی پول صرف طراحی و آراستن متجملانه اتاق حجله در منزل پدری عروس می‌شود. بر اساس رسوم و هنجارهای اجتماعی زوج در این اتاق تا چهل روز اقامت می‌کنند. در برخی نواحی استان ترک اتاق حجله پیش از سرآمدن زمان معین شده امری تنقیح شده است و به لحاظ اجتماعی بی‌ادبی و غیر قابل قبول به حساب می‌آید. مایحتاج زوج من جمله خوراک و پوشاک برای آن‌ها فراهم می‌شود تا ایشان بتوانند این مدت زمان چهل روزه را در اتاق بمانند.

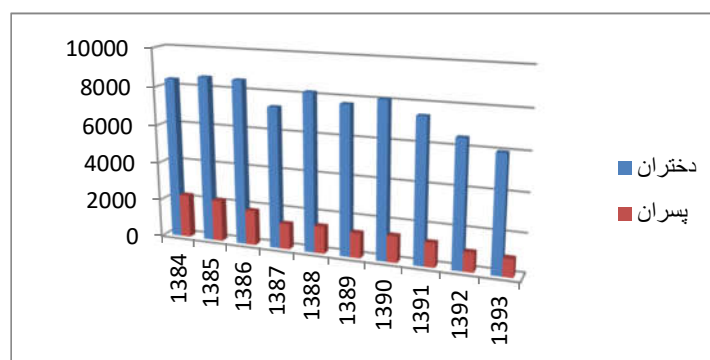
آداب و رسوم فراهم آوری جهیزیه بر حسب توافقات خانواده‌ها انجام می‌شود. اما عمده‌تأ داماد و خانواده‌اش جهیزیه را فراهم می‌نماید و خانواده عروس نیز کمک‌هایی در خرید اسباب و لوازم خانه می‌کنند.



اتاق حجله در جزیره قشم، استان هرمزگان.
عکس: م. معارف‌وند

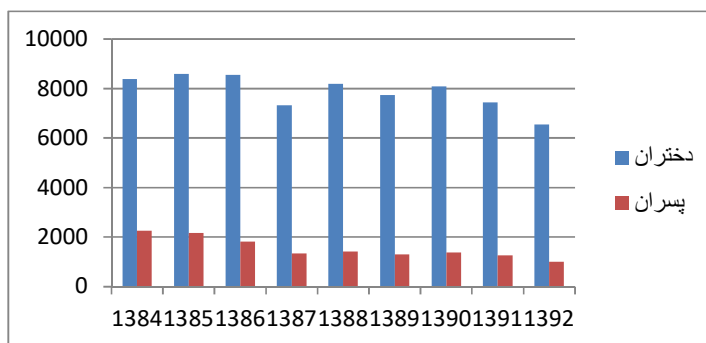
یافته‌های پیمایش

همخوان با داده‌های به دست آمده از دیگر استان‌ها، استان هرمزگان نیز دارای روند نزولی در مجموع نرخ ازدواج زود هنگام کودکان می‌باشد. تفاوت‌های جنسی هنوز بسیار بالاست، همانطور که نمودار تغییرات دهه گذشته در نرخ‌های ازدواج نشان می‌دهد، رواج کودک همسری در استان هرمزگان آغاز و به تدریج با کاهش روبرو شده است. در مقابل، درصد‌های طلاق در استان افزایش می‌یابد. دختران زیر ۱۸ سال به زنان مطلقه تبدیل شده و این روند هرساله رو به رشد نهاده است.



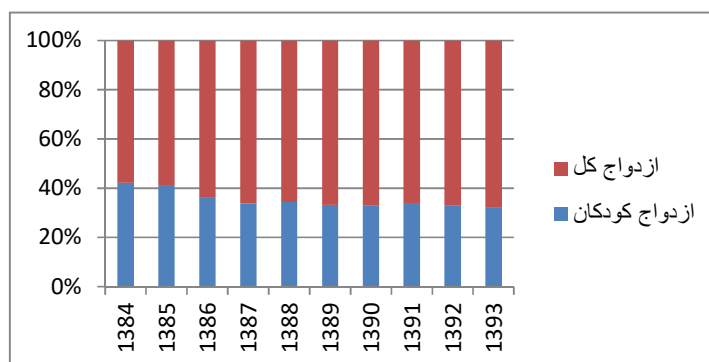
۲۶۰ تنین سکوت

نمودار ۳-۵۱ فراوانی ازدواج زیر ۱۸ سال در استان هرمزگان



نمودار ۳-۵۲ فراوانی طلاق در زیر سن ۱۸ سال در استان هرمزگان

نمودار زیر نسبت ازدواج کودکان را به ازدواج کل در استان در طول دهه گذشته نشان می‌دهد. همانطور که داده‌های ارائه شده در نمودار گویای آنند، ازدواج کودکان هرگز کمتر از ۳۰ درصد ازدواج‌های کل استان نبوده است.

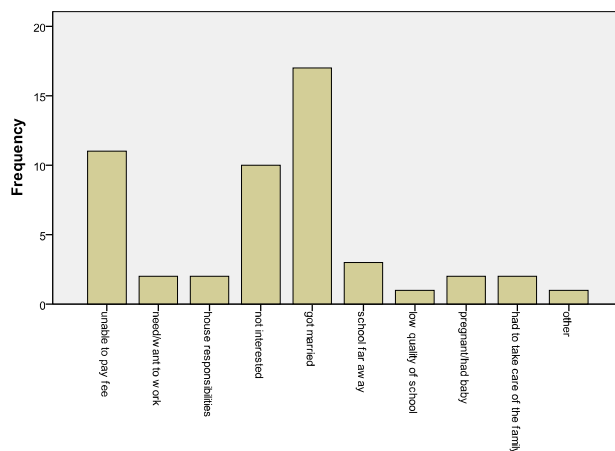


نمودار ۳-۵۳ نسبت نرخ ازدواج کودکان بر ازدواج کل در استان هرمزگان

پیش زمینه

پاسخ دهندگان عمدتاً در محدوده سنی بین ۲۶ تا ۲۹ سال (به ترتیب ۲۱,۶ و ۱۱,۸ درصد) قرار داشتند که در این میان ۸۲,۴ درصد آنان زن و ۱۷,۶ درصد مرد بودند. ترکیب خانواده افراد پس از ازدواج نشان داد که ۳۵,۳ درصد از پاسخ دهندگان با شوهر یا همسر خود و ۲۷,۵ درصد از آنها با اعضای خانواده شریک زندگی شان زندگی می‌کردند. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، پاسخگویان از میان قومیت‌های بندری (۵۱ درصد) و فارس (۴۹ درصد) به دست آمدند. زبان رایج برای ۹۶,۱ درصد پاسخگویان زبان فارسی بود.

سطح تحصیلات در میان پاسخگویان ۵۴,۹ درصد برای مادر، و ۳۵,۳ درصد برای پدران گزارش شد. تمامی پاسخگویان با سواد بوده و تنها ۵,۹ درصد از آنها در زمان انجام تحقیق در حال تحصیل بودند. اکثر افراد (۴۱,۲ درصد) تحصیلات خود را تا کلاس دوازدهم (دبیرستان) ادامه داده بودند و یا تا راهنمایی (۱۹,۶ درصد). عمده‌ترین دلیل ترک مدرسه از نظر پاسخگویان ازدواج کردن بود (۳۱,۴ درصد).



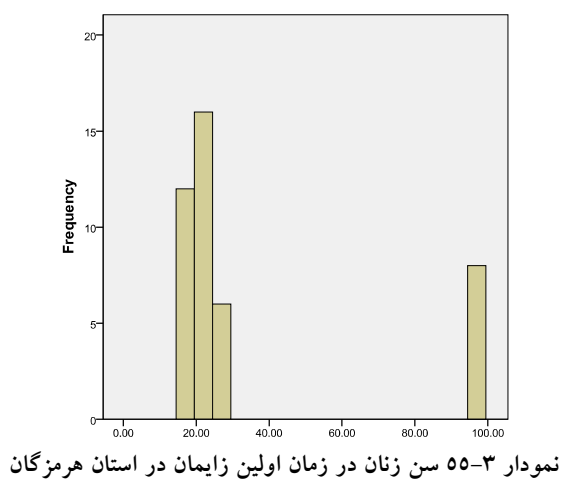
نمودار ۳-۵۴ دلیل ترک مدرسه در استان هرمزگان

اکثریت پاسخگویان مشغول کارهای خانگی و مراقبت از فرزندان (۵۴,۱ درصد) بوده و یا شغل آزاد داشتند (۱۹,۶ درصد). تمامی افراد مسلمان و شیعه بوده و از میان ایشان ۸۰,۴ درصد به تکالیف دینی خود از شروع سن ۹ سالگی عمل می‌کردند.

باروری زنان

۸۱ درصد زنان حداقل یک بار زایمان کرده بودند (۲۶,۲ درصد) و در اکثریت موارد مراقبت‌های پس از زایمان توسط خانواده خودشان (۴۵,۲ درصد) و یا خانواده شوهرشان (۲۶,۲ درصد) انجام شده بود. میانگین سن این مادران ۲۰ سال بود (۱۶,۷ درصد). خونریزی شدید از جمله مشکلات بحرانی زمان زایمان گزارش شد. دانش این زنان در خصوص سلامت و بیماری‌های خود از جمله زخم‌های زایمانی و همچنین وسایل پیشگیری از بارداری و کاندوم در حد معمولی دیده شد.

نتایج و یافته‌های تحقیق ۲۶۳

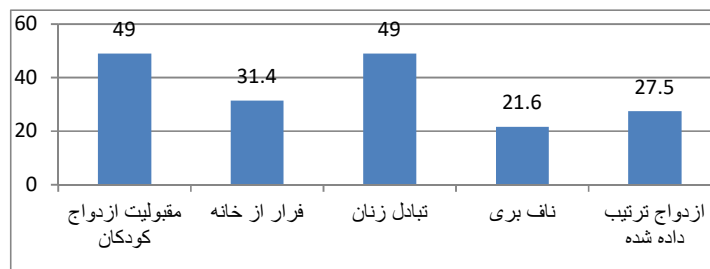


باروری مردان

بیشتر مردان پا سخگو (۷۷,۸ درصد) حداقل دارای ۲ فرزند بودند و به طور میانگین برای اولین بار در سن ۱۶ سالگی پدر شده بودند (۳۳,۳ درصد). اکثریت مردان (۵۵,۶ درصد) در زمان به دنیا آمدن فرزندشان می‌خواستند در همان زمان بچه‌دار شوند، ۲۲,۲ درصد ایشان می‌خواستند در آینده این اتفاق بیفتد و اقلیت ۱۱ درصدی مردان اصلاً نمی‌خواستند بچه‌دار شوند. بیشتر پاسخگویان مرد ۸۸,۹ درصد ادعا داشتند که علائم خطر در زنان باردار را می‌دانند و ۲۲,۹ درصد باور داشتند که بالاترین ریسک سلامتی ضعف شدید در زمان وضع حمل می‌باشد.

ازدواج و تصمیم گیری

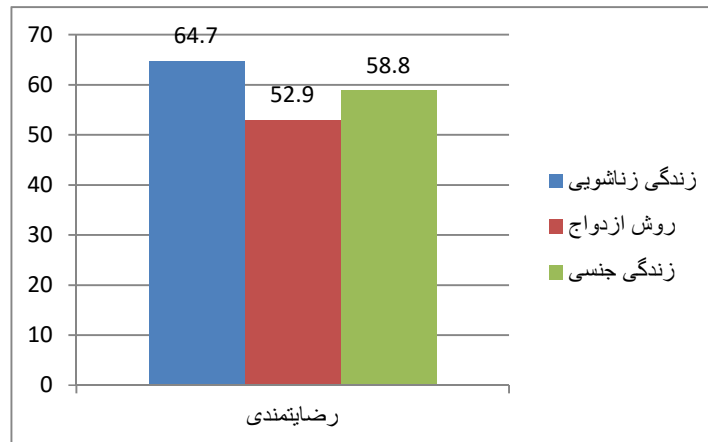
۹۰,۲ درصد پاسخگویان خود در مراسم ازدواجشان حضور داشتند اما در میان آن‌ها ۱۳,۷ درصد پاسخگویان در مراسم ازدواج خود نبوده و شخص دیگری به جای ایشان حضور داشته است. در ۳۹,۲ درصد موارد تصمیم‌گیری برای ازدواج توسط خانواده پاسخگو گرفته شده بود و نه خود عروس با داماد. در ۷۰,۶ درصد موارد شخصی واسط و میانجی ازدواج را ترتیب داده بود و ۴۲,۱ درصد از افراد نامزدی رسمی‌ای را از طرف خانواده شان داشتند.



نمودار ۳-۵۶ رواج میزان ازدواج در استان هرمزگان

یافته‌ها مشابه نتایجی بود که در سایر استان‌ها به دست آوردیم. ۷۰,۶ درصد پاسخگویان از تدارک دیده شدن ازدواجشان خبر داشتند و ۲۹,۴ درصد از آن‌ها اطلاعی نداشتند که با چه کسی ازدواج می‌کنند. 51 درصد گفتند که در زمان ازدواج خوشحال بوده‌اند. ۱۹,۶ درصد بی تفاوت و ۱۹,۶ درصد دیگر به خاطر اجبار به ترک مدرسه ناراحت بودند. ۵۶,۹ درصد از پاسخگویان می‌خواستند که فرزندانشان نیز به همان شیوه‌ای که

خودشان ازدواج کرده بودند، وصلت نمایند.



نمودار ۵- ۵۷ میزان رضایت از ازدواج در استان هرمزگان

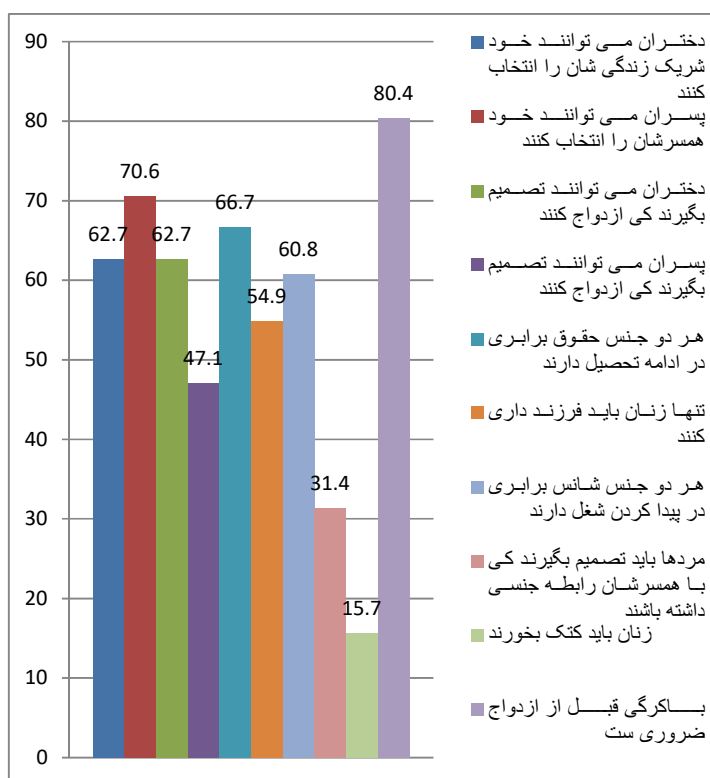
۵,۹ درصد از افراد می‌خواستند که مانع سرگرفتن ازدواجشان شوند و در این باره با اعضای خانواده خود صحبت کرده اند اما در به هم زدن آن موفق نشدند. مجموع ۶,۷ درصد ازدواج‌ها شامل جهیزیه و ۹۰,۲ درصد شامل مهریه می‌شد اما جای تعجیبی ندارد که در تمامی موارد، هیچ کدام از این دو هزینه به عروس پرداخت نشده بود. به طور میانگین سن افراد در زمان اولین نامزدی ۱۸ سال (۲۱,۶ درصد) و ۱۹ سال (۱۹,۶ درصد) بود. اکثریت زنان با مردان به مراتب بزرگتر از خودشان ازدواج کرده بودند (۴۲,۹ درصد) و اکثر مردان (۵۵,۶ درصد) با زنانی ازدواج کرده بودند که تقریباً در یک رده سنی با خودشان قرار داشتند. ۲۲,۲ درصد زنان قبل از ازدواج به مدرسه می‌رفتند و به ۴۴ درصد آنها قول داده

شده بود که پس از ازدواج نیز بتوانند به تحصیلات خود ادامه دهند.

مواجهه با آموزش جنسی و پیام‌های پیشگیرانه از ازدواج کودکان

در بیشتر موارد آموزش جنسی از طریق اعضای بزرگ تر خانواده به افراد رسیده بود (۴۵,۱ درصد). اکثریت پاسخگویان (۳۷,۳ درصد) معتقد بودند که هیچ فایده‌ای در ازدواج در سنین پایین وجود ندارد. درحالی که ۱۹,۶ درصد پاسخگویان این امر را به عنوان یک عامل تقویت کننده ارتباطات و پیوندهای خانوادگی می‌دانستند. در مجموع ۳۹,۲ درصد از افراد گفتند که ازدواج دیر هنگام منجر به سطوح بالاتر آموزش و فهم بین زوجین می‌گردد و ۱۱,۸ درصد از آنها کاهش بارداری‌های نوجوانی را به عنوان فایده ازدواج دیر هنگام ذکر کردند. ۵۱ درصد افراد پیام‌های پیشگیرانه از ازدواج کودکان را از طریق تلویزیون شنیده بودند. در حالیکه ۲۷,۵ درصد آن‌ها این پیام را از طریق دوستان و همسایگان خود دریافت داشته بودند. ۲۷,۵ درصد افراد خواهان متوقف سازی ازدواج زودهنگام کودکان بودند، اما ۵۱ درصد پاسخگویان آن را به عوامل دیگری وابسته می‌دانستند از جمله اندازه بدن و جثه کودک. ۸۴,۳ درصد از پاسخگویان اطلاعی از سنین قانونی ازدواج برای دختران و پسران نداشتند. اکثریت ۲۳,۵ درصدی افراد فکر می‌کردند سن ۱۶ سالگی برای ازدواج دختر و ۲۰ سالگی برای ازدواج پسر زود است و بسیاری می‌پنداشتند که سن قانونی ازدواج ۲۰ سالگی است.

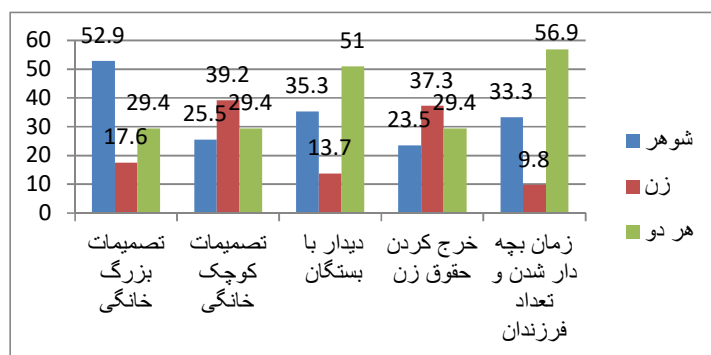
نگرش‌های جنسیتی



نمودار ۳-۵۸ توافق با نگرش‌های جنسیتی در استان هرمزگان

بالغ بر ۸۰ درصد پاسخگویان در استان هرمزگان باور داشتند که

باکرگی پیش از ازدواج برای دختران الزام آور است. ۱۶ درصد اظهار داشتند که کتک زدن زن نیز لازم و ضروری ست. پیمایش نشان داد که ۷۰,۶ درصد افراد حق انتخاب هم سر را برای پسران قائل بودند، با این حال از این ایده که دختران نیز بتوانند خود شریک زندگی و زمان ازدواجشان را انتخاب کنند حمایت کردند (۶۲,۷ درصد).



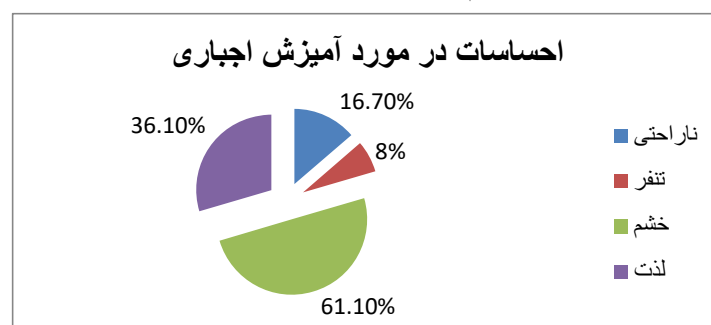
نمودار ۳-۵۹ تصمیم گیری‌های خانگی در استان هرمزگان

در نمودار فوق تصمیمات خانگی و چند و چون خرج حقوق زن بررسی شد و حاکی از آن بود که تصمیمات کوچک خانگی یا بر عهده زن و یا هر دوی زوجین است. در خصوص تصمیمات بزرگ تر، در ۵۲,۹ درصد موارد شوهران بودند که حرف آخر را می‌زدند.

خشونت جنسی زنان

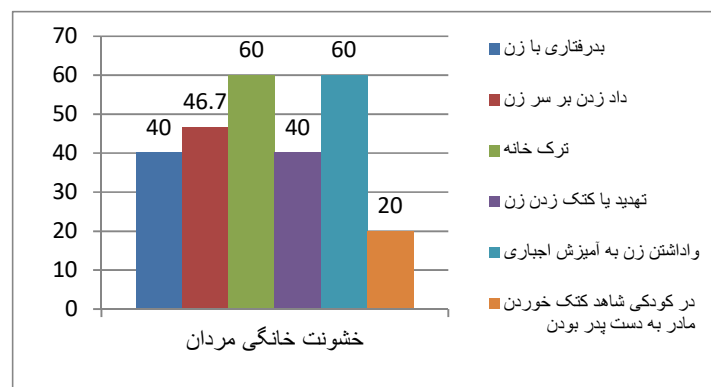
اکثریت قریب به اتفاق زنان (۹۷,۲ درصد) ادعا کردند که هرگز

برخلاف میل خود مورد لمس مرد دیگری قرار نگرفته اند. ۳۰,۶ درصد زنان مجبور به رابطه جنسی با شوهرانشان شده و قدرت بیان احساسات خود را نداشته اند. احساسات در مورد این آمیزش اجباری عبارت بودند از ناراحتی (۱۶,۷ درصد) و خشم (۸,۳ درصد). درصد بدرفتاری با زن، تهدید وی یا پرتاب اجسام به او، ۶۱,۱ بود .



نمودار ۳-۶۰ احساسات زنان در مورد آمیزش اجباری در استان هرمزگان

خشونت خانگی مردان



نمودار ۳-۶۱ خشونت خانگی مردان در استان
هرمزگان



۷. استان اصفهان

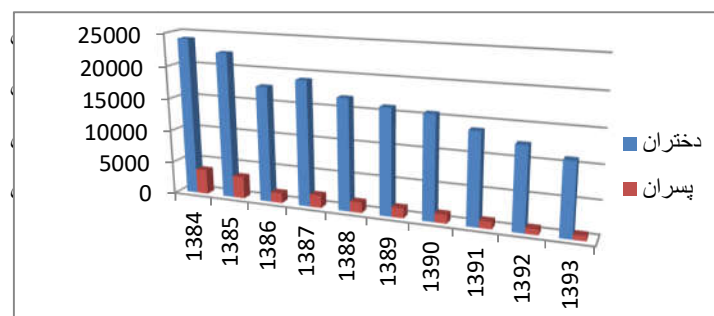
محدوده جغرافیای مطالعه

استان اصفهان در قسمت مرکزی ایران
واقع شده است و همه مسیرهای اصلی را
در چهار جهت ارتباطی قطع می‌کند. این

استان، با استان‌های سمنان، یزد، فارس، کهگیلویه و بویر احمد، لرستان و قم
احاطه شده که هرکدام از این استان‌ها تحت تاثیر خصوصیات اجتماعی و
فرهنگی استان همجوار خود به‌ویژه در شهرهای هم‌مرز قرار می‌گیرند. طبق
آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۳ جمعیت این شهر ۵۰۰۷۰۰۰ نفر بوده
(سالنامه آماری، ۱۳۹۳) که ملیت و زبان غالب آنها فارسی و با لهجه (گوش)
اصفهانی است. اکثریت مردم باورهای سنتی خود را حفظ کرده‌اند و این
پایبندی در بیشتر زمینه‌های اجتماعی استان دیده می‌شود. تنوع اقلیت‌هایی
مانند ترک قشقایی، لر بختیاری و فارس به شکل‌گیری تنوع برجسته‌ای از
فرهنگ‌ها و هنجارها در این استان کمک کرده است.



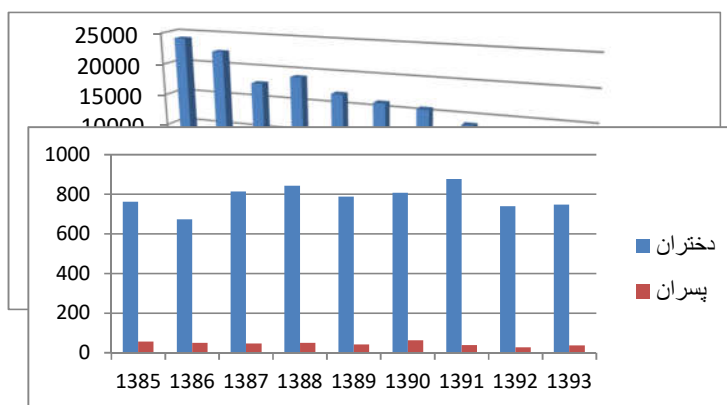
کار میدانی مصاحبه با زنان بختیاری در استان اصفهان. عکس: کامیل احمدی
در طی جنگ عراق با ایران، استان اصفهان شاهد ورود هزاران



یافته‌های پیمایش

نمودار زیر نشانگر رواج ازدواج زودهنگام کودکان در دهه اخیر می‌باشد. همانطور که دیده می‌شود، نرخ تفاوت بر مبنای جنسیت، بدین معنی است که کودک همسری در میان دختران بیشتر از پسران رواج و برجستگی دارد. بررسی‌ها کاهش نرخ ازدواج کودکان را در بازه ده ساله نشان می‌دهد. در مقابل، نرخ طلاق نیز در چشم‌انداز دهه اخیر ترسیم شده است. بدیهی است که نرخ طلاق افزایش یا کاهش چشم‌گیری را نشان نمی‌دهد. این نرخ هر سال تغییر می‌کند اما نه در یک روند ثابت.

۲۷۲ تنین سکوت



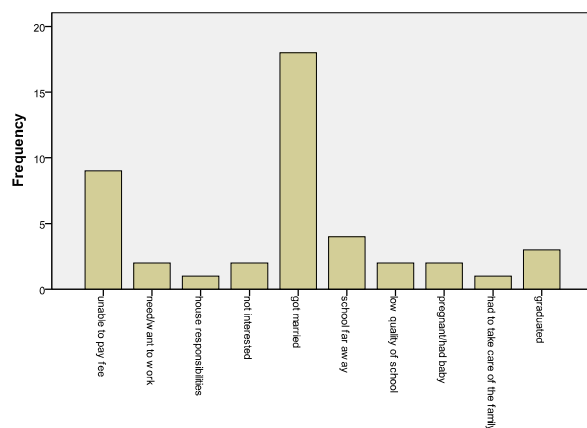
نمودار ۳-۶ نسبت ازدواج کودکان به ازدواج کل در استان اصفهان

نرخ ازدواج کودکان همواره بین محدوده ۲۰ تا ۴۰ درصد از نرخ ازدواج کل بوده است.

نمودار ۳-۶۳ فراوانی طلاق زیر سن ۱۸ سال در استان اصفهان

پیش زمینه

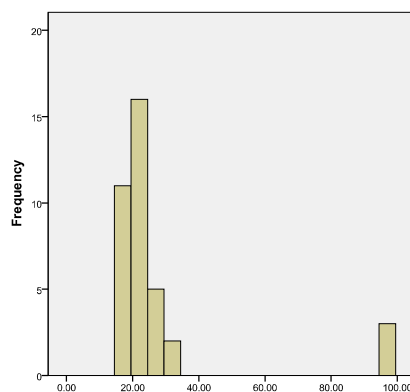
پاسخ‌گویان بیشتر در محدوده سنی ۲۵ تا ۲۶ سال بوده که در این میان ۸۴/۱ درصد را زنان و ۱۵/۹ درصد را مردان تشکیل می‌دادند و با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. مجموع ۹۷/۷ درصد آنها متأهل و تنها ۲/۳ درصدشان مجرد بودند. پاسخ‌دهنده‌ها به نمایندگی از دو ملیت فارس (۹۰/۹ درصد) و عرب (۹/۱ درصد) انتخاب شدند. برای ۳۸,۶ درصد افراد اعمال مذهبی از سن ۹ سالگی شروع شده بود. یافته‌ها نشان داد که در زمان تحقیق تنها ۲/۳ درصد پاسخ‌گویان در حال تحصیل بودند و دلیل ترک مدرسه در اکثر نمونه‌ها ازدواج زودهنگام بود. اکثریت پاسخ‌گویان مشغول به خانه‌داری و مراقبت از کودکان (۵۴/۵ درصد) و شغل آزاد (۲۵ درصد) بودند. بیشتر پاسخ‌دهنده‌ها تحصیلات خود را تا دبستان ادامه داده و تنها ۱۳/۶ درصد آنها این فرصت را پیدا کردند که تا کلاس هشتم به مدرسه بروند.



نمودار ۳-۶۵ دلیل ترک مدرسه در استان اصفهان

باروری زنان

۵۱/۴ درصد زنانی حداقل یکبار زایمان داشتند. ۹۱,۹ درصد از آنها مراقبت‌های پس از زایمان را از خانواده‌هایشان عمدتاً مادرانشان گرفته بوده‌اند. ۳۷/۸ درصد زنان دو بار زایمان داشته‌اند. ۱۶/۲ درصد پاسخگویان زن در زمان تولد اولین فرزندشان ۱۸ سال سن داشتند. ۵۶/۸ درصد آنها بچه را در همان زمان میخواستند اما ۱۸/۹ درصد دیگر مایل به فرزندآوری نبوده و ۱۶/۲ درصد زنان تمایل داشتند که فرزندداری را به تعویق بیندازند. ۲۷ درصد آنها مشکل عمده‌ای را در زایمان گزارش نکردند. ۳۲/۴ درصد دیگر مدعی بودند که بیش از اندازه خونریزی داشته‌اند. اگرچه ۵۴/۱ درصد مادران از قرص‌های ضد بارداری استفاده کرده بودند اما ۵۴/۱ درصد ایشان تمایلی به استفاده از کاندوم نداشتند. دانش عمومی در مورد مشکلات زایمان و مسائل سلامت جنسی در میان زنان بسیار پایین بود. اکثر ۱۳/۵ درصدی پاسخ دهنده‌ها تب بالا و عفونت‌ها و ۱۳/۵ درصد دیگر غش کردن را از عمده مشکلات زایمان می‌دانستند. ۶۲/۲ درصد موارد آگاهی و شناختی از مشکلات زخم زایمانی نداشتند.



نمودار ۳-۶۶ میانگین سنی زنان در زمان اولین زایمان در استان اصفهان

باروری مردان

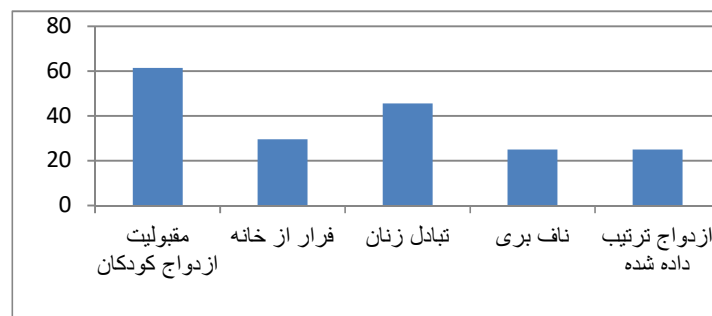
۷۱,۴ درصد از پاسخگویان مرد حداقل دو فرزند داشتند و ۲۸,۶ درصد از آنها در سن ۱۶ سالگی پدر شده بودند. ۵۷/۱ درصد مردان می‌خواستند بلافاصله صاحب بچه شوند، ۱۴/۳ درصد تمایل داشتند که این اتفاق در آینده رخ دهد و ۱۴/۳ درصد تمایلی به داشتن فرزند نداشتند. ۱۴/۳ درصد آن‌ها هیچ اطلاعاتی در خصوص زایمان و خطرات بارداری نداشتند.

ازدواج و تصمیم‌گیری

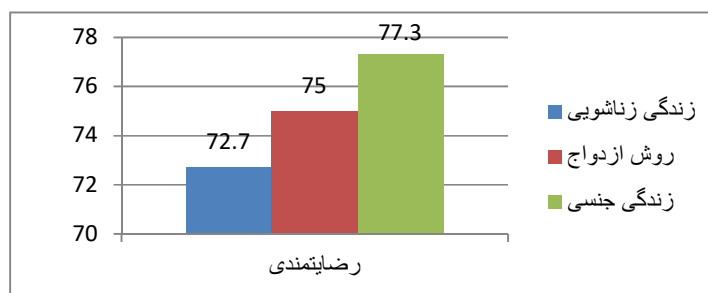
۸۸/۶ درصد پاسخ‌گویان متأهل مدعی بودند که ازدواجشان بلافاصله پس از عقد ثبت شده است. ازدواج ۷۵ درصد افراد توسط یک واسطه و میانجی تدارک دیده شده بود و ۵۶/۸ درصد افراد مراسم رسمی نامزدی را نداشتند. ۸۴,۱ درصد از افراد متأهل از ازدواجشان مطلع بودند و ۱۵ درصد از آنها در زمان عقد نمی‌دانستند که با چه کسی ازدواج می‌کنند ۴۷,۷ درصد از تصمیمات ازدواج توسط والدین و سایر اعضای خانواده به جای

فرد گرفته شده بود و ۳۱/۸ درصد تصمیمات ازدواج توسط پاسخ دهنده‌ها گرفته شده است. بطور کلی احساس در مورد ازدواج برای ۶۱/۴ درصد افراد خوشحالی، برای ۲۲/۷ درصد بی تفاوتی و سردی و برای ۱۵/۹ درصد آنها افسردگی بود. تفاوت سنی بین زن و شوهر در ۱۰/۸ درصد از موارد بیش از ۱۰ سال بود و در ۲۹/۷ درصد پایین تر از ۱۰ سال. علاوه بر این ۵۷/۱ درصد از مردها همسرانی داشتند که تقریباً هم سن و سال خودشان بودند.

۷۲/۷ درصد ازدواج‌ها شامل جهیزیه و مهریه می شدند. بیشتر پاسخ دهندگان زن (۵۲ درصد) هرگز مهریه خود را دریافت نکردند. اکثریت افراد متأهل در زمان نامزدی ۱۸ سال سن داشتند. در ۲۸/۶ درصد موارد زن قبل از ازدواج به مدرسه رفته بود، اما در ۵۷/۱ درصد موارد وعده ادامه تحصیل به آنها در عمل محقق نشد.



نمودار ۳-۶۷ رواج انواع ازدواج در استان اصفهان



نمودار ۳-۶۸ میزان رضایت از ازدواج در استان اصفهان

مواجهه با آموزش جنسی و پیام‌پیشگیرانه از ازدواج زودهنگام کودکان

آموزش مسائل جنسی پاسخ‌دهنده‌ها بیشتر با صحبت کردن با افراد بزرگ‌تر در خانواده مانند مادران یا خواهران (۱۸/۲ درصد) و مشاوران خانواده (۴۷/۷ درصد) حاصل شده بود. بیشتر پاسخ‌دهنده‌ها (۳۶/۴ درصد) هیچ فایده‌ای در ازدواج زودهنگام پیدا نمی‌کردند و جالب اینکه هنوز ۱۸/۲ درصد آن‌ها معتقد هستند که این امر می‌تواند باعث تقویت و تحکیم روابط خانوادگی شود.

۴۰٫۹ درصد پاسخگویان پیام‌های پیشگیرانه از ازدواج زودهنگام کودکان را از طریق تلویزیون گرفته بودند، ۲۹٫۵ درصد توسط دوستان و ۱۵٫۹ درصد هرگز اطلاعی از چنین پیام‌های پیشگیرانه‌ای نداشتند. به طور کلی ۲۰ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که ازدواج زودهنگام کودکان باید متوقف شود ۲۹٫۵ درصد باور داشتند که این ازدواج‌ها باید ادامه یابد و ۵۰ درصد تداوم آن را به ویژگیهای فردی، اندازه بدن و رفتار

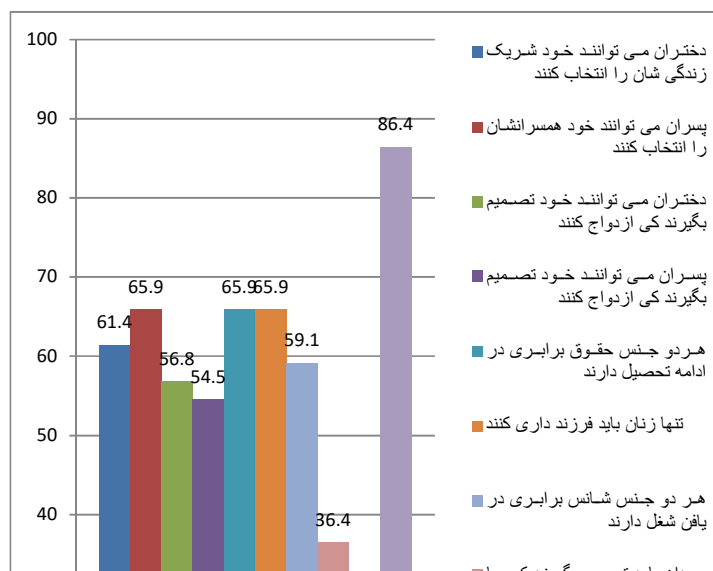
فرد وابسته می‌دانستند.

وقتی که از پاسخ‌دهنده‌ها در مورد سن قانونی ازدواج سوال پرسیده شد، جواب‌های مختلفی داده شد، و نتایج به دست آمده نشان داد بیشتر پاسخگویان گمان می‌کردند که سن قانونی ازدواج ۱۸ سال و یا بالای آن می‌باشد. اکثریت افراد سن ۱۸ سالگی (۲۷/۳ درصد) و ۲۰ سالگی (۲۰/۵ درصد) را برای ازدواج دختران و پسران بسیار زود در نظر گرفتند و سن ایده‌آل را برای ازدواج فرزندان خود ۲۵ سال بیان کردند (۲۷/۳ درصد).

خشونت جنسی زنان

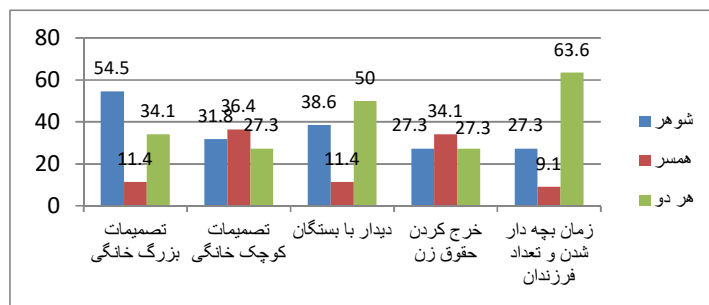
یک دختر در ازدواج زودهنگام غالباً در شناخت آناتومی خودش با مشکل مواجه است و اغلب انتظار داشتن رابطه جنسی از او می‌رود. ۳ درصد زنان گزارش کرده‌اند که برخلاف میل خود توسط مردان لمس شده‌اند و ۳ درصد دیگر نیز تجربه تجاوز داشته‌اند. ۳۹/۴ درصد زنان متاهل اذعان داشتند که مجبور به داشتن رابطه جنسی با همسرانشان شده‌اند و تنها تعداد کمی از آنها توانایی بحث و گفتگو در رابطه با عدم علاقه جنسی شان داشته‌اند. در این هنجارهای اجتماعی گسترده، دختران بیشتر وسیله‌ای برای تولید مثل و باروری به حساب می‌آیند. رابطه جنسی اجباری و یک وظیفه تلقی می‌شود و رایج‌ترین واکنش احساسی به این امر ناراحتی است (۳۰ درصد).

نگرش‌های جنسیتی



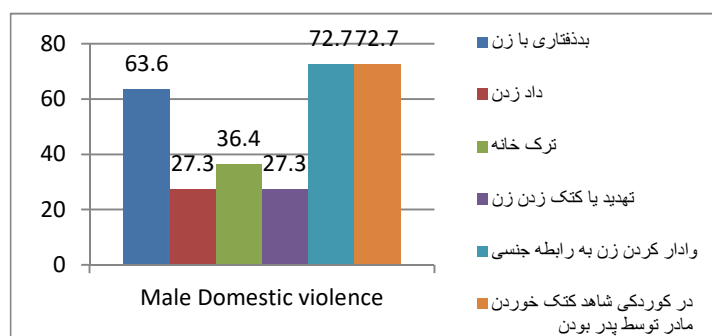
نتایج و یافته‌های تحقیق ۲۷۹

نمودار ۳-۶۹ توافقی با نگرش‌های جنسیتی در استان اصفهان



نمودار ۳- ۷۰ تصمیم گیری های خانگی در استان اصفهان

خشونت خانگی مردان



نمودار ۳- ۷۱ خشونت خانگی مردان در استان اصفهان

همانطور که خشونت خانگی مردان در دنیا بسیار رایج است، استان اصفهان نیز از این قاعده مستثنی نمی باشد. نمودار فوق نسبت بسیار بالای رابطه جنسی اجباری را ۷۲/۲ درصد موارد نشان می دهد. بسیاری از پاسخگویان ذکر کردند که شاهد خشونت خانگی در زمان طفولیت شان بوده اند و خود نیز ادامه دهنده چرخه خشونت در زندگی زناشویی شان شده اند.

فصل چهارم:

راهکارها و نتایج

نتیجه گیری

ازدواج زودهنگام کودکان یک پدیده جهانی و شناخته شده است که در سال‌های اخیر آگاهی و شناخت از اثرات مخرب آن توجه تعداد بسیار زیادی از محققان و رهبران دنیا را به خود جلب کرده است. ضدیت بین‌المللی و محکومیت ازدواج زودهنگام کودکان وضوح و جهت‌گیری روشن‌تری یافته است. جامعه بین‌المللی برنامه توسعه پایدار جهانی^۹ را در تعویق اثرات زیان‌بار ازدواج زودهنگام کودکان تأثیرگذار شمرده است. در ساختار "اهداف توسعه هزاره" مصوب سال ۱۳۸۲ هدف دگرگونی سازی جهانمان: سازوکار سال ۱۴۰۹ "برای توسعه پایدار در سال ۱۳۹۴" توسط سازمان ملل مطرح شد تا در ریشه‌کن‌سازی فقر و رسیدن به توسعه جامع تا سال ۱۴۰۹ کمک کنند. در بین ۱۷ هدف توسعه پایدار و ۱۶۹ هدف زیرمجموعه‌ای آنها، هدف ۵-۳ "زدودن تمامی اعمال آسیب‌زا از جمله ازدواج اجباری و زودهنگام کودکان و ناقص‌سازی اندام جنسی زنان"، هدف زیر شاخه‌ای ۵ "رسیدن به برابری جنسی و توانمندسازی تمامی"

^۹Global Sustainable Development

^۱ MDGs

زنان دختران و زنان" را شامل می‌شود (اکبات، ۱۳۹۴).
با این حال، آنچه در میان بحث‌ها و مناظرات ازدواج کودکان ناگفته مانده، سکوت گوش‌خراش در مورد وقوع و رواج این رسم در ایران است. در جامعه ایران علی‌رغم اقدامات و خط‌مشی‌های بسیاری که در این زمینه صورت گرفته، هنوز بسیاری از آن‌ها ناشناخته و بسیاری دیگر مسکوت مانده‌اند. در ایران بسیاری از والدین به واسطهٔ هنجارهای جنسی و اجتماعی از پیش تعیین‌شده، فقر یا بحران‌های انسانی ترغیب به پیروی بی‌چون‌وچرا از رسوم ازدواج زودهنگام کودکان شده‌اند. هدف از این کتاب معاضدت به درک و آشکارسازی کودک همسری در ایران بوده است. این تحقیق سعی دارد بخشی از تعهد جهانی جهت متوقف‌سازی ازدواج کودکان در تمامی اشکال آن باشد. ادبیات تحقیقی ایران در خصوص ازدواج کودکان کاملاً حاشیه‌ای باقی مانده است. این کتاب با تحلیل مفهومی واقعیات زندگی کودک عروسان که به‌اجبار وارد وصلت‌های زناشویی شده‌اند، مروری توصیفی از ازدواج کودکان و اثراتش را فراهم می‌کند.



کودکان بلوچ، در نزدیکی مرز پاکستان-عکس: م. معارف‌وند
یافته‌های این مطالعه جامع‌ترین و بزرگترین تحقیق جغرافیا محور بر

حول محور هفت استان عمده رواج ازدواج کودکان دال بر این است که ایران خاستگاه اعمال کنندگان کودک همسری است. این رسم به عنوان یک نهاد تکریم شده اجتماعی و جهانی تعریف شده است که نه تنها در مناطق شهری و روستایی رواج داشته، بلکه در حقیقت به اتفاقی روزمره در مقابل هنجارهای جنسی نهفته در فرهنگ و کلیشه‌های جنسی تبدیل شده است. دلالت‌های ازدواج زود هنگام دختران فراتر از به دام افتادن بی‌رحمانه این دختران خردسال در هنجارهای فرهنگی آسیب‌زا است، زیرا ازدواج زود هنگام کودکان اثرات چشمگیر اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و سلامتی را در پی دارد که نه تنها توسعه پایدار جهانی را به تأخیر می‌اندازد بلکه نسل‌های آینده را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

اگرچه در صد کلی ازدواج کودکان در جامعه در مقایسه با نسل‌های پیشین کاهش یافته، سن ازدواج در برخی از شهرستان‌ها و شهرهای بزرگ‌تر ایران به طرز قابل ملاحظه‌ای بالا رفته است. این امر می‌تواند تا حدودی به این دلیل باشد که به تأخیر انداختن ازدواج به اتمام تحصیلات دانشگاهی، یافتن شغل یا صرفاً لذت بردن از دوران جوانی ختم می‌شود. با در نظر داشتن اینکه زندگی مدرن همواره تعامل میان دو جنس را دربرمی‌گیرد، دختران و پسران جوان در ارتباط بیشتری با یکدیگر بوده و بسیاری از آن‌ها تصمیم می‌گیرند که ازدواجشان را به تعویق بیندازند. اولین اصل عمده، توجه به ذات پژوهش است که یک ماهیت مسأله

محور^۱ می‌باشد. جهت و ارزش هر پژوهش اجتماعی به میزان ارتباطش با مسائل و مشکلات واقعی بستگی دارد. ازدواج زودهنگام کودکان و ناقص‌سازی اندام تناسلی زنان هر دو به یک بستر فرهنگی عمیق در جامعه ایرانی گره‌خورده‌اند (جایی که ختنه کردن زنان به وجود آمد) و بنابراین موضوعات مسأله محوری بوده که مستلزم صرف زمان و تلاش زیادی‌اند. با در نظر داشتن اینکه پردازش به تحقیقات مسأله محور و متغیر علوم اجتماعی از اهم ضروریات است، راهکارها و راه‌حل‌های ما تبع آن نیز بایست انعکاسی از ماهیت مسأله خیز پدیده ازدواج زودهنگام کودکان باشد.

چنانکه موضوع ازدواج کودکان منحصراً بر روی جامعه ایران تمرکز داشته، هر قدم که در راستای این تحقیق برداشته شده به‌دقت محلی شده و در هماهنگی با خصوصیات ویژه فرهنگ ایرانی قرار گرفته است. بر اساس نتایج یافته‌ها، اطلاعات بومی شده و مشخصی هم‌اینک در اختیار هر بخش از نواحی موردبررسی قرار دارد. جهت تحلیل کودک همسری در حوزه زندگی اجتماعی از پرسشنامه‌هایی به‌عنوان ابزار تحلیل در خصوص حوزه‌های اجتماعی زیر استفاده شد: پیش‌زمینه فردی، بعد خانواده و وضعیت آن، باورهای دینی، سطح وابستگی به ازدواج کودکان، وضعیت دینی والدین، سطح تحصیلی، اطلاعات باروری پاسخگویان زن و مرد، هنجارهای ازدواج، ثبت آن، رسوم زناشویی، سطح قرار گرفتن در معرض پیام‌های پیشگیری از کودک همسری^۲، نگرش‌های جنسیتی خانواده و تصمیم‌گیری‌های فردی،

^۱ Problem-centered

^۲ Exposure to preventing messages

تجربه خشونت جنسی زنان و تجربه مردان از خشونت خانگی. از این منظر یافته‌های تحقیق در مورد اثرات ازدواج زودهنگام کودکان بر شرایط اجتماعی به صورت تصویری درآمده که زمینه را برای ارائه توصیه‌های منسجم و فعالیت‌های اصلاحی فراهم می‌نماید.

این منابع اطلاعاتی ارزشمند برای برجسته‌سازی نواحی بهبودیافته در تمامی استان‌ها مورد نیاز است. همان‌طور که قبلاً گفته شد، ازدواج زودهنگام کودکان تنها در بافت‌های فرهنگ خاص خودش است که منطق و عقلانیت می‌یا بد. بدون در نظر گرفتن تمامی حوزه‌های اجتماعی ذکر شده در بالا، هر حرکتی به سمت بهبود و پیشرفت اتلاف منابع، زمان و سرمایه خواهد بود. جای تعجب است که سیاست‌گذاری‌های مدیریتی یا جمعیت‌شناختی تاکنون در ریشه‌کن‌سازی ازدواج زودهنگام کودکان توفیق چندانی نداشته‌اند، زیرا همواره غفلتی تأسف‌آور ولی ناخواسته به مسائل خاص محلی وجود داشته است.

از این رو هدف، فراهم ساختن اطلاعات دست‌اول برای دولت، سازمان‌های غیردولتی^{۱۳} محققان، دانشگاهیان، فعالان اجتماعی و کسانی که مدافع برابری جنسی و توانمندسازی زنان و کودکان در جوامع مردسالار هستند است، تا به وسیله این دانش تصمیمات و خط‌مشی‌های نوین و راهگشایی را اتخاذ نمایند. این مطالعه با پیشنهاد دادن مجموعه اقدامات مقابله‌گرانه، در پی آغازیدن مباحثات و فراخان به مقابله با ازدواج کودکان می‌باشد. علاوه بر این، این تحقیق خواهان شدت

^{۱۳}NGOs

بخشیدن به بحث‌ها و به جنبش درآوردن اقدامات محرک و تعهدسازی در حوزه نمایش بزرگ‌تری ست.

این مطالعه ازدواج زود هنگام کودکان را در سه فصل تجزیه و تحلیل کرده است:

فصل یک حقایقی را در مورد ازدواج زود هنگام کودکان در جهان ارائه می‌دهد و به‌طور هم‌زمان ایران را مورد نقد و بررسی قرار داده است. این امر شامل شباهت‌های مابین ازدواج زود هنگام کودکان و ختنه زنان به‌عنوان اشکالی از خشونت جنسی است که هر دو در دوران اولیه کودکی رخ داده و راه را برای ازدواج زود هنگام دختران هموار می‌کند. ریشه‌ها، علل، اثرات و امکان شیوع آن مورد بحث قرار گرفته است. یافته‌های جهانی در مورد ازدواج کودکان، ریشه‌های تاریخی آن در جهان و در درون ایران مورد کاوش قرار گرفته‌اند.



تصمیم گیران اصلی نواحی روستایی، رهبران قبیله و اعضای مرد خانواده‌ها هستند.
عکس: کامیل احمدی

فصل دوم روی نقش عوامل اجتماعی تعیین‌کننده در توجیه وجود ازدواج زود هنگام کودکان در ایران تمرکز دارد. ارتباط بین سیاست‌های

جمعیتی، اجتماعی، هنجارهای فرهنگی و باورهایی که دختران را کم‌ارزش می‌نماید، و در برخی موارد، عدم وجود قانون‌گذاری‌های خاص در خصوص رواج کودک همسری تشریح شده است. در این فصل نقش سرکوبگرانه دین پرداخته‌شده است که اگر نه مسلط، در تداوم کورک همسری اثرگذار بوده است. این گونه است که ازدواج زودهنگام کودکان توسط مردمان محلی مانند ابزاری برای نگهداشت افتخار و شأن خانواده حمایت می‌شود. به ازدواج کودکان به عنوان پاسخی منطقی و هنجاری در مواجهه با مفاهیم جنسی و کنترل مردسالارانه در ایران تأکید شده است.

در فصل سوم جزئیات آماری بیشتری در مورد هر استان با عطف به محدوده جغرافیایی، هنجارهای اجتماعی، آداب و رسوم ازدواج فراهم شده است. هفت جدول از پرسشنامه جمعیت شناختی و سلامت برای هر جنس با سؤالات اختصاصی طبقه‌بندی شده برای هر استان، اطلاعات اکتشافی جالب توجهی را در خصوص توزیع اشاعه کودک همسری در هر استان به دست داد. جزئیات و نتایجی که حاصل شد جواب به چرایی انجام این پژوهش بود. اطلاعات منتشر شده در مورد هر استان به روز شده و منعکس‌کننده طرز فکر و عقاید ساکنان در خصوص ازدواج کودکان می‌باشد. اطلاعات عمومی جامع و کمپین‌های افزایش آگاهی باید در تطابق و همخوانی با واقعیت باشند زیرا بخشی از راه حل در بسط پاسخ‌های چندگانه و هماهنگ برای حذف ازدواج زودهنگام کودکان در جوامع ایرانی

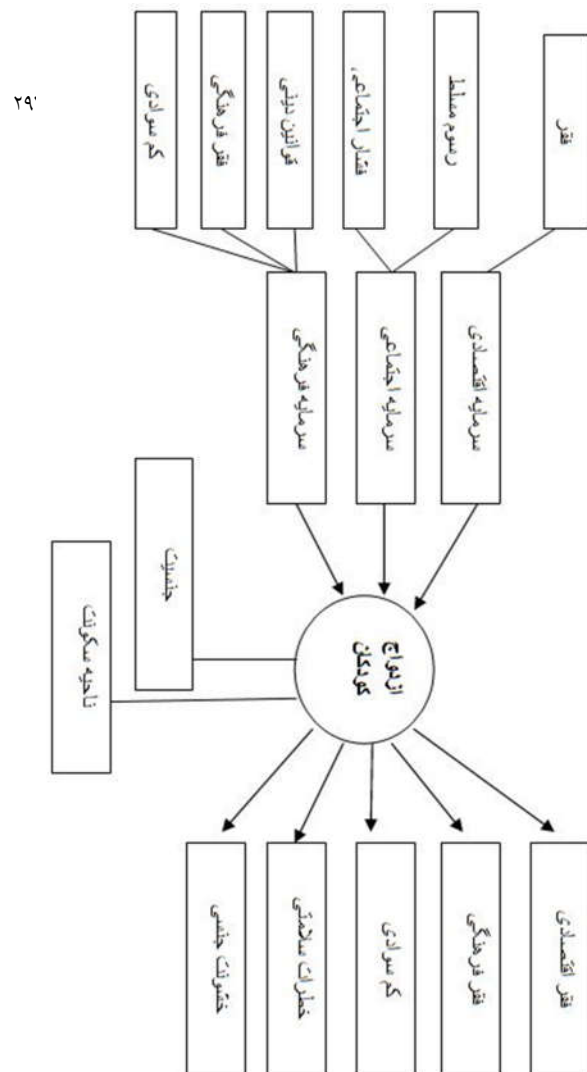
است.

ازدواج زودهنگام کودکان نقض بافت اجتماعی حقوق کودک است. شناخت الزام‌آوری از ماهیت کودک همسری وجود دارد که به تحریف اساسی حقوق بشر و ممانعت از لذت بردن از حقوق و آزادی‌های بنیادی می‌انجامد. مادامی که برنامه‌های عملی جهت رفع این پدیده به جریان درنیابند، ازدواج کودکان یکی از موانع اصلی و عمده احقاق حقوق بشر باقی می‌ماند. شمار کثیری از عاملان محلی و بین‌المللی حقوق بشر، جنبه‌های به هم مرتبط ازدواج کودکان را رویکردهای موضوعی متنوعی می‌دانند که توسط والدین و جامعه اتخاذ می‌شوند. دولت به‌شخصه توجهی به این پدیده نکرده و خود از ادامه دهندگان آن به شمار می‌آید. جایگاه غالب ازدواج کودکان در زنجیره نابرابری جنسیتی تحت تأثیر فقر، توقعات اجتماعی، خشونت فرهنگی و جنسی، هنجارهای ضمنی، کلیشه‌های جنسی، فشار اجتماعی و سختی‌های خانوادگی همچنان تداوم می‌یابد. تغییر این وضعیت نیازمند سیاست‌گذاری‌های جدید و یافتن راهکارها و قبول هنجارهایی است که بازتابی از برابری جنسیتی باشند.

ازدواج زودهنگام کودکان یک بیماری اجتماعی است و تمامی بیماری‌ها را نمی‌توان با یک روش یکسان تسکین و درمان کرد. ازدواج زودهنگام کودکان هم علت و هم معلولی از خشونت علیه کودکان است. قدرت مسلط مردانه که امیال جنسی، باروری و شکل‌گیری کودک همسری را به‌عنوان گزینه‌ای برای فرار از فقر و خشونت بر مبنای جنسیت قرار می‌دهد، باید در نظر گرفته شود. راهکار این پدیده

آسیب‌زا و مخرب باید به قدر کافی انعطاف‌پذیر باشد که بتواند تفاوت‌های ظریف را و اینکه چگونه در قلمرو جغرافیای هر منطقه جواب مؤثر باشد، مورد توجه قرار دهد. داده‌های کمی و کیفی در مورد ازدواج کودکان جمع‌آوری شده و بر مبنای جنسیت، موقعیت جغرافیایی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی و سایر عوامل کلیدی دیگر تحلیل شده است تا این فرایند را بازنمایی کند. ریشه‌کنی ازدواج زودهنگام زمانی محقق خواهد شد که اطلاعات به‌روز در دسترس ارگان‌های حکومتی و مسئولینی که می‌توانند تصمیمات عاقلانه و خطیری برای جلوگیری از ازدواج زودهنگام بگیرند، قرار گیرد. متأسفانه آنچه فقدان آن از لحاظ تاریخی در این میان احساس می‌شود مطالعات دانشگاهی و تحقیقاتی است که در اختیار سیاستمداران دولتی قرار گیرد.

یافته‌های تحقیقات و نتایج بررسی‌ها را می‌توان در مدل تحلیلی ذیل خلاصه کرد که روابط میان چندین متغیر مستقل و محرک ازدواج کودکان را نشان می‌دهد. پیامد ازدواج کودکان به‌عنوان یک متغیر مستقل جدید، که متغیرهای وابسته دیگری را شکل می‌دهد در سمت راست مدل نشان داده شده است. جنسیت و محل سکونت (شهر یا روستا) به‌عنوان متغیرهای کنترل در نظر گرفته شده‌اند.



واکنش به ازدواج کودکان ممکن است به لحاظ جغرافیایی و فرهنگی متفاوت باشد. آنچه ممکن است در برخی استان‌ها به طرز مؤثری عملی شود، می‌تواند این پدیده را در جاهای دیگر تشدید نماید. آنچه در یک

قومیت و فرهنگ قابل قبول تلقی می‌شود ممکن است در جاهای دیگر درست به نظر نرسد. برای مثال روش‌هایی که پیام‌های پیشگیرانه در مورد ازدواج کودکان به مردم منتقل می‌شد بر اساس منطقه متغیر می‌نمود. یک سیاست همه‌جانبه و هماهنگ باید خصوصیات منحصربه‌فرد هر فرهنگ را در نظر داشته باشد، زیرا رویکردی که در تمامی تنوعات فرهنگی کارا باشد یافت و محقق نمی‌گردد. این امر انعطاف‌پذیری و سازگاری را می‌طلبد. وقتی یک برنامه منسجم عملی برای از بین بردن ازدواج کودکان تصویب می‌شود باید سیاست‌های شناخت تنوع و تفاوت‌ها در پیش گرفته شود.

اگرچه بسیاری از پاسخگویان پیام پیشگیرانه در مورد ازدواج زودهنگام را از طرف هیچ منبع خدماتی و اجتماعی دریافت نکرده‌اند؛ اما در صدهایی از پاسخگویان بودند که پیام‌های پیشگیرانه از طریق تلویزیون و رسانه‌های دیگر به گوش‌شان رسیده بود. دستگاه تلویزیون و تلفن همراه می‌توانند ابزار تکنولوژیکی برقراری تماس اولیه را فراهم کنند، تکنولوژی و سینما به‌طور گسترده مسئول رشد تغییرات نگرشی آشکار نسل جدید در خصوص اخلاقیات جنسی نهادی شده است. رسانه می‌تواند فرصت اختلاط دو جنس را در مدرسه بالا ببرد. بنابراین بسیار مهم است که نقش تلویزیون و رسانه را در هر ناحیه جغرافیایی جهت انتشار پیام پیشگیری ازدواج کودکان در نظر گرفت. برای مثال در استان خوزستان آب‌وهوای بسیار گرم باعث شده که ساعت‌های کاری به صبح‌ها و شب‌هنگام محدود شود. اغلب مردم اوقات روزانه خود را در خانه به سر می‌برند. در چنین موقعیت‌هایی گوش دادن به رادیو یا تماشا

کردن تلویزیون فعالیت رایجی است که مردم بیشتر زمان خود را به آن اختصاص می‌دهند. پیام پیشگیرانه از ازدواج کودکان می‌تواند به آسانی و بسیار مؤثر از طریق رسانه و برنامه‌های تلویزیونی به عموم مردم منتقل شود. با این حال تاکنون تلویزیون یا شبکه رادیویی مستقلی که متعلق به دولت نباشد وجود نداشته است. آنچه در تلویزیون دیده می‌شود مجاز و مورد تأیید دولت است.

این پاسخ‌های حساس جغرافیایی می‌تواند در استان‌هایی همچون آذربایجان شرقی دیده شود که آب‌وهوای جغرافیایی آن سودآور و مناسب برای فعالیت‌های کشاورزی، باغبانی و زنبورداری است. بنابراین مطابق مشاهدات بخش میدانی تحقیق، برخلاف خوزستان که ساکنانش به ماندن در خانه‌های خود تمایل دارند، روستاییان آذربایجان شرقی زمان بیشتری را در خارج از خانه‌های خود به سر می‌برند. در نتیجه ابزار کارآمدتر برای انتشار پیام پیشگیرانه از ازدواج کودکان می‌تواند آموزش و توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی یا مددکاران اجتماعی در مراکز بهداشتی باشد که به کار در روستاها مشغول‌اند. سایر استان‌ها نیز باید درون چهارچوب خصوصیات جغرافیایی خود دیده شوند، زیرا ازدواج زودهنگام کودکان را نمی‌توان با یک روش یکسان تشخیص، تجویز و درمان کرد.

یک مثال دیگر که در آن لازم است خصوصیات هر استان در نظر گرفته شود را در استان سیستان و بلوچستان می‌توان دید. این استان دارای بافت شدیداً سنتی و مذهبی و هنجارهای اجتماعی ثابت بوده و تسلط قدرت تحمیلی دین عامل مهمی در شکل‌گیری و کنترل افکار

جمعی ساکنان آن جامعه است. بخشی از پاسخ‌های چنگانه و هماهنگ به ازدواج کودکان نیاز مبرم به حضور رهبران مذهبی را نشان می‌دهد. در هنگام انتشار پیام پیشگیرانه ازدواج کودکان به توده‌های مردم، رهبران مذهبی نفوذ و اطاعت اجتماعی بالایی را در دست دارند. با توجه به اینکه دین ازدواج کودکان را در بسیاری از جوامع توجیه کرده است، رهبران و مقامات دینی نقش برجسته‌ای در حفظ منزلت زنان در پرتو ادیان مربوطه و به چالش کشیدن انگیزه مذهبی برای کودک همسری ایفا می‌کنند.

ازدواج زودهنگام و ترک تحصیل وقایع توأمانی هستند که نقطه پایانی برای فرصت پیشرفت در زندگی دختران خردسال می‌باشند. یافته‌های تحقیق در این زمینه حیرت‌آورند. اتفاقی که هم‌زمان و ملازم با ازدواج کودکان روی می‌دهد ترک تحصیل از مدرسه است. در یک خانواده فقیر، ارزش ادامه تحصیل دختر مستقیماً با چشم‌داشت بهبود اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد مرتبط است. در نتیجه سطح‌های پایین آموزش یا سواد و محدودیت استقلال اقتصادی آسیب‌پذیری دختران را افزایش داده است. آرزوهای یک دختریچه در حوزه‌های آموزشی و حرفه‌ای ممکن است توسط نقش‌های جنسیتی از پیش تعیین شده که می‌گوید یک زن محدود به دیوارهای داخلی یک‌خانه است تعیین شود. سرمایه‌گذاری بر روی تحصیلات دختران با اقتصاد خانواده‌های فقیر در تضاد است. آنچه از دارایی‌های کمی که برای آینده دختران در دسترس است، به‌جای آنکه روی گسترش آموزش و تحصیلات او سرمایه‌گذاری شود، صرف هزینه‌های عروسی و جهیزیه‌اش می‌گردد.

”ازدواج زودهنگام بهتره چون هرچی دختر بیشتر خونه پدرش بمونه مشکلاتش هم بیشتره. دختر بزرگ من خیلی دوست داشت درسشو ادامه بده اما صاحبش نداشت.“

پاسخگوی مرد، آغمیون
استان آذربایجان شرقی

در این زمینه دلایل چندگانه دیگری بر طبق وضعیت هر استان ذکر شد. برای مثال فقر و عدم توانایی در پرداخت شهریه عمده‌ترین دلیل ترک تحصیل در استان هرمزگان بود. در استان آذربایجان شرقی فاصله دور مدارس از روستاها دلیل عمده ترک تحصیل گزارش شد. جزئیات در خصوص دلایل ترک مدرسه تنها یک مثال در این زمینه هستند، اگر قرار باشد که یک انتخاب منطقی انجام شود این حقایق در خصوص موانع زیرساختی مورد نیاز است.

دسترسی به ازدواج زودهنگام کودکان

دلیل بنیادی اینکه چرا ازدواج زودهنگام کودکان در جامعه سنتی ایران تداوم یافته جهان‌بینی مردسالارانه می‌باشد. این همان دلیلی است که کودک

همسری را برای نسل‌ها در فرهنگ ایران باقی گذاشته است. علیرغم اینکه اکثریت پاس‌خگویان (۴۸ درصد) معتقد بودند که کودک همسری باید متوقف شود، هنوز بسیاری از مردم مصرانه آن را اعمال می‌کردند. حتی در میان کسانی که آن را مردود می‌شمردند. از نظر آن‌ها اثرات زیان‌بار ازدواج کودکان هزینه کوچکی است که باید برای تبعیت از هنجارهای جامعه سستی پرداخت.

زمانی که فقر عامل تعیین‌کننده گرفتن تصمیمات خانوادگی است ازدواج زودهنگام کودکان به‌عنوان راه‌حلی عملی جهت کاهش مایحتاج مالی خانواده قلمداد می‌شود. فقر از راه می‌رسد و می‌تواند مانند یک نیروی قدرتمند والدین کودک را وادار کند تا با ازدواج زودهنگام پناهی برای کودکان خود بیابند. خانواده‌ها ازدواج در سنین پایین را هم برای خود و هم برای بچه بهتر و مفیدتر می‌دانند. احتیاجات دختران دیگر منابع ناچیز خانواده را خالی نگذاشته و یک فرصت برای زندگی بهتر را نصیب وی می‌کند. ازدواج زودهنگام کودکان تبدیل به یک‌راه فرار از فقر و خشونت‌های جنسیتی شده است. بنابراین والدین از کودک همسری به‌عنوان ابزاری برای تسکین فقر استفاده می‌کنند و همچنان که در فصل سوم اشاره شد، در بعضی فرهنگ‌ها دریافت مبلغی پول در قبال ازدواج دختر بچه یک امر عادی و نرمال است.

ازدواج زودهنگام کودکان در زمانی که جامعه در میانه کشمکش‌ها و مخاصمات اجتماعی است به‌عنوان یک مکانیسم دفاعی دیده می‌شود. زمانی که ناآرامی‌ها یا فجایع طبیعی بر یک کشور اثر می‌گذارد، دختران اولین کسانی هستند که لطمه می‌بینند. همچنان که اخیراً در توافقنامه

حقوق بشر بر آن تأکید شده است، این بحران‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و سیاسی است که آسیب‌پذیری کودکان را افزایش می‌دهد. شواهد بر این مبناست که رسم ازدواج کودکان با خشونت و مشقت اقتصادی تشدید می‌شود. هنگامی که شرایط اضطراری انسانی جوامع را مختل کند، بافت و ساختارهای اجتماعی محافظ کودکان از بین خواهد رفت. والدین به ازدواج دادن بچه‌هایشان به عنوان مکانیسمی برای دست‌وپنجه نرم کردن با این بلایا متوسل می‌شوند تا درجانی از امنیت و رفاه را برای دخترشان خصوصاً در زمانی که خطر خشونت جنسی افزایش می‌یابد، تضمین کنند. احساس کمبود امنیت محرک کودک همسری است. ازدواج زودهنگام محافظ و پاسخی به احساس ناامنی ناشی از جنگ و درگیری‌های داخلی می‌شود. چنانچه در نتایج تحقیقات دیده شد، در مکان‌هایی که درگیری‌های داخلی، جنگ یا کشمکش وجود داشت ازدواج کودکان دروازه‌ای به زندگی امن‌تر برای کودک در نظر گرفته می‌شد. قشربندی اجتماعی خود به ازدواج کودکان شکل می‌بخشد. در برخی از روستاها مالکیت آب یک نشانه تمایز و قشربندی اجتماعی است و در برخی جاها دیگر کشت پسته. در روستاهایی که ساکنین در اقشار بالاتر اقتصادی قرار داشتند، نرخ ازدواج کودکان با افزایش روبه‌رو می‌شد. این تمایز اقتصادی به کودک همسری به منزله ابزار طبقه‌بندی اجتماعی دامن می‌زند. خانواده‌ها ترجیح می‌دهند فرزندان‌شان با افرادی در طبقه اقتصادی خود ازدواج کنند تا سلسه‌مراتب نظم، قدرت و رفاه را حفظ کنند.

پذیرش گسترده ازدواج در مکانیسم قدرتمند انتقال فرهنگی و اجتماعی،

۳۰۰ طنین سکوت

فرصت تأیید خشونت جنسی را می‌دهد. قدرت نیروهای اجتماعی که به شدت در اعتقادات و رسوم قدمی جای دارد تلاش می‌کند تا بر قوانین رسمی مشروع تسلط یابد، همان‌طور که چنین قوانینی بیش‌ازپیش اعمال می‌شوند. زمانی که بین هنجارهای اجتماعی و تفسیرهای دینی تضاد وجود داشته باشد، این دومی است که خود را با اولی تطبیق می‌دهد. در مورد ازدواج زودهنگام، ننگ اجتماعی از دست دادن آبرو در جامعه و ترس از مطرود شدن به خاطر تبعیت نکردن از هنجارهای اجتماعی علل رواج کودک همسری هستند.



حوزه‌های علمیه با بیش از ۴۰۰۰ طلبه در خراسان رضوی

اعتقادات مذهبی باور به مقدس بودن ازدواج را آفریده‌اند. دستورات دینی اغلب ترجمان هنجارهای اجتماعی و قانون عادی و مرسوم می‌شود که ثمره استانداردهای درونی شده اعتقادات، رفتارها و نگرش‌هاست.

ر سوم نامناسب رایج و هنجارهای جنسیتی، فرهنگی و اجتماعی که در جوامع ایرانی وجود دارد، به نگهداشت رسم کودک همسری کمک می‌کند. در جامعه سنتی که در آن از دست دادن بکارت هنوز یک تابو است، رسوم پیرامون ازدواج و نامزدی، برای جلوگیری از تغییر این تابوها شکل می‌گیرد. در ایران دختران از طریق هنجارهای باکرگی و پاک‌دامنی اجتماعی می‌شوند. حفاظت از آنچه به عنوان افتخار دخترانشان شناخته می‌شود بر مسئولیت والدین به عنوان دفاع از شرایط خانواده و قبیله فشار وارد می‌کند.

ازدواج دختران جوان به عنوان ابزاری برای کاهش فعالیت‌های جنسی غلط یا ارشاد آن‌ها تعریف می‌شود. در این شرایط داشتن دختر جوان در خانه تهدیدی ست برای آنچه از قبل تابو انگاشته شده، چراکه دختران ممکن است وارد روابط قبل از ازدواج شوند. این ترس قوی حقوق اولیه دختران برای تحصیل و حقوق اولیه اینکه چه زمانی و با چه کسی ازدواج کنند را از آن‌ها می‌گیرد. یافته‌های مطالعات مبنی بر این بود که بسیاری از پاسخگویان (۶۵,۲ درصد) شریک زندگی زناشویی‌شان را خود انتخاب نکرده بودند. در ۴۵,۹ درصد از موارد تصمیم انتخاب شریک زندگی توسط خانواده و در ۱۵,۷ درصد توسط بستگان یا آشنایان گرفته شد. انحراف از هنجارهای اجتماعی

نادر است. به محض اینکه دختر بچه به سن خاصی می‌رسد معمولاً در اوایل نوجوانی به عنوان تهدیدی قلمداد می‌شود که باید به سرعت ازدواج کند زیرا چنین فرض می‌شود که او به اندازه کافی بالغ است که بتواند زندگی تشکیل دهد. ظرفیت تصمیم‌گیری مستقلانه دختران برخلاف رضایت و خواست خود کم است زیرا معمولاً با کسانی ازدواج می‌کنند که از آنها بسیار بزرگ‌ترند. زمانی که یک نوجوان یا کودک خرد سال با مردی بسیار بزرگ‌تر از خود ازدواج می‌کند قدرت عدم تعامل ناشی از شکاف سنی می‌تواند بسیار زیاد باشد. تقریباً تمامی پاسخگویان که دخترانشان در سنین خیلی پایین ازدواج کرده بودند ابراز داشتند که این نیروهای اجتماعی اند که تشویق‌کننده عوامل تصمیم‌گیری‌اند (اجتناب از روابط جنسی قبل از ازدواج اولین مزیت ازدواج کودکان بود که توسط پاسخگویان بر شمرده شد).

پیوند میان رسم کودک همسری و بیگاری کودکان زمانی ظهور می‌کند که دختری توسط والدین یا سرپرستانش به دست خانواده دیگری سپرده می‌شود. در اینجا است که کودک در کارهای خانگی و کارهای دستی به اشتمار کشیده می‌شود. ازدواج کودکان منابع کار در مناطق روستایی را با اضافه کردن یک عضو جدید به خانواده کار فراهم می‌کند. با اضافه شدن یک دست به دست‌ها حالا کارها راحت‌تر به پیش می‌رود. درآمد اصلی خانواده از کشاورزی، فرش‌بافی، دامداری و غیره فراهم می‌شود و استفاده از دختر بچه به دلیل ارزانی و کار آزاد و بدون محدودیت در بعضی از جوامع روستایی، یک الگوی فصلی را دنبال می‌کند که به راحتی با اقتصاد کشاورزی مطابق است.

”همه‌ی دختری از یه سن به بعد به فکر ازدواجن، مادرِ نسل جدید فکرِ دانشگاه بچه شه. اما مادرِ قدیمی اینجا همش میگه دختر فلانی ازدواج کرد. این طرز فکرِ مادری که تأثیر داره حتی اگه پدر مخالفت کنه. اگه مادر سیاستش رو داشته باشه راضیش می‌کنه. اگه مادر تسلط داشته باشه به خونه، می‌تونه“

زهرآ، 32 ساله
همسر شورای شهر علوان، شوش
استان خوزستان

جامعه ایرانی اساساً تمایلی به تن دادن آسان و سریع به تغییرات عمده اجتماعی ندارد و سنت‌های معمول بدون هیچ ابهامی بایست مورد اطاعت قرار گیرند. خصوصیت اصلی پیروی از یک سلسله سیستم نانوشته تقسیم قدرت در خانواده است. جامعه مردسالار کنترل بر روی نسل جوان‌تر خود را به‌عنوان یک اصل در نظر می‌گیرد تا این حقیقت ازدواج کودکان را در درون خانواده توجیه کند. بعد از ازدواج زوج جوان با والدین بزرگ‌ترشان در یک‌خانه زندگی می‌کنند، زیرا هردوی آنها برای زندگی مستقل و جداگانه هنوز بسیار جوان‌اند. فراهم کردن

حمایت‌های مالی برای زوج جوان باعث استقلال کمتر در تصمیمات زناشویی می‌گردد، ازجمله کجا کار کردن، کی بچه‌دار شدن، چه‌کاری را بر عهده گرفتن، چقدر تحصیلات داشتن و غیره... این مکانیسم کنترل سیستماتیک و از پیش تعیین شده نه فقط به دختر بچه‌ها بلکه به پسران نیز تحمیل می‌شود. در بسیاری از موارد والدین اذعان داشتند که ازدواج کودکان پسران را از سرگردانی، بیرون از خانه ماندن در شب و مهاجرت به دیگر جاها و شهرهای بزرگ‌تری ازجمله تهران بازداشته است. این کنترل بر نسل جوان‌تر ابزاری برای دورهم نگه داشتن خانواده در یک مکان است، که به نوبه خود یک لایه دیگر به بقای کاربردی کودک همسری می‌افزاید.

دلایل عمده ازدواج زودهنگام کودکان

آنچه در فصل یک بحث از آن رفت، مقبولیت گسترده ازدواج زودهنگام کودکان در مکانیسم قوی انتقال اجتماعی و فرهنگی بود که ضرب به چشمگیری بر گسترش اجتماعی و حقوق انسانی دختران و پسران زیر سن قانونی داشته است. فصل یک همچنین بر روی پاسخ نگرش‌ها در مورد ازدواج زودهنگام کودکان کار می‌کند. تحقیقات ما نشان می‌دهد که اثرات ازدواج زودهنگام کودکان، امنیت، پیشرفت و سلامت عاطفی کودکان را به مخاطره می‌اندازد. ازدواج زودهنگام حکم به پایان ناگهانی کودکی داده و با بازداشتن کودکان از رشد فیزیولوژیکی و جسمی لازم برای آمادگی ذهن و جسم و فکرشان برای تبدیل شدن به همسرانی بالغ، والدینی آگاه و در کل شهروندانی کنشگر، آنها را با بی‌رحمی به دنیای بزرگسالی هل می‌دهد.

ازدواج در سنین کودکی با مسیر طبیعی این رشد تناقض دارد. این دختران جوان نه کودک‌اند و نه بزرگسال. زیرا مانند یک بزرگسال به نظر می‌رسد ولی هنوز از نظر قدرت تصمیم‌گیری و استقلال درونی دچار کمبود هستند. ازدواج کودکان هویت آن‌ها را مخدوش ساخته و ایشان را به غلط بزرگسال می‌نامد. زندگی آن‌ها بدون دنیای مردان لنگ خواهد ماند، دنیایی که آن‌ها دیگر نه یک دختر بچه‌اند و نه یک زن.

با قرار دادن بچه‌ها در نقش بزرگسالان، کودک همسری تغییراتی را در نسل‌های حال و آینده تحمیل می‌کند، از نظیر بارداری‌های متعدد، محدودیت دسترسی به تحصیلات و فرصت‌طلبی‌های مالی از نسل جوان. تأکید بر گوشه‌گیری اجتماعی، ترک و بیوگی زودهنگام و به دام افتادن بازماندگان در قواعد و نقش‌های منسوخ و قدیمی شده است. تبعیض و ظلم بر مبنای جنسیت به حوزه تفکر گروهی نفوذ کرده و به نسل بعد منتقل می‌شود.

در این ساختار، نقش سرکوب‌شده زن باید به رسمیت شناخته شود. شواهد دال بر این است که حتی زنان متأهلی که ممکن است وادار به ازدواج زودهنگام شده باشند برای درونی کردن هنجارهای اجتماعی و سنت‌ها و تقلید از مرد تصمیم‌گیرنده به ازدواج زودهنگام دخترشان تمایل داشته باشند. این پذیرش و نگرش در نتیجه حفظ و نگهداری این سنت از یک نسل به نسل بعدی است. زنان با کمبود تحصیلات و فرصت‌های کم مشارکت اجتماعی موقعیت سرکوب‌گرانه یکسانی را به دختران خود منتقل می‌کنند. با غفلت در تغییری که می‌توانستند به‌طور بالقوه در زندگی دخترانشان به وجود بیاورند، قربانیان کودک همسری که

اکنون بازماندگان آن هستند، دقیقاً همین محدودسازی را باهمان شیوهای که خود تجربه کردند، در حق کودکانشان مرتکب می‌شوند. زنان سنت‌ها را بدون حتی یک‌بار توجه و زیر سؤال بردن خشونت‌های طاقت‌فرسا به دوش می‌کشند. لازم است بدانیم که پروسه عمیق درونی کردن سنت‌ها از سنین جوانی شروع شده و در تمام طول زندگی با افراد می‌ماند زیرا مادامی‌که آن‌ها در برابر خواسته‌های جامعه مردانه ساکت و راضی هستند فرایندهای جامعه‌پذیری جنسیتی برای مطابقت نگرش، رفتار و شخصیت زنان در جامعه مردسالار تداوم می‌یابد. پذیرش آن‌ها به خاطر سال‌ها تلقین فکری در مورد پست شمردن خودشان، شرایط پایین جامعه و نداشتن قدرت مذاکره و مباحثه باهمسرانشان است. ازدواج حالا حفاظ نازکی از آبرومندی به آن‌ها داده است. قدرت مسلط مردان راه‌های تفکر آن‌ها را کنترل کرده به‌طوری‌که گاهی آن‌ها قادر به تفکر ورای قالب‌های مردسالارانه نیستند.

پر واضح است که درک کلی و تعدیل نشده رفتارهای جنسی باید با عطف به روابط جنسی به دست آید. آمیزش جنسی اجباری یک عادت در زندگی زناشویی ست و بحث و یا رد کردن آن نظر و عقیده محتملی نبوده است، یعنی افراد توانایی مذاکره در خصوص آن را ندارند. مطالعات نشان می‌دهد که این رام بودن جنسی از نظر شخص پاسخگویان بخشی از ازدواجشان است، در نتیجه فکر می‌کردند که وظیفه آن‌ها این است که هر وقت و هر جا همسرانشان درخواست رابطه جنسی داشته باشند، بایست اجابت نمایند. از زمان پیش از ازدواج که در آن معاشرت با جنس مخالف و درگیر شدن در رابطه جنسی از نظر اجتماع منع و محکوم

می شود، دختر جوان را به واقعیت دیگری که در آن از فرد انتظار می رود نقش های جنسی یک همسر مطیع را ایفا نمایند فرو می برد. آمیزش جنسی غیر توافقی دختران را وادار به نزدیکی ناخواسته می کند. ناتوانی در ابراز احساسات خود در مورد رابطه جنسی اجباری به معنای تنبیه ناپذیری و مصونیت مرد و حتی تأیید خشونت جنسی علیه زنان قلمداد می شود. چیزی که در جامعه مرد سالار در واقع خلاف آن گناه محسوب می شود.

در میان بیش از ۵۰۰ مصاحبه انجام شده در طول تحقیقات میدانی، فقط یک زن بر قدرت مادر در کنترل سبک زندگی خانواده تأکید کرد. او تنها زنی بود که در مورد راه هایی که در آن زنان به طور بالقوه قدرت تغییر محیط اطراف خود را دارند و تصمیم گیری - که تا آن زمان جزو مسئولیت های مردانه بود- صحبت کرد.

ظرفیت محدودشان در بیان نیازها و حقوق خود، نقش دختران در خانواده را محدود می نمود. زن حتی از نظر خودش یک فرد بیگانه و خارجی و در حاشیه بحث نگه داشته شده بود. زنان این واقعیت را پذیرفته اند، زیرا چون گزینه دیگری برای ایشان وجود ندارد. با این نگرش ها زندگی می کنند چون چاره دیگری در ذهن مردسالارانه جامعه برای وی اندیشیده نشده است. قدرت خود-محدودیتی تبدیل به فرهنگ سرکوبگر زنان توسط خودشان شده است.

در فرهنگ هایی که ازدواج زودهنگام کودکان گسترگی و رواج بالایی دارد، ابراز عقیده و حقوق فردی در درجه دوم قرار می گیرد و در فرهنگ های مردسالار، جایی که هنجارهای جامعه تعیین گر تصمیمات و

رفتارهاست، دیده نشده است. فرایند تصمیم‌گیری به وسیله ارزش‌های مشترک جهت می‌گیرد و نه انتخاب‌های فردی.

علاوه بر این، اگر توانمندسازی جنسی هدفی است که بایست برای آن به مبارزه برخاست، زمین کاشت بذره‌های پیشرفت، برچیدن حصارهای مانع دسترسی دختران به تحصیلات، بهداشت، خوراک، تفریح، سرگرمی و مشارکت اجتماعی است. ترفیع و تقویت بایست ابتدا توسط خود زنان شروع شود تا شاهد تأثیرات قابل توجه پیشرفت خود باشد.

ازدواج زود هنگام و آسیب‌پذیری اهداف توسعه هزاره^{۱۹}

به لحاظ تاریخی، فرایند ممانعت از ازدواج اجباری و زود هنگام همیشه آهسته و دشوار بوده است. قانون ساردا مصوب سال ۱۳۶۰، توسط هندی‌ها اولین تلاش دولت هندوستان جهت متوقف‌سازی کودک همسری با غیرقانونی اعلام کردن ازدواج دختران زیر ۱۸ سال بوده است. تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که هندوستان یکی از کشورهای است که آمار ازدواج کودکان در آن بسیار زیاد است (موخرجی، ۱۳۸۵). دلایل چندگانه ازدواج کودکان نشانگر این است که وضع قانون به تنهایی برای ریشه‌کن کردن این مشکل کافی نیست. در سال ۱۳۶۹، اجلاس بین‌المللی قاهره بر توسعه و جمعیت، به تسریع تلاش‌هایی انجامید که بعداً توسط اجلاس بین‌المللی

سازمان ملل در مورد زنان در پکن در سال ۱۳۷۴ پیگیری شد. از زمان استقرار اهداف توسعه هزاره، باورها بر این بوده است که این برنامه به نابرابری‌های جنسیتی خاتمه می‌دهد. اگرچه شدت ازدواج زودهنگام کودکان تلاش‌هایی که جهت بهبود بخشیدن به زندگی میلیون‌ها آسیب‌دیده انجام می‌شود را تضعیف می‌نماید.

Millenium Development Goal	Links to Preterm Birth	Millenium Development Goal	Links to Preterm Birth
 1 ERADICATE EXTREME POVERTY AND HUNGER	- Poverty is a risk factor for preterm birth - Women who were underfed or stunted as girls are at higher risk of preterm birth	 5 IMPROVE MATERNAL HEALTH	- Family planning to avoid adolescent pregnancy and promote spacing births reduces the risk of preterm birth - Effective antenatal, obstetric and postnatal care for all pregnant women saves lives of mothers and babies
 2 ACHIEVE UNIVERSAL PRIMARY EDUCATION	- Education especially of girls reduces adolescent pregnancy, which is a risk factor for preterm birth - Age appropriate health education may reduce preconception risk factors	 6 COMBAT HIV / AIDS, MALARIA AND OTHER DISEASES	Prevention and treatment before and during pregnancy of infectious and non-communicable diseases known to increase risk of preterm birth
 3 PROMOTE GENDER EQUALITY AND EMPOWER WOMEN	Gender equality, education and empowerment of women improve their outcomes and their babies' survival	 7 ENSURE ENVIRONMENTAL SUSTAINABILITY	Ensured access to improved water and sanitation facilities to reduce transmission of infectious diseases
 4 REDUCE CHILD MORTALITY	Newborn deaths account for 40% of under-5 mortality, which is the indicator for MDG4. Deaths from preterm birth have risen and now are one of the leading causes of under-5 deaths.	 8 A GLOBAL PARTNERSHIP FOR DEVELOPMENT	Identification of actions that key constituencies can take individually and together to mobilize resources, address commodity gaps and ensure accountability in support of RMNCH and preterm birth prevention and care

اهداف توسعه هزاره در سال ۱۳۷۹ شکل گرفت و در دی‌ماه ۱۳۹۴ به‌وسیله سازمان ملل برای کمک به حذف و ریشه‌کن کردن فقر و دستیابی به توسعه پایدار تا سال ۱۴۰۹ در بین ۱۷ هدف توسعه پایدار و

۱۶۹ هدف مشابه تصویب گشت که شامل هدف ۵,۳؛ حذف تمامی اعمال سنتی آسیب‌زا مانند ازدواج اجباری، ازدواج زودهنگام کودکان و ناقص‌سازی اندام تناسلی زنان می‌شد. برابری جنسیتی و قدرت اختیار و توانمندسازی همه زنان و دختران جزو هدف شماره ۵ می‌باشد. چهارچوب جهانی این طرح همه کشورها را ملزم به تلاش ملموس جهت پایان دادن ازدواج کودکان با نظارت بر روی چندوچون انجام این امر و تضمین جوابگویی به شهروندان از جمله کودکان می‌کند (سازمان ملل، ۱۳۹۴).

با این حال، تجزیه و تحلیل این اهداف ستودنی گویای این است که ازدواج زودهنگام کودکان در تضاد مستقیم با موضوع اهداف توسعه هزاره قرار دارد. ازدواج کودکان فرایندی است که سالانه ۱۵ میلیون دختر را در دام فقر، خطرات سلامتی و نابرابری می‌اندازد و مانع دستیابی ۶ هدف از ۸ هدف توسعه هزاره می‌شود (ظفر، ۱۳۹۴). باری مثال ازدواج کودکان کسب ۶ هدف اول را تهدید می‌کند، چنانچه کودک همسری شانس دختران برای اینکه بخش مفیدی از فرایند پیشرفت کشور باشند را می‌کاهد. دام اجتماعی پیچیده ازدواج کودکان که در یک ساختار مردسالارانه عمل می‌کند، دلیل اصلی افزایش سطح فقر، خطرات سلامت و نابرابری جنسیتی، انتظارات اجتماعی و هنجارهای جنسیتی نهفته در فرهنگ و فراتر از خشونت بر مبنای جنسیت است.

گفتنی است که اهداف توسعه هزاره، ازدواج کودکان را به عنوان هدف نمی‌شناسد. با وجود اینکه این امر مستقیماً مانع پیشرفت هر یک از اهداف هشت‌گانه است (برابری، ب.ت). این گزارش فاقد هرگونه اشاره به

دختران جوان و نوجوان است، که می‌دانیم یک عنصر مهم در تلاش برای کاهش فقرند. هیچ اشاره‌ای به آموزش دختران، الزامی بودن ثبت‌احوال و گواهی تولدها به میان نیامده است. هیچ تعهد یا حصول اطمینان از دسترسی به بهداشت، حقوق جنسی، باروری و یا آموزشی جامع امور جنسی که برای دستیابی به جهانی سالم و کسب اطمینان زنان و دختران از حقوق اساسی خود ضروری است وجود نداشت. همچنین از جوامعی که علیه هنجارهای اجتماعی تبعیض‌آمیز مبارزه می‌کنند نامی برده نشده است. اگرچه منابع قوی برای پایان بخشیدن به خشونت، فراهم کردن سرویس‌های مالی و حقوقی خصوصی در اختیار است اما نبود و فقدان داده‌های تفکیک‌شده بر اساس جنسیت و سن، حقوق جنسیتی و باروری احساس می‌شود. همچنین، نیاز به انهدام ریشه‌های نابرابری با از بین بردن هنجارهای اجتماعی تبعیض‌آمیز وجود دارد. همه این موارد و کمبودهای ذکرشده، باعث بقای ازدواج زودهنگام کودکان شده‌اند. گزارش فراخوانی که برای پایان دادن به کودک همسری اعلام‌شده، به‌تنهایی و زیرپوشش عدالت، از بهداشت حیاتی، تحصیلات و دستورالعمل توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر غفلت کرده است. با توجه به عواقب عظیم ازدواج زودهنگام کودکان در مناطق ذکرشده در بالا، این حذف تأسف بار یک فرصت ازدست‌رفته محسوب می‌شود.

محتوای هدف شماره سه "گسترش برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان" صراحتاً شامل مفهوم حذف ازدواج کودکان نیست. توانمندسازی زنان تا وقتی که بسیاری از دختران ازدواج کرده و حقوق، بهداشت، تحصیلات و یک زندگی فارغ از خشونت و استثمار را رد کنند،

غیرممکن است (اپراتی، ۱۳۹۴).

همچنین یک ارتباط بنیادین مابین ازدواج زودهنگام کودکان و تحصیل وجود دارد (هدف شماره ۲). سه برابر احتمال ازدواج دختران بی‌سواد و آموزش ندیده، قبل از سن ۱۸ سالگی نسبت به دخترانی با تحصیلات بالاتر وجود دارد. این به‌نوبت خود تأثیری در تلاش برای حذف چشمگیر فقر دارد (هدف شماره ۱)، کودک عروسان فرصت‌های اقتصادی-تحصیلی لازم برای نجات خود و خانواده‌شان از فقر را از دست داده‌اند. این به‌نوبت خود میزان بالای ترک تحصیل در میان دختران که مانعی بر سر راه در هدف ۲ می‌باشد را ایجاد می‌کند.

رسم ازدواج زودهنگام در کشورهای محروم یا فقیرنشین بسیار عادی و مرسوم است. صرف‌نظر از موقعیت‌های جغرافیایی و فرهنگی، به نظر می‌رسد ازدواج کودکان ارتباط مستقیم و معنی‌داری با شرایطی که معمولاً مشخص‌کننده توسعه ضعیف است داشته باشد؛ از جمله روستا نشینی، کمبود یا عدم وجود آموزش و فقر. عامل تعیین‌کننده کلیدی و همچنین باز نمود ازدواج کودکان در بنگلادش، مالی، موزامبیک و نیجریه؛ جایی که بیش از نصف ازدواج‌های دختران قبل از سن ۱۸ سالگی است، فقر می‌باشد. در کشورهای مذکور، بالغ بر ۷۵ درصد از مردم با کمتر از ۲ دلار در روز زندگی خود را می‌گذرانند. مالی یک مثال از بقا در این شرایط وخیم اقتصادی است (دیوان مرجع جمعیت، ۱۳۹۵).

محرومیت و ازدواج کودکان به هم پیوسته‌اند. فقر هم به عنوان علامت و هم محرک ازدواج کودکان، مانع امکان آموزش، اشتغال و دیگر پیشرفت‌های اقتصادی می‌شود و دختران را در معرض آسیب‌پذیری‌های

عديده‌اي قرار مي‌دهد (سنلاپ، ۱۳۹۳: ۴).

ازدواج کودکان همچنين دليلي براي افزايش مرگ‌ومير مادر و بچه است که روند محقق‌سازي اهداف ۴ و ۵ را آهسته مي‌کند. بارداري‌هاي ناخواسته دختران را به سمت سطوح بالاي استرس‌هاي جسمي و روحي سوق مي‌دهد، زيرا بدن و ذهن آن‌ها براي بارداري آماده نيست. ازدواج کودکان دروازه‌اي به زايمان‌هاي پرخطر و متعدد است. فشار زيادي به دختر براي اثبات قدرت بارداري و باروري به فاميل، همسر و جامعه وارد مي‌شود، حتي قبل از اينکه او توانايي تکميل رشد جنسي و جسمي خود را داشته باشد، و حتي پيش از آنکه بلوغ عقلي، روان‌شناختي و عاطفي لازم براي بارداري و قبول مسئوليت يک زندگي جديد در ايشان شکل گيرد. بارداري‌هاي مکرر و زود هنگام مي‌تواند باعث جراحت هميشگي و تضعيف‌کننده سلامت و بقاي مادر و بچه شود. اين چنين ازدواج‌هايي در جوامع سنتي اتفاق مي‌افتد، جايي که کودک عروسان ملزم به فرزند آوري هستند و اين الزام آن‌ها را در معرض بيماري‌هاي مقاربتی و افزايش خطر مرگ‌ومير مادران قرار مي‌دهد (نور، ۱۳۸۸). ازدواج به جاي اينکه وسيله حفاظت از بيماري‌ها باشد، بيشتر ابزاري براي گسترش بيماري‌هاي جنسي و ايدز است نه سپري براي محافظت از زنان جوان، چنانچه ازدواج آن‌ها را مجبور به تغيير سريع از باکرگي به آميزش‌هاي مکرر محافظت نشده مي‌کند. دختران اغلب سطح پاييني از دانش و آگاهي نسبت به بيماري‌هاي عفوني مقاربتی و جنسي از خود نشان

می‌دهند.^{۱۶}

با پایان اهداف توسعه هزاره، سازمان‌های غیردولتی و بین‌المللی، دولت‌های ملی و جنبش‌های سیاسی موانع بالقوه و استراتژی‌های مشخصی را که برای غلبه بر ازدواج کودکان لازم است، تجزیه و تحلیل کردند. تشخیص برابری جنسی هدفی است که بایست پس از ۱۳۹۴ در ابعاد سلامت، تحصیلات، حکومت‌داری، و توانمندسازی اقتصادی بدان دست‌یافت. به همین منظور اهداف توسعه پایدار^{۱۷} برای کسب اطمینان از برابری جنسیتی، حقوق زنان، توانمندسازی زنان با بسیاری دیگر از برنامه‌های توسعه طراحی شده بودند. همچنین تلاش‌های لازم این زمینه توسط افراد ذی‌نفوذ و شهرتمند، و زنان سازمان ملل در برنامه‌های توسعه بعد از سال ۱۳۹۴ انجام شده بود که انحلال ازدواج کودکان را یک هدف مهم در اهداف توسعه پایدار اعلام داشته است. قطعنامه شورای حقوق بشر که توسط بیشتر از ۱۰۰ کشور تصویب شده بود، شرح می‌دهد که اصرار بر ازدواج اجباری و زود هنگام کودکان به دستاوردهای اهداف توسعه هزاره اقتصادی پویا و پایدار و انسجام اجتماعی آسیب می‌زند، پس بنابراین حذف ازدواج اجباری و زود هنگام کودکان باید در برنامه توسعه بعد از سال ۱۳۹۴ قرار گیرد (بیست و چهارمین گزارش کنگره حقوق بشر، ۱۳۹۵: ۶۰).

از این مفاد چنین برمی‌آید که از دوران ۱۳۹۴ به بعد، عدالت برای حذف تبعیض جنسیتی اجرا خواهد شد. درک نیروهای دخیل در ازدواج

^{۱۶} Sexually transmitted infections (STIs)

^{۱۷} SDG

قبل از موعد مقرر و جلوگیری از ازدواج کودکان یک تعهد ساخته شده توسط جامعه بین‌المللی و دولت‌های ملی به عنوان قدمی حیاتی و مهم به سمت کسب اهداف توسعه پایدار است، که در برنامه بعد از ۱۳۹۴ جهت توسعه زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و انسانی به طور خاص، به عنوان یک مسیر لازم در جهت کسب برابری جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران قرار داده شده است. ممانعت و حذف ازدواج زودهنگام کودکان در این باره قدم مهمی خواهد بود که می‌تواند منجر به حذف همه موانع مشارکت زنان در فرایند توسعه جهانی جنسیتی گردد.

پیشنهادهای

اگرچه این یافته‌ها از مطالعات متمرکز بر ایران حاصل شده است، ازدواج زودهنگام کودکان محدود به منطقه‌ای خاص، سطح پیشرفت اقتصادی معین یا شرح حکم دینی ویژه‌ای نمی‌باشد. معضل ازدواج کودکان در میان گروه‌های خاص ساکن در کشورهای در حال توسعه وجود دارد؛ مانند جوامع ارتدکس در اسرائیل (هالپرین کدوری، ۱۳۹۲)، صربستان که در آن تقریباً ۸ درصد از زنان، و جوامع رم که ۵۴ درصد از زنان در کودکی ازدواج می‌کنند (یونیسف، ۱۳۹۳).

هنوز راه‌های فراوانی برای مبارزه با ازدواج زودهنگام کودکان در ایران ناپیموده مانده است. این مطالعه بر اساس یافته‌های بررسی‌ها و داده‌های مربوط به پاسخگویان پیمایش، توصیه‌ها و راهکاری زیر را عرضه می‌کند. بسیاری از این پیشنهادات برنامه‌های موجود ممانعت از ازدواج کودکان را تقویت کرده و تأکید دارند که نگرش‌های جامع

چندوجهی برای مقابله با مشکل ازدواج کودکان شرط لازم اتخاذ سیاست‌گذاری‌ها می‌باشد.

پیچیدگی ازدواج زودهنگام کودکان برنامه‌های هماهنگ سیاسی و قانونی اثرگذار در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. مجموعه‌ای از رویکردها در مورد ازدواج کودکان وجود دارد. هرکسی به‌طور سرنوشت‌ساز نقشی برای ایفا کردن دارد. این بدان معناست که برای ریشه‌کنی ازدواج زودهنگام مداخلات پایدار طولانی‌مدت که در هماهنگی باهم قرار دارند و بازتابی از توانمندسازی دختران، پویایی خانواده‌ها و جوامع، دسترسی به خدمات و استقرار قوانین و سیاست‌های مناسب هستند، ضروری است.

آنچه مهم است این است که قدرتمندان و سیاست‌گذاران باید از حذف ازدواج زودهنگام کودکان حمایت کنند و موجودیت آن را انکار ننمایند. ازدواج کودکان موجود و تأیید آن به‌شدت لازم است. توجه کردن جمعی و روی آوردن به واقعیات عینی به ریشه‌کنی ازدواج کودکان می‌انجامد. آنچه به رسمیت شناخته‌شده این است که فهم و قبول یک مشکل، اولین قدم برای حل آن مشکل است. یک نمونه از این مسئله در فصل دوم این گزارش به تفصیل تشریح شده است؛ تصمیم‌جدید اداره آمار مبنی بر علنی نکردن آمار طلاق به‌جای حل مشکل، صورت مسئله را پاک می‌کند.

سن قانونی تعریف شده برای تحصیلات اجباری باید هم‌راستای سن حداقل تعریف‌شده برای ازدواج باشد. قانون در خصوص سن قانونی ازدواج که در حال حاضر ۱۳ سال برای دختران (۹ سال با اجازه دادگاه) و

۱۵ سال برای پسران است، نیازمند افزایش به سن ۱۸ سالگی است. شایان توجه است که علیرغم اینکه بسیاری از کشورها برای حداقل سن قانونی ازدواج قانون‌گذاری می‌کنند، سن ازدواج برای مردان بیشتر از زنان است و بسیاری از کشورها سن قانونی ازدواج را پایین‌تر از آنچه در توافقتنامه سازمان ملل در خصوص حقوق کودکان مقرر شده قرار می‌دهند.



زنان و دختران در حال پیوستن به کلاس‌های قرآنی
عکس: کامیل احمدی

ثبت رسمی تمامی تولدها و ازدواج‌ها برای انهدام رسم ازدواج در کودکی اجباری است. با آمار محدود یا کمبود منابع موثق تولد، تعیین سن عروس به‌طور قطع دشوار است. تخمین‌های والدین ممکن است نادرست، غلط و گاهی دروغین باشند. ثبت‌احوال یک‌قدم کلیدی در مواجهه با ازدواج زودهنگام کودکان است زیرا گواهی برای تعیین دقیق سن عروس

است. ثبت دقیق ازدواج تنها زمانی ممکن است که بر ثبت زمانمند و موشکافانه تولدها استوار باشد. ثبت تولد از بنیادی‌ترین حقوق بشر است که برخورداری از سایر حقوق را به همراه می‌آورد.

در کشورهایی که ثبت تولد اجباری نیست یا به‌صورت نامنسجم انجام‌شده، ثبت ازدواج نیز بر مبنای فقدان مدارک یا سندهای غیرقابل اطمینان تولد می‌باشد. طبق گزارش سازمان یونسف، اختلاف در ثبت مولید، تزویر و تحریف در سن و هویت کودک-خصوصاً دخترانی که قربانی ازدواج زودهنگام هستند- را سهولت می‌بخشد. ثبت مناسب و دقیق تولد یک دختر نتایج ارزش‌شمند و پرباری را سبب می‌شود: هویتش محافظت می‌شود، صلاحیتش برای دسترسی به خدمات بنیادی بیشتر و حقوق محافظت‌شده‌اش تا حد زیادی افزایش می‌یابد. عمل ثبت‌احوال، به رسمیت شناختن قانونی وجود یک فرد و ساختاری سیستماتیک برای پیگیری نسبت و خویشاوندی او است. به‌علاوه ثبت مولید و ازدواج‌ها با تعیین سن یک دختر و شریک زندگی‌اش، از تداوم ازدواج زودهنگام کودکان جلوگیری کرده و باعث می‌شود دختر بتواند در صورت پایان یافتن وصلت زناشویی حقوق و امتیازات مالی خویش را اعاده نماید.

در این میان نقش دولتها بسیار اساسی و مؤثر است. دولت منتخب، به‌عنوان منشأ قدرت اساسی هر کشور، می‌تواند در ممانعت از ازدواج زودهنگام کودکان بسیار تعیین‌کننده باشد. دولت باید وجود و ماهیت ازدواج زودهنگام کودکان را به رسمیت شناخته و مایل به ریشه‌کن‌سازی آن باشد. نقش حکومت و نهادهای جامعه مدنی توسعه و به‌کارگیری نظام‌های پایدار برای جلوگیری از ازدواج زودهنگام کودکان است. با این حال تمایل

دولتها به تنهایی برای مبارزه با کودک همسری کافی نیست. همچنان که هنجارهای فرهنگی و اجتماعی بر هنجارهای قانونی غلبه پیدا می کنند، یک تعهد روشن حکومتی برای تضمین اینکه قانون آن طور که باید به اجرا درآید، ضرورت دارد. حکومت ها با در صدر اهمیت قرار دادن ازدواج زودهنگام کودکان و فراهم سازی منابع مالی کافی از طریق وزارتخانه ها برای کنار آمدن با این پدیده تاریخی، باید مدیریت سیاسی مقتدرانه ای را در این خصوص نشان دهند. علاوه بر این حکومت می تواند سیاست گذاری های سازمانی را باهم هماهنگ کرده و همچنین بر روی مطالعات مربوط به ازدواج زودهنگام کودکان و سایر پروژه های مشابه بودجه لازم را تهیه کند. این مهم برای تعیین چارچوب قانونی مدافعه و غیر مغرضانه، به کارگیری سفت و سخت قوانین و سیاست گذاری ها و همچنین فراهم سازی خدمات آموزشی و حفاظتی، مراقبت های بهداشتی جنسی و مربوط به باروری و رسیدگی به هر دوی دختران مجرد و متأهل ضروری است.

این امور مستلزم راهکارهای درازمدت است نه علاج هایی سریع و کوتاه مدت. یک نمونه از این راه حل های کوتاه مدت، در قضیه احداث مدارس جداگانه برای دختران متأهل دیده می شود. این امر در ابتدا نویدبخش به نظر می رسد اما نگاهی عمیق تر به موضوع نشان می دهد که این سیاست تنها منجر به سرمایه گذاری های سرسام آور در فراهم سازی امکانات جداگانه و متحمل شدن هزینه ها و مضرات نابرابری جنسی می شود.

شرایط به طور واضح دال بر این است که نگه داشتن دختران در مدرسه حیاتی ست. با آنکه ازدواج زودهنگام کودکان وقفه در ادامه

تحصیل دختران است، متقابلاً تحصیل دختران ازدواج کودک را نفی می‌کند. بر اساس مطالعه مرکز بین‌المللی تحقیق در مورد زنان،^{۱۸} در ۱۸ کشور از ۲۰ کشوری که رواج ازدواج کودکان در آنها در بیشترین حد خود است، میزان تحصیلات دختر تعیین‌کننده‌ترین عامل در سن ازدواج است. به‌طور پیوسته، در تمامی مناطقی که دختران در سطوح بالاتر تحصیلی بودند، ازدواج در سنین کودکی رواج کمتری داشت.

اهمیت تحصیلات به‌عنوان ابزار بالا بردن سن اولیه ازدواج، غیرقابل‌انکار است. به نقل از گزارش مددکاری استرالیا^{۱۹} فئوانینی که در طول دوران انقلاب اسلامی جهت همگانی و اجباری‌سازی تحصیل ابتدایی برای دختران و پسران وضع و بکار گرفته شد، نرخ باسوادی را به ۹۵ درصد افزایش داد. به این معنا زنان هم‌اینک ۶۰ درصد از دانشجویان دانشگاهی را تشکیل می‌دهند. این خود علامت بهبود و پیشرفت است، اما توجه ما باید به دختران فقیرتر و روستایی باشد تا دسترسی شان به مدارس باکیفیت‌تر، مناسب و امن بیشتر باشد. بدین ترتیب یک سیستم آموزشی اجباری و رایگان باید در سراسر کشور دایر گردد. کودکان، حداقل تا زمانی که دوران دبیرستانشان به اتمام برسد باید به مدرسه بروند و با هزینه کم یا رایگان و تحصیل اجباری برای همگان قادر به تحصیل باشند. بیشترین تأثیری که از آموزش دختران حاصل می‌شود این است که می‌توانند این تفکر که دختران هنوز کودکان مدرسه‌ای هستند را در جامعه بسط دهد.

^{۱۸}International Center for Research on Women

^{۱۹}The Australian Aid

آموزش عمومی در خصوص ازدواج کودکان و افزایش سواد و آگاهی همگانی یک ضرورت است. بر اساس یافته‌های این مطالعه، پاسخگویان در خصوص اثرات مخرب و آسیب‌زای ازدواج کودکان ناآگاه بودند یا دانش بسیار ناچیزی داشتند. ازدواج کودکان هم علت و هم معلول کم‌سوادی است. هر قدم که در مقابله با ازدواج زودهنگام کودکان برداشته می‌شود، باید با توجه به ضرورت انهدام و از بین بردن نتایج منفی آن برای جامعه باشد. این درست زمانی محقق می‌شود که قدرت تکنولوژی به میدان عمل گذاشته می‌شود، خصوصاً با استفاده از کمپین‌های انبوه رسانه‌ای و دیگر روش‌های خلاقانه مانند رادیو، تلویزیون، موبایل و رسانه‌های دیجیتال برای افزایش آگاهی از حقوق دختران و اثرات ازدواج در کودکی. بدون این عامل مهم، پیشرفت یک نیروی خارجی غیرواقعی است که نمی‌تواند دائمی باشد.

قوانین و سیاست‌ها نقش مهمی در جلوگیری از ازدواج در کودکی دارند. به نظر می‌رسد که اجرای قوانین و آیین‌نامه‌های ازدواج فعلی یکی از آمال ضروری و لازم باشد. قوانین و اصلاحات اخیر در قوانین مدنی کشورها به گونه‌ای است که می‌تواند به‌طور خوش‌بینانه حداقل سن ازدواج را به بالای ۱۸ برساند. بسیاری از کشورها چهارچوب قانونی و سیاسی لازم برای جلوگیری از عمل کودک همسری و حمایت از دختران متأهل ندارند. یک سیستم قانونی و سیاسی قوی می‌تواند یک پشتوانه مهم برای بهبود خدمات، تغییرات در هنجارهای اجتماعی و توانمندسازی دختران باشد. گرچه یافته‌ها حاکی از آن بود که تقریباً هیچ کدام از پاسخگویان کوچک‌ترین اطلاعاتی از سن قانونی ازدواج نداشتند، اما بالا

بردن این حداقل سنی از 13 و 15 به 18 سال و اطلاع رسانی در خصوص آن به مردم و آموزششان چیزی است که از حاکمیت انتظار می رود. باید تلاش جدی تری از جانب قوه قضائیه برای مجازات افرادی که به ازدواج کودکان دست می زنند و کیفر والدینی که فرزندانشان را وادار به ازدواج زودهنگام می کنند، صورت گیرد. بسیار از کشورها نظارت های قانون جزایی سخت گیرانه ای را برای پیگیری قانونی ختنه زنان ترتیب داده اند و رسم ازدواج کودکان هم در این میان استثنا نیست. فعالیت ها بایست در جهت تقویت توانایی و ظرفیت نیروهای اجرایی قانونی باشند تا در ارتباط هرچه بیشتری با جوامع، مدارس و سازمان های دولتی و غیردولتی باعث جلوگیری از تداوم کودک همسری شوند. به این معنا که تمامی مؤسسات ذکر شده در بالا که در قبال مشکلات اجتماعی مسئولیت دارند، باید باهمدیگر در هماهنگی کامل سیاست ها و برنامه مقابله با پیشرفت ازدواج کودکان باشند.

در عمل، کودک همسری در بسیاری از کشورها به دلیل فقدان دانش و آگاهی از مضرات و نتایج اجرایی آن پیشرفت کرده است. ضروری است که تلاش هایی برای آشنا سازی جوامع با قوانین، دانش و تحصیل صورت گیرد و در مورد اثرات منفی فیزیکی، روانی و اجتماعی آن آگاهی به عمل آید. همبستگی و شرکت جامعه در مورد ریشه کن سازی ازدواج کودکان باید تقویت شود. یک برنامه دفاع فراگیر برای ارتقاء توانمندسازی کودکان، به خصوص دختران به عنوان یک هنجار اجتماعی بایستی طراحی و اجرا گردد.

آن دسته از هنجارهای اجتماعی ای که ازدواج کودکان را به عنوان

عملی ریشه‌دار می‌بینند، برای نسل‌ها بخشی از فرهنگ گشته و عمیقاً رایج و تثبیت شده هستند. این عمل چه تحت عنوان دین تداوم یابد و چه فرهنگ، اغلب توسط هنجارهای جنسی غیرمنصفانه ظاهر می‌شوند؛ برای مثال تلاش برای حفظ آبرو و افتخار دختر یا خانواده‌اش به وسیله کنترل امیال جنسی او. برای اعمال تغییر، ارزش‌ها و هنجارهایی که کودک همسری را حمایت می‌کنند باید تغییر و تعویض شوند. کار کردن با خانواده‌ها و در سطحی وسیع‌تر با جامعه برافزایش آگاهی از اثرات مضر ازدواج کودک می‌تواند گرایش‌های جامعه را تغییر دهد و باعث شود والدینی که فرزندانشان را در سن کودکی وادار به ازدواج می‌کنند مقبولیت خود را از دست دهند. هنجارهای جدید و الگوهای نقش راه‌های مؤثری در تغییر نگرش‌ها در مورد ارزش دختر و زن هستند.

کار کردن با مردان و پسران بخشی اساسی در پایان گرفتن ازدواج کودکان است. مردان عامل تغییر هستند. در بسیاری جوامع این مردان هستند که قدرت را در دست دارند و تصمیم‌گیری می‌کنند. مورد هدف قرار دادن پدران، مادران، برادران، و شوهران در مداخلات ریشه‌کنی ازدواج زودهنگام موجب می‌شود آن‌ها بتوانند از وضعیت جنسی و مزایای حمایت و ارزش‌گذاری زنان و دختران درک درستی بیابند.

برنامه‌های اجتماعی بایستی حمل بر سودرسانی به خانواده‌ها با محرک و مشوق‌های مادی از جمله کمک به قربانیان، پناه و مأمن امنی برای دختران استوار باشد. علاوه بر آن، ظرفیت سازی و آموزش رهبران محلی و دیگر بازیگران کلیدی جهت انعکاس اثرات منفی کودک همسری در تضمین انقطاع آن کمک خواهد کرد.

اجلاس بین‌المللی سال ۱۳۷۳ در رابطه با جمعیت و توسعه‌افته‌های قطعی‌تری را ارائه می‌دهد که بر مبنای آن تأخیر و عقب‌گردی در توسعه و پیشرفت زنان دیده می‌شود و مرور و توجه دولت ایران را طلب می‌کند. این اجلاس بر رویکردی کلی و چندجانبه تأکید دارد؛ ازجمله اینکه تمامی بازیگران جامعه مدنی، اجتماع و کنشگران دولتی در هماهنگی با یکدیگر بر عواملی که توسعه زنان را محدود می‌نمایند نگاه انداخته و پاسخی منسجم و مطابق آن عرضه کنند ازجمله مداخلات اجتماعی و سیاست‌های ملی.

رهبران دینی از عاملان کلیدی و بنیادی تغییرند. آن‌ها تأثیر قابل‌توجهی بر عقاید عموم دارند و با اعتمادی که در میان جامعه کسب نموده‌اند، می‌توانند مقبولیت فرهنگی تأخیر در ازدواج را جا بیندازند. رهبران دینی به‌طور بالقوه این توانایی را دارند که علیه کودک همسری و تغییر نگرش‌های جامعه گام بردارند. رهبران مذهبی همچنین قادر به تغییر هنجارهای اجتماعی در حیطه سن مورد انتظار در ازدواج دختران هستند. بنابراین ضروری است که رهبران دینی تعلیمات لازم را در خصوص اثرات ناگوار کودک همسری ببینند. با توجه به تأثیرات مذهب، بررسی و رسیدگی به پدیده کودک همسری از طریق اعمال قوانین شرعی ممکن است یک راه‌حل مؤثر باشد. یک روش جامع آموزش و مشاوره رهبران مذهبی برای انعکاس و بازتاب پیام پیشگیرانه است. در جوامعی که رهبران مذهبی نقش برجسته‌ای در تصمیم‌گیری و مداخله هنجارهای عمومی دارند، لازم است که حمایتشان را به‌عنوان پشتوانه‌ای مثبت نشانه گرفت.

عمل سنتی گسترده ازدواج موقت در ایران، موجب فزونی گرفتن ازدواج کودکان می‌شود. اغلب خروج دختر از خانه والدین در شکل ازدواج، می‌تواند او را در قالب کالای جنسی فروخته شده قرار دهد یا به شوهر دیگری فروخته شود که این مورد ازدواج موقت کودک یا ازدواج ساختگی نامیده می‌شوند. مردها می‌توانند بارها ازدواج کنند، یا در و صلت‌های متعددی باشند. در صورتی که فرزند و صلت پیشین پسر نبوده باشد، و یا همسر فعلی صاحب دختری شده است، مرد برای مدت زمانی محدود تا زمانی که وی بتواند بچه‌دار شده و ترجیحاً پسری به دنیا بیاورد با وی ازدواج می‌کند. پس از این دیگر احتیاجی به این دختران جوان حس نشده و ترک خواهند شد (و بچه‌هایشان نیز اگر ناخواسته باشند). زمانی که این دختران یک‌بار ترک و رها شده باشند دیگر نمی‌توانند ازدواج کنند و باید به زندگی سرشار از سختی و محدودیت خویش ادامه دهند. ازدواج کودک در نتیجه منجر به قاچاق انسان، بیگاری کودکان، فحشاء یا به‌طور خلاصه به بردگی گرفتن دختر به منظور بهره‌کشی و سوءاستفاده همیشگی می‌باشد. این یکی از عوامل تعیین‌کننده روند ازدواج کودکان در ایران است. پیگیری چنین ازدواج‌هایی آسان نیست زیرا معمولاً ثبت نشده‌اند. شکی نیست که ثبت ازدواج‌های موقت نه تنها بر نسبت‌های شمار ازدواج کودکان صحنه می‌نهد بلکه در جلوگیری از قاچاق جنسی و تجاوز به کودک نیز کمک می‌کند.

توانمندسازی دختران با دادن فرصت کسب مهارت‌ها و دانش برای درک حقوقشان و توسعه شبکه‌های حامی، نقش مهمی را در پایان

دادن به ازدواج در کودکی ایفا می‌کند. از آنجایی که دختران قربانی و خود نجات‌یافتگان کودک همسری‌اند، می‌توانند به‌شخصه عامل تغییر باشند. دختران کلیدی برای دگرگونی در حوزه ازدواج زودهنگام هستند. باید به دختران جوان کمک شود که توانایی لازم را در مقابل بزرگسالان - حتی والدینی که می‌خواهند ایشان را وادار به ازدواج قبل از رسیدن به سن بلوغ کنند - جهت دفاع از خود کسب کنند. جامعه دانشگاهی و محققان باید تحقیقات گسترده و عمیق بیشتری را در سطح کشوری اجرا کرده و گزارش‌هایی را در خصوص ازدواج زودهنگام کودکان، ماهیت، میزان رواج و خشونت جنسی ملازم آن ارائه دهند. به عبارت دیگر، نسل جدید آگاه و فعال باید برای دفاع از خودش از پشتیبانی افراد ذی‌نفوذی در جامعه خود برخوردار باشد تا به طریزی پیش‌رونده ازدواج زودهنگام کودکان را به طینی از یک رسم و سنت تبدیل کنند که دیگر وجود خارجی ندارد. دانستن قوانین ازدواج حقوق جنسی بایستی به آموزش مهارت‌های زندگی‌شان بپیوندد تا دانش دختران در مورد سلامتی جنسی و حقوق قانونی‌شان از جمله حق این‌که قبل از ۱۸ سالگی ازدواج نکنند و حق این‌که برای ازدواج رضایت کامل و آزاد داشته باشند، را بیاموزند. فعالیت‌هایی نیز می‌تواند صورت گیرد که موجب افزایش اعتماد به نفس در دختران و توانایی این‌که در مورد تصمیم‌های زندگی‌شان مانند ادامه تحصیل و ابطال و تن‌نپذیرفتن ازدواج اجباری بحث و مذاکره کنند، گردد.

ایران در طول یک قرن گذشته شاهد تغییراتی در قانون ازدواج کودکان بوده است. یک گزارش جامع از مددکاری استرالیا نشان می‌دهد

که قبل از انقلاب سال ۱۳۵۷ در ایران، سن قانونی ازدواج برای پسران و دختران به ترتیب ۲۰ و ۱۸ سال بوده است. پس از انقلاب، سن ازدواج برای دختران تا ۹ سال پایین آمد، با در نظر گرفتن شایستگی و بلوغ فیزیکی، در نهایت در سال ۱۳۸۲، نمایندگان زن به طور موفقیت آمیزی توانسته در قوانین وضع شده سن ازدواج را به ۱۳ سال افزایش دهند.

با این وجود، قوانین جلوگیری از ازدواج کودکان محدود هستند و میزان مجازات به اندازه کافی شدید نیست که عاملان جرم را بترساند یا بازدارد. به علاوه کاستی هایی در سیستم قانونی ایران، باعث می شود خاطیان بتوانند از قصاص به نحوی سرپیچی و فرار کنند. وضع سن حداقلی قانونی برای ازدواج در ۱۸ سالگی بسیار تعیین کننده است. ایران بایستی تمامی موانعش در اطاعت از قراردادهای بین المللی اش را حذف کند و در مفهوم "کودک" یا حداقل سن های نکاحی توافق حاصل کند. این امر در بردارنده یک روش سه گانه می باشد: اصلاح یا وضع قوانین جدید در خصوص ازدواج کودکان، به کار گرفتن مکانیسم هایی برای تضمین اینکه ۱۸ سالگی، حداقل سن ازدواج برای هردوی دختران و پسران است و تضمین حصول رضایت فرد برای پذیرفتن ازدواج و همان طور که قبلاً گفته شد اعمال مجازات مناسب برای خاطیان این قوانین.

این بهترین زمان برای مقامات قانونی ایران است تا قوانین بین المللی را با سیستم قانونی و اجرایی آن مطابقت دهند. ایران به عنوان یکی از امضاکنندگان توافقنامه های LEDAW و CRC، مسئولیت قانونی به عهده دارد که گواه بر امضاهایشان بر روی قراردادها، تمامی موارد قانون گذاری، قضایی، اجرایی (اداری) و دیگر موارد لازم جهت احقاق پیشرفت حقوق

زنان و کودکان که بخش جدایی ناپذیر از این قراردادها هستند تلاش نماید.

شماری از طراحان و سیاستمداران لازم است تا ازدواج زودهنگام و همچنین تأثیرات آن را تشخیص و کاهش دهند. و این شامل جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات به‌روز نیز می‌گردد. در حال حاضر فقدان شدیدی از اطلاعات در تمامی جوانب کودک همسری وجود دارد، و بالأخص در ایران این فقدان به اوج خود می‌رسد. هر آنچه تابحال وجود داشته است تعریف و توضیح ازدواج کودکان در عبارات روندهای جمعیت شناختی، باروری و کسب آموزش است. هنوز تعداد کمی از تحقیق‌ها هستند که این دست آورد را از منظری حقوق بشری یا با رویکرد خشونت جنسیتی بنگرد، یا تأثیرش را بر زنان، شوهران، خانواده‌ها و به‌طور وسیع جامعه بیازماید. این خلل باید به زودی جبران شوند و بدین منظور داده‌های نوین می‌توانند بر سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ها اثر گذاشته و زمینه را برای حمایت‌های راهگشا و کارا فراهم کنند. داده‌های جمعیت شناختی موجود می‌توانند منسجم شده و در خصوص رواج ازدواج زودهنگام به ما مدد رسانند.

کمبود داده‌های موجود و در دسترس در خصوص ازدواج کودکان در ایران محل نگرانی ست. کمبود آگاهی عموم و بی‌تفاوتی تعمدی از جانب دولت دیده می‌شود. باین حال ازدواج زودهنگام کودکان تابحال همواره نادیده گرفته شده است. این نگرش سهل‌انگارانه در مورد ازدواج کودکان باعث فقدان اطلاعات در موضوع موردبحث شده که خود موجبات کمبود دانش در این مورد در سطح داخلی و جوامع بین‌المللی

را فراهم کرده است. در نتیجه در بسیاری گزارش‌های جهانی دربارهٔ ازدواج کودکان، ایران بی‌شک کمتر ذکر شده به خاطر این فقدان اطلاعات لازم در خصوص این پدیده می‌باشد.

مهم است که تحقیقات بیشتری در این زمینه صورت گیرد تا جهان از رواج بالا و شیوع فراگیر ازدواج کودکان در ایران آگاه گردد. تحقیق همچنین به دولتمردان، قانون‌گذاران، مؤسسات مدنی، تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران در ایران کمک می‌کند تا این پدیده را شناسایی و برطرف کنند. جامعه دانشگاهی، محققان و نخبگان تحقیق بایست مطالعات ژرف‌انگر بیشتری را در سطح ملی در خصوص ماهیت، رواج و ویرانگری‌های خشونت‌های جنسیتی کودک همسری فراهم آورند.

در نهایت، اشاره به این نکته الزامی است که ازدواج کودکان در ایران توسط نهاد دین (حکومت دینی) و هنجارهای اجتماعی حمایت می‌شود. این دو عنصر قدرتمند ازدواج زودهنگام را تحریک می‌کنند و باعث ایجاد این پیامد مخرب و تداوم آن در نسل‌ها می‌شود. هرگونه عملی در مقابله با ازدواج کودکان به‌طور غیرمستقیم قواعد مذهبی و عرف اجتماعی را هدف قرار می‌دهد. این تحقیق ثابت کرده است که هرگونه اقدام برای مقابله با کودک همسری تنها در انسجام با نقش مذهب و هنجارهای اجتماعی اثربخش خواهد بود.

دولت ایران به جد نیازمند توسعه برنامه‌های اجتماعی فراگیر، کاهش میزان فقر و ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای تشویق خانواده‌ها است تا به ازدواج کودکان خاتمه دهند. در جهانی که به مبارزه با کودک همسری برخاسته، ازدواج کودکان در ایران همچنان مورد غفلت و انکار واقع شده

۳۳۰ طنین سکوت

است.

منابع

- (آخرین تاریخ دسترسی به کلیه منابع الکترونیکی از کتب و آثار چاپ شده جهت بررسی مجدد صحت منابع قبل از چاپ به روز شده اند.)
- آبرت، ورونیکا (۱۳۹۲)، جرایم گفتگو ناپذیر علیه کودکان: خشونت جنسی در کشمکش ها. نشر نجات کودکان. موجود در:
- <http://reliefweb.int/report/world/unspeakable-crimes-against-children-sexual-violence-conflict> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹).
- آتویل، فرد (۱۳۸۶)، پیش زمینه: یزیدی ها. موجود در:
- <https://www.theguardian.com/world/2007/aug/15/iraq> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹)
- ابودایش، اس (۱۳۹۳)، قانون یمن در خصوص کودک عروسان و ختنه زنان امید به پیشرفت های آینده می دهد. خبرگزاری گاردین. موجود در:
- <http://www.theguardian.com/global-development/poverty-matters/2014/may/06/yemen-child-brides-fgm-rights-act-law>
- اپراتی، ملیسا (۱۳۹۴)، چرا پایان ازدواج کودکان بخش حیاتی برنامه توسعه است؟ موجود در: <https://www.reproductiverights.org/document/Why-Ending->

- Child-Marriage-is-a-Critical-Part-of-the-Post-2015-Development-Agenda) (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).
- اسناد رسمی سازمان ملل (۱۳۹۴) موجود در: http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=A/70/L.1 (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).
- احمدی، کامیل (۱۳۹۴)، به نام سنت، پژوهشی جامع در باب ختنه زنان در ایران، تهران، نشر شیرازه
- ارولکار، انابل (۱۳۹۲)، ازدواج زودهنگام، روابط زناشویی و خشونت شریک جنسی در اتیوپی. موجود در: <https://www.guttmacher.org/journals/ipsrh/2013/04/early-marriage-marital-relations-and-intimate-partner-violence-ethiopia> (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۰)
- اددکان، جی ان و تاجکو، اچ ای و اددجی، او (۱۳۹۱)، ازدواج در خرد سالی و بارداری اولیه به عنوان خطرات سلامت مادران، گزارشی بر کنفرانس محلی اعمال سنتی موثر بر سلامت زنان و کودکان در افریقا، ۱۹ و ۲۰ نوامبر.
- الحکم، حسین و مک لالین، کنت (۱۳۹۵)، ازدواج‌های مورد بحث: ازدواج و و صلت کودکان در عربستان سعودی. مجله ازدواج و خانواده. موجود در: <http://dx.doi.org/10.1080/01494929.2016.1157119>
- اکپات بین‌المللی (۱۳۹۴)، گزارش موضوعی جدید: تعرضات جنسی شناخته نشده کودکان در ازدواج زودهنگام و اجباری کودکان. موجود در: <http://www.ecpat.org/news/new-thematic-report-unrecognised-sexual-abuse-and-exploitation-children-child-early-and-forced/> (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).
- المو، ب (۱۳۸۶)، ازدواج زودهنگام در اتیوپی: علل و عواقب سلامتی. مرکز بین‌المللی تحقیق برای زنان.
- ارولکار، ای. اس و مائنگی، ای (۱۳۸۸)، ارزیابی برهن هوان: مشکلی بای به تعویق اندازی ازدواج کودکان در نواحی روستایی اتیوپی. رویکرد بین‌المللی

- سلامت جنسی و باروری، شماره ۳۵، صص ۶-۱۴.
- ایزاک، اف (۱۳۹۱)، اسلام، کودکان و مدرنیته: رویکردی قرآنی. کمبریج. صص ۹۹-۱۱۸
- اوریس، مایکل (۱۳۸۴)، سن ازدواج مهارجران در طول دوران انقلاب صنعتی در ناحیه لیگ. دوره ۵، شماره ۴، صص ۳۹۱-۴۱۳. موجود در: <http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1081602X0000052X>
- امیگبدون، او و دوگراآ آن و اسانف او (۱۳۹۰)، رواج و همسویی با رفتار خودکشی در میان نوجوانان جنوب غرب نیجریه. مجله بین‌المللی روانکاوی اجتماعی، شماره ۵۴، صص ۳۴-۴۶.
- باوگت، اوون (۱۳۹۰)، افغانستان بدترین جای دنیا برای زنان، اما هند در رتبه پنجم. موجود در: <https://www.theguardian.com/world/2011/jun/15/worst-place-women-afghanistan-india> (تاریخ دسترسی ۱۰/۱۰/۱۳۹۵).
- بارت، رزورا (۱۳۷۳)، تحول ساختاری صحرای جنوبی/افریقا، بهترین صلاح کودکان، نشر کلارندون، اکسفورد.
- بانک جهانی (۱۳۹۵)، گروه بانک جهانی و واقعیات آموزشی دختران نوجوان. موجود در: <http://www.worldbank.org/en/topic/girlseducation/brief/the-world-bank-group-wbg-and-adolescent-girls-education-factsheet> (تاریخ دسترسی ۱۰/۱۰/۱۳۹۵).
- بانک جهانی (۱۳۹۳)، صدا و آژانس. توانمندسازی زنان و دختران جهت موفقیت عموم. موجود در: http://www.worldbank.org/content/dam/Worldbank/document/Gender/Voice_and_agency_LOWRES.pdf (تاریخ دسترسی: ۱۰/۱۰/۱۳۹۵).
- بانکول، ا و سینگ، اس، ووگ، وی و ولف، دی (۱۳۸۴)، ریسک و مراقبت: جوانی و ایدز در افریقای جنوبی. نیویورک
- برابری (بدون تاریخ)، حفاظت از دختر بچه ها، موجود در:

http://www.equalitynow.org/sites/default/files/Protecting_the_Girl_Child.pdf

(تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).

برگه، کیرا (۱۳۹۳)، دولت اسلامی به زنان حمله کرده و همگان در سکوتند. خبرگزاری هافینگتون. موجود در:

[http://www.huffingtonpost.com/2014/09/08/isis-attacks-on-](http://www.huffingtonpost.com/2014/09/08/isis-attacks-on-women_n_5775106.html)

women_n_5775106.html (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۹)

بروس، جی و لوید، سی و لئونارد، ای (۱۳۷۴)، خانواده‌ها در راستمركز: رویکردی جدید بر مادران، پدران و فرزندان، کنگره جمعیت، نیویورک. برهانه سلاسی، تسه‌های (۱۳۷۲)، ازدواج زودهنگام در اتیوپی، گزارش به کمیته درون کشوری افریقایی بر روی اعمال سستی موثر بر سلامت زنان و کودکان، ادیس اببا.

بری، باراک (۱۳۸۵)، مهریه. نیویورک تایمز.

بلام، ار و سودهیناراست، ام و امرسون، ام ار (۱۳۹۱)، جوانان در خطر: افکار و اقدام به خودکشی در ویتنام، چین و تایوان. مجله سلامت نوجوانان، شماره ۵۰، صص ۳۷-۴۴.

بنیاد فورد (۱۳۹۲)، نقشه برداری ازدواج کودکان در افریقا. موجود در:

[http://www.girlsnotbrides.org/wp-content/uploads/2014/01/Ford-Foundation-CM-](http://www.girlsnotbrides.org/wp-content/uploads/2014/01/Ford-Foundation-CM-West-Africa-2013_09.pdf)

West-Africa-2013_09.pdf (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹).

بورینگ، هیلاری (۱۳۹۴)، ریشه‌کن‌سازی ختنه زنان: مطالعات راهبردی بریتانیا. انتشارات اگیت.

بوکسال، هایللی و تامیسون، آدام و هیوم، شان (۱۳۹۳)، مرور تاریخی بر تعرض جنسی و سوء استفاده جنسی در استرالیا: از ۱۷۸۸-۲۰۱۳، موسسه استرالیایی جرم‌شناسی.

بوئتینگ، انی و لورانس، بنجامین و رابرتز، ریچارد (۱۳۹۵)، ازدواج اجباری: منازعه بر سر رضایت و اجبار در افریقا، انتشارات دانشگاه اوهایو.

منابع ۳۳۵

بی بی سی (۱۳۹۵)، سوریه: داستان کشمکش. موجود در:
<http://www.bbc.com/news/world-middle-east-26116868> (تاریخ دسترسی
۱۳۹۵/۱۰/۹).

بیتنکس، مادرس (۱۳۹۲)، چه چیزی عامل ازدواج کودکان است؟ موجود در:
<http://www.bellbajao.org/what-causes-early-marriage/> (تاریخ دسترسی
۱۳۹۵/۱۰/۱۰).

بیست و چهارمین گزارش کنگره حقوق بشر (۱۳۹۵)، موجود در:
[http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/RegularSessions/Session24/Pages/ListRe](http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/RegularSessions/Session24/Pages/ListReports.aspx)
[ports.aspx](http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/RegularSessions/Session24/Pages/ListRe) (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).

بیگم، روژنا (۱۳۹۳)، پرسش و پاسخ: ازدواج کودکان و انحرافات حقوق
دختران. موجود در: [https://www.hrw.org/news/2013/06/14/q-child-marriage-and-](https://www.hrw.org/news/2013/06/14/q-child-marriage-and-violations-girls-rights)
[violations-girls-rights](https://www.hrw.org/news/2013/06/14/q-child-marriage-and-violations-girls-rights) (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).

پارنت، انه سیمون و همکاران (۱۳۹۵)، زمان بندی بلوغ و محدوده سنی
زودرسی جنسی: تنوعات در سراسر دنیا، روندهای تحقیقی و تغییرات پس
از مهاجرتی: مجله مروری بر غدد، شماره ۲۴، دوره ۵، موجود در:
[Press.endocrine.org](http://press.endocrine.org) (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).

پاریخ، اس (۱۳۹۱)، آن‌ها مرا به خاطر دوست داشتن یک دختر مدرسه‌ای
دستگیر کردند. قوم نگاری، ایدز و ارزیابی فمینیستی از سن رضایت به
عنوان یم مداخله ساختاری جنسیت محور در اوگاندا، مجله علم و پزشکی،
شماره ۷۴، صص ۱۷۷۴-۱۷۸۲.

پرز، المیرا (۱۳۹۴)، دیده بان حقوق بشر پشتیبان قانون ازدواج مالای. موجود
در: [http://www.jurist.org/paperchase/2015/04/hrw-welcomes-malawi-marriage-](http://www.jurist.org/paperchase/2015/04/hrw-welcomes-malawi-marriage-act.php)
[act.php](http://www.jurist.org/paperchase/2015/04/hrw-welcomes-malawi-marriage-act.php) (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).

پپینگ، ریچارد (۱۳۸۶)، تبیین سنین فردی در اولین ازدواج در بازار اقتصادی
روستایی قرن هجدهم. موجود در:

https://www.rug.nl/staff/r.f.j.paping/ageatfirstmarriage.pdf (تاریخ دسترسی:

۱۳۹۵/۱۰/۹).

پیشگام بین‌المللی (۱۳۸۵)، توانمندسازی دختران و زنان: پیشگیری از کودک همسری. موجود در: www.pathfinder.org (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹).
تامسون، ماریلین (۱۳۸۲)، حقوق راه: اعمال آسیب‌زای فرهنگی و حقوق کودکان. لندن: نجات کودکان.

موجود در: <https://www.savethechildren.org.uk/sites/default/files/docs/Rights-of-Passage.pdf> (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).

تریستام، پییر (۱۳۹۵)، ازدواج کودکان: واقعیات، علل و نتایج تبعیض، سوءاستفاده جنسی و قاچاق انسان. موجود در: <http://middleeast.about.com/od/humanrightsdemocracy/a/child-brides.htm> (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).

تویبا، ان (۱۳۷۳)، ختنه زنان به عنوان یک مسأله سلامت عمومی، مجله پزشکی انگلستان، شماره ۳۳۱: صص ۷۱۲-۷۱۶.
تمبون، مرسی و فورت، لوسیا (۱۳۸۷)، تحصیلات دختران در قرن بیست و یکم، برای جنسی، توانمندی و رشد اقتصادی. واشنگتن دی سی: بانک جهانی.

جونز، گوین (۱۳۷۶)، پویایی‌های جمعیت و اثراتش بر نوجوانان در ناحیه اسکاپ، مجله جمعیت آرام، شماره ۱۲، دوره ۳.
چندرا مولی، ونکاترامن و ورجینیا کاماچو، آلمان و میچاود، پییر آندره (۱۳۹۲)، چه کسی هادی‌پیشگیری از بارداری زودرس و تبعات باروری فقیر در میان نوجوانان کشورهای درحال توسعه است؟، مجله سلامت نوجوانان، شماره ۵۲، صص ۵۱۷-۵۲۲.

خانوم، ان (۱۳۸۷)، ازدواج اجباری، تجانس خانوادگی و درگیری اجتماع: یادگیری ملی از طریق مطالعه موردی لوتون، برابری در تنوع.

- خبرگزاری اسوشیتد (۱۳۸۹)، ایران رشد جمعیت را تشویق می‌کند، موجود در: <http://www.jpost.com/International/Iran-encourages-population-growth> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).
- خبرگزاری نشر فراه‌سه (۱۳۹۵)، مرد افغانی دستگیر شده از ازدواجش با دختر شش ساله دفاع می‌کند و می‌گوید که او یک پیشکش مذهبی بوده است. موجود در: <http://www.telegraph.co.uk/news/2016/07/30/arrested-afghan-cleric-defends-marriage-to-six-year-old-girl-say/> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).
- دانشکده بهداشت و پزشکی لندن (۱۳۹۲)، خشونت علیه زنان یک مشکل سلامتی جهانی از نسبت‌های اپیدمی. موجود در: https://www.lshtm.ac.uk/newsevents/news/2013/gender_violence_report.html (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۲/۱۰/۷).
- دبی، تیلور (۱۳۷۲)، ازدواج بردگی: یک تعریف، یک پیمایش و آغاز کمپینی برای تغییر، ضدبردگی بین‌المللی، لندن.
- دختران، نه عروسان (۱۳۹۵)، ازدواج کودکان در کشمکش سوریه: هفت چیزی که باید بدانید. موجود در: <http://www.girlsnotbrides.org/child-marriage-and-the-syrian-conflict-7-things-you-need-to-know/> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹).
- دختران نه عروسان (۱۳۹۴)، کنگره حقوق بشر راهکارهایی را بکار می‌گیرد تا ازدواج کودکان، ازدواج زودهنگام و اجباری را خاتمه دهد. موجود در: <http://www.girlsnotbrides.org/human-rights-council-adopts-resolution-to-end-child-early-and-forced-marriage> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).
- دختران نه عروسان (۱۳۹۳)، چرا ازدواج کودکان شکلی از خشونت علیه زنان و دختران است؟ موجود در: <http://www.girlsnotbrides.org/why-is-child-marriage-a-form-of-violence-against-women-and-girls/> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).
- دختران، نه عروسان (۱۳۸۱)، درمورد کودک همسری. موجود در:

- http://www.girlsnotbrides.org/about-child-marriage/ (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹).
- دختران نه عروسان (۱۳۸۱)، چرا ازدواج کودکان رخ می‌دهد؟ موجود در: http://www.girlsnotbrides.org/why-does-it-happen/ (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).
- دمند، نانسی (۱۳۷۳)، تولد، مرگ و مادرانگی در یونان قدیم، نشر دانشگاه جانز هاپکینز، صص ۱۰۱-۱۰۴.
- دوگلاس، هارپر (۱۳۹۵)، لغت نامه آنلاین ریشه شناسی، ورودی: چندهمسری (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹).
- دهامی، اس و شیخ، ا (۱۳۷۹)، خانواده مسلمان: تنگنا و امید. مجله غربی پزشکی، شماره ۱۷۳، ص ۳۵۲.
- دهقان کمالی، سعید (۱۳۹۴)، اعمال ناقص‌سازی اندام تناسلی زنان در ایران، یافته‌های مطالعه. موجود در: https://www.theguardian.com/world/2015/jun/04/female-genital-mutilation-iran-fgm (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۷).
- دهل، جی بی (۱۳۸۲)، ازدواج زودهنگام نوجوانی و فقر آینده. مجله جمعیت شناسی، شماره ۴۷، صص ۶۸۹-۷۱۸.
- دیده بان حقوق بشر (۱۳۹۵)، عراق: ازدواج اجباری، نوکیشی یزیدیان. موجود در: https://www.hrw.org/news/2014/10/11/iraq-forced-marriage-conversion-yezidis (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹).
- دیوان مرجع جمعیت (۱۳۹۵)، موجود در: http://www.prb.org/ (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).
- دیویس، لیزا (۱۳۹۲)، در جستجوی اعتبار و کارایی واکنش به خشونت علیه زنان سوری: خودداری زنان در فرایندهای صلح. میدر. موجود در: http://www.peacewomen.org

رابرتسون، استفن (۱۳۹۴)، کودکان و جوانان در تاریخ- قوانین سن ر ضایت. دانشگاه جورج میسون.

رشاد، هدی (۱۳۸۴)، ازدواج در جهان عرب، دیوان مرجع جمعیت. موجود در:
http://www.prb.org/pdf05/marriageinarabworld_eng.pdf

روژانسکی، ان و برزنسکی، ای و شنکار، جی (۱۳۷۱)، فصل وارگی در باروری انسان: داده‌های جدید. باروری انسانی، شماره ۷، صص ۷۳۵-۷۴۵.
 رئیس، حسین (۱۳۹۳)، حقوق کودکان و نوجوانان: از تولد تا ۱۸ سالگی، آموزشگاه الکترونیکی توانا برای جامعه مدنی ایران، ص ۱۸۲.

رید، الیزابت و بیل، ام (۱۳۷۶)، زنان جوان، مستعد بودگی و اپیدمی ایدز، شبکه سلامت زنان کانادایی: موجود در <http://www.cwhn.ca/en/node/16128>
 (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹)

ژائو، ز (۱۳۷۶)، نظام‌های جمعیتی در چین باستان: یافته‌های جدید مطالعات اخیر. مجله انجمن جمعیت شناسی استرالیا.

ساروپ، کامالا (۱۳۸۶)، ازدواج کودکان اثرات مخربی بر زنان دارد. اخبار نیوزبلید. موجود در: http://newsblaze.com/thoughts/opinions/early-marriage-has-harmful-effects-on-women_2653/
 (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹)

سازمان بهداشت جهانی (۱۳۹۲)، محدودسازیخته زنان: وضعیت میان سازمانی *OHCHR, UNAIDS, UNDP, UNECA, UNESCO, UNFPA, UNHCHR, UNICEF, UNIFEM, WHO*. *ژنوز: سازمان بهداشت جهانی*.

سازمان عفو بین الملل (۱۳۹۳)، عراق: زنان و دختران یزیدی خشونت‌های شدید جنسی را تجربه می‌کنند. موجود در:
<https://www.amnesty.org/en/latest/news/2014/12/iraq-yezidi-women-and-girls-face-harrowing-sexual-violence/>
 (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹).

سازمان ملل زنان (۱۳۹۲)، خشونت بر مبنای جنسیت و حفاظت از کودکان در میان پناهندگان سوری در اردن، با تاکید بر ازدواج. موجود در:

http://www.unwomen.org/en/digital_library/publications/2013/7/syrian-refugees

(تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹).

سالنامه آماری ثبت احوال (۱۳۹۳) موجود در:

<https://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset99/salnameh93.pdf>

سانیکتا، ام و گرین، ام و مالهوترا، ای (۱۳۸۲)، جوانتر از سن ازدواج: زندگی ها، حقوق و سلامت دختران جوان متأهل، ICRW، واشنگتن دی سی.

سنلپ (بدون تاریخ)، ازدواج کودکان: روایت بنگال غربی، ص ۴.

سویتمن، کارولین (۱۳۸۲)، جنسیت، توسعه و ازدواج. نشر اکسفورد

سینگ، سوشیلا و رنه، سامرا (۱۳۷۵)، ازدواج زودهنگام در میان زنان در

کشورهای در حال توسعه. مجله رویکردهای بین‌المللی برنامه ریزی

خانواده. دوره ۲۲ شماره ۴. موجود در:

<https://editor.guttmacher.org/sites/default/files/pdfs/pubs/journals/2214896.pdf>

(تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹).

شیخ محمد صالح المونجید (۱۳۸۰)، قوانین پوشش طلا برای زنان. موجود در:

<https://islamqa.info/en/11886> (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).

صندوق جمعیت سازمان ملل (۱۳۹۱)، ازدواج زودهنگام: پایان کودک همسری.

نیویورک: صندوق جمعیت سازمان ملل. موجود در:

<https://www.unfpa.org/sites/default/files/pub-pdf/MarryingTooYoung.pdf>

طرح بریتانیا (۱۳۹۳)، کمک کنید ازدواج اجباری و زودهنگام را الان متوقف

کنیم. موجود در:

http://WWW.Plan-uk.org_because-i-am-a-girl-out/about-because-i-am-a-girl-out/early-and-forced-marriage-against-girls-violence

/violence-against-girls /violence-against-girls/early-and-forced-marriage-against-girls-violence

(تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۷)

ظفر، اوامرا (۱۳۹۴)، اهداف توسعه پایدار: چرا ازدواج کودکان باید مورد هدف

قرار گیرد؟ موجود در: <https://www.theguardian.com/global-development>

network/2015/apr/10/sustainable-development-goals-ending-child--professionals

marriage-target (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۰)

عبادی، شیرین (۱۳۶۹)، توجه به حقوق کودکان در ایران، نشر روشنگران.
فرنکل، شیرا (۱۳۹۳)، دختران نوجوان سوری در ازدواج‌های اجباری برای
نجات خانواده شان فروخته می‌شوند. بازفید. موجود در:

<http://www.buzzfeed.com>

فریدمن، ام (۱۳۵۹)، ازدواج یهودیان در فلسطین، جلد ۱، سمینار الهیات
یهودی در امریکا.

فلور، ویلیام (۱۳۸۹)، تاریخ اجتماعی روابط جنسی در ایران، ترجمه محسن
مینوخر، استکهلم. صص ۴۸-۴۹.

فورد، لیز (۱۳۹۳)، نامزدهای انتخاباتی در نشست‌های برابری جنسیتی سازمان
ملل از توافق استقبال می‌کنند. موجود در: [https://www.theguardian.com/global-](https://www.theguardian.com/global-development/2014/mar/23/campaigners-welcome-agreement-un-gender-csw-talks)

development/2014/mar/23/campaigners-welcome-agreement-un-gender-csw-talks

(تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).

CARE، وصلت‌های فقر: گزارش ازدواج کودکان. موجود در:

<http://vowsofpoverty.care.org/> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۱۰)

کاگیسی‌باشی (۱۳۸۶)، خانواده و توسعه انسانی در طول فرهنگ‌ها: نظریه‌ها
و مقتضیات. هیلزویل، نیوجرسی، لورانس اربل‌اوم.

کلاگمن. جی، هانمر. اس، توینگ. اس، حسن. جی، مک کلیری سیلز و
سانتاماریا. جی (۱۳۹۳). صدا و آژانس: توانمندسازی زنان و دختران برای
موفقیت عموم. واشنگتن دی سی.

کالدول و کالدول (۱۳۷۶)، نقش ریاضت جنسی زناشویی در تعیین باروری:
مطالعه‌ای بر یوربا در نیجریه، ژورنال مطالعات جمعیتی، جلد ۳۱. شماره ۱.
کلارک، شلی (زیر چاپ)، ازدواج زودهنگام و ریسک ابتلا به ایدز در افریقای
جنوبی، مطالعات برنامه ریزی خانواده.

گاردنر، جودیث و البوشرا، جودی (۱۳۸۳)، زنان و صلح آوری در سومالی. در
سومالی: قصه ناگفته جنگ از منظر زنان سومالی. ویرایش جودیث گاردنر
و جودی البوشرا. لندن: نشر پلوتون.

فیلد، اریکا و امبروس، اتیلا (۱۳۸۷)، ازدواج زودهنگام، سن اولین عادت ماهانه
و دستاوردهای آموزشی دختران در بنگلادش. مجله اقتصاد سیاسی، شماره
۱۱۶، صص ۸۸۱-۹۳۰.

گانفی ریس، ار (۱۳۸۹)، حقوق بین الملل به عنوان ابزاری برای مبارزه با
ازدواج کودکان. مجله بین‌المللی حقوق بشر، دوره ۱۵ شماره ۳، صص
۳۷۳-۳۵۹.

گانگولی، جی و چنتلر، کی (۱۳۸۸)، محافظت از قربانیان ازدواج اجباری: آیا
سن یک عامل حفاظتی است؟ مطالعات قانونی فمینیستی، شماره ۱۷، صص
۲۸۸-۲۶۷.

گلارت، اوریل آندریاس (۱۳۹۵)، بسیاری از ازدواج‌های کودکان در میان
پناهندگان سوری از اقتصاد نشأت گرفته است. موجود در:
[http://www.middleeasteye.net/in-depth/features/early-marriage-between-tradition-](http://www.middleeasteye.net/in-depth/features/early-marriage-between-tradition-and-survival-1029647734)
[and-survival-1029647734](http://www.middleeasteye.net/in-depth/features/early-marriage-between-tradition-and-survival-1029647734) (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۹).

گودارد، رابی (بدون تاریخ)، سخنرانی / موجود در: <http://Speechby Ruby Goddard>
Young Widows: A neglected Gender and Human Rights Issue (تاریخ دسترسی
۱۳۹۵/۱۰/۱۰)

گیج، آناستازیا (۱۳۹۲)، همبستگی ازدواج کودکان با افکار و اقدام خودکشی در
میان دختران نوجوان در اتیوپی، مجله سلامت نوجوانان، شماره ۵۲. صص
۵۶۵-۶۵۴. موجود در: www.jahonline.org

گیج، آناستازیا (۱۳۹۲)، پیشگیری از ازدواج کودکان در منطقه امهارا، اتیوپی:
انجمن ارتباطات محلی و اثرات اجتماعی بر والدین و دانش‌قی‌ها و نگرش
ها. مجله علوم اجتماعی و پزشکی، شماره ۹۷. صص ۱۲۴-۱۳۳.

- گیلان، تیلور (۱۳۹۴)، بنگلادش از قانون منع ازدواج کودکان حمایت کرد.
 موجود در: <http://www.jurist.org/paperchase/2014/09/bangladesh-officials-approve-child-marriage-prevention-law.php> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).
- گیمیره، آنیتا و ساموئلز، فیونا (۱۳۹۳)، تغییر و تداوم در هنجارهای اجتماعی در خصوص ازدواج و تحصیلات در نپال. موجود در: Available at: <https://www.odi.org/sites/odi.org.uk/files/odi-assets/publications-opinion-files/9181.pdf> (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۰)
- لاودی، موریس (۱۳۹۴)، دولت اسلامی شهرهای سینجار را اشغال، اکراد و یزیدی‌ها را اخراج می‌کند. واشنگتن پست. موجود در: <http://www.theinfolist.com/html/en/yezidis.html> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹)
- لامدن، راث (۱۳۷۹)، مردمان جدا: زنان یهودی در فلسطین، سوریه و مصر در قرن شانزدهم. نشر لیدن. ص ۴۷.
- لطفی، راضیه (۱۳۸۹)، اثرات جانبی ازدواج کودکان، مجله سلامت زنان، شماره ۲.
- لمون، گایله زماخ (۱۳۹۳)، شرایط ناپایدار، زندگی‌های شکننده. موجود در: <http://www.cfr.org/global/fragile-states-fragile-lives/p33093> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹).
- لویزا. اس و وانگ. اس (۱۳۹۱)، ازدواج زودهنگام: پایان کودک همسری. موجود در <http://www.unfpa.org/sites/default/files/pub-pdf/MarryingTooYoung.pdf>
- لی رایف، سوزان و مالهوترا، انجو و وارنر، ان و مک کوناگل، گلینسکی الیسون (۱۳۹۱)، چه کارهای جلوی ازدواج کودکان را می‌گیرد: مروری بر مدارک. مطالعات برنامه ریزی خانواده، شماره ۴۳، صص ۲۸۷-۳۰۳.
- لیو، ابگلیکی (۱۳۶۷)، اجبار به آمیزش جنسی و ازدواج در جوامع باستانی و قرون وسطایی، واشنگتن دی سی، صص ۸۵-۱۹۰.
- CRW مرکز بین‌المللی تحقیق بر روی زنان (۱۳۸۶)، بینش‌های جدید بر

- پیشگیری از ازدواج کودکان: تحلیل جهانی عوامل و برنامه ها، ص ۱۰.
- ICRW | مرکز بین‌المللی تحقیق بر روی زنان (۱۳۸۴)، جوانتر از سن ازدواج: تحصیلات و کنش در جهت پایان کودک همسری. واشنگتن دی سی.
- مطلبی، حسین و رسولی، احمد و حامدی بهتاش، حمیدرضا و دستجردی، علی و کاظمی، بهناز (۱۳۹۲)، عوامل موثر بر ازدواج زودهنگام و اجباری در ایران. مجله علمی سلامت عمومی، دوره ۱، شماره ۵، صص ۲۲۷-۲۲۹.
- مقدم، والتین (۱۳۸۳)، مردسالاری در گذار: زنان و خانواده در حال تغییر در خاورمیانه، مجله مطالعات تطبیقی خانواده، صص ۱۳۷-۱۶۲.
- مک لود، ساول (۱۳۸۶)، تطابق چیست؟ موجود در: <http://www.simplypsychology.org/conformity.html> (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).
- ملکوری، ا (۱۳۸۹)، در چه سنی کودکان مدرسه‌ای به کار گرفته می‌شوند، ازدواج می‌کنند و به دادگاه برده می‌شوند؟ (چاپ دوم)، یونسکو: پروژه حق تحصیل. موجود در: http://www.right-to-education.org/sites/right-to-education.org/files/resource-attachments/RTE_IBE_UNESCO_At%20What%20Age_Report_2004.pdf
- منچ، بی، جودیت. بی و گرین. اس (۱۳۷۷)، گذرگاه ناشناخته: نوجوانی دختران در جهان در حال توسعه، کنگره جمعیت نیویورک: ۱۷.
- موخرجی، اس (۱۳۸۵)، استفاده از گردهمایی قانونی برای اصلاحات اجتماعی: عمل ساردا در ۱۹۲۹.
- مونتگومری، هتر (۱۳۹۲)، فرهنگ‌های مختلف، کودکی‌های مختلف. موجود در: <http://www.open.edu/openlearn/history-the-arts/history/different-cultures-different-childhoods> (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).
- میثور، اس و گرین، ام و مالهورتا، ای (۱۳۸۲)، جوانتر از سن ازدواج: زندگی، حقوق و سلامت دختران متأهل جوان. موجود در: <https://www.icrw.org/wp->

- content/uploads/2016/10/Too-Young-to-Wed-the-Lives-Rights-and-Health-of-Young-Married-Girls.pdf (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹).
- میخایل، اس (۱۳۸۱)، ازدواج کودکان و تجاوز: دو شکل از بهره کشی جنسی، جنسیت و توسعه، جلد ۱۰ (۱) صص ۴۳-۴۹. موجود در: <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13552070215896>
- نجات کودکان (۱۳۹۳)، جوانتر از سن ازدواج: مشکل رو به رشد کودک همسری در میان دختران سوری در اردن. لندن. موجود در: www.savethechildren.org/atf/cf/{9def2e8e-10ae-432c-9bd0-df91d2eba74a}/TOO_YOUNG_TO_WED_REPORT_0714.PDF (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹).
- نل، یولنده (۱۳۹۳)، بحران دولت اسلامی: خشم یزیدیان از مردم فراموش شده عراق. موجود در: <http://www.bbc.com/news/world-middle-east-29333327> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹).
- نور، نوال ام (۱۳۸۸)، ازدواج کودکان: یک مسأله خاموش سلامتی و حقوق بشری. مروری بر بیماری‌های زنانه: شماره ۲، دوره ۱، صص ۵۱-۵۶.
- نور، نوال ام (۱۳۸۵)، تبعات سلامت ازدواج کودکان در افریقا. مجله شکل‌گیری بیماری‌های عفونی، دوره ۱۲، شماره ۱۱.
- واتسون، ایوان (۱۳۹۳)، زنان یزیدی توسط داعش مورد تجاوز قرار گرفته و مانند احشام فروخته می‌شوند. خبرگزاری سی ان ان. موجود در: <http://edition.cnn.com/2014/10/30/world/meast/isis-female-slaves/> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹).
- والش، ام و استفنز، پی و موور، اس (۱۳۷۹)، سیاست اجتماعی و رفاه. چنتلهام، انگلستان: نلسون ثورنز.
- وایتسون، ا (۱۳۹۵)، برای حفظ آبرویش: ازدواج کودکان در مواقع اضطرار- ابهام ناگزیر میان حفاظت از دختران و خشونت جنسی به آنها. موجود در:

<http://insights.careinternational.org.uk/publications/to-protect-her-honour-child-marriage-in-emergencies-the-fatal-confusion-between-protecting-girls-and-sexual-violence>

(تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹).

ون دن برگ، انابل (۱۳۹۵)، برای زنان سرقت شده توسط دولت اسلامی تمسخر تبدیل به ترس می‌شود. خبرگزاری گاردین. موجود در:

<https://www.theguardian.com/world/2014/oct/19/isis-forced-marriage-syria-iraq-women-kidnapped>

(تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹).

ویتس، متیو (۱۳۸۴)، سن رضایت: جوانان، میل جنسی و شهروندی. پلاگریو

مک میلان. OCLC 238887395. 1-4039-2173-3.

ویلر، الکسیس (۱۳۹۴)، گواتمالا سن ازدواج را به ۱۸ سال افزایش داد. موجود

در: <http://www.jurist.org/paperchase/2015/11/guatemala-raises-marriage-age-to-18>

18. (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۰).

هالپرین کدري، راس (۱۳۹۲)، سرانجام در اسرائیل: یک دختر به عنوان یک دختر نه یک عروس، پست اورشلیم.

هاویلند، ویلیام و پرینز، هرالد و مک براید، بانی و والراث، دانا (۱۳۹۰)، مردم شناسی فرهنگی: چالش انسانی (چاپ سیزدهم). آموزش سنگیج.

هرمانسم، ام (۱۳۹۱)، جوانی مسلمان و هویت دینی: رویکردهای سنتی و چالش‌های معاصر. کمبریج. صص ۱۱۹-۱۳۴.

هیس، ال و پیتنگای، جی و جرمن، ا (۱۳۷۳)، خشونت علیه زنان: مانع سلامتی پنهان. مقاله مباحثه، شماره ۲۵۵، بانک جهانی: واشنگتن دی سی

یونیسف (۱۳۹۵)، ازدواج کودکان. موجود در:

https://www.unicef.org/protection/57929_58008.html (تاریخ دسترسی:

۱۳۹۵/۱۰/۹).

یونیسف (۱۳۹۴) پروفایلی از کودک همسری در افریقا. نیویورک. موجود در:

منابع ۳۴۷

- دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹. https://www.unicef.pt/docs/pdf_publicacoes/UNICEF-Child-Marriage.pdf (تاریخ
- یونیسف (۱۳۹۲)، بیانیه مشترک در خصوص پایان خشونت علیه زنان و دختران. موجود در:
- https://www.unicef.org/media/media_68116.html
- یونیسف (۱۳۹۲)، ناقص سازی اندام تناسلی زنان: مروری بر آمار و اکتشافات تغذییر پیویا. موجود در
- https://www.unicef.org/media/files/UNICEF_FGM_report_July_2013_Hi_res.pdf (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۷)
- یونیسف (۱۳۹۲)، ازدواج کودکان: روزانه ۳۹۰۰۰ مورد. موجود در:
- https://www.unicef.org/media/media_68114.html (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۱۰)
- یونیسف (۱۳۹۰)، نوجوانی سن فرصت ها. نیویورک: سری گزارشات وضعیت کودکان جهان. موجود در:
- https://www.unicef.org/adolescence/files/SOWC_2011_Main_Report_EN_02092011.pdf (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹)
- یونیسف: گزارش پایان کودک همسری (سری ۱۳۸۴-۱۳۸۵)، برنامه مشترک زنان، دهلی نو، هند. موجود در:
- [https://www.unicef.org/rosa/earlymarriage\(lastversion\).doc](https://www.unicef.org/rosa/earlymarriage(lastversion).doc)
- یونیسف (۱۳۸۵)، وضعیت کودکان جهان. موجود در:
- <https://www.unicef.org/sowc06/profiles/marriage.php> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۱۰)
- یونیسف (۱۳۸۴)، ازدواج زودهنگام، یک عمل سنتی مخرب. موجود در:
- https://www.unicef.org/publications/files/Early_Marriage_12.lo.pdf (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۵/۱۰/۹)

یونیسف (۱۳۸۴)، ثبت موالید در ایران: تحلیل از وضعیت قوانین مربوطه در ایران. یونیسف: سری گزارشات اطلاعات ایران . موجود در: https://www.unicef.org/iran/IRN_resources_BR_eng-word.pdf (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۹).

یونیسف (۱۳۸۳)، آموزش. موجود در: https://www.unicef.org/media/media_68116.htm (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۱۰)
یونیسف (۱۳۸۰) ازدواج زودهنگام: کودک همسران. موجود در: <https://www.unicef-irc.org/publications/291> (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۷).
یونیسف (۱۳۷۹)، خشونت خانگی علیه زنان و دختران. فلورانس، ایتالیا. موجود در: <https://www.unicef-irc.org/publications/pdf/digest6e.pdf> (تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۹)

اینجاست که زود ازدواج
می کنند.

وقتی عروسه‌های ما باردار می شوند
و سونوگرافی می کنند،
اگر بچه دختر باشد در شکم مادر او
را
نامزد/ناف بر می کنیم"

پاسخگوی مرد - ۴۰ ساله

روستای گیلک آباد (سراب)، آذربایجان شرقی